اطلاعات

چهارشنبه یکم مرداد ۱۳۹۳ـ ۲۵ رمضان ۱۴۳۵ـ ۲۳ جولای ۲۰۱٤ـ سال هشتادونهم ـ شماره ۲۵۹۲۸ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

آمریکا و اروپا طرح کاهش تحریم‌های ایران را ٤ ماه دیگر تمدید کردند

* این اقدام براساس توافق تهران و گروه موسوم به ۵+۱ برای ادامه مذاکرات هسته‌ای صورت گرفته است
* آمریکا متعهد شده است تلاش برای کاهش صادرات نفتی ایران را متوقف کند

صفحه ٤

کمیته حقیقت یاب بین‌المللی درباره سقوط هواپیمای مالزیایی تشکیل می‌شود

* روسیه از تعقیب هواپیمای ساقط شده مالزیایی توسط یک فروند جنگنده سوخوی ارتش اوکراین خبر داد
* آلمان و انگلیس خواستار تشدید تحریم‌ها علیه روسیه شدند

صفحه۱۶

نشست تروییکای اتحادیه مجالس کشورهای اسلامی با حضور مقامات ۱۱ کشور برگزار شد

تهران کانون رایزنی کشورهای اسلامی برای توقف جنایات اسرائیل



عکس از سعید نیک نژاد

* در این نشست رؤسای مجالس مالی، سودان، ایران سوریه، فلسطین، قطر و ترکیه و مقاماتی از کویت، لبنان پاکستان و عمان حضور یافتند
* لاریجانی: کشتار زنان و کودکان و مردم در محاصره غزه چیزی جز نقض قواعد بین‌المللی و حقوق بشر نیست
* این قدرت مجاهدت مقاومت است که خاورمیانه را تعریف مجدد می‌کند
* آمریکا و کشورهای اروپایی چشم خود را به این جنایات بسته و از آن حمایت می‌کنند
* رژیم صهیونیستی جنایتکار واقعی جنگی است که باید از طریق نهادهای بین‌المللی اعتراض به این جنایات پیگیری شود
* رئیس مجلس سودان: کاری که اسرائیل انجام می‌دهد ضد قوانین بین‌المللی است
* رئیس مجلس مالی: احداث شهرک‌های یهودی‌نشین و آوارگی مردم فلسطین یکی از نشانه‌های نقض حقوق بشر توسط رژیم صهیونیستی است
* رئیس پارلمان فلسطین: رژیم صهیونیستی از مصالحه‌ای که برای تشکیل دولت وحدت ملی در فلسطین انجام شد به مرز جنون رسیده است
* رئیس مجلس ترکیه: این اجلاس باید به تحکیم موضع مجالس کشورهای اسلامی در حمایت از مردم مظلوم فلسطین کمک کند

صفحه۱۶

رئیس جمهوری مردم را به حضور باشکوه در راهپیمایی روز قدس دعوت کرد

* ارگان‌ها، نهادها و شخصیت‌ها، مردم مسلمان ایران و همه آزادیخواهان جهان را به شرکت در راهپیمایی روز قدس فراخواندند
* مراسم راهپیمایی روز جهانی قدس امسال در ۸۰ نقطه مختلف جهان و ۷۷۰ شهر کشورمان برگزار می‌شود

رئیس جمهوری بر حضور هر چه با شکوهتر مردم در راهپیمایی روز جهانی قدس تأکید کرد و گفت: هر چه راهپیمایی روز قدس امسال باشکوهتر باشد، این موضوع به معنای حمایت بیشتر از مردم مظلوم فلسطین بوده و پیام رساتری برای رژیم غاصب صهیونیستی است که پایان تجاوز، آدمکشی و غصب، شکست است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در آستانه روز جهانی قدس در گفتگو با خبرنگار صداو سیما با بیان این که قدس هم از لحاظ دینی و مذهبی و هم از لحاظ مسایل منطقه‌ای و جهانی برای مردم ایران اهمیت بسیاری دارد، اظهار داشت: حضور مردم در روز قدس در واقع هم برای اجرای دستور و نظر حضرت امام(ره) است و هم به این معناست که به جهانیان اعلام کنیم مسجد الاقصی قبله اول مسلمانان و فلسطین سرزمین مقدس مسلمان‌ها است و هرگز این سرزمین و آوارگی ملت فلسطین، فراموش نخواهد شد.

بقیه در صفحه۲

نماز عید سعید فطر به امامت رهبر معظم انقلاب در مصلای تهران برگزار می‌شود

* رئیس ستاد نماز جمعه تهران: نماز عیدفطر رأس ساعت ۸ صبح به امامت حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای اقامه می‌شود
* رهبر معظم انقلاب، مهندس سعیدی‌کیا را به سمت رئیس بنیاد مستضعفان منصوب کردند

صفحه ۲

حاج سیدحسن خمینی در همایش «فلسطین پاره تن اسلام»:

ضعف کشورهای اسلامی موجب شکل گیری رژیم نامشروع اسرائیل شد

* انتفاضه فلسطین مولود انقلاب اسلامی است

صفحه ۲

بازداشت ۵۵ افسر پلیس ترکیه به اتهام تلاش برای کودتا

* بازداشتی‌ها کسانی هستند که در عملیات اخیر مبارزه با فساد حضور داشتند و چند تن از وزرای کابینه و دهها تاجر حامی دولت اردوغان را دستگیر کردند

صفحه۱۶











محک — خوش بود گر محک تجربه آید به میان — ابوالقاسم قاسم‌زاده

رسوایی نتانیاهو

دو هفته جنگ در غزه بیش از ۵٤۵ کشته و ٤۰۰۰ نفر زخمی و مجروح بجای گذاشته است که بیشتر آنها زنان، کودکان و از شهروندان عادی فلسطینی هستند. در اسرائیل نیز تا اینجا بیش از ۲۰ نفر از سربازان و مردم عادی کشته شده‌اند. «نتانیاهو» هدف اصلی حمله نظامی به غزه را، نابودی مراکز و پایگاه‌های «موشکی» حماس، تخریب تونل‌های نظامی عبور نیروهای مقاومت به داخل شهرهای اسرائیل و انهدام قدرت نظامی حماس اعلام کرده بود. بعد از دو هفته اگرچه اطلاعیه‌های نظامی رژیم صهیونیستی خبر از انهدام چندین پایگاه موشکی و تخریب دهها تونل زیرزمینی نظامی را می‌دهد، اما همچنان موشک‌های حماس شلیک می‌شود و شهرهای منطقه جنوبی اسرائیل تا مرکز «تل‌آویو» را هدف می‌گیرد. در عمل سراسر بخش جنوبی اسرائیل در تیررس حماس قرار گرفته است و در آن حالت جنگی و اضطراری حاکم شده است. چهره‌نمایی از وقایع کشتار در غزه، حملات نظامی ارتش صهیونیستی را در افکار جهانی به تعریف «جنایات جنگی» رسانیده است. علیرغم همه برنامه‌ریزی‌های شبکه‌های رسانه‌ای وابسته به صهیونیست‌ها در غرب، نمایش کشتار وحشیانه از کودکان و زنان و آوارگی خانواده‌ها، موجی از نفرت علیه نتانیاهو را در اغلب کشورها بخصوص در اروپا و آمریکا به راه انداخته است.

ترسیم موقعیت کنونی جنگ در غزه به اختصار چنین است:

۱ـ فرمان حمله زمینی و اشغال غزه از سوی نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی موفقیت چندانی نداشته و در عمل پیشرفت ندارد. التهاب در دولت ائتلافی نتانیاهو بالا گرفته است و مخالفان او در اسرائیل از شکست دولت نتانیاهو و حماقت او در شروع جنگ جدید نام می‌برند و خواهان کناره‌گیری وی شده‌اند. کشته شدن بیش از ۱۵ سرباز و افسر ارتش، اسیر شدن دو سرباز اسرائیلی به دست نیروهای مقاومت فلسطینی، اضطراب در منطقه وسیع از جنوب اسرائیل و... موجب انتقاد و اعتراض عمومی در داخل اسرائیل شده است. به طوری که برخی از رسانه‌ها و محافل سیاسی در داخل اسرائیل و در اروپا از آشکار شدن شکست «نتانیاهو» می‌گویند. دو راه برای نتانیاهو باقی مانده است. اول: قبول آتش‌بس، حتی به صورت یکطرفه، چنانکه آتش‌بس پیشنهادی سیسی رئیس جمهور مصر را پذیرفته است و منتظر پذیرش حماس است، دوم: وسعت بخشیدن به دامنه جنگ با افزایش بمباران‌های هوایی و حملات وسیع‌تر زمینی به عمق غزه که بزرگترین مشکل برای چنین دستوری خطر کشتار بسیار وسیع‌تر از مردم است. خسارت و پاسخ عملیات نامنظم نیروهای مقاومت غیرقابل پیش‌بینی است.

۲ـ حماس تا اینجای کار اگرچه می‌گوید، آتش‌بس را در صورتی می‌پذیرد که طرحی معقول باشد و در آن، آزادی بیش از ۷۰۰ نفر از فلسطینیان که در هفته‌های اخیر توسط اسرائیل انجام گرفته است، دیده شود، اما هنوز آتش‌بس پیشنهادی دولت سیسی در مصر را رد می‌کند و آن را به نفع رژیم صهیونیستی می‌خواند و نمی‌پذیرد. از دیروز فعالیت‌های سیاسی شدت گرفته است تا «آتش‌بس» از سوی هر دو طرف مورد قبول قرار گیرد و اعلام گردد. اسرائیل رسماً اعلام کرده است که طرح آتش‌بس مصر را می‌پذیرد.

۳ـ شورای امنیت سازمان ملل برای بار دوم درباره بررسی بحران غزه تشکیل جلسه داد و به اتفاق آراء تلاش برای اجرای آتش‌بس فوری را خواستار شد. «بان‌کی‌مون» به خاورمیانه آمده و در قطر با محمودعباس رئیس دولت خودگردان فلسطینی ملاقات و گفت‌وگو کرد. «بان‌کی‌مون» از سوی شورای امنیت سازمان ملل، مأموریت دارد تا هرچه سریعتر آتش‌بس را برقرار کند. از سوی دیگر در حالی که دولت فرانسه برای پایان بخشیدن به این بحران فعال شده است وزیر خارجه فرانسه به منطقه آمده است تا ضمن گفت‌وگو با نتانیاهو و محمودعباس، بستر اجرای آتش‌بس را فراهم آورد. جان کری به قاهره رفته و اعلام کرد که آمریکا ٤۵ میلیون دلار کمک برای بازسازی غزه اختصاص داده است و دولت اوباما می‌خواهد تا هرچه سریعتر این جنگ پایان پذیرد. مأموریت وزیر خارجه آمریکا نیز برای اعلام آتش‌بس از سوی هر دو طرف درگیر در جنگ غزه است.

٤ـ امواج اعتراض مردمی علیه اسرائیل در سراسر جهان چنان گسترده شده است که در عمل دولتمردان اسرائیل در سخت‌ترین شرایط به لحاظ نفرت افکار عمومی در جهان قرار گرفته و منزوی شده‌اند. جنگ جنایتکارانه بر پیشانی نتانیاهو حک شده و نمایش کشتار وحشیانه کودکان و زنان و مردان سالخورده و بمباران‌های سنگین. به طوری که برخی از خبرگزاری‌ها گزارش کرده‌اند، در طول دو هفته بیش از ۵۰۰ تن بمب بر سر اهالی غزه ریخته شده و اسرائیل از سلاح‌های غیرمتعارف و شیمیایی در این جنگ استفاده کرده است. فشار سیاسی از سوی افکار عمومی کشورهای جهان بر دولت‌های خودشان لحظه‌به‌لحظه افزایش می‌یابد. به‌طوری که دولت‌های اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) و آمریکا مجبور به واکنش شده‌اند.

«نتانیاهو» بعد از دو هفته کشتار و جنگ جنایتکارانه، نه موفقیت نظامی برجسته و کاملی به دست آورده و نه می‌تواند از شدت اعتراض‌های عمومی مردم در جهان فرار کند. به خصوص که بحران و اضطراب در داخل اسرائیل افزایش یافته و مردم، هزینه‌پردازی مالی و سیاسی برای طرح جنگی «نتانیاهو» را تحمل نمی‌کنند.

۵ـ خالدمشعل دبیرکل سیاسی حماس به قاهره رفته تا با دبیرکل اتحادیه عرب مذاکره کند. فعلاً قطر و قاهره دو مرکز فعال سیاسی برای اعلام آتش‌بس شده‌اند. در حالی که طرح جنگی اسرائیل حاصلی جز قتل‌عام کودکان و مردم عادی در غزه ندارد. و سراسر منطقه جنوب اسرائیل همچنان در تیررس موشک‌های حماس قرار دارد.

٦ـ همه محافل سیاسی در انتظارند تا دو روز آینده، یا آتش‌بس اعلام گردد و بحران غزه از فاز نظامی به فاز سیاسی تغییر جهت و مسیر دهد. یا دایره جنگ گسترده‌تر گردد و در عمل ابعاد فاجعه انسانی چنان وسیع نمایان شود که امواج انسانی در سراسر جهان در محکومیت چنین فاجعه‌ای در اغلب پایتخت‌های اروپایی و در شهرهای نیویورک (مقر سازمان ملل)، واشنگتن و دیگر شهرهای بزرگ آمریکا، بحران‌آفرین گردد. دولت‌های عربی هم‌اکنون مورد اعتراض مردم خود قرار دارند. در صورت گسترده‌تر شدن جنگ، هراس این دولت‌ها از این جنگ و بحران غزه، دو چندان خواهد شد. امواج اعتراض مردمی در جهان و سختی و دشواری عملیات نظامی در داخل غزه برای ارتش رژیم صهیونیستی، شکست نتانیاهو را آشکار کرده است. این شکست را برخی از تحلیلگران سیاسی در اسرائیل نیز پیش‌بینی کرده‌اند و نوشته‌اند، پایان بحران غزه، پایان عمر سیاسی نتانیاهو است.

نماز عید سعید فطر به امامت رهبر معظم انقلاب در مصلای تهران برگزار می‌شود

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: نماز عید سعید فطر امسال به امامت حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در مصلای امام خمینی(ره) تهران اقامه می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، حجت‌الاسلام والمسلمین شیرمردی رئیس ستاد نماز جمعه تهران دیروز در نشست خبری با اعلام این مطلب، به جزئیات برگزاری نماز عید فطر پرداخت و گفت: پس از سال‌ها انتظار، آرزوی ما برآورده شد و نمازگزاران تهرانی می‌توانند برای نماز عید فطر در مصلا حضور یابند.

وی از تشکیل ۱۳ کمیته برگزاری نماز عید فطر خبر داد و گفت: وظیفه کمیته ترافیک و حمل و نقل جابه‌جایی نمازگزاران است. براین اساس، چهار هزار دستگاه اتوبوس و ٤۵۰ دستگاه ون، مردم را برای نماز عید فطر به مصلا و ایستگاه‌های مختلف منتقل می‌کنند. ضمن این که قطارهای مترو هر سه دقیقه یک بار به سمت مصلا اعزام می‌شوند و پس از برگزاری مراسم، نمازگزاران را به مبادی اولیه باز می‌گردانند.

مسئول ستاد برگزاری نماز عید فطر تصریح کرد: نمازگزاران تهرانی می‌توانند از ساعت چهار و ۳۰ دقیقه صبح روز عید فطر در مصلا حضور یابند و از درهای شرقی، غربی، جنوبی و شمالی وارد مصلا شوند.

شیرمردی با بیان این که برنامه رسمی نماز عید فطر از ساعت هفت صبح با قرائت قرآن، مداحی و تواشیح آغاز می‌شود، تأکید کرد که نماز عید سعید فطر رأس ساعت هشت صبح به امامت رهبر معظم انقلاب اقامه می‌شود.

وی با اشاره به استقبال مردم تهران برای حضور در نماز عید فطر، خاطرنشان کرد: برای استقرار نمازگزاران، صحن اصلی، پشت بام شبستان و از شمال مصلا تا اتوبان رسالت برای جانمایی نمازگزاران پیش‌بینی‌های لازم به عمل آمده است.

رئیس ستاد نماز جمعه تهران افزود: بیش از چهار هزار نفر از برادران و خواهران مسئولیت انتظامات و راهنمایی نمازگزاران را بر عهده دارند و سازمان‌های اورژانس، هلال‌احمر و آتش‌نشانی آماده ارائه خدمات هستند. رئیس ستاد نماز جمعه تهران در ادامه، نماز عید فطر را خلق حماسه دینی و سیاسی توصیف کرد و گفت: گروه‌های تروریستی به خصوص داعش و تکفیری‌های عراق تلاش دارند چهره‌ای منفور از اسلام در جهان ارائه کنند. در واقع این گروه‌ها ساخته و پرداخته سازمان‌های جاسوسی از جمله موساد و خائنان حوزه خلیج فارس هستند، از این رو، نماز عید فطر می‌تواند چهره مهربان و مطلوب اسلام را نشان دهد.

رئیس ستاد نماز جمعه تهران حضور حدود دو میلیونی مردم در نماز عید سعید فطر را لبیک و بیعت دینی و مذهبی با رهبر انقلاب دانست که یادآور نمازهای صدر اسلام است و خاطرنشان کرد: نماز عید فطر، پایه‌های طاغوت‌های منطقه و جهان را به لرزه در خواهد آورد.

دعای روز بیست و پنجم ماه مبارک رمضان

اللهمّ اجْعَلْنی فیهِ محبّاً لأوْلیائِکَ ومُعادیاً لأعْدائِکَ مُسْتَنّاً بِسُنّةِ خاتَمِ انْبیائِکَ یا عاصِمَ قُلوبِ النّبیّین.

خداوندا مرا در این روز، دوستدار دوستانت گردان و دشمن دشمنانت. و پوینده راه و روش خاتم پیامبرانت [محمد(ص)] گردان؛ ای نگهدارنده دلهای پیامبران.

آیت‌الله‌العظمی شبیری‌زنجانی مبلغ زکات فطره را ٤۰۰۰ تومان اعلام کردند

عضو شورای استفتائات دفتر آیت‌الله العظمی شبیری‌زنجانی مبلغ زکات فطره هر فرد را چهار هزار تومان اعلام کرد.

به گزارش ایسنا، منطقه قم، حجت‌الاسلام کاظمی، با اعلام این خبر افزود: دفتر آیت‌الله العظمی شبیری‌زنجانی امسال آمادگی دریافت زکات فطریه مومنان روزه‌دار را دارد و بر اساس هماهنگی‌های انجام شده، مقلدین می‌توانند از طریق دفتر و سایت این مرجع تقلید برای پرداخت فطریه اقدام کنند.

کاظمی درباره موارد مصرف زکات فطره افزود: مصرف زکات فطره همان مصارف زکات است، ولی احتیاط مستحب آن است زکات فطره فقط به مصرف مساکین شیعه برسد، لذا دفتر آیت‌الله‌العظمی شبیری تدابیر ویژه‌ای را در این راستا اتخاذ کرده تا زکات روزه‌داران و مومنان به مصرف نیازمندان برسد.

وی بلوغ، عاقل بودن و تمکن مالی را از شرایط وجوب زکات فطره بر مسلمانان دانست و افزود: هر شخص باید برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند، هر نفر یک صاع از خوراکی‌های رایج در آن منطقه، همچون گندم، جو، خرما، کشمش، برنج و مانند این‌ها، به مستحق بدهد یا اگر پول یکی از این‌ها را هم بدهد کافی است.

کاظمی افزود: وزن هر صاع بنا بر مشهور تقریبا دو کیلو و ۸۳۰ گرم است، ولی به عقیده آیت‌الله العظمی شبیری، وزن درهم بیش از مقداری است که مبنای محاسبه فوق است و ظاهراً اگر وزن حدود سه کیلو و شصت گرم را برای گندم محاسبه کنند، کافی است.

رهبر معظم انقلاب مهندس سعیدی کیا را به سمت رئیس بنیاد مستضعفان منصوب کردند



حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی آقای مهندس محمد سعیدی کیا را برای یک دوره پنجساله به ریاست بنیاد مستضعفان منصوب کردند.

متن حکم رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

جناب آقای مهندس محمّد سعیدی کیا دام توفیقه

با انقضاء مدت مسئولیت تمدید شده‌ی جناب آقای مهندس محمّد فروزنده در بنیاد مستضعفان و با تشکر و تقدیر فراوان از زحمات و تلاش‌های مستمر و ارزشمند ایشان در انسجام و انضباط و اصلاح آن بنیاد و ارتقاء بهره‌وری و ظرفیت آن در طول پانزده سال گذشته، جنابعالی را برای مدت پنج سال به ریاست بنیاد مستضعفان منصوب می‌کنم. امیدوارم با تعهد و مدیریت و امانت و پشتکاری که در جنابعالی مشهود است، بتوانید با حفظ و استفاده بهینه از این مجموعه و بهره‌گیری از تمامی توان و امکانات موجود که متعلق به بیت‌المال کشور است، در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و دستورالعمل‌های ابلاغی در خدمت بایسته و شایسته به محرومان و مستضعفان و ارتقاء سطح زندگی مادّی و معنوی آنان و تحقق اهداف عالیه بنیاد موفق باشید و توفیق الهی شامل حال شما باشد.

سیّدعلی خامنه‌ای
۳۱ تیر ۱۳۹۳

دکتر روحانی پس از دیدار سفیران جدید ایسلند و میانمار:

اراده دولت ایران، حضور فعال در همکاری‌ها برای حل معضلات جهانی است





رئیس جمهوری با اشاره به معضلات مهم منطقه و جهان، همکاری مشترک ملت‌ها و دولت‌ها را در برابر این معضلات ضروری دانست و با تأکید بر اراده دولت ایران بر حضور فعال در همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی برای حل این معضلات، گفت: همه کشورها باید با حضور فعال و با صدای واحد در برابر معضلات جهانی سخن بگویند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی پس از دریافت استوارنامه سفیر جدید ایسلند با بیان این که ظرفیت‌های دو کشور فراتر از سطح روابط کنونی است، بر شناسایی و فعال کردن تمامی ظرفیت‌های دو کشور در همه بخش‌ها تأکید کرد.

رئیس جمهوری معرفی و تبیین ظرفیت‌های دو کشور برای ارتقای هر چه بیشتر روابط ایران و ایسلند را مورد تأکید قرار داد و اظهار امیدواری کرد حضور سفیر جدید این کشور فرصتی برای معرفی هر چه بهتر این ظرفیت‌ها باشد.

دکتر روحانی در ادامه با اشاره به تحولات منطقه و جهان، اظهار داشت: امروز جوامع بشری با معضلات بزرگی مانند تروریسم مواجه هستند، لذا ضرورت دارد همه برای رفع آن همکاری و مشارکت داشته باشند.

رئیس جمهوری شرایط حاکم بر منطقه خاورمیانه به ویژه در فلسطین و غزه را بسیار نگران‌کننده دانست و با اشاره به این که امروز مردم غزه در محاصره کامل اقلام دارویی، پزشکی و غذایی قرار دارند، خاطر نشان کرد: امروز باید جامعه بشری این احساس را داشته باشند که همه دارای سرنوشتی مشترک هستیم.

دکتر روحانی اضافه کرد: اگر امروز در برابر غم دیگران بی‌تفاوت باشیم، اگر فردا غمی برای ما به وجود بیاید، نباید انتظار داشته باشیم دیگران در غم ما شریک باشند.

رئیس جمهوری همچنین با اشاره به موضوع هسته‌ای کشورمان و با تأکید بر این که یگانه راه حل و فصل این مسأله مذاکره است، اظهار داشت: به موفقیت در این مذاکرات امیدوار و در چارچوب مقررات بین‌المللی آماده همکاری هستیم.

دکتر روحانی تأکید کرد: توقع ملت ایران صرفاً این است که از حقوق حقه خود در زمینه فناوری‌های صلح‌آمیز برخوردار باشد.

گونار پالسن سفیر جدید اکرودیته ایسلند هم در این دیدار پس از تقدیم استوارنامه خود و ابلاغ سلام گرم رئیس جمهوری و کابینه ایسلند به دکتر روحانی اظهار داشت: ایران و ایسلند اگر چه از لحاظ جغرافیایی از هم فاصله دارند، اما ایسلند بیشترین توجه را به ایران و دستاوردهای آن دارد و به دنبال تقویت بیش از پیش روابط و همکاری‌های خود در عرصه بین‌المللی و روابط دوجانبه با تهران است.

دیدار سفیر میانمار

رئیس جمهوری در دیدار سفیر آکرودیته میانمار در تهران هم با ابراز علاقمندی برای وجود ثبات، امنیت و انسجام اجتماعی در کشور میانمار، گفت: امیدواریم اقلیت‌هایی که در میانمار زندگی می‌کنند، بخصوص مسلمانان، بدون اینکه مشکلی داشته باشند بتوانند به زندگی خود ادامه دهند.

وی افزود: در صورتی که مسئولان کشور میانمار در جهت بهبود روابط با مسلمانان، نیاز به کمک داشته باشند، ایران آمادگی دارد در چارچوب مقررات میانمار، به این کشور کمک کند.

دکتر روحانی با ابراز امیدواری نسبت به گسترش بیش از پیش روابط تهران – ناپیداو در دوران مسئولیت «یوآنگ خین سو» سفیر آکرودیته میانمار در تهران، بر افزایش حجم روابط بین دو کشور تأکید کرد و گفت: روابط با کشورهای جهان بویژه کشورهای آسیایی برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد.

سفیر آکرودیته میانمار در تهران در این دیدار، ایران و میانمار را به مثابه دو دوست قلمداد کرد و گفت: دو کشور از سال‌های بسیار گذشته روابط صمیمانه‌ای داشته‌اند.

ارسال اولین محموله کمک‌های بشردوستانه به فلسطین

در حالی که غزه شانزدهمین روز خونین خود را زیر حملات رژیم صهیونیستی پشت سر می‌گذارد، هلال احمر ایران اولین محموله کمک‌های بشردوستانه خود را به فلسطین ارسال کرد.

دبیرکل جمعیت هلال‌احمر کشور با اعلام این که این کمک‌ها به ارزش ۲ میلیارد ریال و شامل اقلام بهداشتی، دارویی و درمانی است گفت: کمترین کمکی که در حال حاضر می‌توان برای مردم مظلوم فلسطین انجام داد، همکاری با هلال‌احمر فلسطین است. بر این اساس مقرر شد تا جمعیت هلال‌احمر ایران در نخستین اقدام عملیاتی این بسته را به جمعیت هلال‌احمر فلسطین کمک کند.

دکتر سیداحمد موسوی با اشاره به این که هماهنگی‌های اولیه‌ای با دفتر کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ در ایران برای کمک از طریق کمیته به فلسطین هم انجام شده است، گفت: کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ فهرستی از مایحتاج کنونی مردم غزه را به ارزش ۵ میلیارد ریال اعلام کرده است که تصمیمات بعدی برای تامین و ارسال این کمک‌ها اخذ خواهد شد.

او ادامه داد: مردم نیکوکار و روزه‌دار ایران می‌توانند کمک‌های ریالی خود را به شماره حساب ۹۹۹۹۹ جمعیت هلال احمر نزد بانک‌های ملی، رفاه، ملت، مسکن، صادرات، دی، تجارت و سپه و کمک‌های ارزی را به شماره حساب‌های ۹۹۹۹۹۹ ارزی یورو نزد بانک ملت شعبه هجرت و ۷۰۲۰۷۰ ارزی دلار بانک ملی واریز کنند. موسوی با بیان این که پایگاه‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی حداکثر تا امروز فعال شده و تا پس از عید فطر برپا خواهند بود، گفت: از آنجا که امکان ارسال کمک‌های غیرنقدی به علت شرایط دشوار جنگ، به غزه وجود ندارد، لذا از هموطنان تقاضا می‌شود تا فقط برای ارسال کمک‌های نقدی اقدام کنند.

دبیرکل جمعیت هلال‌احمر با اشاره به آمادگی مراکز درمانی جمعیت هلال‌احمر ایران برای پذیرش مجروحان فلسطین ادامه داد: هلال‌احمر ایران برای اعزام نیروهای پزشکی و امدادی و ارسال کمک‌های امدادی و درمانی (از جمله بیمارستان صحرایی و...) هم آمادگی کامل دارد که در صورت اعلام طرف فلسطینی اقدامات لازم انجام خواهد شد.

یادگار گرامی امام: عفو و گذشت عزت آفرین است

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی با ذکر خاطره ای از حضرت امام (ره) گفت: در ماه رمضان که بعضی اوقات برای نماز صبح خدمت امام می‌رفتیم، ایشان در سحرها معمولاً خیلی گریه می‌کردند. در نماز شبشان همیشه دستمال کاغذی کنارشان بود. اما ماه رمضان سال آخر، ایشان حوله کنار دستشان می‌گذاشتند، از بس که گریه می‌کردند. یعنی یک حالت دیگری داشتند. مرتب ذکر می‌گفتند.

به گزارش جماران، یادگار امام در دیدار مدیرمسئول و جمعی از اعضای تحریریه پایگاه خبری «انتخاب» با ابراز تاسف از «شرایط این روزهای کشورهای مسلمان» گفت: واقعاً تأسف‌آور است که امروزه جهان اسلام با خطر افراط‌گرایان و اندیشه‌های دروغین تکفیری و اعمال غیر انسانی و غیر اسلامی افراطیون مواجه شده است و صد افسوس که سردمداران چنین اندیشه و رفتاری، خوی پلید خود را در پشت نام مبارک پیامبری که پیام‌آور رحمت و رأفت بود، پنهان کرده‌اند و با کوبیدن بر طبل حماقت، جهالت و خشونت بیش از هر زمان دیگری پیام وحدت‌آفرین و عزت‌بخش اسلام عزیز را منحرف می‌سازند.

نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران اضافه کرد: در چنین شرایطی بجاست که مسلمانان جهان با بهره جستن از فضای معنوی ماه رمضان که دل‌های مومنان بیش از پیش به یکدیگر نزدیک می‌شود، طنین‌انداز ندای وحدت‌آفرین اسلام در گوش دیگران باشند و شعار حقیقی اسلام که اعتصام به حبل الله و دوری از تفرقه و تلاش برای رسیدن به مکارم اخلاقی است را یکصدا فریاد زنند.

یادگار امام در پاسخ به این سئوال که آیا «این تکیه کردن بر وحدت و دوری از تفرقه و... جنبه‌های شعاری دارد یا این که بر اساس حقیقتی است که رسیدن به آن لازمه عزتمندی اسلام و مسلمانان است؟»، افزود: این سخن که امروزه مورد تاکید و سفارش قاطبه بزرگان شیعه و سنی است، یک بحث شعاری نیست؛ این کلام شیخ جعفر کاشف الغطاء که «بُنِیَ الإسلامُ عَلی کَلِمَتَین، کَلِمةُ التّوحید و تُوحیدُ الکَلِمَة» کلمه توحید به معنای نفی شرک و اقرار به یگانگی خدای تعالی و توحید کلمه به این معنی است که همه مسلمانان با هم متحد شوند و یگانگی و برادری بین آن‌ها حکمفرما باشد. یعنی پایه و اساس اسلام بر وحدت است و با تحقق این دو رکن اساسی، اسلام پایدار می‌ماند و مسلمانان عزت می‌یابند؛ این‌ها جنبه شعاری ندارد بلکه هر اندازه که در حفظ این دو کلمه کوشش شود، اسلام و قرآن بیشتر بر جهان سایه می‌گسترد.

سید حسن خمینی تصریح کرد: این همان سفارش اکید امام بزرگوار ماست که پس از سال‌ها هنوز در گوشمان طنین‌انداز است که عزت و سعادتمندی مسلمانان جز با توکل و اتکا به خداوند متعال و وحدت کلمه و دوری از جهالت، حماقت و خرافه و نگاه عقلانی به آیین محمدی و شریعت اسلامی و در یک کلام جز با اسلام ناب محمدی حاصل نخواهد شد و امروزه بر همه مسلمانان است که در راه رسیدن به عزت، سعادت و سربلندی اسلام و امت اسلامی تلاش کنند.

وی ضمن ابراز نگرانی نسبت به حوادث اخیر جهان اسلام گفت: این روزها حقیقتاً قلب آدمی به درد می‌آید که می‌بیند در حالی که فرزندان اسلام در غزه اسیر صهیونیست‌ها هستند، نابخردانی در عراق و سوریه و برخی اماکن دیگر، برادرکشی راه می‌اندازند و تفکر غلط و افراطی خود را دارند.

سید حسن خمینی در پاسخ به این سئوال که «شما برای بازگشت به مسیر اخلاق و احترام و حفظ کرامت انسانی چه توصیه ای دارید؟»، گفت: همه می‌دانیم که ماه رمضان ماه رحمت الهی است و برای ما بندگان آلوده به معاصی، بهترین فرصت است تا به دور از غرور و با رجاء و امید به لطف و رحمت پروردگار، گام در مسیر اصلاح خویش زنیم و با عمل به دستورات پیامبر اکرم و ائمه معصومین (ع)، این ماه را ماه پاکی و تزکیه خویش قرار دهیم.

در این ماه که خوان رحمت الهی گسترده و غفران او فراگیر شده، حقد و کینه‌ها را از خود دور کنیم تا به خرمن فضیلت‌ها رهنمون شویم؛ در این ماه ببخشیم تا بخشیده شویم، چرا که عفو و بخشش خصلت اهل بیت (ع) است؛ امام صادق (ع) می‌فرمایند جوانمردی ما این است که اگر کسی به ما ظلم می‌کند او را عفو می‌کنیم؛ از او می‌گذریم.

یادگار امام با بیان این‌که «نباید گمان شود که عفو و گذشت از ناتوانی است»، گفت: عفو به معنای ذلت‌پذیری نیست، بلکه عزت‌آفرین است؛ هم برای کسانی که عفو می‌کنند و هم کسانی که عفو می‌شوند، هر دو عزیز هستند.

وی اضافه کرد: هنوز فراموش نکرده‌ایم که هرگاه از امام خمینی می‌پرسیدیم که چه کنیم؟، ایشان همواره ما را به دعاها و اعمالی سفارش می‌کردند که در کتاب‌های دعا نوشته شده است و این نیست مگر آن که راه سعادت بشر با استمداد از دستورات هادیان طریق و توکل بر خدا و رجاء به لطف بی انتهای او همراه است. پس شایسته است که قدر این ایام را بدانیم و از خرمن فضیلت‌های این ماه توشه بچینیم.

سید حسن خمینی در ادامه به ذکر خاطره‌ای از حضرت امام (ره) پرداخت و گفت: در ماه رمضان که بعضی اوقات برای نماز صبح خدمت امام می‌رفتیم، ایشان در سحرها معمولاً خیلی گریه می‌کردند. در نماز شب‌شان همیشه دستمال کاغذی کنارشان بود. اما ماه رمضان سال آخر، ایشان حوله کنار دستشان می‌گذاشتند، از بس که گریه می‌کردند. یعنی یک حالت دیگری داشتند. مرتب ذکر می‌گفتند.

یادگار امام در پایان گفت: امید است بتوانیم ما هم به لطف خدای سبحان از فضایل این ماه بهره بگیریم.

اصل نظام و انقلاب و پیام امام باید باقی بماند

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی خمینی گفت: وظیفه روشن سپاه که نیازمند سیاستگذاری فرهنگی ویژه‌ای است؛ انتقال تجربیات نیروهای اصیل سپاه و حس سال‌های حیات امام به نیروهای جدید است.

به گزارش پایگاه خبری و اطلاع رسانی جماران، وی در نشستی صمیمانه با پاسداران و محافظان قدیمی حضرت امام و بیت امام، دیدار با آن‌ها را افتخاری برای خویش دانست.

وی افزود: تا آنجا که سنم اقتضا می‌کرد و به خاطر دارم؛ پاسداران آن دوران شور و حال خاصی داشتند. حال و هوایی که اقتضای دوره امام و دوران جنگ بود. آن حال‌وهوا و صمیمیتی که در آن دوران بین پاسدارها بود را باید حتماً به نسل‌های بعدتان منتقل کنید.

سید علی خمینی گفت: پاسداران و نیروهای جدید، آن کوره دوران جنگ و اول انقلاب را درک نکردند و در آن کوره پخته نشدند. در گفتگوها و نشست هایی که با بسیاری از شما داشتم، حس کردم برای کسانی که در آن دوره زندگی و خدمت کردند پیشرفت‌هایی حاصل شد که در چنین مقطع زمانی ای برای امروزیان حاصل نمی‌شود؛ گویی که همه لوازم یک نان آماده شده است؛ اما آتش کوره کم‌جان باشد و سال‌ها طول بکشد تا این نان پخته شود. اما دوره زندگی شماها اگر کوچکترین استعداد و قابلیتی در شما بود که بود، سریعاً مراتب کمال طی می‌شد. آن فضا آدم‌ها را کاملاً منقلب کرد و نشانه‌هایش را در جنگ و حرکات عظیمی که ملت انجام داد دیدیم.

وی با تأکید بر پراهمیت بودن دستاوردهای نیروهای انقلابی در دفاع مقدس گفت: بعداز بیش از دویست سال، برای نخستین بار بود که به این مملکت تجاوز شد و یک وجب از خاک این مملکت کم نشد؛ آن هم در شرایطی که کسانی سردمدار حکومت شده بودند که هیچ گونه تجربه حکومت داری نداشتند. برخی از فرماندهان ارتش رفته بودند، سپاه تازه‌تأسیس بود و فرماندهان درجه یک سپاه که مهمترین دستاوردشان قبل از انقلاب این بود که شاید یک کلت دیده بودند، با صدامی به جنگ پرداختند که از یک حکومت به ثبات نسبی رسیده و ارتشی منظم برخوردار بود و تشکیلات حزب بعث را در اختیار داشت که هنوز فعال است. چنان که در واقع اکنون هم مدیریت نظامی نیروهای بی‌تجربه داعش را بعضی‌ها بر عهده دارند و داعش در برخی از جاهایی که تصرف کرده است فرماندهانی از سردمداران حزب بعث گذاشته است.

سید علی خمینی با ارائه تصویری از شرایط غیرمتوازن نظامی و سیاسی دو کشور در دوران دفاع مقدس گفت: امروز اگر بخواهیم حساب و کتاب کنیم، می‌بینیم نتیجه حضور سپاه به تنهایی و ارتش آسیب دیده جمهوری اسلامی در اول انقلاب؛ باید همان می‌شد که صدام گفت؛ این که یک هفته‌ای بیاید و تهران را فتح کند. ضمن این‌که، نیروهای نظامی ما تنها با صدام نمی‌جنگیدند؛ بلکه تمامی انهایی که از این انقلاب تنشان لرزیده بود به صدام کمک و ارتش او را تجهیز می‌کردند. چنان که سال‌ها بعد می‌گفتند تو سلاح شیمیایی داری؛ می‌گفت ندارم و آن‌ها می‌گفتند خودمان به تو دادیم؛ چرا می‌گویی ندارم؟ باید پس بدهی!

سید علی خمینی ادامه داد: در نگاه اولیه معقول نیست کشوری که تازه انقلاب کرده و با هزاران مشکل درونی مواجه است و هیچ نیروی منظمی ندارد، در چنین جنگ نامتوازنی به موفقیت و پیروزی دست یابد. روشن است فرمانده ای که جنگی را پشت سر گذاشته با فرمانده‌ای که همه تجربه‌اش در تمرین‌های نظامی محدودی بوده است فرق می‌کند. با این حال وقتی که هجمه صورت می‌گیرد و امام از جوانان می‌خواهند که ایستادگی کنند، یکباره گویی تنوری برای پختگی و رشد و تعالی آماده می‌شود. چنان که خداوند تبارک و تعالی هم می‌فرمایند کسانی که در راه خدا گام برمی‌دارند با یاری و نصرت الهی مواجه می‌شوند و ما به چشم خویش دیدیم که اگر یک نفر به صد نفر هم بود، ایستادند و جنگیدند و نصرت و یاری خداوند را در عمل تجربه کردند.

یادگار امام خطاب به حاضران گفت: در دوره‌ای که شما خدمت کردید با گوشت و پوست و جان خودتان لمس کردید که می‌توان با دست خالی در مقابل کل دنیا ایستاد. اکنون هم بعد از گذشت این همه سال و با وجود تمامی مشکلاتی که داشتیم و داریم هنوز بدنه جامعه و بدنه سپاهی‌های سابق با گوشت و پوست و خونشان می‌گویند مشکلات می‌آید و می‌رود اما اصل نظام و انقلاب و پیام ماندگار امام باید باقی بماند. صدور انقلاب همین ایستادگی است. وی گفت: این سخن که به دلیل مشکلات اقتصادی به رنج‌های ملت بی گناه و مظلوم فلسطین بی توجه و بی اعتنا باشیم و مساله فلسطین را رها کنیم؛ توهین به ما و انسانیت ما و هر انسانی است که اندیشه امام را در ذهن داشته باشد. هویت انقلابی ما اقتضای آن را دارد که همه چیز آب و نان نباشد. ممکن است مصادیق در طول زمان تغییر کند اما دفاع از مظلوم جزئی از هویت انقلابی ماست و بر همین اساس دفاع از مظلومیت فلسطین از هویت انقلابی ما جدایی ناپذیر است. رها کردن آن به معنای از دست رفتن هویت انقلابی ماست.

وی ادامه داد: همچنان که این رویکردی حقیرانه است که بگوییم فقط به خانواده خویش بیندیشیم یا یگانه دغدغه شهر خودمان را داشته باشیم و کشور خود را رها کنیم؛ این هم حقیرانه است که بگوییم مظلوم را رها کنیم و فقط و فقط دغدغه کشور خود را داشته باشیم.

یادگار امام تأکید کرد: وظیفه روشن سپاه که نیازمند سیاستگذاری فرهنگی و ویژه‌ای است؛ انتقال تجربیات نیروهای اصیل سپاه و حس سال‌های حیات امام به نیروهای جدید است. تک تک شماها هم وظیفه ای دینی و عقلایی در این زمینه دارید و مسئولیت دارید تا هر چه که دیدید و لمس کردید و چشیدید را، غیر از این که به خانواده خودتان منتقل کنید، به نسل بعدی سپاه و کسانی که می‌خواهند از انقلاب دفاع و حفاظت کنند منتقل کنید تا ان‌شاءالله روح متأثر از امام و هویت انقلابی ما باقی بماند. خدای نکرده اگر آن هویت ولایی بهره گرفته و متأثر از امام خمینی و هویت انقلابی که در میان تمامی عاشقانش سرشار و جاری است، کمرنگ شود؛ انقلاب ما ضربه می‌خورد. اما اصل انقلاب ان‌شاءالله با مشکلات اقتصادی ضربه نمی‌خورد.

گفتنی است، این دیدار با اقامه نماز جماعت به امامت حجت‌الاسلام سید علی خمینی و صرف افطار به پایان رسید.

رئیس جمهوری مردم را به حضور باشکوه در راهپیمایی روز قدس دعوت کرد

بقیه از صفحه اول

دکتر روحانی تصریح کرد: مردم با حضور خود در صحنه به جهانیان نشان می‌دهند که ظلم و اشغالگری نمی‌تواند برای همیشه و دائمی باشد و ملتی که برای آزادی سرزمین خود مبارزه می‌کند، بالاخره پیروز خواهد شد.

رئیس جمهوری فجایع رژیم غاصب صهیونیستی را در روزهای اخیر نسبت به مردم مسلمان و روزه‌دار فلسطین و غزه مورد اشاره قرار داد و اظهار داشت: مردم روزه‌دار و بی‌دفاع فلسطین و غزه سال‌هاست که در محاصره صهیونیست‌ها هستند و امروز هم با زبان روزه و در حالی که در محاصره هستند، در مقابل این رژیم غاصب و سفاک از خود دفاع می‌کنند و در برابر آن تسلیم نشده و همچنان به راه خود ادامه می‌دهند و در نهایت مردم مظلوم فلسطین در این میدان نبرد ٦۵ ساله پیروز خواهند شد.

دکتر روحانی تصریح کرد: ملت ایران همواره پشت سر ملت‌های مظلوم به ویژه مردم مظلوم فلسطین و غزه بوده و خواهد بود و امیدواریم به زودی شاهد پیروزی این مردم در برابر متجاوزین و غاصبین باشیم.

اعلام مسیرهای ۹ گانه راهپیمایی در تهران

رئیس ستاد انتفاضه و قدس با تشکر از دولت به خاطر حمایت از مردم مظلوم غزه، از برپایی مراسم راهپیمایی روز جهانی قدس در ۸۰ نقطه مختلف جهان و ۷۷۰ شهر کشورمان خبر داد.

رمضان شریف صبح دیروز در نشست خبری اعلام برنامه‌های راهپیمایی روز جهانی قدس امسال گفت: امسال در آستانه روز جهانی قدس شاهد ظلم مضاعف صهیونیست‌ها در نوار غزه هستیم که این امر با رفتار فتنه داعشی‌ها در عراق و سوریه تلاقی شده است.

رئیس ستاد انتفاضه و قدس، تاکید کرد: فتنه داعش، القاعده و تکفیری‌ها برای انحراف افکار عمومی و حمایت مستکبران به خصوص رژیم صهیونیستی است.

رئیس ستاد انتفاضه و قدس، تأکید کرد: امسال در ۸۰ نقطه مختلف جهان راهپیمایی روز جهانی قدس برگزار خواهد شد و در ۷۷۰ شهر کشور ما هم که در آن‌ها نماز عبادی سیاسی جمعه برگزار می‌شود، شاهد راهپیمایی خواهیم بود.

شریف در ادامه به حضور خبرنگاران برای پوشش راهپیمایی روز قدس امسال اشاره کرد و افزود: ۳۳۰۰ خبرنگار داخلی و خارجی حضور پرشور ملت را انعکاس خواهند داد که از این بین ۲۱۰ عکاس و خبرنگار خارجی حضور خواهند داشت.

وی در ادامه از برپایی ایستگاه‌های مختلف فرهنگی، گردهمایی بزرگ سینماگران و هنرمندان با عنوان "غزه تنها نیست" و برگزاری نشست هیأت پارلمانی به عنوان برنامه‌های دیگر این ستاد یاد کرد و افزود: خرسندیم که رئیس محترم جمهوری همه توان و امکانات را برای امدادرسانی به مردم غزه به کار گرفته‌اند و وزیر بهداشت و درمان هم برای پذیرش مجروحان فلسطینی اعلام آمادگی کرده است.

شریف شعار امسال راهپیمایی روز قدس را "پشتیبانی از مردم غزه، برائت از فتنه صهیونیستی داعش و تمرکز بر آرمان فلسطین" اعلام کرد و در مورد سخنران راهپیمایی روز جهانی قدس گفت: طبق روال گذشته که رئیس جمهوری سخنران راهپیمایی روز قدس بوده است، امسال هم ما دعوت کرده‌ایم اما قطعاً سخنران با نظر شورای عالی امنیت مشخص خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما، مسیرهای نه‌گانه راهپیمایی روز جهانی قدس که قرار است در تهران از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح شروع شود به شرح زیر است:

مسیر شماره یک: مسجد امام حسین(ع)، میدان امام حسین(ع)، خیابان انقلاب، دانشگاه تهران

مسیر شماره ۲: مسجد جامع ابوذر، میدان ابوذر، خیابان ابوذر، خیابان شهید برادران حسنی، خیابان قزوین، خیابان کارگر، میدان انقلاب، دانشگاه تهران.

مسیر شماره ۳: مسجد دارالاسلام، میدان منیریه، خیابان ولی عصر(عج)، خیابان انقلاب، دانشگاه تهران

مسیر شماره ٤: مسجد امام زمان(عج)، خیابان آزادی، تقاطع خیابان بهبودی، میدان انقلاب، دانشگاه تهران

مسیر شماره ۵: مسجد حضرت ابوالفضل، میدان توحید، خیابان توحید، خیابان آزادی، میدان انقلاب، دانشگاه تهران.

مسیر شماره ٦: مسجد المهدی، خیابان ستارخان، میدان توحید، خیابان توحید، خیابان آزادی، میدان انقلاب، دانشگاه تهران.

مسیر شماره ۷: مسجد الجواد، میدان هفتم تیر، خیابان کریمخان، میدان ولی عصر(عج)، بلوار کشاورز، دانشگاه تهران.

مسیر شماره ۸: مسجد امام جعفر صادق، فلکه اول صادقیه، خیابان ستارخان، خیابان توحید، خیابان آزادی، میدان انقلاب، دانشگاه تهران

مسیر شماره ۹: مسجد حضرت امیر، خیابان کارگر شمالی، میدان انقلاب، دانشگاه تهران.

به همین مناسبت، ارگان‌ها، نهادها و شخصیت‌های مختلف ضمن محکوم کردن جنایات رژیم صهیونیستی درفلسطین اشغالی وغزه، ملت‌های مسلمان وآزادیخواه جهان را به شرکت گسترده در راهپیمایی روزقدس دعوت کردند.

جامعه روحانیت مبارز در پیامی ضمن ابراز همدردی با مردم بی دفاع و بی گناه فلسطین و محکوم کردن این جنایات، از مردم قهرمان و موحد ایران اسلامی خواست در راستای هدف متعالی و دور اندیشانه امام راحل و هدایت‌های رهبر معظم انقلاب امسال روز قدس را پرشورتر و اثربخش‌تر از گذشته برگزار کنند.

جامعه روحانیت مبارز در این پیام از چهره‌های سرشناس و صاحب نفوذ جهان اسلام هم دعوت کرد که از همه امکانات مادی و ظرفیت‌های معنوی خود برای محکومیت این اقدامات صهیونیستی استفاده کنند و با ایجاد فضای گفتمانی و رسانه‌ای ضد جنگ و خشونت، رژیم غاصب صهیونیست را وادار به توقف حملات و تجاوز کنند. همچنین از مجامع بین‌المللی انتظار دارد عوامل جنایتکار را به دلیل زیرپاگذشتن مقررات بین‌المللی و بدیهی‌ترین حقوق انسانی مورد تعقیب و محاکمه فوری قرار دهند.

مجمع نیروهای خط امام در آستانه روز قدس با صدور بیانیه‌ای ضمن گرامیداشت این روز تاکید کرد که به همان میزان که رفتارهای وحدت‌بخش، دل مؤمنان و علاقه‌مندان را سرشار از امید می‌سازد، رفتارهای تفرقه‌افکنانه به سردمداری صهیونیسم و سران جریان های تکفیری نیرویی تازه می‌بخشد.

جبهه پیروان خط امام و رهبری هم در بیانیه‌ای با محکوم کردن حملات رژیم صهیونیستی تأکید کرد: امروز هر فکر، سخن و رفتاری که اذهان مسلمانان را از غده سرطانی رژیم صهیونیستی به سمت دیگری منحرف کند، خیانت به اسلام کرده است.

ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) به مناسبت روز جهانی قدس بیانیه‌ای منتشر کرد.

در این بیانیه آمده است: مساله امروز جنایات رژیم صهیونیستی در غزه برای همه ملت‌های جهان دردناک و مصداق بارز نسل کشی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی است. چرا مدعیان حقوق بین‌الملل و اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد در مقابل کشتار بی‌رحمانه زنان و کودکان بی دفاع غزه تنها به صدور بیانیه اکتفا می‌کنند؟!

ما امروز ندای مظلومیت مردم غزه را که هنوز در نوار غزه با دست‌های خالی و ایمانشان به حق داشتن سرزمینی از آن خود مقاومت می‌کنند، فریاد می‌زنیم. روز قدس در کشور ما یک مساله اساسی و یک فریضه الهی است.

بسیج اساتید کشور هم با صدور بیانیه‌ای ضمن درخواست از رئیس جمهوری برای پیگیری مراجعه به آراء مردم فلسطین در رابطه با سرنوشت آنان، از تمامی دانشگاهیان و اساتید بسیجی برای حضور در راهپیمایی روز قدس دعوت کرد.

بسیج جامعه زنان کشور هم در بیانیه‌ای به مناسبت روز قدس جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه را محکوم کرد که در بخشی از آن آمده است: کجاست غیرت عربی که ببیند زنان و دختران غزه مظلومانه به شهادت می‌رسند؟

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، جامعه اسلامی دندانپزشکی ایران و شورای هماهنگی تشکل‌های دانش‌آموزی هم از مردم برای شرکت در راهپیمایی روز قدس دعوت کردند.

حاج سیدحسن خمینی: ضعف کشورهای اسلامی موجب شکل گیری رژیم نامشروع اسرائیل شد

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: یادگار گرامی امام با اشاره به جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه، از آن به عنوان یک دولت غیرمشروع یاد و بر وحدت مسلمانان تأکید کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی در همایش «فلسطین پاره تن اسلام» که عصر دیروز به همت دفتر حمایت از فلسطین و شهرداری تهران در باغ موزه دفاع مقدس برگزار شد، با اشاره به وضع حاصل شده در جهان در پی حملات وحشیانه رژیم صیهونیستی به غزه، گفت: امروز روزهای سخت و تلخی را می‌گذرانیم و مصیبت‌های بسیار سنگینی جریان دارد که یک نمونه آن را در قالب فاجعه‌ای در سرزمین‌های اشغالی مشاهده می‌کنیم که توسط رژیم صهیونیستی رقم می‌خورد.

وی در ادامه با اشاره به آیاتی از قرآن مجید درباره فساد بنی‌اسرائیل، افزود: برخی از علما این آیات را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که اتفاق‌های بازگو شده درباره بنی‌اسرائیل مربوط به گذشته بوده است و از سویی دیگر عده‌ای از علما هم معتقدند این آیات و معانی تفسیر آنها می‌تواند مربوط به آینده و حال هم باشد و اتفاقات بازگو شده در این آیات را مصداق بارز اتفاقات فلسطین در وضع کنونی می‌دانند که در هر دو صورت، آینده و سرنوشت خطرناکی در انتظار ظالمان خواهد بود.

یادگار گرامی امام سپس به نحوه شکل گیری رژیم نامشروع اسرائیل پرداخت و یادآور شد: رژیم صهیونیستی مولود حکومت انگلستان است که از زمان شکل‌گیری‌اش تاکنون و در همه دوره‌ها، دست‌هایش به خون آلوده است و در حقیقت ضعف کشورهای اسلامی در زمان تشکیل این رژیم و پس از آن، سبب شد این غده سرطانی شکل بگیرد.

سیدحسن خمینی با بیان این‌که از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی، مبارزاتی هم شکل گرفت، افزود: از دهه ۵۰ به بعد شاهد تغییراتی در مبارزات با این رژیم بودیم به نحوی که مبارزه فقط برای بازپس‌گیری خاک و یک محدوده جغرافیایی خاص نیست بلکه این مبارزه، نقطه کانونی همه مسلمانان شده است.

وی علت این اتفاق و تغییر را انقلاب اسلامی و تفکر امام راحل دانست و تأکید کرد: براساس نظریه کارشناسان و جامعه‌شناسان، انقلاب‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند، نخستین نوع انقلاب فقط در زمینه سیاسی اتفاق می‌افتد و در حقیقت تغییر نظام سیاسی، هدف اصلی به شمار می‌آید.

همچنین برخی انقلاب‌ها، انقلاب‌های اجتماعی هستند و نهادهای اجتماعی را در بستر جامعه دستخوش تغییر می‌کنند و بافت‌های جامعه را عوض می‌کنند.

یادگار گرامی امام با اشاره به نوع سوم انقلاب که در سال ۵۷ در کشورمان اتفاق افتاد، افزود: یک نوع انقلاب دیگر هم وجود دارد که علاوه بر شاخصه‌های دو انقلاب قبلی، تاریخ‌ساز است و در حقیقت یک گفتمان جدیدی را ایجاد می‌کند.

حاج سیدحسن خمینی با بیان این‌که انقلاب اسلامی ایران علاوه‌بر داخل کشور، یک تغییر گفتمان درکل دنیا را هم رقم زد، افزود: تا آن زمان از دین به عنوان افیون توده‌ها یاد می‌شد ولی انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی (ره) دین را به همه عرصه‌های جامعه سوق داد و انقلاب اسلامی، آغازگر یک انقلاب سیاسی، اجتماعی و تاریخ‌ساز است که پیام آن به فراتر از مرزها هم رسیده است.

یادگار گرامی امام با بیان این‌که انقلاب اسلامی ایران سبب شد شهادت در فلسطین معنی پیدا کند و مبارزات مردم مظلوم فلسطین علیه اسرائیل رنگ و بوی دینی به خود بگیرد، افزود: فلسطین و انتفاضه فلسطین، مولود انقلاب اسلامی ایران است و به همین دلیل وقتی جنایت‌های رژیم نامشروع اسرائیل را در غزه می‌بینیم، از عمق وجودمان از به خاک و خون کشیده شدن مولودمان ناراحت می‌شدیم.

یادگار گرامی امام در بخش دیگری از سخنانش با تأکید بر ضرورت وحدت مسلمانان، یادآور شد: بزرگترین لطف در حق اسرائیل، اختلاف بین جوامع اسلامی است و آن نقطه کانونی و مبارزاتی که باید چشم‌ها را متوجه آن کرد، رژیم صهیونیستی است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: امروز قلب جهان اسلام در پی اقدامات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی در غزه داغدار است و امیدواریم هر چه زودتر مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین بر این غده سرطانی پیروز شوند.

در ابتدای این همایش حجت‌الاسلام حسینی مشاور امور فرهنگی شهرداری تهران در سخنانی، گزارشی از نحوه تشکیل اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی حامی حقوق ملت فلسطین ارائه کرد و گفت: این اتحادیه ۱۳ سال قبل با تجمیع سازمان‌های غیردولتی فعال در این حوزه با دبیرکلی زهرا مصطفوی دختر گرامی امام راحل تشکیل شد و اکنون ۳۵ سازمان از سراسر جهان و قاره‌های مختلف عضو آن هستند که از جمله آنها می‌توان به هند، آفریقا، مالزی، انگلیس و آمریکا اشاره کرد و تاکنون این اتحادیه، ۱۰ اجلاس در کشورهای مختلف برگزار کرده است.

وی همچنین با اشاره به حمله رژیم‌صهیونیستی به غزه، تأکید کرد: رژیم‌صهیونیستی در شرایطی که اکثر مردم دنیا سرگرم بازی‌های جام‌جهانی فوتبال بودند، به غزه حمله کرد و همچنان این کشور را که حداکثر ۸۰ کیلومتر وسعت دارد، به طور مداوم بمباران می‌کند که این موضوع نشاندهنده اوج وحشیگری این رژیم است.

به گزارش خبرنگار ما، همسر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، همسر رئیس جمهوری، دکتر زهرا مصطفوی، همسر معاون اول رئیس جمهوری، مرضیه دباغ از مبارزان انقلاب و رئیس شورای شهر تهران از جمله حاضران این همایش بودند.

در این مراسم از مرضیه دباغ و امیر تاجیک به عنوان برگزیدگان این حوزه تجلیل به عمل آمد.

همچنین در پایان این مراسم از تمبر فلسطین که به همت شهرداری تهران، تهیه شده است، با حضور نوه گرامی امام و دکتر زهرا مصطفوی دخترگرامی امام رونمایی شد.



عکس از: داود قهردار

علی جنتی: روز قدس تجلی اراده ملت‌های جهان در حمایت از فلسطین است

تهران-ایرنا-وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن دعوت از اصحاب فرهنگ و هنر برای حضور گسترده در راهپیمایی روز جهانی قدس گفت: روز قدس، نماد وحدت و همبستگی امت اسلامی و تجلی اراده ملت‌های جهان در حمایت از حقوق ملت مظلوم فلسطین و تحقق آرمان آزادی قدس شریف است.

به گزارش روز سه شنبه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در فراخوان علی جنتی آمده است: ایران اسلامی در طول ۳۶ سال گذشته، با حمایت کامل سیاسی و فرهنگی از نهضت مقاومت فلسطین، همواره مانعی در مسیر افزون طلبی های رژیم صهیونیستی بوده است. وی افزود: در این بین، اهل فرهنگ و اصحاب هنر کشورمان با خلق آثار ماندگار و اثر گذار در حوزه مقاومت اسلامی و دفاع از ملت فلسطین، نقش و سهمی بی بدیل در حمایت از این جریان مقاومت داشته و دارند. امروز حمایت از فلسطین، حتی مرزهای سیاسی و جغرافیایی را نیز در نوردیده و مقاومت فلسطینیان در برابر قساوت های بی حد و حصر رژیم اشغالگر به نمادی از ستم ناپذیری ملت‌ها تبدیل شده است.

در این فراخوان آمده است: وجدان بیدار ملت‌های جهان اکنون اخبار تلخ غزه را به تشویش باز می خواند، اخباری از جنایت علیه بشریت، نقض اصل منع توسل به زور و نقض حقوق جنگ که حافظه تاریخی جهانیان را تا قرن های متمادی خواهد آزرد. جنتی تصریح کرده است: کشتار گسترده غیر نظامیان غزه در روزهای اخیر، به آتش کشیدن خانه‌ها، ویران کردن مدرسه‌ها و مساجد و دریدن سینه کودکان نورس، همه و همه حاکی از آن است که بی پروایی صهیونیسم در تعرض به حقوق بشر و ارتکاب کشتار همگانی نه تنها از آغازین سالیان غصب فلسطین و فجایع دیر یاسین، صبرا و شتیلا فرو نکاسته است، بلکه با برخورداری از فناوری‌های پیچیده تسلیحاتی، دامنه‌ای بس گسترده‌تر و دلخراش تر یافته است. وی می افزاید: از سوی دیگر، اعتراض خودجوش و هر ساله ملت‌های آزاده جهان در روز جهانی قدس، حکایت از آن دارد که فطرت آدمی و وجدان بیدار جهان را یارای عبور از این دریای خون نیست؛ که با وجود غبار حق کشی ها که بر آینه رسانه‌های جهان نشسته، هیچ دیده بیداری بر حوادث خونبار فلسطین بسته نمانده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید می کند: اکنون بر ماست که با حضور پر شور در راه‌پیمایی روز جهانی قدس، ضمن تجدید بیعت با رهبر معظم انقلاب و اعلام حمایت از مردم مظلوم فلسطین، بر ادامه راه بنیانگذار جمهوری اسلامی در وحدت امت اسلامی و حمایت از مستضعفان و محرومان جهان، ثابت قدم بمانیم. جنتی در این فراخوان آورده است: به انگیزه پیگیری آرمان فلسطین و رهاسازی قدس شریف، ملت حق جوی ایران و همه ملت‌های آزاده جهان به ویژه نخبگان فرهنگی و اصحاب اندیشه، قلم و هنر را فرا می‌خوانیم تا در روز قدس امسال، اقیانوس حضور شکوهمند و پر صلابت خود را روانه خیابان‌ها سازند و با فریاد حق طلبانه و ظلم‌ستیز خود بر سر رژیم غاصب صهیونیستی و حامیان آن، دژهای پوشالی و متزلزل آنان را به لرزه درآورند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در خاتمه ابراز امیدواری کرده است که زمین هر چه زودتر، در سایه موج جمعیت کودکان فلسطینی که سنگ در دست، خیابان‌های غزه را می پیمایند، به حرکت در آید؛ دروازه‌های جنین و نابلس آنان را در آغوش گیرد، پنجره های قدس به روی آنان گشوده شود و این زخم کهنه جهان التیام یابد.

قدردانی از بانوان برگزیده نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم



عکس: سعید نیک‌نژاد

سرویس فرهنگی، هنری: مراسم اختتامیه بیست‌ودومین دوره نمایشگاه بین‌المللی قرآن‌کریم و یازدهمین دوره جشنواره بانوی ایرانی، هنر قرآنی، با حضور احمد مسجدجامعی رئیس شورای شهر تهران دیروز در باغ موزه دفاع مقدس برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما حجت‌الاسلام والمسلمین حشمتی معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاداسلامی و رئیس بیست‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن‌کریم دیروز در این مراسم گفت: چهل روز پیش وارد باغ موزه دفاع‌مقدس شدیم تا آن را برای نمایشگاه قرآن‌کریم آماده کنیم و امروز آخرین روز از برگزاری این نمایشگاه است. من امروز از شهدای بزرگوار غزه یاد می‌کنم و همدردی می‌کنیم با کودکان، زنان و مردانی که در غزه مصیبت دیده‌اند.

وی افزود: این نمایشگاه قرار بود بیست‌وسوم تیرماه به پایان برسد و اگر استقبال خوب مردم تهران نبود، تا امروز تمدید نمی‌شد. وی در ادامه افزود: ۱۷ کمیته محتوایی، نمایشگاه را تدارک دیدند و ۱۵ ستاد هم از فعالیت‌های نمایشگاه حمایت کردند.

تهران فاقد مکان ثابتی برای برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی است. ما به عنوان خادمین قرآن درخواست می‌کنیم یک مکان فرهنگی تأسیس شود تا ما بتوانیم در ایام ماه مبارک رمضان علاقه‌مندان به این نمایشگاه را پذیرا باشیم.

در ادامه، علیزاده دبیر یازدهمین جشنواره بانوی ایرانی، هنر قرآنی گزارشی از روند اجرای این جشنواره ارائه کرد و گفت: جشنواره «بانوی ایرانی ...» از سال‌ها پیش با هدف حمایت از فعالیت‌های بانوان در عرصه‌های مختلف کار خود را آغاز کرد و امسال که یازدهمین دوره آن را به پایان می‌رسانیم، خوشحالیم که برگزاری این جشنواره باعث ایجاد تأثیرات سازنده‌ای در این زمینه شده است.

وی در ادامه افزود: هیأت داوران پس از گزینش‌های اولیه، ۸۰ اثر را شایسته شرکت در این جشنواره دانستند و در نهایت امروز ۱۲ اثر مورد تقدیر قرار می‌گیرد. همچنین ما امسال بخش ویژه‌ای با عنوان سوره مبارکه یاسین داشتیم که دو اثر از آن به عنوان آثار برگزیده معرفی می‌شوند.

علیزاده در پایان گفت: توجه ویژه به آموزش‌های هنری و برگزاری کارگاه‌های مختلف با موضوع این جشنواره در سراسر کشور، بهره‌مندی از توانمندی‌های کشور و استفاده از حضور دانشجویان در جشنواره از دیگر برنامه‌های ما بوده است.

احمد مسجد جامعی رئیس شورای شهر تهران نیز در این مراسم گفت: پس از تلاشی یک ماهه، امروز شاهد مراسم پایانی بیست و دومین نمایشگاه قرآن هستیم. برای همکاران ارجمندی که این فعالیت‌ها را پشتیبانی کردند، شروع نمایشگاه و پایان آن دو حس متفاوت دارد. می‌دانم که فعالیت شبانه‌روزی عزیزان در طول این ایام نوعی خستگی جسمانی در ایشان ایجاد کرده است و امروز که پایان این نمایشگاه رقم می‌خورد خوشحال هستند که این بار را به سر منزل مقصود رسانده‌اند ولی از طرفی خشنود هم نیستند که این فضای معنوی و روحانی تمام می‌شود و باید تا سال آینده انتظار بکشند. وی در ادامه افزود: تهران به دلایل تاریخی هم خانواده با قرآن است و شاید تنها شهری باشد که هنگامی که دور آن حصار کشیدند و روستای قدیمی تهران را به شهر تبدیل کردند به تعداد سوره‌های قرآن برایش برج و بارو ساختند و در هر یک از آن‌ها یک سوره را قرار دادند. حتی شهر مقدس مشهد که برکت وجود امام رضا (ع) در آن افتخار همه ما است. این چنین ویژگی را در طراحی و ساخت برج و بارو نداشته است. این در حالی است که مشهد و تهران هر دو تقریبا در یک زمان حصارکشی شده‌اند.

مسجد جامعی در ادامه گفت: نخستین تاسیسات عمومی و شهری تهران توسط یک خانم هنرمند ایجاد شد. ما در تهران کلمه خانم را زیاد به کار می‌بریم مانند مدرسه خانم که در نزدیکی امامزاده یحیی قرار دارد یا تکیه خانم و... کلمه خانم در روزگار مردسالار در تهران صورت دیگری داشته است. آثاری از خط و خوشنویسی این خانم هم باقی مانده است که حکایت از فهم قرآنی ایشان دارد. این خانم هنرمند آثار هنری خود را در مکتب هرات پدید می‌آورده است. بنابراین طبیعی است که تهران جایگاهی ویژه در فعالیت‌های قرآنی داشته باشد.

مسجد جامعی در پایان گفت: یکی از آرمان‌های قرآنی که در دوره‌های قبلی این جشنواره هم بود «قرآن پناه فلسطین» و از بخش های ویژه نمایشگاه قرآن‌کریم بود. نگرش ما به مسأله قدس آیینی است و در همه این سال‌ها ما پیوسته شاهد ظلم مضاعف به ساکنین این سرزمین بوده‌ایم.

در پایان این مراسم برگزیدگان یازدهمین دوره از جشنواره بانوی ایرانی، هنر قرآنی به شرح زیر معرفی شدند:

آنیتا هرندی فصیح، سارا ساسانیان، اکرم السادات حسینی، الهه خاتمی، ازهار شرکاء، فاطمه پناهیان پور، زهرا جعفری، عذرا عقیقی بخشایشی، مرضیه محمدی، سحر حسینی، زهرا حسینی، محبوبه عارفی و سکینه آقا نسب.

بررسی سند ساماندهی سینمای کشور با حضور مشاور فرهنگی رییس‌جمهور

حجت‌الله ایوبی درباره "سند ساماندهی و توسعه سینمایی کشور "که از دولت گذشته به دولت فعلی به ارث رسیده است، گفت: روح حاکم بر این سند بیشتر با یک نگاه بدبینانه به سینما نوشته شده است و به بازنگری نیاز دارد.

به گزارش ایسنا، نشست «سند ساماندهی و توسعه سینمایی کشور» با حضور سینماگران، مدیران وزارت ارشاد و حسام‌الدین آشنا مشاور فرهنگی رئیس جمهور برگزار شد.

حجت‌الله ایوبی رییس سازمان سینمایی کشور با اشاره به جلسه برگزار شده، گفت: جلسه امروز کمک کرد تا اگر قرار است، سندی تصویب شود جامع و با بررسی نقاط ضعف و قدرت آن از طرف سینماگران باشد. او تاکید کرد: هدف از تنظیم این سند می تواند هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف باشد. این مدیر سینمایی گفت: از سازمان سینمایی به تنهایی کاری ساخته نیست و همه کسانی که دست‌اندرکار این حوزه هستند و نیز وزارتخانه‌های دیگر باید به توسعه سینما کمک کنند.



ایوبی در پاسخ به سوال خبرنگار ایسنا مبنی بر اینکه این سند در دولت گذشته هم بررسی شده بود و چه تفاوت‌هایی با آن دارد، بیان کرد: سند فعلی همان چیزی است که در گذشته آماده شده است اما آن سند مراحل تصویب را سپری نکرده بود. در واقع با انتخابات ریاست جمهوری و تغییر دولت مصادف شد و به همین دلیل بررسی آن دوباره در دستور کار قرار گرفت.

او با تاکید بر اینکه «سند ساماندهی و توسعه سینمایی کشور» هنوز نهایی نشده است، افزود: متن موجود در این سند مورد بررسی قرار گرفته است و باید کارشناسان درباره آن نظر دهند که البته ملاحظاتی که در این جلسات ارائه شد، نشان می‌دهد، وقت بیشتری برای بازنگری اساسی در سند مورد نیاز است.

عیادت وزیر ارشاد از جعفر والی



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۳۰ تیرماه به ملاقات جعفر والی هنرمند پیشکسوت تئاتر و سینما رفت.

به گزارش ایسنا، علی جنتی با همراهی علی مرادخانی معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و حسین طاهری مدیر اداره کل هنرهای نمایشی به ملاقات جعفر والی هنرمند پیشکسوت تئاتر و سینما که در بیمارستان بستری است، رفتند. در این دیدار علی جنتی از سجایای اخلاقی جعفر والی سخن گفت و اظهار امیدواری کرد: هر چه زودتر حال این بازیگر خوب شود و قول داد پیگیر اجرای نمایش‌اش باشد. همچنین حسین طاهری توضیحاتی درباره روند درمان و بهبودی جعفر والی ارائه کرد و خطاب به وزیر گفت: آقای والی بسیار مشتاق است که اگر فرصتی باشد، نمایشی را اجرا کند. جعفر والی هم از حضور وزیر ارشاد و پیگیری‌های وزیر بهداشت و درمان، معاونت هنری و حسین طاهری قدردانی کرد.

جعفر والی کارگردان و بازیگر پیشکسوت تئاتر و سینما چند روزی است به دلیل خونریزی شدید معده در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان ایرانشهر بستری است. این هنرمند پیش از بستری شدن خود از اجرای نمایش «آی باکلاه آی بی کلاه» نوشته غلامحسین ساعدی خبر داد و اظهار امیدواری کرد: پاییز امسال این نمایش را در تماشاخانه سنگلج اجرا کند.

جعفر والی پیش از انقلاب، بسیاری از نمایش‌نامه‌های غلامحسین ساعدی را اجرا کرده بود که از آن جمله می توان به نمایش‌های «آی با کلاه آی بی کلاه»، «چوب به دست‌های ورزیل»، «گاو» و ... اشاره کرد. او در سینما و تلویزیون نیز سابقه‌ی همکاری با هنرمندانی را مانند داریوش مهرجویی، علی حاتمی، امیر نادری، مازیار میری، مسعود کیمیایی، مازیار پرتو و ... دارد.

شهر دار تهران قول داد پای حرف هنرمندان بنشیند

شهردار تهران در مراسم افطار با هنرمندان ضمن شنیدن صحبت‌ها و درخواست‌های آنها قول داد ۲۲ مرداد در خانه هنرمندان حاضر شود و پای صحبت هنرمندان بنشیند.

به گزارش مهر، مجید سرسنگی مدیرعامل خانه هنرمندان ایران در مراسمی که شامگاه دوشنبه ۳۰ تیر با حضور محمدباقر قالیباف شهردار تهران و جمعی از هنرمندان حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر همچون علی مرادخانی، سید محمد هادی ایازی، شهاب مرادی، سید محمد جواد شوشتری، عزت‌الله انتظامی، غلامحسین امیرخانی، ایرج راد، داریوش ارجمند، قطب الدین صادقی، داود گنجه‌ای، سیف‌الله صمدیان، پری صابری، لوریس چکناواریان، محمدرضا اصلانی، مازیار فلاحی و ... در خانه هنرمندان ایران برگزار شد، گفت: توقع مخاطبان امروز از ما بالا رفته است و این، کار کردن در خانه هنرمندان ایران را نسبت به گذشته دشوارتر کرده است. در ادامه این مراسم که اجرای آن را ژیلا صادقی مجری بر عهده داشت از غلامحسین امیرخانی استاد پیشکسوت خطاطی دعوت شد تا روی سن بیاید و دقایقی سخن بگوید.

امیرخانی ادامه داد: هنر باید به دست کسی باشد که صاحب هنر باشد و شایستگی داشته باشد. که اگر نداشته باشد به جای اثر مطلوب اثر منفی پیدا می کند.



وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به حرکت‌هایی که نخبگان می‌توانند در جامعه ایجاد کنند، بیان کرد: نخبگان به تنهایی می توانند تحول ایجاد کنند به شرطی که تریبون داشته باشند و حرفشان شنیده شود بدون پشتوانه حمایتی نخبگان هیچ قدرتی در جامعه ندارند.

داریوش ارجمند دیگر هنرمندی بود که روی سن آمد و با تاکید بر ارتباط تنگاتنگ هنر و اقتصاد بیان کرد: وقتی مردم مشتری کارهای فرهنگی باشند آنگاه اقتصاد نیز خود را نشان می‌دهد، هنرمندان بیش از همه به مردم نیاز دارند نه به دولت و یا مسئولی. اگر ما بتوانیم با برنامه و طرح‌های خود مردم را با هنر آشتی دهیم، مسائل و مشکلات ما حل خواهد شد. در پایان این سخنان از قالیباف شهردار تهران دعوت شد تا روی سن بیاید و سخن بگوید.

وی در ابتدای سخنان خود با اشاره به درخواست‌های هنرمندان بیان کرد: من امروز احساس کردم بحث‌های گفتنی زیاد است و من قول می‌دهم چهارشنبه ۲۲ مرداد نیز به خانه هنرمندان بیایم و درباره این موارد صحبت کنیم.

شهردار تهران خطاب به امیرخانی بیان کرد: ما انقلاب کردیم که صداقت، صفا و راستگویی بوجود آید. در فرهنگ شیعه و تمدن ما، دروغ هیچ جایی ندارد، کسی که دروغ بگوید از این کشور و فرهنگ انقلاب نیست، افتخار ما این است که با انقلاب خود شرایطی را ایجاد کرده‌ایم که امیرخانی می آید و به راحتی حرف خود را می‌زند. وی ادامه داد: ممکن است خطاها و اشکالاتی هم وجود داشته باشد اما آنها را جزو انقلاب اسلامی و فرهنگ این مردم و ملت نمی دانیم چراکه فرهنگ ما فرهنگ عدالت و راستگویی است. ما از ابتدای انقلاب در مسیر عدالت گام برداشته‌ایم و در این مسیر نیز ادامه خواهیم داد، اگر خطاهایی صورت می گیرد این خطاها از فرهنگ انقلاب نیست.

دیدار از نمایشگاه قرآن

محمدباقر قالیباف، شهردار تهران همچنین دوشنبه شب از نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم بازدید کرد. وی در این بازدید از بخش های فضای مجازی، دارالکتابه، دانشگاهی، آموزش و پرورش، عفاف و حجاب و بانوان بازدید کرد و از نزدیک در جریان دستاوردهای قرآنی قرار گرفت.

دکتر قالیباف در این بازدید با تأکید بر لزوم ایجاد محلی دائمی برای برپایی نمایشگاه قرآن، برنامه‌ها، محافل و مسابقات قرآن و ... گفت: ساخت دارالقرآن (مرکز قرآن شهر تهران) در تپه‌های عباس آباد در حال انجام است.

هنرمندان، امروز برای حمایت از مردم مظلوم غزه بیانیه امضا می کنند

سرویس فرهنگی ـ هنری: بیانیه‌ای که به صورت پارچه نوشته تهیه شده است، امروز در گردهمایی بزرگ هنرمندان با عنوان «غزه تنها نیست» در حمایت از مردم مظلوم غزه در حوزه هنری به نمایش در می آید و به امضای هنرمندان شاخه‌های مختلف هنری می رسد.

به گزارش خبرنگار ما، این خبر را علیرضا قزوه مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری در نشست رسانه‌ای به مناسبت برگزاری گردهمایی بزرگ هنرمندان در حمایت از مردم مظلوم غزه اعلام کرد و گفت: دردناکی وضعیت پیش آمده برای مردم غزه و حملات پیاپی رژیم صهیونیستی به این مردم بی‌دفاع را هنرمندان کشور با گوشت و پوست خود درک می کنند و وظیفهٔ خود می دانند که عکس‌العملی به این هجمه‌ها نشان دهند.

قزوه گفت: هنرمندان در حوزه‌های مختلف هنری علیه فجایع رژیم صهیونیستی در غزه این بیانیه را یکایک امضاء خواهند کرد، سپس این بیانیه ترجمه می‌شود و در دسترس سفارت‌خانه‌ها، مجمع جهانی صلح و مجمع جهانی تقریب مذاهب قرار می گیرد.

مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری افزود: از تمامی هنرمندان آزادهٔ کشور و با هر دیدگاهی که هستند و نسبت به فجایع پیش آمده در غزه معترض‌اند دعوت می کنیم، امروز به گردهمایی هنرمندان در حمایت از مردم غزه بپیوندند، چون حوزه هنری خانهٔ همه هنرمندان کشور است و در این گردهمایی برای محکوم کردن اعمال رژیم صهیونیستی در غزه این بیانیه را امضاء کنند.

قزوه در ادامه، به برنامه‌های گردهمایی امروز به اجمال اشاره کرد و گفت: افتتاح نمایشگاه عکس، گشایش نمایشگاه دیگر هنرهای تجسمی، کارگاه آموزشی هنرهای تجسمی، اعلام موضع هنرمندان مطرح و برجسته در همین زمینه، سخنرانی رئیس حوزه هنری، صدور بیانیهٔ گردهمایی، اجرای موسیقی از سوی دفتر موسیقی حوزه هنری با موضوع فلسطین و اجرای نمایش خیابانی در همین ارتباط، برنامه‌های این گردهمایی را که از ساعت ۱۸ در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار می‌شود، تشکیل می‌دهند.

قزوه همچنین از قشر اندیشمند هم دعوت کرد تا در کنار هنرمندان به این گردهمایی بپیوندند و خاطرنشان کرد که حوزهٔ هنری حوزهٔ اندیشه و هنر در کنار یکدیگر است.

در این نشست خبری، محسن مؤمنی شریف رئیس حوزه هنری هم گفت: هنرمندان ما همیشه مدافع مظلومان و ستمدیدگان بودند و از حق آنها دفاع کرده‌اند و به گواه کارنامه فعالیت حوزه هنری، در هر حادثه‌ای که در آن به کرامت انسانی تعدی شده است هنرمندان به میدان آمدند و در این زمینه وظایف خود را انجام داده‌اند، زمانی در بوسنی و زمانی دیگر در فلسطین و با خلق آثارشان عدم آسودگی خود را نسبت به این ظلم‌ها نشان داده‌اند. امروز هم هنرمندان برای غزه و باز برای مردم فلسطین گرد هم می‌آیند و انزجار خود را از اقدام رژیم صهیونیستی اعلام می کنند.

مرتضی گودرزی دیباج رئیس مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری در ادامهٔ این نشست گفت: مسأله بزرگ حوزه هنری در خلق آثار همواره فلسطین بوده و بخش مهمی از این آثار با مضمون مظلومیت مردم فلسطین کار شده است و همچنان هم روی این مضمون پافشاری می کنیم و در گردهمایی امروز هم افتتاح نمایشگاه و برپایی کارگاه هنرهای تجسمی خواهیم داشت و البته این مبحث منوط و محدود به این گردهمایی نخواهد بود و بعد از روز قدس نیز مباحث علمی در این زمینه برپا می کنیم و در آن به تبیین مبادلات فرهنگی هم خواهیم پرداخت.

رحمت امینی مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری نیز در این نشست اظهار کرد: هنرهای نمایشی سریع‌ترین تأثیر را از زمانهٔ خود می گیرد و بر این اساس امیرحسین شفیعی از جوانان سرآمد عرصهٔ نمایش خیابانی اثری را ولو با شتاب در تولید در ارتباط با فجایع غزه آماده کرده است که در گردهمایی امروز اجرا می‌شود.

رسول اولیاءزاده رئیس خانه عکاسان حوزه هنری هم دربارهٔ برنامه خانه عکاسان در این گردهمایی گفت: نمایشگاه عکس در این گردهمایی افتتاح می‌شود که بخشی از عکس‌های این نمایشگاه، تصاویر گردآوری شده از فاجعهٔ انسانی است که در غزه اتفاق می‌افتد و بخشی را نیز عکس‌های راهپیمائی روز قدس تشکیل می‌دهد.

وزیر علوم: خطوط قرمز ما منافع ملی است



وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در جمع نمایندگان شورای مرکزی اتحادیه های تشکل های اسلامی دانشجویان، گفت: یکی از خطوط قرمز ما منافع ملی است که باید برای همگان فصل الخطاب باشد و هیچ گروه و دسته‌ای نباید منافع ملی را فدای منافع گروهی کند.

به گزارش مهر، در این نشست فرجی دانا در پاسخ به سئوالات مطرح شده از سوی اعضای تشکل های دانشجویی، اظهار داشت: از شما می‌خواهم در مورد آنچه که مطرح می‌کنید تحقیق و بررسی بیشتری انجام دهید و سپس آن مطلب را به صورت مستدل بیان کنید و این را بدانید که از نظر ما، سیستم اطلاعاتی کشور نهاد مرجع برای شناسایی و رسیدگی به تخلفات است.

وزیر علوم در پاسخ به سئوالی در خصوص نحوه انتخاب روسای دانشگاه ها، گفت: روسای انتخاب شده انسان هایی با مقبولیت کامل در دانشگاه ها هستند و به گفته شما، این حق وزیر است که روسای دانشگاه ها را خودش انتخاب کند. در این راستا اگر مشورتی هم صورت گرفته به این مشورت پایبند هستم.

وی با بیان اینکه ما همیشه قانونمند بوده و به قانون پایبند هستیم، افزود: حتی اگر مطالب شما در خصوص یک یا دو نفر از جمع حدود شصت نفری سرپرستان دانشگاه‌ها صحیح باشد، باید این را بدانید که بنده ابتدا و انتهای این فرایند نیستم و شورای عالی انقلاب فرهنگی در نهایت بررسی صلاحیت سرپرستان دانشگاه‌ها را برعهده دارد و یقینا تمام مواردی که در این جا گفته شد، در جلسات شورا هم مطرح و بررسی می‌شود.

وزیر علوم در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه مقام معظم رهبری غلبه علم و فناوری را به عنوان گفتمان غالب در کشور اراده کرده اند، اظهار داشت: این از افتخارات ماست که قوی ترین پشتیبانی از علم و فناوری را مقام معظم رهبری انجام می دهند و ما باید این اراده را محقق کنیم. به همین منظور وظیفه خود می دانم که نود در صد از ظرفیت فکر و ذهن و برنامه‌هایم را صرف اعتلای علم و فناوری کنم که نتایج آن همچون سایر فعالیت های علمی در آینده و به تدریج دیده می‌شود.

فرجی دانا با انتقاد از ازدیاد تاسیس دانشگاه در هشت سال گذشته در کشور، ادامه داد: دغدغه، برنامه و تلاش ما درجهت کیفی سازی و توسعه هدفمند آموزش عالی است.

وی در پاسخ به سئوالی در خصوص اصطلاح وزارت علوم در سایه، گفت: بنده وابسته به هیچ گروه و دسته و جناح خاصی نیستم و شما اگر مرا بشناسید، می دانید که در وزارت علوم هیچ کس در سایه وجود ندارد که بتواند چیزی بگوید که اگر به آن یقین نکنم آن را انجام دهم؛ زیرا هر آنچه را که انجام می دهم با یقین است و بر اساس تکلیف و جهت اعتلا و توسعه علمی کشور انجام می دهم و در این راه به سمت همه شما عزیزان فارغ از تفکر و جهت گیری سیاسی تان دست یاری دراز می کنم.

فرجی دانا با اشاره به آرامش حاکم بر فضای دانشگاه‌ها در سال تحصیلی گذشته، تاکید کرد: با وجود اینکه سال تحصیلی آرامی را پشت سر گذاشتیم برخی اصرار داشتند القا کنند چند دانشگاه ملتهب شده است. شما به فضا سازی رسانه‌ها اعتماد نکنید و با توجه به شعبه‌های متعددی که در دانشگاه های سراسر کشور دارید، به عنوان یک تکلیف صحت و سقم این مسائل را بررسی کنید تا به یقین برسید.

کوتاه فرهنگی

«روایت احسان» مجموعه عکس‌های مجید شادمان‌نژاد و مهدی کاوه‌ای در فرهنگسرای نیاوران



نمایشگاه مجموعه عکس‌های مجید شادمان‌نژاد و مهدی کاوه‌ای از بیماران مبتلا به اختلالات روانی، امروز از ساعت ۱۰ تا ۲۰ در فرهنگسرای نیاوران گشایش می‌یابد.

تصاویر این نمایشگاه مربوط به «سرای احسان» مرکز نگهداری ٤٥١ بیمار مبتلا به اختلالات روانی است نمایشگاه «روایت احسان» تا ۱۲ مرداد پذیرای بازدیدکنندگان خواهد بود.

بخش کاریکاتور به جشنواره طنز سوره اضافه می شود

ناصر فیض با اشاره به برگزاری هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره در بخش های مختلف هنری و ادبی گفت: در نظر داریم از سال آینده بخش کاریکاتور را هم با همکاری مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری به این جشنواره اضافه کنیم. دبیر هنری هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره در گفت و گو با پایگاه خبری حوزه هنری با اشاره به اضافه شدن بخش های مختلف به این جشنواره که پیش از این با عنوان جشنواره طنز مکتوب شناخته می شد، اظهار کرد: پیش از این هم البته بخش های دیگری به جز شعر و داستان در جشنواره طنز سوره وجود داشته است اما امسال این بخش ها بیشتر و کامل تر شده اند.

۱۰۰ درصد رشد ترافیک علمی

قائم مقام وزیر علوم در امور بین الملل با اعلام این که در ورود استادان خارجی و برگزیدگان علمی جهان به کشور شاهد رشد ۱۰۰ درصدی بوده‌ایم گفت: تنها در سه ماهه اول امسال حدود ۱۲۰ تن استادان برتر خارجی و برگزیدگان علمی جهان وارد کشور شده‌اند.

دکتر حسین سالارآملی در گفت و گو با ایسنا، گفت: رشد ترافیک علمی نشان دهنده توسعه و رشد علمی در کشور است و تصمیم داریم با ارائه طرح‌های مختلف ترافیک علمی کشور را افزایش ببخشیم تا از لحاظ علمی، آموزشی و پژوهشی نیازهای کشور تامین شود.

وی با اشاره به دو طرح "ایکاد" و "آسید" در جهت جذب هرچه بیشتر استادان و برگزیدگان علمی جهانی گفت: از ابتدای سال ۹۳ طرح ایکاد به معنای همکاری‌های بین المللی در توسعه تحقیقات کاربردی و طرح آسید به معنای توسعه دوره‌های آموزشی اجرایی شده است. این طرح‌ها برای اولین بار در جهت جذب مغزهای علمی به کشور طراحی شده و با ارائه تسهیلات لازم همچون هزینه‌های اسکان و رفت و آمد استادان از آنها حمایت به عمل می آید.

اصلاح نظام اداری یکی از ضرورت‌های توسعه کشور است

سیاست‌های کلی نظام اداری که مقام معظم رهبری در سال ۸۹ ابلاغ فرمودند، حاوی برنامه ها و اهدافی متعالی و راهگشاست که می تواند زمینه توسعه کشور را فراهم سازد، اما متاسفانه اگر عملکرد نظام اداری کشور را در این مدت بررسی کنیم، به نظر می رسد که نه فقط توجهی به این سیاست‌ها معطوف نشده بلکه متاسفانه در مواردی بر خلاف آنها اقدام شده است.

معاون اول رئیس جمهوری از نقشه راه اصلاح نظام اداری به عنوان یکی از ضرورت‌های جدی توسعه کشور نام برد و گفت: در سال‌های گذشته نه فقط توجهی به سیاست‌های کلی نظام اداری نشده بلکه متاسفانه در مواردی بر خلاف آنها هم اقدام شده است.

به گزارش مهر، اسحاق جهانگیری در جلسه شورای عالی اداری از معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری خواست سازوکاری نظارتی برای اجرای این نقشه راه فراهم شود تا دستگاه های اجرایی و بخش‌های مرتبط به طور جدی به اجرای این نقشه راه و همچنین سیاست‌های کلی نظام اداری مکلف شوند و شرایط به گونه ای باشد که نظام اداری، زمینه توسعه کشور را فراهم کند.

در این جلسه گزارشی از اقدامات انجام شده در زمینه اجرای نقشه راه اصلاح نظام اداری در چهار ماهه نخست سال ۹۳ و تکالیف تعیین شده در جهت برنامه عملیاتی این نقشه راه از جمله تهیه معیارها و شاخص های لازم برای نظارت و ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی، تهیه نقشه راه دولت الکترونیک و تهیه لایحه اصلاح و دائمی کردن قانون مدیریت خدمات کشوری ارائه شد.

شرح وظایف و ترکیب شورای توسعه مدیریت دستگاه های اجرایی برای راهبری اجرای نقشه راه اصلاح نظام اداری و همچنین برنامه تربیت مدیران آینده دستگاه های اجرایی کشور از دیگر موضوعاتی بود که در این جلسه به آن پرداخته شد و پس از بحث و تبادل نظر و اعمال برخی اصلاحات به تصویب اعضای شورای عالی اداری رسید.

بخش عمده نهاده های کشاورزی از تولیدات داخلی تامین می شود

سرویس اقتصادی:دولت در نظر دارداز این پس بخش بزرگی از نیازهای خود را در زمینه نهاده های کشاورزی از تولید کنندگان داخلی تامین کند تا از این طریق تولیدکنندگان و تولیدات داخلی حمایت شوند.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را مهندس علیرضا ولی مدیر عامل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی در مراسم امضای تفاهمنامه میان این شرکت با اتحادیه تعاونی های تولیدکنندگان کود کشور اعلام کرد و افزود:این تفاهمنامه برای نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی و ساماندهی تولید، توزیع و تنظیم بازار کود کشاورزی برای نخستین باردر کشور منعقد می شود که در آن حمایت دولت از بخش خصوصی برای توسعه هدفمند دیده شده است.

وی دیگر اهداف این تفاهمنامه را ارتقاء کیفیت شبکه توزیع نهاده های کشاورزی و نظارت بر کیفیت تولید کودهای کشاورزی با برند سازی و کنترل کیفی، بهره گیری از توان تولید کنندگان داخلی برای کاهش واردات و حضور در بازار های صادراتی ، ایجاد زمینه و امنیت لازم برای سرمایه گذاری در حوزه تولید کودهای کشاورزی مورد نیاز کشور و مدیریت و راهبری بازار عرضه و تقاضای کودهای کشاورزی برای جلوگیری از کمبود و افزایش قیمت تمام شده کود برشمرد و گفت: ارتقای استانداردهای کیفیت محصول در تولید،توزیع و شناسایی نیازهای مصرف کنندگان کودهای کشاورزی از دیگراهداف مدنظر در تفاهمنامه است.ولی، با تاکید بر اینکه بخش کشاورزی تامین امنیت غذایی کشور را برعهده دارد، خاطر نشان کرد: در کنار بحث تامین امنیت غذایی باید امنیت بهداشتی و زیست محیطی مورد توجه باشد و در تامین نهاده های کشاورزی هم مولفه هایی چون زمان ، کیفیت ، هزینه و سهولت دسترسی مدنظر قرار گیرد.

وی در ادامه بر بهره گیری از ظرفیت های شرکت خدمات حمایتی کشاورزی و اتحادیه تعاونی های تولیدکنندگان کودهای کشاورزی برای تشکیل کمیته ای به منظور توسعه فعالیت های تولیدی و ارائه خدمات به ذینفعان بخش کشاورزی و راه اندازی نظام مدرن بازاریابی و فروش مبتنی بر الگوهای بازرگانی مدرن که علاوه بر تولید نهاده ها، اقتصادی هم باشد تا کشاورزان در زمان مناسب با کمترین قیمت کود را دریافت کنند، تاکید کرد.

نامبرده با اشاره به وجود فاصله میان بخش حاکمیتی و کشاورز در کشور اظهارداشت: اکنون در ایران کودکشاورزی براساس تحقیقات مصرف نمی شود و نیاز بخش کشاورزی شناسایی نشده است و اگر امروز انبارها مملو از کود است و کشاورزان از آن استفاده نمی کنند، همین امر است.

وی ناکافی بودن ترویج کشاورزی در کشور را یکی دیگراز کاستی های بخش کشاورزی دانست و گفت:بخش ترویج کشاورزی باید گسترده تر از این عمل کند.

مدیر عامل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی با اشاره به وجود نابسامانی هایی در بخش بذر کشاورزی اعلام کرد: نظارت بر این بخش کم است. در حالی که بذر به عنوان مهمترین نهاده کشاورزی مبتنی بر دانش است و تولید کنندگان آن باید دانش فنی لازم را داشته باشند و این شرکت بنا دارد با انجمن بذر ایران، بخش بذر را ساماندهی کند.

وی تاکید کرد:درصددیم تاجلوی واردات کود های بی کیفیت خارجی را بگیریم و از کود های با کیفیت داخلی و کنترل شده استفاده کنیم و بر اساس این تفاهمنامه به هر میزان که اتحادیه تعاونی های تولید کنندگان کود کشور بتوانند کود تولید کند، این شرکت آن را خریداری خواهد کرد.

طرح جهادکشاورزی برای کاهش مصرف کود و سم در بخش کشاورزی

سرویس پارلمانی: سئوال سیدناصر موسوی لارگانی و علی ایرانپور، نمایندگان فلاورجان و مبارکه از محمود حجتی وزیر جهادکشاورزی، در مورد دلایل افزایش بی‌رویه قیمت نهاده‌های کشاورزی و کود و سم و امتناع آن وزارتخانه از تولید فرآورده‌های ارگانیک، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و با وجود رأی منفی سئوال‌کنندگان، اکثریت مجلس پاسخ وزیر را قانع کننده دانست. در پاسخ به این سئوال، حجتی با تأکید برضرورت حمایت از بخش کشاورزی، گفت: ریسک‌پذیری و بازده پایین اقتصادی موجب کاهش تولیدات کشاورزی می‌شود، از این‌رو امور زیربنایی باید مورد حمایت دولت قرار گیرد.

وی افزود: قیمت نهاده‌های کشاورزی فقط به عهده این وزارتخانه نیست، ولی نرخ کود از زمان روی کار آمدن این دولت گران نشده است و در ازای هر کیسه آن حدود ٤ تا ٥ هزار تومان از محل یارانه‌ای که مجلس در اختیار ما قرار داده است، پرداخت می‌شود، به طوری که کود شیمیایی اوره را حدود ۳۰ هزار و ٦۰۰ تومان تحویل می گیریم و به قیمت ۳۵ هزار تومان با خدمات جنبی به کشاورزان تحویل می‌دهیم. امروز هم حدود ۸۰۰ هزار تن کود، ۲۰۰ هزار تن اوره و نزدیک ٤٥۰ هزار تن فسفات قابل عرضه داریم.

وزیر کشاورزی سپس یگانه راه جبران حوادث این بخش را تقویت نظام بیمه دانست و یادآور شد: بخش محدودی از این حوادث، مانند خشکسالی، تگرگ و غیره را از طریق بیمه حل کردیم، در این راه، دولت نزدیک به یک‌هزار میلیارد تومان تصویب کرد، ۱۵۰۰ تا ٦۰۰ میلیارد تومان دیگر هم درحال تصویب است، ولی خسارات وارد شده به کشاورزان و بخش کشاورزی بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان برآورد شده است و باید در این زمینه فکر اساسی کرد.

در مورد امتناع آن وزارتخانه از تولید فرآورده‌های ارگانیک، حجتی، اظهار داشت: ما، یک‌درصد از زمین‌های کشاورزی دنیا را داریم، ولی سمی که استفاده می‌کنیم ٦٥ صدم سم مورد استفاده در دنیاست یعنی از متوسط دنیا کمتر مصرف می‌کنیم.وی افزود: در دهه ۷۰، ٤۰ هزار تن سم مصرف می‌کردیم که این مقدار امروز به ۲۰ هزار تن رسیده است و هدف ما آن است که مصرف سم را کاهش دهیم.

مصرف نادرست کود و سم

وزیر کشاورزی آنگاه اعلام کرد: مشکل ما، بدمصرف کردن کود و سم است که با آن باید مقابله جدی شود، به ویژه در کشت سیب‌زمینی و پیاز که به محصول آسیب می‌زند و هماهنگی هایی هم با وزارت بهداشت و درمان به عمل آمده است.

حجتی سپس گفت: وزارت کشاورزی، اولین وزارتخانه‌ای بود که برنامه خود را در چارچوب اقتصاد مقاومتی ارائه داد و این برنامه به تصویب شورای اقتصاد هم رسیده است.در ارتباط با علت کاهش تولید برخی فرآورده‌های کشاورزی، وی توضیح داد: خرید گندم نسبت به سال گذشته ۷۰ درصد افزایش یافته و امروز می توانیم بیش از ۷ تا ۷/٥ میلیون تن گندم از کشاورزان بخریم.

حجتی، افزود: طرح‌های افزایش تولید گندم، جو، برنج، روغن، کنجاله، شکر، پنبه و ذرت دانه‌ای را تهیه کرده‌ایم که به تأیید شورای اقتصاد هم رسیده است و در آینده در اختیار کمیسیون مربوط و مجلس قرار می‌گیرد.

خرید تضمینی محصولات باغی پس از چندسال تقدیم دولت شده است و در مجموع تغییر ساختارها به زمان نیاز دارد.

وزیر کشاورزی آنگاه برنامه‌های آن‌وزارتخانه برای جلوگیری ازاستفاده بی‌رویه از کود و سم را به این شرح اعلام کرد: در ارتباط با محصولاتی که بیشتر جاذب کود و سم هستند، مانند سیب‌زمینی و پیاز استاندارد اجباری اعمال خواهد شد تا مردم از محصول سالم استفاده کنند.

تهیه و ابلاغ کد ١٦ رقمی، طراحی و اجرای بانک اطلاعاتی کشوری (محصول سالم گواهی شده)، انجام مبارزه بیولوژیک و غیرشیمیایی برروی انواع محصولات، فرهنگ‌سازی در گسترش محصولات سالم، ارائه مجوز به کلینیک‌های گیاه‌پزشکی و اقدام لازم برای ثبت ۲۹ عامل جدید بیولوژیک به منظور ارائه محصولات سالم.

پس از این سخنان، نمایندگان سئوال‌کننده پاسخ وزیر را مردود دانستند و مجلس، پس از رأی‌گیری از توضیحات وزیر قانع شد.

پهلو گیری نخستین خط کشتیرانی خارجی در بندر شهید رجایی

پس از لغو تحریم‌های بندری، نخستین کشتی لاینر خارجی متعلق به خط کانتینری Wan Hai در بزرگترین بندر تجاری کشور پهلو گرفت.

به گزارش مهر، این کشتی با ظرفیت ٦ هزار TEU کانتینر از بندر سنگاپور به جبل علی و از آنجا به بندر شهیدرجایی آمده است.

این کشتی که ٢٦٠ متر طول و ۳۳ متر عرض دارد، قرار است در ترمینال دوم کانتینری بندر شهید رجایی ۹۰۰ کانتینر را بارگیری و ۸۰۰ کانتینر را تخلیه کند.

خط کشتیرانی Wan Hai تایوان یکی از ۲۰ خط کشتیرانی برتر دنیاست که تا پیش از تحریم‌های غرب، به بزرگترین بندر تجاری ایران تردد داشته است.

سازمان بنادر و دریانوردی اعلام کرد: خطوط کشتیرانی آورگرین، هایوندای، هانجین و کاسکو طی چند ماه گذشته با برگزاری جلسات متعدد با مسئولان سازمان بنادر، اعلام آمادگی کرده اند تا فعالیت خود را در این بندر از سر گیرند.

اجرای ۱/۲ میلیارد دلار پروژه های برقی در عراق

وزیر نیرو با ارائه پیشنهادی خواستار ایجاد دفتر نمایندگی صنایع آب و برق در عراق شد و اعلام کرد: اکنون ۲۷ پروژه برقی به ارزش تقریبی یک میلیارد و ۲٤٥ میلیون دلار توسط ایران در عراق در حال اجرا است.

به گزارش مهر، حمید چیت‌چیان در تشریح راهکارهای توسعه همکاری های آب و برقی جمهوری اسلامی ایران و دولت عراق، گفت: نقطه آغاز توسعه بعضی از کشورهای توسعه‌یافته کنونی، استفاده از بازارهای دیگر کشورها در شرایط جنگی و یا نیمه‌جنگی بوده و اینها تجارب مهمی در جهان است که ما باهوشمندی می توانیم از بازارهای منطقه استفاده کنیم.

وی با اعلام اینکه عراق کشوری دارای منابع بزرگ نفت و درآمدی سرشار از محل صادرات آن است، تصریح کرد: این کشور منابع کافی برای توسعه داشته و بازار بزرگ و متنوعی را در خود دارد.

وزیر نیرو با بیان اینکه عراق درنظر دارد تا سال ۲۰۱۷ بیش از ۲۷٥ میلیارد دلار برای توسعه خود هزینه کند، اظهار داشت: اگر شرکت‌های ایرانی ٥ تا ۱۰ درصد از این رقم را سهم خود کنند، منابع خوبی نصیب کشور می‌شود و اگر در این زمینه هوشمندانه عمل کنیم، به‌طور یقین سهم بیشتری از این بازار را می توانیم نصیب خود کنیم.

وی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران ۱٤۰۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد، بیان کرد: عراق بازار بزرگی برای صادرات خدمات فنی و مهندسی صنعت برق کشور است و این کشور بازاری نیست که اگر یک صنعتی وارد شد، جای صنعت دیگر را تنگ کند.

نامبرده با اشاره به سابقه طولانی همکاری‌های ایران و عراق و مشترکات تاریخی و فرهنگی دو کشور، افزود: صنعت آب و برق سهم نسبتا خوبی در بازار عراق دارد و تاکنون ۱۰ پروژه به‌وسیله شرکت‌های ایرانی اجرا شده و ۲۷ پروژه دیگر به ارزش یک میلیارد و ۲٤٥ میلیون دلار در حال اجرا است.

وی خطاب به شرکت‌های ایرانی فعال در عراق گفت: پیشنهاد می‌شود بین سازمان‌ها و شرکت‌های عراقی همکاری‌وهم‌افزایی بیشتری ایجادکنیم تا از این بازار بهتر بتوانیم استفاده کنیم.

چیت‌چیان با پیشنهاد ایجاد دفتر نمایندگی صنایع آب و برق در عراق تاکید کرد: این دفتر می تواند توسط وزارت نیرو یا فعالان اقتصادی بخش خصوصی یا به‌صورت مشترک ایجاد شود.وی با بیان اینکه حل مشکلات مالی و بانکی می تواند به تسهیل صادرات کمک کند، خاطرنشان کرد: درنظر گرفتن مشوق‌های صادراتی، جلوگیری‌ازرقابت‌مخرب‌شرکت‌های ایرانی، بازدید مقام‌های عراقی از ایران و مشاهده توانمندی‌های کشور می تواند بر حضور هرچه پررنگ‌تر ایران در بازار عراق تاثیر گذار باشد.

خبر دیگری حاکیست: مدیرعامل شرکت توزیع برق تهران بزرگ هم گفت: هیچ‌جای دنیا نمی‌آیند برای تأمین ۲۰۰ تا ٥۰۰ مگاوات افزایش مصرف برق در زمان پیک برای مدت ۲۰ روز در طول سال، سرمایه گذاری ۲۰۰۰ میلیارد تومانی کنند.

محمد هاشمی در گفتگو با تسنیم اظهار داشت: در تهران مصرف برق در روزهای غیر تابستان حداکثر ۲٥۰۰ مگاوات ساعت است که این رقم در روزهای تابستان به‌طور متوسط به کمتر از ۳٥۰۰ مگاوات ساعت می رسد.

وی افزود: در طول تابستان مصرف برق در ساعت‌های پیک مصرف رکورد ٤۰۰۰ مگاوات را می‌زند، اما در مجموع حدود ۲۰ روز مصرف بالای ۳٥۰۰ مگاوات داریم و در ساعات پیک روزهای گرم سال، مصرفی در حدود ۳۷۰۰، ۳۸۰۰ و ٤۰۰۰ مگاوات داریم.

مدیرعامل شرکت توزیع برق تهران بزرگ با بیان اینکه با آمادگی کامل برای تأمین برق وارد تابستان شدیم، گفت: باید بیش از افزایش ظرفیت تولید برق به مدیریت مصرف برق و فرهنگ سازی در این زمینه توجه کنیم.

وی خاطرنشان کرد: استفاده نکردن از وسایل پرمصرف در ساعات پیک که در تهران در حال حاضر ساعات ۱۱ تا ۱٥ و ۲۱ تا ۲۳ است و همچنین خاموش کردن حتی یک لامپ ۱۰۰ وات توسط هر مشترک می‌تواند کمک به سزایی در کاهش مصرف در ساعات پیک داشته باشد.

گزارش فارس هم حاکی است:مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ همچنین با بیان اینکه تاکنون هیچ گونه خاموشی برنامه‌ریزی شده ناشی از کمبود انرژی در تهران اعمال نشده است، از نصب یک میلیون و ٥۰۰ هزار دستگاه کنتور سه‌زمانه در تهران برای کنترل مصرف برق تهرانی ها خبر داد.

وی گفت: با نصب کنتورهای سه‌زمانه و افزایش بهای برق در ساعت‌های اوج مصرف برق، مردم نسبت به مصرف برق بیشتر توجه می کنند.

وی خاطرنشان کرد: مشترکان با استفاده‌نکردن‌ازماشین‌های‌لباسشویی، اتو، ماشین ظرف‌شویی و جاروبرقی در ساعت‌های اوج مصرف و همچنین خاموش کردن حتی یک لامپ، افزون‌بر کاهش هزینه‌های خود، مانع از اعمال فشار به تاسیسات برق می‌شوند.

نرخ بیکاری بهار به ۱۰/۷ درصد رسید

میانگین نرخ بیکاری بهار امسال ۱۰/۷ درصد اعلام شد که این نرخ برای مردان ۹ درصد و برای زنان ۱۹/٤ درصد است.

به گزارش روابط عمومی مرکز آمار ایران ،براساس نتایج آمارگیری نیروی کار بهار سال ۱۳۹۳ ، نرخ بیکاری پارسال ۱۰/٤ درصد اعلام شده بود. همچنین نرخ بیکاری زمستان گذشته معادل ۱۰/٥ درصد بوده است.

میانگین نرخ بیکاری جوانان ۱٥ تا ۲٤ ساله هم ۲٤/۸ درصد شده که این نرخ برای مردان ۲۱ و زنان ٤۳/٤ درصد است.همچنین متوسط نرخ مشارکت اقتصادی در بهار امسال معادل ۳۷/۱ درصد اعلام شده که این نرخ برای مردان ٦۲ و برای زنان ۱۲/۲ درصد است. نرخ مشارکت اقتصادی برای مناطق شهری ۳٦/۱ و روستایی ۳۹/۸ درصد گزارش شده است. نتایج این طرح آمارگیری نشان می دهد: میانگین نرخ بیکاری مناطق شهری ۱۲ درصد و روستایی ۷/٥ درصد است.

مرکز آمار ایران همچنین اعلام کرد: ٤٤/۱ درصد از شاغلان مرد بیش از ٤۹ ساعت در هفته کار می کنند، در حالی که این میزان برای زنان شاغل ۱٥ درصد است. همچنین سهم شاغلان با بیش از ٤۹ ساعت کار در مناطق شهری ٤۰/۸ و روستایی ۳۷/٤ درصد است.براساس این گزارش، سهم اشتغال ناقص در کل کشور در سال ۱۳۹۲ معادل ۹/٥ درصداست که این نرخ برای مردان ۱۰/٥ و زنان ٤/۲ درصد است.بررسی اشتغال در بخش های عمده اقتصادی نشان می دهد: بخش خدمات با ٤۷/۳ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. همچنین بخش های صنعت با ۳۳ درصد و کشاورزی با ۱۹/٦ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند.

براساس نتایج طرح آمارگیری، استان لرستان با ۲۰/۳ درصد دارای بالاترین و استان های تهران و مرکزی با ۷/۲ درصد کمترین نرخ بیکاری را در میان استانهای کشور دارند.

آمریکا و اروپا طرح کاهش تحریم‌های ایران را ٤ ماه دیگر تمدید کردند

وزارت خزانه‌داری آمریکا روز دوشنبه با صدور بیانیه‌ای کاهش موقت تحریم‌های ایران را برای چهار ماه دیگر، تمدید کرد. این اقدام بر اساس توافق تهران و گروه موسوم به ۱+٥ برای ادامه مذاکرات هسته‌ای، صورت گرفته است.

به گزارش فارس، ایران و اعضای دائم شورای امنیت به علاوه آلمان آخر هفته گذشته پس از سه هفته مذاکره در وین و در آستانه ضرب‌الاجل برنامه مشترک اقدام که آذر ماه سال گذشته در شهر ژنو به توافق طرفین رسیده بود، برای تمدید مهلت مذاکرات به توافق رسیدند.بر این اساس، قرار شد وضع اعلام شده در توافق ژنو، تا سوم آذر سال جاری پابرجا بماند. مطابق برنامه مشترک اقدام، ایران غنی سازی در سطح ۲۰ درصد را متوقف کرده و کشورهای غربی نیز علاوه بر توقف تصویب تحریم‌های تازه، بخشی از تحریم‌های ایران را به طور موقت لغو کردند.

لغو تحریم‌های مربوط به صنعت خودرو، صنعت مسافربری هوایی، طلا و فلزات گرانبها و صادرات پتروشیمی از جمله تعهدات آمریکا در توافق موقت ژنو است. واشنگتن همچنین متعهد شده است تلاش برای کاهش صادرات نفتی ایران را متوقف کند. روز دوشنبه اتحادیه اروپا نیز تمدید کاهش موقت تحریم‌های ایران را تصویب کرد.

مذاکرات به زودی از سرگرفته می‌شود

دراین حال ،سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در کنفرانس خبری روزانه خود تصریح کرد که احتمالاً به زودی نشست بعدی ایران و ۱+٥ از سرگرفته می‌شود و تلاش می‌شود تا محل برگزاری نشست‌هایی که قرار است در این چهارماه برگزار شود، تعیین شود. «ماری هارف» در کنفرانس خبری در ارتباط با تلاش واشنگتن برای گفتگو با رهبران منطقه خاورمیانه برای اعمال نفوذ در جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و پایان دادن به این فجایع گفت: تا جایی که اطلاع دارم با ایران در این باره گفتگویی صورت نگرفته است. ما چندین هفته مذاکرات هسته‌ای در وین داشتیم که منحصراً بر موضوع هسته‌ای متمرکز بود، نه دیگر موضوعات منطقه‌ای. من خیلی آشکارا می گویم که همه از جمله ایران باید از نفوذ خود بر حماس استفاده کند تا آنها آتش‌بس را بپذیرند.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در ارتباط با نشست هسته‌ای ایران و ۱+٥ (آمریکا، انگلیس،فرانسه،روسیه،چین بعلاوه‌آلمان) در وین که «جان کری» وزیر خارجه آمریکا نیز در آن حضور داشت، گفت: نشست‌هایی با اعضای کنگره در حال انجام است. این نشست‌ها در سطح کارکنان، نمایندگان کنگره، وزیر خارجه و کاخ سفید و خزانه‌داری آمریکا ست.

وی تصریح کرد که یکسری نشست‌ها و گفتگوهایی با اعضای کنگره برگزار شده است تا در مورد تمدید مهلت مذاکرات هسته‌ای توضیحاتی به آنها داده و به کنگره گفته شود که به چه دلیل ادامه این مذاکرات حائز اهمیت است.

هارف در باره زمان برگزاری نشست بعدی ایران و ۱+٥ گفت که هنوز جزئیات را نمی‌داند اما به طور قطع هر چه سریعتر این نشست برگزار خواهد شد و امید است که در چند هفته آینده این نشست برگزار شود. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تأکید کرد که به‌اعتقاد وی نشست‌هایی که در چند ماه آینده در خصوص برنامه هسته‌ای ایران برگزار می شود، ترکیبی از نشست‌های کارشناسی، نشست‌های دو جانبه و چند جانبه است.

هارف در ارتباط با محل برگزاری نشست‌هایی که قرار است ظرف چهار ماه آینده برگزار شود گفت که در تلاش هستند که درباره جزئیات محل برگزاری مذاکرات در این دوره تصمیم گیری کنند.

موافقت با کلیات ایجاد صندوق های پس انداز مسکن

بانک مرکزی با تاکید بر موافقت این بانک با کلیات ایجاد صندوق های پس انداز مسکن و افزایش وام خرید مسکن تا ۸۰ میلیون تومان اعلام کرد: از پیشنهاد دهندگان طرح خواسته ایم برخی نگرانی های بانک مرکزی را درباره فعالیت این صندوق رفع کنند.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، راه اندازی صندوق پس انداز مسکن و افزایش وام خرید مسکن منوط به بررسیهای کارشناسی است.

طی روز های اخیر، برخی جراید مطالبی را در خصوص مباحث کارشناسی و اتخاذ تصمیم در جهت راه اندازی صندوق پس انداز مسکن برای خرید و افزایش وام مسکن به ٦۰ و ۸۰ میلیون تومان در کمیسیون ستاد اقتصادی دولت منتشر کرده اند.

در این رابطه لازم به ذکر است که بانک مرکزی به عنوان متولی بازار پول و اعتبار در کشور همواره از ابداعات مالی در راستای رشد و توسعه اقتصاد کشور و تامین نیازهای مالی هموطنان حمایت و استقبال کرده است، لیکن این حمایت مشروط به برآورده شدن شرایط و الزامات مربوطه و بررسی های کارشناسی بوده است.

در رابطه با طرح راه اندازی صندوق‌پس‌انداز‌مسکن، همانگونه که قبلا بیان شده، بانک مرکزی با کلیات طرح موافقت داشته و براین اساس جلسات متعددی را با پیشنهاد دهندگان طرح از وزارت راه و شهرسازی برگزار کرده است.

یکی از مهم ترین دغدغه ها و نکات مورد نظر بانک مرکزی در این بررسی ها و جلسات، اطمینان از رعایت پایدار توازن منابع و مصارف صندوق مسکن پیشنهادی و عدم مراجعه آن به منابع پرقدرت و تورم زای بانک مرکزی (همچون تجربه مسکن مهر)، به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تورم زا و بی ثبات کننده اقتصاد کلان کشور بوده است.

در کنار این دغدغه مهم و با عنایت به بانک محور بودن اقتصاد ایران در امر تامین مالی، بانک مرکزی به عنوان یکی از دستگاه های سیاست گذار اقتصاد کلان، ایجاد تعادل و توازن در دسترسی بخش های مختلف اقتصاد به منابع مالی محدود کشور را مد نظر قرار داده و اهمیت این امر در سال جاری که خروج غیرتورمی از رکود در صدر برنامه های اقتصادی دولت قرار دارد، بیش از پیش است.

بدیهی است در چارچوب خروج غیرتورمی از رکود، هر طرح پیشنهادی باید طوری باشد که اولا دارای تعادل مالی بوده و باعث ایجاد تورم در کشور نگردد و ثانیا باعث وارد آمدن لطمه جدی به منابع مالی در دسترس سایر بخش ها و تهدید سرمایه گذاری و رشد در آنها نشود.

گفتنی است، بانک مرکزی علاوه بر موارد فوق، موضوعاتی همچون تناسب توان بازپرداخت وام گیرندگان با اقساط پرداختی و آثار احتمالی طرح بر قیمت مسکن و تعادل در بازار مسکن را هم مورد توجه قرار می دهد.

براین اساس به دلیل وجود برخی نگرانی ها در خصوص طرح پیشنهادی فوق الاشاره، بانک مرکزی از پیشنهاد دهندگان طرح خواستار رفع مشکلات و نگرانی های موجود در طرح پیشنهادی شده و این جلسات کماکان ادامه دارد.

بدیهی است پس از انجام بررسی های دقیق کارشناسی و اطمینان از جوانب اجرایی طرح، موارد به نحو مقتضی به اطلاع هموطنان خواهد رسید. دراین بین انتظار می رود تا زمان اتمام بررسی ها و اتخاذ تصمیمات نهایی از طرح موضوعات مقدماتی و اطلاع رسانی به صورت شتابزده جدا پرهیز شود.

تغییر قیمت‌ها بیش از تورم سالانه نیست

از سویی دیگر معاون وزیر راه و شهرسازی گفت: تعداد مبایعه نامه‌ها در ماه تیر نسبت به ماه خرداد حدود ۲٥ درصد کاهش یافته که نشاندهنده تاثیر ماه مبارک رمضان بر معاملات بازار مسکن است.حامد مظاهریان در گفتگو با مهر از کاهش ۱/۳ درصدی قیمت مسکن در ماه مبارک رمضان خبر داد و گفت: مردم جابه جایی ها را به ماه‌های بعد موکول کرده اند و پیش بینی می‌شود که در مرداد و شهریور با افزایش مراجعه متقاضیان برای خرید مسکن، کاهش تعداد مبایعه نامه‌ها جبران شود.اما به هر حال به نظر می رسد تغییر قیمت‌ها در بخش مسکن بیش از تورم سالانه نخواهد بود.

وی با اشاره به کاهش صدور پروانه‌های ساختمانی در سه ماهه ابتدای امسال بیان کرد: در سه ماهه ابتدای امسال صدور پروانه‌های ساختمانی در شهر تهران با ٥۳ درصد کاهش روبرو بوده است، ضمن آنکه این رقم در کل کشور ۲٥/۸ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

نامبرده تصریح کرد: این ارقام نشان دهنده این است که سرمایه گذاری کمتری در بخش مسکن صورت می گیرد که این موضوع هم ناشی از تعداد کم خریداران در این بازار و کاهش قدرت خرید مردم است.وی با تاکید بر اینکه سرمایه‌گذاری کمتر، یک عامل منفی در بازار مسکن به شمار می‌رود، اظهار داشت: اما جنبه مثبت این موضوع این است که فقط خریداران واقعی در بازار مسکن حضور دارند و دلالان و سفته بازان از بازار حذف شده اند.

مظاهریان با اشاره به اینکه بازار اجاره بها هم در این مدت آرام بوده است، بیان کرد: پیش بینی بازار مسکن برای سال آینده زود است؛ به دلیل اینکه شاخص‌های زیادی بر قیمت نهایی مسکن تاثیر می‌گذارد.

وی افزود: وضع اقتصاد کلان مانند تورم، بازار ارز و اتفاقاتی که در بازارهای موازی مانند بورس می‌افتد و حتی سیاست گذاری بانک مرکزی می‌تواند نقش موثری را در آینده بازار مسکن ایفا کند.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۱۰٤/۹۰ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۸/۲۱ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰٥/۰۷ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۳۰٦/٤۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹٤۷۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹٥۱۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ٤/۰٦ گرم)	٤۷۷۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۷٤۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۷۷۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹٦۷۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۲۸۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ بانکی)	۲٦۱۱/٦ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر بانکی)	۳۱٤۰ تومان
یورو (نرخ بانکی)	۳٥۳۲/٤ تومان
یورو (نرخ غیر بانکی)	٤۲٥٥ تومان
پوند انگلستان (نرخ بانکی)	٤٤٦۰/٤ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر بانکی)	٥۳٤٥ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۷۱۱ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸٥٥ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

وزش‌باد و گرد و خاک برای ۸ استان

سرویس اقتصادی ـ سازمان هواشناسی برای امروز و فردا آسمان ۸ استان را همراه با گرد و خاک به سبب وزش باد نسبتاً شدید پیش‌بینی کرد.

بر این اساس در استان‌های سمنان، تهران، البرز، خراسان رضوی، اصفهان، قم، خوزستان و مرکزی پدیده کاهش دید افقی و افت کیفیت هوا ملاحظه خواهد شد.

طبق اعلام سازمان هواشناسی دمای هوا امروز در تهران ٤۰ درجه و برای فردا هم ٤۱ درجه پیش‌بینی شده است در حالی که بیشترین دمای هوا به میزان ٤۹ درجه برای خوزستان و کمترین آن به میزان ۲٥ درجه برای استان اردبیل است.

بسته حمایتی صادرات به گمرکات کشور ابلاغ شد

گمرک جمهوری اسلامی ایران بسته حمایتی صادرات را در راستای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی جهت اجرا به گمرکات سراسر کشور ابلاغ کرد.

به گزارش روابط عمومی گمرک ایران ،این بسته حمایتی شامل ۲۰ نوع تسهیلات گمرکی است که در راستای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی برای واحدهای تولیدی و حمایت ویژه از صادرات در نظر گرفته شده است.

بنابراین گزارش، مهمترین ویژگی این بسته حمایتی، افزایش چشمگیر تعداد تسهیلاتی است که گمرکات سراسر کشور به صادرکنندگان ارائه خواهند کرد.

انتصاب اعضای شورای عالی مالیاتی

وزیر امور اقتصادی و دارایی در احکام جداگانه‌ای عباس خیرخواه، سید ناصر ابراهیمی سریزدی، عباس ورزیده و تاریویردی راثی را به سمت اعضای شورای عالی مالیاتی منصوب کرد.

در احکامی که از سوی علی طیب نیا صادر شده، آمده است: در اجرای مقررات ماده ۲٥۲ قانون مالیات های مستقیم و بنا به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، به موجب این حکم از تاریخ انقضای دوره قبل به عنوان عضو شورای عالی مالیاتی منصوب می شوید. امید است با اتکال به خداوند متعال در جهت تحقق اصول قانون مداری، اعتدال گرایی و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید، حضوری فعال و همه جانبه داشته باشید.

احتمال افزایش سقف برداشت از خودپردازها تا هفته آینده

مدیرکل فن‌آوری اطلاعات بانک مرکزی از احتمال تصمیم‌گیری برای تغییر سقف برداشت از خودپردازها تا هفته آینده خبر داد.

به گزارش ایسنا،این در حالی است که در نیمه دوم سال گذشته برخی بانک ها از جمله بانک توسعه صادرات و در اواخر سال بانک ملی میزان برداشت روزانه از دستگاه‌های خودپرداز خود را افزایش داده بودند.

همچنین در سال جاری بانک سینا اعلام کرد که امکان دریافت بیش از ۲۰۰ هزار تومان با کارت‌های این بانک و از خودپردازهای آن فراهم شده است. در عین حال برخی خبرها بیانگر این است که در تعدادی دیگر از بانک‌ها هم به طرق دیگر چنین امکانی وجود دارد.

بانک های مورد نظر در حالی افزایش سقف برداشت از خودپردازهای خود را بر اساس یک تصمیم داخلی و به دلیل تقاضای مشتریان با توجه به افزایش تورم و ثابت ماندن رقم قابل برداشت عنوان کردند که بانک مرکزی در واکنش به این موضوع اعلام کرد که این اقدام غیر قانونی بوده و این بانک هیچ مجوزی در این رابطه صادر نکرده است.

اما مدیرکل فن آوری اطلاعات بانک مرکزی با اشاره به انجام بررسی‌ها برای تغییر سقف برداشت از خودپرداز بانک‌ها اعلام کرد که تا هفته آینده در این مورد تصمیم‌گیری خواهد شد.

طرح بانک حکمت ایرانیان برای تأمین آینده کودکان بی‌سرپرست

مدیرعامل بانک حکمت ایرانیان همزمان با هفته اکرام و شب‌های قدر به همراه جمعی از معاونان و مدیران این بانک از شیرخوارگاه شبیر بازدید کردند.

دکتر عباس عسکرزاده مدیرعامل بانک حکمت ایرانیان ضمن بازدید از شیرخوارگاه شبیر از افتتاح نزدیک به هزار حساب بانکی در قالب طرح «رویای کودکان آسمانی حکمت»، به نفع کودکان زیر ۱۰ سال بهزیستی خبر داد و گفت:این یک طرح آسمانی است که طی آن سپرده‌ای به مدد نیت خیر انسان‌ها برای کودکان تحت نگهداری مراکز بهزیستی افتتاح می‌شود.

مدیرعامل بانک حکمت ایرانیان با بیان این که کودکان بهزیستی پس از ترخیص از مراکز بهزیستی در اوج جوانی با مشکلاتی همچون اشتغال، تحصیل، مسکن و ازدواج روبرو می‌شوند، افزود: این عوامل ما را بر آن داشت تا طرح رویای کودکان آسمانی حکمت را بر پایه عدالت و حکمت پیاده و به دور از سازمان محوری، امری خداپسندانه را در راستای کمک به این کودکان متبلور سازیم.

وی افزود: این منابع توسط خیرین به‌نام هر کدام از کودکان بهزیستی زیر ۱۰ سال به‌صورت حساب بانکی واریز می‌شود و تا پایان سن قانونی این کودکان با عالی‌ترین سود بانکی نزد بانک سپرده‌گذاری می‌شود، همچنین با ورود صندوق طرح رویای کودکان آسمانی حکمت به بورس، امکان اختصاص سود سپرده به نفع این کودکان نیز فراهم شده‌است.

واکاوی مشکلات کودکان کار و خیابان - بخش نخست

وقتی زندگی در خیابان امن‌تر از خانه می‌شود...





دکتر حسن قاضی‌زاده هاشمی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

* دکتر حسن قاضی‌زاده هاشمی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: دولت وظیفه دارد به کودکان کار کمک کند، اما همگان انتظار دارند، همه کارها را دولت انجام دهد. البته دولت فعلی گرفتار مشکلات زیادی است و اگر خیلی هنر کند، نگذارد تعداد این کودکان بیشتر شود

* بسیاری از کودکان کار خانواده‌های مناسبی ندارند و در بسیاری از اوقات امکان دسترسی مناسب به آنان نیست، از این رو دانشجویان و افراد خیر می‌توانند با همکاری وزارت بهداشت و درمان و ارگان‌های دیگر در این کار خیر سهیم باشند و برای حل این معضل اجتماعی امکانات کشور را تجمیع کنند

* دکتر علی فرجام - روان‌شناس اجتماعی: کودکان کار مطرود و غیر مسئول نیستند، بلکه کسانی هستند که برای ادای مسئولیت‌های مالی و خانوادگی با منابع بسیار محدودی که در اختیار دارند، در شرایط بسیار مشکلی تلاش می‌کنند

* کودکان کم‌سن و سال و نوجوانانی که وضع معیشتی نامطلوبی دارند و تحصیل نمی‌کنند، شکارهای خوبی برای کارفرمایانی هستند که در جستجوی نیروی کار ارزان قیمت‌اند

* بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در حال حاضر حدود ۱۱ میلیون کودک در سراسر کشور زندگی می‌کنند که متعلق به ۴ میلیون خانواده ایرانی‌اند و این در حالی است که دست کم ۲۳ هزار کودک در شهرها و ۳۲۳ هزار کودک در روستاهای کشور، در شغل‌های مختلف مشغول به کارند

* دکتر علی حسینی - روان‌شناس: کودکان به دلیل جثه ضعیفی که دارند، نمی‌توانند از حقوق خودشان دفاع کنند. کارفرمایان هم دستمزد واقعی به کودکان نمی‌دهند و بیش از حد توانشان، از آنان کار می‌کشند

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در حال حاضر حدود ۱۱ میلیون کودک در سراسر کشور زندگی می‌کنند که متعلق به ٤ میلیون خانواده ایرانی‌اند و این در حالی است که دست کم ۲۳ هزار کودک در شهرها و ۳۲۳ هزار کودک در روستاهای ایران در شغل‌های مختلف مشغول به کارند.

بر اساس طرح حمایت از کودکان و نوجوانان، تمامی افرادی که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند باید از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند و ایران به عنوان کشوری که کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده، مانند سایر کشورها ملزم به رعایت مفاد این کنوانسیون است.

حال آن‌که متأسفانه در اغلب کشورهای جهان سوم، علیرغم گذشت چندین سال از تصویب کنوانسیون حقوق کودک و نظارت و مساعدت صندوق کودکان سازمان ملل و الزام دولت‌ها به ارائه گزارش سالانه از وضعیت آنان به مراجع ذی ربط، هنوز حقوق کودکان به عنوان ممتازترین قشر جامعه، به رسمیت شناخته نشده و یا تثبیت نشده است.

بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که توجه به مشکلات و مسائل مادی و معنوی کودکان، به معنای تربیت منابع سالم انسانی است و هرگاه این رویکرد در جامعه‌ای مورد غفلت قرار گیرد، عواقب سوء آن آسیب‌های اجتماعی را پدید می‌آورد که به گسستگی و انحطاط اخلاقی جامعه می‌انجامد.

تأمین سلامت کودکان کار

دکتر حسن قاضی‌زاده هاشمی - وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مصاحبه با خبرگزاری فارس با بیان این مطلب که اکثر کودکان کار به سوء تغذیه مبتلایند و بسیاری از آن‌ها معتاد به موادمخدر به دنیا می‌آیند، اظهار داشته است: بعضی از این کودکان از ابتدای صبح تا نیمه‌های شب مجبورند در خیابان به دنبال کار بگردند و همه این کودکان نیازمند کمک‌های فوری‌اند.

وی می‌گوید: رشد تعداد کودکان کار ناشی از سیاست‌های غلط دولت‌ها و مجلس‌های قبلی است و دولت وظیفه دارد به این کودکان کمک کند، اما همه انتظار دارند همه کارها را دولت انجام دهد، البته دولت فعلی واقعاً گرفتار مشکلات زیادی است و خیلی هنر کند، نگذارد تعداد این کودکان بیشتر شود.

قاضی‌زاده هاشمی همچنین از تقبل پرداخت ۹۵ درصد هزینه‌های بستری کودکان کار و خیابانی و خانواده‌هایشان در بیمارستان‌های دولتی خبر می‌دهد و می‌افزاید: امیدواریم به عنوان مسئول سلامت کشور بتوانیم بخشی از دینمان را برای کمک به این قشر ادا کنیم و در مورد ۵ درصد بقیه هزینه‌های بستری نیز در صورت تشخیص جمعیت امدادی، کل آن از طرف دولت پرداخت می‌شود.

وی یادآوری می‌کند: برای ارائه خدمات درمانی به این کودکان، می‌توانیم در استان‌های مختلف و در دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور و نیز تهران بیمارستان‌های معین را تعریف کنیم که مخصوص بستری کودکان کار و خیابانی و خانواده‌هایشان باشد تا موظف به پذیرش این کودکان و خانواده‌های آنان باشند.

وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی با بیان این مطلب که متأسفانه آمار تعداد کل کودکان کار را در اختیار نداریم می گوید: بر اساس برآوردی که در یک تحقیق داشته ایم، میزان شیوع ابتلا به ویروس ایدز در بین کودکان کار معتاد ٤۵ برابر کل جامعه است که آمار بسیار بالا و نگران کننده ای است از این رو وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی آماده است تا برای شناسایی و حمایت از این کودکان، درمان آنها و تأمین امکانات و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به آنها کمک کند.

وی می افزاید: کودکان کار متأسفانه با آسیبهای زیادی مواجه هستند، شیوع سوء تغذیه در بین آنها بالاست، شیوع ایدز و بیماریهای عفونی نیز در بین آنان نگران کننده است.

ما باید اول از همه این کودکان را شناسایی کنیم و بعد بتوانیم خدمات مناسبی به آنها ارائه کنیم.

هاشمی با اشاره به این مطلب که بسیاری از این کودکان خانواده مناسبی ندارند و در بسیاری از اوقات امکان دسترسی مناسب به آنان نیست یاد آوری می کند: دانشجویان و افراد خیر می توانند با همکاری وزارت بهداشت و ارگانهای دیگر در این کار خیر سهم باشند و برای حل این معضل اجتماعی امکانات کشور را تجمیع کنند.

وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی می گوید: بسیاری از این کودکان در خانواده های ساکن حاشیه شهرها در جایی که هیچ نوع امکانات بهداشتی و رفاهی نیست زندگی می کنند. رسیدگی و ساماندهی این مسئله به تنهایی از عهده دولت خارج است و باید همه گروهها و افراد خیر وارد این عرصه شوند و هم افزایی داشته باشند.

وی با بیان این مطلب کهاین یک کار انساندوستانه و اخلاقی است و نجات حتی یک کودک نیازمند کار بزرگی است که باید همه احساس وظیفه کنند می افزاید: با توجه به شیوع بالای اعتیاد در بین کودکان کار از مسئولان وزارت کشور و ستاد مبارزه با مواد مخدر هم برای ساماندهی این مسئله انتظار همکاری داریم.

کودکان کار و مشکلاتشان

دکتر علی فرجام - روان‌شناس اجتماعی در مورد کودکان کار به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: به کسانی کودکان کار می‌گویند که کار، مانع تحصیل و روند رشد طبیعی‌شان شود و نیز کار، با بهره‌کشی همراه باشد و آسیب‌های جسمی، روحی، اجتماعی و شخصیتی برای آنان ایجاد کند. بر اساس پیمان‌نامه جهانی کودک، پایان سن کودکی ۱۸ سال است.

کودکان کم‌سن و سال و نوجوانانی که وضع معیشتی نامطلوبی دارند و تحصیل نمی‌کنند، شکارهای خوبی برای کارفرمایانی هستند که در جستجوی نیروی کار ارزان قیمت‌اند.

وی می‌افزاید: اغلب کودکان کار به دلیلی ممنوع بودن کارشان، در کارگاه‌های مخفی و زیرزمینی با دستمزد بسیار ناچیز کار می‌کنند که این مسأله باعث می‌شود همیشه متقاضی کار کودک وجود داشته باشد.

دستمزد بسیار پایین، مطالبه نکردن بیمه، بازنشستگی و هزینه‌های بهداشتی و اطلاع نداشتن کودکان از سایر حقوق خود، باعث سوءاستفاده از این کودکان می‌شود.

این روان‌شناس اجتماعی یادآوری می‌کند: مشاغلی که کودکان در تهران به آن اشتغال دارند، به ۳ دسته تقسیم می‌شوند. گروهی که در خیابان‌ها فال، آدامس، گل و بیسکویت می‌فروشند.

گروه دوم در کارگاه‌هایی مانند خیاطی، کولرسازی و کفش‌دوزی فعالیت دارند و گروه سوم هم در خانه به کارهایی نظیر شکستن قند و پاک کردن سبزی و کارهای بسته‌بندی مشغولند.

وی با بیان این مطلب که برخی از کودکان خیابان به بزهکاری‌هایی مانند دزدی و گدایی اشتغال دارند، می‌گوید: متأسفانه این کودکان وارد چرخه معیوبی می‌شوند، یعنی مادری که گدایی می‌کند، فرزندش را هم وادار به گدایی می‌کند، یا وقتی پدر یا برادر دزدی می‌کنند، آن کودک هم یاد می‌گیرد که دزدی کند که در نتیجه در آینده به هنجار شکنان جامعه تبدیل می‌شوند.

مرزبندی کودکان خیابان و کار

دکتر فرجام، در مورد مرزبندی کودکان خیابانی و کودکان کار می‌افزاید: معمولاً تصوری که مردم از کودکان خیابانی در ذهن دارند، این است که آنان افراد صغیری هستند که در خیابان‌ها بدون نظارت و پشتیبانی بزرگسالان زندگی می‌کنند و چون مسکن و مراقب ندارند و خارج از ساختارهایی که بزرگسالان سازمان می‌دهند، عمل می‌کنند، از یک طرف به عنوان افراد محروم و به حاشیه رانده شده و از طرف دیگر به عنوان مطرود یا کودکان شرور تلقی می‌شوند.

این روان‌شناس با بیان این مطلب که ما به‌طور کلی با کار کردن کودکان مخالف هستیم، یادآوری می‌کند: کودکان به دلیل جثه ضعیفی که دارند، نمی‌توانند از حقوق خودشان دفاع کنند، و این درحالی است که کارفرمایان هم دستمزد واقعی به کودکان نمی‌دهند و بیش از حد توانشان از آنان کار می‌کشند. کودکانی که دستفروشی می‌کنند، معمولا وسایلی را می‌خرند و بعد با سود می‌فروشند. البته همیشه هم سودی عایدشان نمی‌شود، زیرا بساط‌شان از طرف شهرداری یا کلانتری جمع‌آوری می‌شود.

وی می‌گوید: این کودکان پول به دست آمده از دستفروشی را خرج خانه کنند و این درآمد حتی صرف تحصیل و سلامتشان هم نمی‌شود، زیرا باید کرایه خانه و هزینه‌های خورد و خوراک خانواده‌هایشان را هم تأمین کنند. دکتر حسینی اضافه می‌کند: برای بیشتر مشاغل قوانینی وجود دارد که براساس آن، افراد دستمزد می‌گیرند. اما متاسفانه هیچ قانونی برای دستمزد کودکان کار وجود ندارد. این کودکان از ۸ صبح تا ۹ شب به ازای دستمزدهای ناچیز در اختیار کارفرمایان هستند که این یک نوع استثمار است، هرچند که کودک کار با این همه ساعت کاری شاید ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان دریافت دارد و آن هم کار در شرایط سخت در محیط غیربهداشتی که سلامت جسمی و روانی کودک را تهدید می‌کند.

فقر اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها

وی یادآوری می‌کند: تعداد کودکان کار نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده و فقر اقتصادی مهم‌ترین عامل این افزایش بوده است.

البته فقر آموزشی، فرهنگی و مهاجرت‌ها هم در این مسأله دخیل هستند. فقر فرهنگی حاکم بر خانواده‌های این کودکان بسیار مهم است، این خانواده‌ها معتقدند تحصیل برای کودکان مهم نیست و آنان باید کار کنند.

از این رو به خشونت متوسل می‌شوند و کودکان را از کلاس درس بیرون می‌آورند و سرکار می‌فرستند تا به امرار معاش خانواده کمک کنند. خیلی وقت‌ها پدر اعتیاد دارد و کودک را وادار می‌سازد برای تأمین مخارج اعتیادش کار کند و به مرور او را هم معتاد می‌کند تا برای تأمین موادش با مشکل روبرو نشود، همچنین بسیار دیده شده است پدری که نمی‌تواند سرکار برود، کودک را وادار می‌کند سرکار برود و هزینه‌های زندگی را تأمین کند، یا تعداد افراد خانواده آنقدر زیاد است که یک نفر نمی‌تواند از پس تمامی هزینه‌ها بربیاید، پس کودکان هم باید کار کنند و همه اینها دلایل کار کردن کودکان است.

این روانشناس می‌گوید: مسأله مهم دیگر مهاجرت‌هاست بخصوص خانواده‌های افغانی که وارد ایران شده‌اند، معمولا والدین پیر دارند و تعداد بچه‌هایشان هم زیاد است و وظیفه آنهاست که کار کنند تا هزینه زندگی تأمین شود.

با توجه به این که یارانه‌ها هم به افغان‌ها تعلق نمی‌گیرد، آنان بیشتر در فشار قرار می‌گیرند و ایرانیان هم به دلیل شرایط اقتصادی نمی‌توانند به آنها کمک کنند.

وی در مورد شرایط روحی و روانی کودکان کار می‌افزاید: سرخوردگی‌هایی که برای کودکان به‌وجود می‌آید، خیلی زیاد است. ما معتقدیم آموزش و تفریح، حق کودکان است، درحالی که کودکان کار از این حقوق محروم هستند و این مسأله باعث می‌شود که اعتماد به نفس نداشته باشند و نتوانند از حق خودشان دفاع کنند. از این رو از اجتماع دور و دچار تضاد و تعارض می‌شوند.

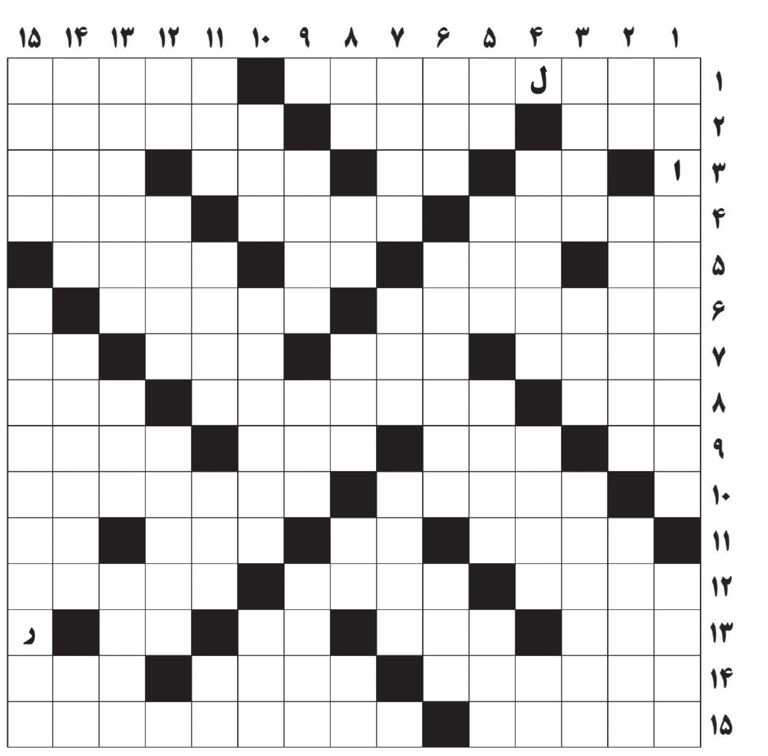
خیلی از کودکانی که در مناطق پایین شهر زندگی می‌کنند، وقتی برای دستفروشی به بالای شهر می‌روند، خانه‌های آنچنانی، مغازه‌های لوکس و رستوران‌های شیک را می‌بینند و به خصوص خانواده‌هایی که به همراه فرزندانشان به شمال شهر می‌روند، دچار تضاد می‌شوند که چرا زندگی‌شان این گونه است و در نتیجه دچار سرخوردگی می‌شوند و همین مسایل باعث می‌شود که کودک آسیب‌های جدی ببیند و دچار افسردگی شود.

کودک افسرده از خانه فرار می‌کند تا از بار مشکلات رهایی یابد، اما متاسفانه در دام باندهای تبهکار گرفتار می‌شود.

بیتا مهدوی

جدول ۲۲۳۲۰

طراح: غلامحسین باغبان



افقی:
۱ - بخور آن برای سرما خوردگی و زکام بکار میرود - نام دیگر تباشیر از داروهای فرنگی
۲ - عایدی - گردهمایی - بندری در فرانسه
۳ - ناپیدا - دانه خوشبو - کاپ ورزشی - اولین قبله گاه مسلمین
۴ - فربه - منسوب به ادبیات - دریاچه مرزی کانادا
۵ - داخل - پهلوانی در شاهنامه ، فرزند گودرز و پدر بیژن - کوچک - عنوان اشرافی برای زنان
۶ - پریشان - کاشف گردش خون
۷ - چهره - تاب و توان - عدسی - درخت انگور
۸ - هذیان - تیم سقوط کرده به لیگ یک فوتبال - اسب یدک
۹ - کلمه شگفتی - سازمان جاسوسی ینگه دنیا - مخفف تباه - صدای ماکیان
۱۰ - شهری در خراسان رضوی با نام پیشین «ترشیز» - دارای زن و فرزند
۱۱ - این مهربان تر از مادر - توپ تو خالی! - از حروف یونانی - راز بی پایان
۱۲ - پودری که در دستگاه های زیراکس و پرینتر به کار می رود - ورقه های نازک سیب زمینی سرخ کرده - غذای نخود آب پز
۱۳ - نمو - مته برقی - حرف هشتم لاتین - تیر پیکاندار
۱۴ - عید ترکی - کثیف و ناپاک - سخت تر
۱۵ - عوض کردن - برنده نوبل فیزیک ۱۹۵۶ از پیشگامان اختراع ترانزیستور

عمودی:
۱ - سازش - خاک مقدس
۲ - کاشف میکروب سل - شرمنده از گناه - شیره انگور
۳ - طرح و مدل - کشوری عربی با مرکز صنعا - کتابی از فرانسوا ماری ولتر
۴ - مواد مذاب در قسمت های درونی قشر زمین - دیگر - شهر زیارتی
۵ - پول آسیایی - از اعضای تنفسی - بلیط فروشی - حرف دهم الفبا
۶ - حشره مزاحم - از تیم های فوتبال انگلیس - پوست گاو یا شتر دباغی شده
۷ - واحد بین المللی چگالی شار مغناطیسی - مجتمع تهیه فولاد آلمان - عنکبوت سمی
۸ - پوستین - دفع مزاحم - سختی - نام «گواردیلو» مربی بایرن مونیخ - من و تو
۹ - میدان جنگ - یک چهارم - اتاق پذیرایی
۱۰ - گل و لجن - مقام الهی - جنس تنه درخت
۱۱ - ماده ساخت شمع - اسب حنایی رنگ - یار«متل» - نام حرف ث
۱۲ - پاسخ منفی - تاکنون - بدلی
۱۳ - نوعی انگور - تنبل جالیزی - نمد مال
۱۴ - مقابل دیررس - همگرای و همرس - ضمیر مونث فرنگی
۱۵ - کاشف میکروب طاعون - به دست آوردن پول با کار یا فعالیت ، کسب درآمد

حل جدول ۲۲۳۱۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ت	م	و	چ	ی	ن	■	ف	ر	م	ا	ل	ی	ت	ه
۲	و	■	ن	ی	م	ر	و	■	ا	ر	ب	ی	ل	■	ز
۳	ا	ت	ی	ل	ن	■	ح	د	■	ا	د	ر	■	ک	ا
۴	ن	ا	ز	ک	■	ن	ی	ا	م	د	■	ه	ز	ا	ر
۵	گ	ب	ی	■	ک	ی	■	و	ح	ی	د	■	و	ر	م
۶	ر	ت	■	ب	ا	ل	ف	ر	ض	■	ا	و	ل	ی	س
۷	■	ا	ت	و	ش	و	ی	ی	■	ن	و	ک	ب	ر	ج
۸	ب	■	ن	م	■	ف	ش	■	ن	ا	■	ا	ی	■	د
۹	چ	ا	ب	ه	ا	ر	■	ب	ی	ا	ط	ل	ا	ع	■
۱۰	ا	ل	و	ن	د	■	م	م	ا	ش	ا	ت	■	م	ش
۱۱	پ	ی	ش	■	ا	م	ح	ا	■	ن	س	■	ب	ر	و
۱۲	ب	و	ه	م	■	ب	ل	ن	د	ا	■	ق	ر	ا	ر
۱۳	چ	ت	■	پ	س	ت	■	ی	ر	■	ش	ی	ا	ن	ی
۱۴	ا	■	ت	ر	ی	ل	ر	■	م	ع	ت	ص	م	■	د
۱۵	پ	ا	م	س	و	ا	ک	ی	■	و	ا	ر	س	ت	ه



پیشروی فرهنگ ایران در ژاپن

پروفسور ئه‌ایچی ایموتو
ترجمه قدرت‌الله ذاکری
بخش اول

اشاره: ژاپن کشوری است در اقیانوس آرام که کاملاً در آب محصور شده و تنها از طریق مرز آبی با چین، کره و روسیه همسایه است. با این وصف فرهنگ ایران از اواخر دورۀ ساسانی و با عبور گروهی از پناهندگان ایرانی از چین، به ژاپن راه یافت. این ماجرا و پیامدهایش موضوع شایان توجهی است که پروفسور ایموتو (۱۹۳۰ـ ۲۰۱۴) تا اندازه‌ای در کتاب «آسوکا و پارس» (پیشروی فرهنگ ایران به شرق) به آن پرداخته است. وی استاد بخش زبان فارسی و ایران‌شناسی دانشگاه اوساکا بود و سالها در ایران زیست و کتابها و مقالات متعددی در این باره نوشت؛ از جمله: ایران و ژاپن باستان، آسوکا و پارس، پیشروی فرهنگ ایران به شرق.

ترجمه کتاب اخیر در دومین جشنواره بین‌المللی فارابی به عنوان اثر برگزیده مطرح شد و به همت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. متن حاضر تلخیصی بسیار فشرده از فصل نخست کتاب است که امیدواریم زمینه‌ساز توجه علاقه‌مندان به این موضوع و مطالعه متن اصلی شود.

***

ورود فرهنگ ایران به ژاپن، در اواخر دوره ساسانی (۲۲۶ تا ۶۵۱م) و با گذر از چین دورۀ سوئی (۵۸۱ ـ ۶۱۹) و تانگ (۶۱۸ ـ ۹۰۷) برای اولین بار به منطقه آسوکا[1] صورت گرفت. حاملان این فرهنگ، چینی‌ها و ایرانیها بودند. ایرانیها پناهندگان زیادی بودند که به واسطه مخاطرات سیاسی دورۀ ساسانی از وطن خود گریختند و به سوی شرق تعقیب شدند تا سرانجام به چَنگ‌آن[2] رسیدند. یک عده از پناهندگان بندر کیوآنژو[3] در فوُجان[4] را برگزیدند. برخی از پناهندگان هم به سمت غرب گریختند که در اختیار امپراتوری روم شرقی بود؛ اما در آن اواخر لشکریان عرب به سوریه یورش برده و راه را بسته بودند؛ در نتیجه پناهندگان کالای بازارهای خرید و فروش برده شدند.

چنگ‌آن و کیوآنژو از زمان اوج سلسلۀ ساسانی، با ایران مبادلات فرهنگی داشتند و پرستشگاههای زردشتی، مسیحی، بودایی و آیین مانی در این شهرها با هم رقابت می‌کردند. ایرانیان زردشتی که در زمان اوج حکومت ساسانی به چنگ‌آن نقل مکان کردند، معتقد به زمان بیکرانه بودند. اعتقاد به «زَروان اکرَن» در زمان بعد ضعیف شد؛ اما زروانیان به منجی جاوید باور پیدا کردند. در میان پناهندگان ایرانی، زیاد بودند کسانی که توانایی مالی و هوش سرشار داشتند و جذب در جامعۀ مشترک ایرانیانی شدند که قبلاً آمده بودند؛ اما ایرانیها محدود به پیروان زردشت نبودند. در میان آنها عده‌ای بودایی هم بودند.

در ختن که جزئی از ناحیه خودمختار اویغور در ایالت خین جیانگ[5] ـ ترکستان شرقی ـ چین است، منابع بودایی ترجمه‌شده به زبان ختنی (از زبانهای ایرانی میانه) باقی مانده است. در میان پیروان فرقۀ نستوری هم که قرن پنجم در سوریه پدید آمد، عده زیادی ایرانی بودند. در میان اسامی نستوریان چنگ‌آن و کتابهای دینی آنها واژگانی که ریشه در زبان ایرانی دارند، دیده می‌شود. دورۀ آسوکا[6] که سه امپراتور یعنی سوئیکو (۵۵۴ ـ ۶۲۸)، سایمه (۵۹۴ ـ ۶۶۱) و تنمو در آن حکومت کردند، همزمان با چنین دورانی است.

از زمان انتقال پایتخت به هه‌جوکیو توسط امپراتور گنمه (سال ۷۱۰) تا انتقال پایتخت به ناگائوکاکیو به وسیله امپراتور کانمو (سال ۷۸۴) در دورۀ نارا[7] آثار هنری ایران به میزان زیادی به ژاپن وارد شدند. دورۀ نارا زمانی است که ایران دورۀ ساسانی فروپاشید و زبان فارسی جدید که با حروف عربی نوشته می‌شد و در آن لغات عربی زیادی وارد شده بود، جایگزین فارسی میانه شد. اعراب فاتح ابتدا در دمشق حکومت امویان (۶۶۱ ـ ۷۴۹) را تأسیس کردند؛ اما بعداً عباسیان (۷۴۹ـ ۱۲۵۸) در بغداد جایگزین آنها شد. تا حدود سیصد سال دربارۀ وضعیت سرزمین اصلی ایران تا مناطق غربی چین چند زیادی نمی‌دانیم.

با توجه به متون عبری متعلق به قرن دهم که در ترکستان شرقی کشف شده است، نگارش فارسی جدید به حروف فارسی میانه و نیز حروف عبری و آرامی نبود، بلکه باید به حروف عربی بود. در دورۀ نارا هم ایرانیانی به ژاپن آمدند. هرچند در وطن اینها زبان فارسی میانه با اخذ لغات عربی به زبان فارسی جدید تغییر کرده بود، اما زبانی که آنان صحبت می‌کردند، فارسی پیراسته از واژگان عربی بود. ایرانیانی که در دورۀ نارا به ژاپن آمدند، کسانی از سرزمین اصلی ایران نبودند، بلکه نسل دوم و سوم ایرانیانی بودند که در شهرهایی چون چنگ‌آن پرورش یافته بودند. در مورد کسانی نیز که با کشتی به سواحل ژاپن رسیدند، همین را می‌توان گفت. اگر تلفظ کانجیِ[8] نام ایرانیها و مظاهر فرهنگ ایران را مجدداً به فارسی برگردانیم، این فارسیَ ویژگیهای اواخر زبان فارسی میانه را دارد.

تأثیر فرهنگ ایران بر ژاپن باستان

محققان زیادی تأثیرگذاری فرهنگ ایران بر ژاپن باستان را از اواخر دورۀ ساسانی تا اوایل دوره اسلامی تأیید می‌کنند. با این همه، تأثیر فرهنگ ایران از دورۀ هخامنشی (۵۵۰ تا ۳۳۰ ق.م) هم دیده می‌شود. اسکندر مقدونی (۳۵۶ـ۳۲۳ق.م) که سلسلۀ هخامنشی را از میان برد، پیشروی به شرق یونانی گرایی را آغاز کرد. در داخل فرهنگی که به واسطۀ فتوحات شرقی اسکندر پدیدار شد، علاوه بر فرهنگ مقدونی‌ـ یونانی، بقایای فرهنگ مصر، آشور و بابل هم دیده می‌شود.

منتقل‌کنندگان فرهنگ یونانی گرایی به شرق، ایرانیها بودند. قبل از هخامنشیان، فرهنگهای مختلف مانند مصر، آسیای صغیر، شام (شامل فلسطین، لبنان و سوریه و اردن امروزی) و بین‌النهرین مبادله فرهنگی شرق و غرب داشتند. منتقل‌کنندگان آنها مشخص نیست؛ اما همانند موج منتقل می‌شدند. شیراکاوا شیزوکا[9] در کتاب «افسانه‌های چین» می‌گوید که سلسلۀ کین[10] که بر سه‌جو حکومت کرد و سلسلۀ شین[11] که با مناطق شمالی ارتباط داشت، اولین پذیرندگان دانش مناطق غربی بودند. با استناد به گفته‌های شیراکاوا، خاستگاه طالع‌بینی و ستاره‌شناسی (مثل تقسیم مسیر گردش ستارۀ برجیس به دوازده قسمت و نامگذاری آن با نام حیوانات و یا تقسیم‌بندی این مسیر به ۲۸ قسمت)، بابل است که اینها قبل از ورود به چین، تغییرات زیادی پیدا کردند. تمام این دانشها بعد از فتوحات شرقی اسکندر به چین وارد شدند.

این فرهنگها در راههای واحه‌ای بین غرب آسیا و چین جابجا می‌شدند. در قسمت‌های شمالی راههای استپی وجود داشت که احتمالاً نسبت به راههای واحه‌ای قدمت بیشتری داشتند و سکاها که قومی ایرانی در مناطق شمالی بودند، نقش جابجاکننده را در آنها برعهده داشتند. سکاها با اسب جابجا می‌شدند، پس موارد اختلاف آنها با فرهنگی که در راههای واحه‌ای جابجا می‌شد، بسیار زیاد بود. فرهنگی که به وسیلۀ سکاها منتقل شد، در ابتدا فرهنگ ایرانی مناطق شمالی بود و بعداً به فرهنگ ایرانیِ مبدل شد که به تبادل با فرهنگ یونانی ـ رومی اروپای شرقی پرداخته بود و درآن تفاوتهایی با فرهنگ ایرانی که به چنگ‌آن وارد شد، دیده می‌شود.

بعد از اسکندر، امپراتوری او رو به افول نهاد و سلوکیان روی کار آمدند و با تضعیف سلوکیان، ارشاک (اشک) که از چادرنشینان ایرانی بود، سلسلۀ اشکانیان را بنا نهاد (۲۴۷ق.م تا ۲۲۵م) و زبان پارتی در کنار فارسی، زبان رایج جادۀ ابریشم شد. قلمرو اشکانیان از سند تا بین‌النهرین بود و شهرهای پراکنده از مناطق غربی چین تا جنوب غربی آسیا را در بر می‌گرفت.

کشور «آن‌شی‌کائو»[12] که در «کتاب هان» آمده، برگرفته از تلفظ ارشاک، بنیانگذار کشور پارت است. تلفظ حرف r در مناطق غربی با تلفظ چینی n مشترک بود. پس بانتائو[13] که آنسوکو ارشاک آنِ را متحد کرد، پارت (ایران اشکانی) است. پارت در زبان پارسی باستان «پَرثَوه» ثبت شده است. پارت در «کتاب هان» پوک‌تائو[14] و باتائو[15] ثبت شده است. پارت در زبان پهلوی شمالی با پارس در زبان پهلوی جنوبی یک لغت هستند که در زبان یونانی و لاتین «پرشیا» نوشته شده است.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱ ـ Asuka آسوکا نام منطقه‌ای در جنوب دشت محصور، در میان کوههای «نارا»ست. در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم، امپراتور سوئیکو پایتخت خود را در این منطقه قرار داد.

۲ـ Chang-an چون در قدیم پایتخت چین بود، به نام پایتخت غربی هم شناخته می‌شود.

۳ ـ Quanzhou بندرگاهی در ایالت فوجان که از دورۀ تانگ تا دورۀ یوآن مرکز تجارت دریای جنوب بود.

٤ ـ Fujan نام ایالتی در جنوب شرقی چین، در کنار کانال تایوان.

۵ ـ Xinjiang در زبان فارسی بیشتر سین کیانگ نوشته شده است.

٦ـ در تاریخ هنر و به هنگام تقسیم‌بندی دوره‌ها، به دوره‌ای گفته می‌شود که با محوریت حکومت ملکه سوئیکو از هنگام ورود دین بودایی تا انتقال پایتخت به هه‌جو (نارای فعلی) به طول انجامید. از دید فرهنگی و سیاسی هم به دوره‌ای گفته می‌شود که از اواخر قرن ششم تا اوایل قرن هفتم به طول انجامید.

۷ـ Narajidai: فاصلۀ بین سالهای ۷۱۰ تا ۷۸٤ را که مرکز حکومت در نارا بود، چنین می‌نامند.

۸ ـ Kanji: حروف چینی؛ همان‌طور که از نامش پیداست، حروفی است که در چین پدیدآمد و بعدها کره‌ای‌ها و ژاپنی‌ها از آن اقتباس کردند.

۹. Shirakawa Shizuka: چین‌شناس ژاپنی (۱۹۱۰ ـ ۲۰۰٦).

۱۰. Qin: سلسله‌ای از شاهان چین که از سال ۷۷۸ تا ۲۰٦ق.م بر مناطقی از چین حکمفرمایی کردند و از سال ۲۲۱ تا ۲۰٦ق.م قبایل چین را متحد کردند.

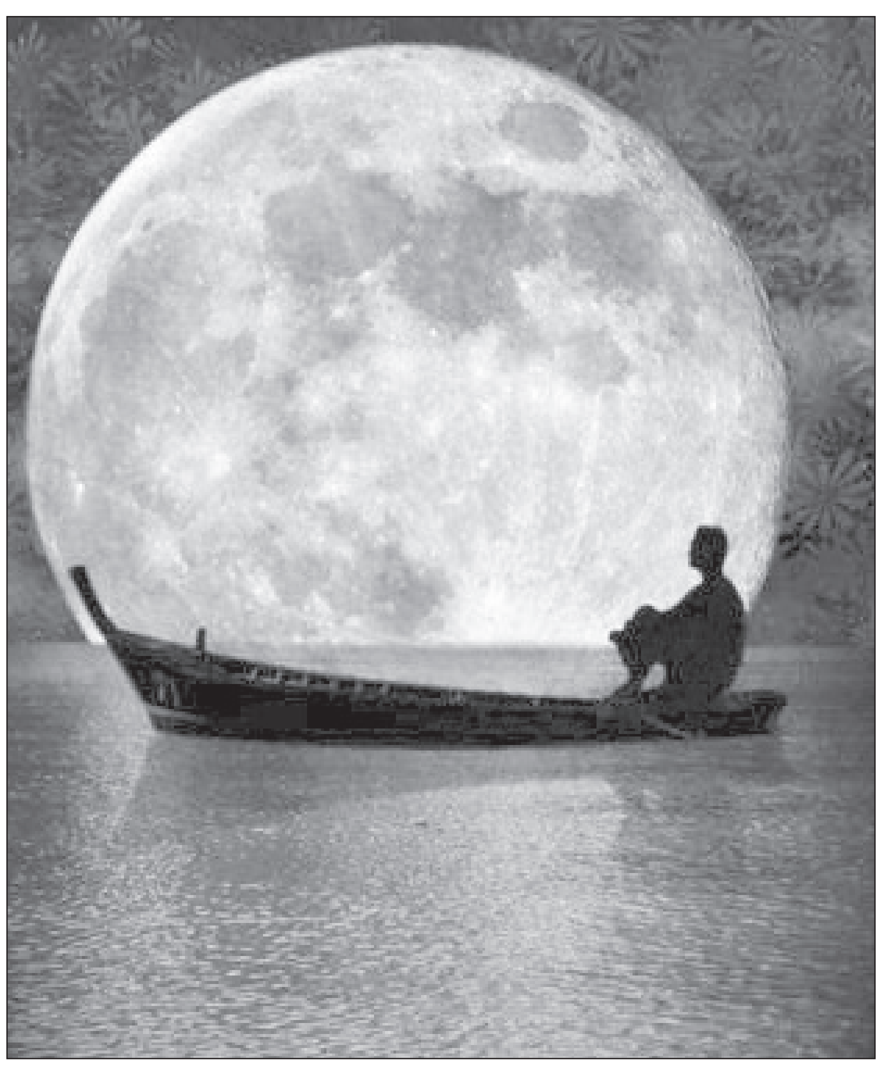
۱۱. Shin: نام کشور چین برگرفته از نام این قوم و سلسله است. آنها از ۱۱۰٦ تا ۳۷٦ق.م بر بخشهایی از چین حکومت کردند.

12. An Shih-kao
13. Bantau
14. Pokutau
15. Battau

زندگی شمس مغربی

دکتر ابوطالب میرعابدینی

بخش دوم و پایانی



مغربی و کمال خجندی

از مریدان معروف سیسی که با مغربی صحبت می‌داشت، کمال خجندی بود. مؤلف حبیب‌السیر درباره کمال گوید در بازگشت از سفر مکه، در تبریز اقامت می‌کند و مورد توجه سلطان حسین‌بن سلطان اویس (۷۸٤ـ ۷۷٦ق) قرار می‌گیرد. سلطان باغی در ولیان‌کوه (یا وییلان‌کوه) به وی می‌بخشد و کمال در آنجا خانقاهی می‌سازد، میرزا میرانشاه نیز به شیخ خجندی ارادت می‌ورزید. روزی مولانا مغربی با محمد مشرقی، محمد عصار، محمد خیالی به صحبت شیخ کمال می‌روند و شیخ مشغول طبخ غذا بود. غزلی سروده بود به مطلع:

چشم اگر این است و ابرو این و ناز و شیوه این
الوداع ای زهد و تقوا، الفراق ای عقل و دین

مغربی به کمال می‌گوید: «مولانا بزرگ است؛ چرا باید شعری گفت که جز معنی مجازی، محملی نداشته باشد؟» کمال رمز صوفیانۀ آن را بیان می‌کند که چشم به لسان اشارت عین و ابرو عبارت از حاجب است که اشاره به صفات است و مغربی از این طرز تعبیر کمال خدمت می‌کند و انصاف می‌دهد.



استنباط ریو نویسنده فهرست موزه بریتانیا که می‌گوید مناسبات این دو شاعر چندان خالصانه و باصفا نبوده است، با مطلب فوق تأیید می‌گردد. هم بدان سبب که کمال نزد میرانشاه تقرب دارد و مغربی برای دفاع میرزا ابوبکر قربان می‌شود، هرچند که ادوارد براون این شبهه را برای دو تن اهل صفا بعید می‌داند.

شاگردان مغربی

مغربی در تبریز به ارشاد مشغول بود و مجلس درس داشت. احمدبن موسی‌الرشتی الاستادی در مقدمه شرح جام جهان‌نما می‌گوید: «این فقیر رساله را دو نوبت نزد مصنف (مغربی) علیه‌الرحمه به قرائت خوانده‌ام و بر مشکلات آن وقوف یافته و بر حضور استاد حواشی نوشته و اجازت‌نامه به خط مبارک خود داده است.» احمد رشتی از مرید دیگری به نام کمال‌الدین یوسف، معروف به میرشکی نام می‌برد که به تقاضای وی جام جهان‌نما را در تبریز شرح کرده است.

از مریدانی که در سفر و حضر با مغربی ملازم بوده و با ارادتی خاص با وی زندگی می‌کرده، خواجه عبدالرحیم خلوتی است که در ۷۹۵ق در سلطانیه توبه گرفته و در سال ۸۰۳ در گیلان تلقین یافته است.

از یاران دیگر مغربی در سیر و سلوک، شیخ بهاءالدین همدانی و شیخ سعدالدین ـ فرزند محمود زعفرانی ـ و شیخ عبدالقاهر نخجوانی و شیخ مشرف‌الدین منیری است که در شهر سار کنار حوض منوگهر با مغربی مباحثه داشته است. شیخ عبدالله شطاری (مؤسس طریقه شطاریان) در هند از جمله خلفا و جانشینان مغربی است که از دست وی خرقه پوشیده و شطاری لقب گرفته. شهرت شطاریه در قرن ۸ و ۹ در هند بود و بعضی سخنان او یادآور گفته‌های حلاج و بایزید است و این طریقه در سوماترا و جاوه نیز پیرو دارد. استاد زرین کوب می‌نویسد: تأثیر وجود مشایخ شطاریه و نقشبندیه در نشر و بسط اسلام بین هندوان و اقوام مالزی به مراتب بیش از تأثیری بود که غازیان و مجاهدان سابق در بین مردم داشته‌اند.

مولانا محمد اقطایی، مشرقی تبریزی و مولانا عوض شاه نامی از مریدان شیخ مغربی بوده‌اند. مولانا عوض شاه نامی گوید: روزی به خدمت مغربی آمدم، گفتند: امروز با تو سیری کنم.

***اصولی که در گلشن راز مطرح شده، در اشعار مغربی متجلی است و پیوند این دو چنان است که لاهیجی در شرحش به اشعار مغربی استشهاد کرده و به توجیه افکار شیخ پرداخته و این خود نشان از آن دارد که آثار مغربی نزد بزرگان آشنا و مقبول بوده است**

مؤلف تذکره سفینه خوشگوی، صائب را از اعقاب شمس مغربی می‌داند. میرزا محمدعلی صائب تبریزی، (اصفهانی) که عم او به نام شمس‌الدین تبریزی (معروف به شیرین قلم، ملقب به شمس ثانی) است، از مشاهیر اهل صفا و استادان حق بود؛ اما در دیوان صائب اشاره‌ای بر خویشاوندی وی با شمس مغربی نیست. شاید لقب عم او سخن خوشگوی را تأیید کند و شمس ثانی با شمس مغربی خویشاوندی داشته باشد.

مغربی فرزندی به نام عبدالحی داشته که در سال ۸۲۵ق در اوایل سلطنت اسکندر قرایوسف درگذشته و در کنار آرامگاه مولانا محمد مغربی مدفون است.

تخلص مغربی

جامی و تذکره‌نویسان دیگر برآنند که مغربی تخلص خویش را به جهت سفر به مغرب و خرقه‌گرفتن از مریدان محیی‌الدین مغربی برگزیده است. یکی از مریدانش به نام ابومحمد نورالدین عبدالرحیم بزازی گوید: «التبریزی موطناً، المغربی مذهباً»، از سوی دیگر مغربی در مقدمه دیوان پس از ذکر علل توجه به شعر گوید: «گاهی از برای تفریح کربت و دفع هموم غربت غزلی چند طرب‌افزای شادی‌بخش غم‌فرسای گفته شدی... تا آینه وحدت‌نمای هر محبی گردد، و مرشد هر مسترشدی و مرآت هر بالغی و رشیدی آید. پس ناظم این نوع شعر با ناظران صادق و صادقان ناظر همان می‌گوید که ناظم ترجمان‌الاشواق می‌گوید که:

کُلما اَذکُرُهُ مِن طَلَل او ربوع او معان کُلما»

مغربی با توجه به سخن محیی‌الدّین در ترجمان‌الاشواق در تبیین عشق، موافق مشرب عرفانی مغرب از جمله ابن‌عربی اندلسی، تخلص مغربی را برای خود برگزیده است و این نکته گفتار جامی را تأیید می‌کند.

شیخ محمد لاهیجی در شرح گلشن راز به نام مفاتیح‌الاعجاز که از شعرهای مغربی چه با ذکر و چه بی‌ذکر نام برای توجیه مطالب خویش استشهاد کرده است، درباره معنی جابلقا و جابلسا چنین بیان می‌کند:

آنکه شهر جابلقا شهری است در غایت بزرگی در مشرق و جابلسا نیز شهری است به غایت بزرگ در مغرب و ارباب تأویل در این باب سخنان بسیار گفته‌اند و آنچه بر خاطر این فقیر قرار گرفته، بی‌تقلید غیری به طریق اشاره، دو چیز است: یکی آنکه جابلقا عالم مثالی است که در جانب مشرق ارواح واقع است که برزخ است میان غیب و شهادت و مشتمل است بر صور عالم، پس هرآینه شهری باشد در غایب بزرگی و جابلسا عالم مثال و عالم برزخ است که ارواح بعد از مفارقت نشئه دنیویه در آنجا باشند و صور جمیع اعمال و اخلاق و افعال حسنه و سیئه که در نشاء دنیا کسب کرده‌اند چنانچه در احادیث و آیات وارد است در آنجا باشند و این برزخ در جانب مغرب اجسام واقع است...

شهر جابلسا منشأ انسانی است که مجلای جمیع حقایق اسماء الهیه و حقایق کونیه است و هرچه از مشرق ذات طلوع کرده و در مغرب تعین انسانی غروب نموده و در صورت او مخفی گشته است.

با مغربی مغارب اسرار گشته‌ایم
بی‌مغربی، مشارق انوار بوده‌ایم

در اینکه وجه تخلص مغربی چیست، قول مربوط به سفر وی به مغرب و همچنین قول مربوط به پیروی وی از طریقت محیی‌الدین عربی محتمل‌تر به نظر می‌رسد.

آثار مغربی

مؤلف روضات‌الجنان درباره مغربی و آثارش گوید: «وی عالم بوده به علوم ظاهری و باطنی و مصنفات شریف و اشعار لطیف وی حرز جان و تعویذ روان عارفان است؛ چون: اسرارالفاتحه، رساله جام جهان‌نما، دررالفرید، نزهت‌الساسانیه، و غیره. دیوان اشعار آبدار آن بزرگوار کالشمس فی وسط النهار ظاهر و باهر است...» این سخنان این نکته را روشن می‌سازد که اشعار مغربی از شهرت خاصی بهره‌ور بوده است و به جز آثاری که وی می‌شناخته آثار دیگری را از آن مغربی می‌دانسته که با آوردن «غیر هم» از ذکر نام آنها گذشته است. از جمله:

کلیات دیوان که مشتمل است بر اشعار عربی ۲۲۳ بیت، غزلیات فارسی ۱۹۹، مثنوی ۲۲ بیت، قطعه ۲، ترجیعات ۳، رباعیات ۳۵، و فهلویات یک غزل و ۱٤ دوبیتی. و اما آثار منثور:

۱ـ رساله مرآت‌العارفین در تفسیر سوره فاتحه که ظاهراً همان رساله اسرارالفاتحه است. این رساله در مجموعه شماره ۱٤۵۳ در کتابخانه راغب پاشای ترکیه موجود است. در بعضی نسخه‌ها به محیی‌الدین و شیخ نصیرالدین عبدالکریم جیلی منسوب است.

۲ـ رساله دررالفرید فی‌المعرفه التوحید به فارسی که مغربی آن را در گیلان نوشته است این رساله ضمیمه دیوان مغربی در کتابخانه سعید نفیسی در فهرست کتابهای ایشان به شماره ۸۷۳۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ثبت شده است که مجموعاً هفت صفحه می‌باشد. مولف «شعر فارسی در عهد شاهرخ» از آن یاد کرده و این نسخه را دیده و از آن بهره یافته است. محمدعلی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان از مشخصات این رساله که در اختیار داشته، سخن گفته است. می‌گویند: رساله دررالفرید مشتمل بر سه فصل است (توحید و افعال و صفات).

این رساله به زبان فارسی در گیلان نوشته شده و با جمله «سبحان ربک رب العزه عما یصفون» آغاز می‌گردد. نسخه‌ای در کتابخانه سپهسالار موجود است که در جلد ۲ فهرست نسخه‌های خطی مسجد سپهسالار ذکر شده است.

۳ـ جام جهان‌نما، مغربی در مقدمه این رساله گوید: طایفه‌ای از دوستان که طالب علم توحید بودند... از این فقیر التماس کردند که رساله‌ای که «جامع کلیات علم توحید و مراتب وجود باشد، بساز و از برای هر مرتبه دایره‌ای بپرداز؛ التماس ایشان را اجابت کردم... و رساله را نام، جام جهان‌نمای کردم... این رساله مشتمل است بر دو قوس و خطی که بین‌القوسین برزخ است.»

احمدبن موسی رشتی استادی که دو نوبت نزد مغربی جام جهان‌نما را خوانده و بر مشکلات آن وقوف یافته و در حضور، حواشی نوشته و اجازه‌نامه به خط مغربی داشته است، شرحی مفصل بر جام جهان‌نما دارد و درباره رساله گوید: «رساله را مصنف علیه‌الرحمه سه اسم نهاده: اول کلیات علم توحید، دوم مراتب وجود، سوم جام جهان‌نمای... این کتاب را شرح قصیده فارضیه انتخاب کرده است، الحق ید بیضا نموده است».

این کتاب یکی از آثار مهم مغربی است در شرح حکمت محیی‌الدین‌بن عربی و منتخباتی است از شرح قصیده فارضیه (یعنی از مشارق الدراری که شرح تائیه ابن فارض است). قدیمی‌ترین نسخه خطی آن در کتابخانه ایاصوفیه در سال ۸۲۷ نوشته شده و عکس آن مورد استفاده این‌جانب قرار گرفته است. به دلیل اهمیتی که رساله جام جهان‌نما داشته است، شارحان بدان توجه کرده‌اند و شروحی متعدد بر آن نگاشته‌اند که عبارتند از:

۱ـ شرح احمد بن موسی رشتی استادی که به خواهش یکی از مریدان مغربی به نام کمال‌الدین یوسف میرشکی نوشته است و آن را در بادکوبه روی نسخه‌ای که از مغربی اجازت داشته، به پایان برده است.

۲ـ شرح جام جهان‌نمای از سلطان وجیه‌الدین علوی که در سال ۹۰٦ نوشته شده است، متن با علامت (م) و شرح با علامت (ش) مشخص شده است، میکروفیلم این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۳ـ مدام جان‌فزا در شرح جام جهان‌نما تألیف نعمت‌الله در ۲۱ شعبان ۸٦٤ نوشته شده است.

٤ـ فایده فی شرح جام جهان‌نما و بندی از روضه‌الریاحین در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۵ـ شرح جام جهان‌نما از خواجه بنده‌نواز، یا خواجه صدرالدین محمد گیسودراز فرزند یوسف حسینی دهلوی عارف چشتی (۷۲۰ـ۸۲۵ق) به شماره ۱۱٤۹۵ فهرست انجمن شرقی اردو ـ پاکستان. تاریخ کتابت ذکر نشده و در مجموعه ۷٦۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

٦ـ در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی از حل جام جهان‌نما که در محرم ۸٤۰ هجری به نام بابرخان آغاز شده به شماره ٤: ۸٤ـ۹٦ وجود دارد.

۷ـ نسخه‌ای از شرح دیگر به قلم ابراهیم شطاری در دانشگاه علیگر موجود است.

آقای دکتر لئونارد لوئیزان از آثار دیگر منسوب به مغربی که در فهرست ابن کربلایی نیستند، در مقدمه دیوان چنین ذکر کرده‌اند.

الف) نصیحت‌نامه در فهرست منزوی، ج۲، ص٦ـ۱۷.

ب) ارایه‌الدقایق فی شرح مرآت الحقایق در فهرست اته در لندن به شماره: ۱۱۳b Folios ۲٦۱٤۹٤b

مغربی و دیگران

مغربی در اشعار خویش از شعرایی نام می‌برد که تأثیر سبک و روش آنها در آثار وی دیده می‌شود. سنایی، عطار، و عراقی شعرای مقبول او و هستند.

وز موج او شده‌ست عراقی و مغربی
وز جوش او سنایی و عطار آمده
نقش این موج بحر بی‌پایان
مغربی و سنایی است و سنا

***

نشود کسی عراقی به حقایق عراقی
نشود کسی سنایی به معارف سنایی

توجه به وزن و موضوع شعر عطار در اشعار مغربی دیده می‌شود. عطار قصیده‌ای دارد به مطلع:

ای روی درکشیده به بازار آمده
خلقی بدین طلسم گرفتار آمده

مغربی گوید:

آن ماه مشتری است به بازار آمده
خود را به دست خویش خریدار آمده

محیی‌الدین و مغربی

مسافرت مغربی به دیار مغرب او را با افکار ابن‌عربی آشنا کرد. جام جهان‌نمای خویش را در شرح حکمت ابن‌عربی و منتخباتی از شرح قصیده فارضیه نگاشته است. در مقدمه دیوان با ذکر اشعاری از ترجمان‌الاشواق محیی‌الدین، عشق و ارادت خویش را بیان کرده است. اشاره‌ای که شاگردش، موسی رشتی، در شرح جام جهان‌نما درباره وحدت وجود دارد، این دلبستگی را به ابن‌عربی نشان می‌دهد.

در آثار شمس مغربی مضامین فراوانی در تبیین و تفسیر حکمت وحدت وجودی دیده می‌شود. در تجدید نظر چاپ دوم دیوان سخنی کوتاه در باب وحدت وجود افزوده شد. تا چگونگی ارتباط و اتصال این اندیشه با تصوف قرن نهم به ویژه با تفکر شمس مغربی آشکارتر گردد. چه زیبا سروده است در باب اینکه این صورت ممکنات در علم خدا ثابت است.

بیرون دوید یار ز خلوتگه شهود
خود را به شکل جمله جهان خود به خود نمود
با آنکه شد غنی همه عالم ز گنج او
یک جو از او نه کاست، نه در وی جوی فزود

عراقی و مغربی

عراقی چون سنایی و عطار مورد توجه مغربی بود، هرچند خود را با عراقی برابر می‌بیند، ولی تأثیر تفکر عراقی، خاصه کتاب «لمعات» وی در اشعار مغربی به خوبی دیده می‌شود. در لمعه اول عراقی آمده:

یک عین متفق که جز او ذره‌ای نبود
چون گشت ظاهر این همه اغیار آمده
این ظاهر تو عاشق و معشوق باطن است
مطلوب را که دید طلبکار آمده

مغربی گوید:

پنهان از این جهان ز سراپرده نهان
یاری است در لباس چو اغیار آمده
محبوب گشته است محب جمال خود
مطلوب خویش راست طلبکار آمده

عراقی گوید:

ای زده خیمه حدوث و قدم
در سراپرده وجود و عدم
که به غیر از تو در جهان کس نیست
جز تو موجود جاودان کس نیست

مغربی

عشق بی‌کثرت حدوث و قدم
نظری کرد در وجود و عدم
که جز او نیست در سرای وجود
به حقیقت کس دگر موجود

نمونه‌های فراوانی در شعر مغربی دیده می‌شود که قالبهای شعری و اوزان آنها کاملاً شباهت فراوان با شعر عراقی دارد. باوجود این شاه نعمت‌الله ولی در ترجیع‌بندی، مغربی و عراقی را با هم برابر می‌نگرد:

جامی و شراب و رند و ساقی
هم مغربی و همی عراقی

***شمس با توجه به سخن ابن عربی در تبیین عشق، تخلص «مغربی» را برای خود برگزیده است و از این روی در مقدمه دیوانش می‌گوید: ناظم این نوع شعر، با ناظران صادق و صادقان ناظر همان می‌گوید که ناظم ترجمان‌الاشواق یعنی محیی‌الدین می‌گوید**

شبستری و مغربی

شیخ محمود شبستری ملقب به سعدالدین یا نجم‌الدین فرزند عبدالکریم در زمان گیخاتو در قریه شبستر به دنیا آمد و در عهد الجایتو و ابوسعید از مشاهیر متصوفه بود. تحصیلاتش را در تبریز انجام داد و در سال ۷۲۰ هجری در ۳۳ سالگی درگذشت. وی با احاطه کامل به آرای صوفیه و علم عرفان و تصوف عملی که به دست شاگردان محیی‌الدین‌ابن عربی رواج یافته بود، به تألیف «گلشن راز» پرداخت. از شاگردانش یکی شیخ اسماعیل سیسی است که مرشد مغربی بود. پیوند مغربی با افکار شبستری از طریق سیسی انجام گرفته است. این پیوند آن‌چنان است که لاهیجی در کتاب مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز از اشعار مغربی چه با ذکر نام و چه بدون ذکر نام استشهاد کرده و به توجیه افکار شیخ محمود شبستری پرداخته است. این خود نشان از آن دارد که در قرن نهم آثار مغربی با شبستری نزد بزرگان آشنا و مقبول بوده است.

اصول فکری شبستری که در گلشن راز به پاسخ پرسشهای امیرحسینی هروی مطرح شده است، در اشعار مغربی متجلی است. مغربی در مقدمه دیوان در باب خرابات، خراباتی، خط و خال، قد و بالا، و ابرو در سبک و وزن گلشن راز گوید:

می و میخانه و رند و خرابات
حریف ساقی و مرد مناجات
خط و خال و قد و بالا و ابرو
عذار و زلف و پیچاپیچ گیسو
مشو زنهار از آن گفتار در تاب
برو مقصود از آن گفتار دریاب

که یادآور پاسخ شیخ شبستری است به پرسش امیرحسینی هروی در باب رخ و زلف و خط و خال، که می‌گوید:

جهان چون زلف و خط و خال و ابروست
که هر چیزی به جای خویش نیکوست

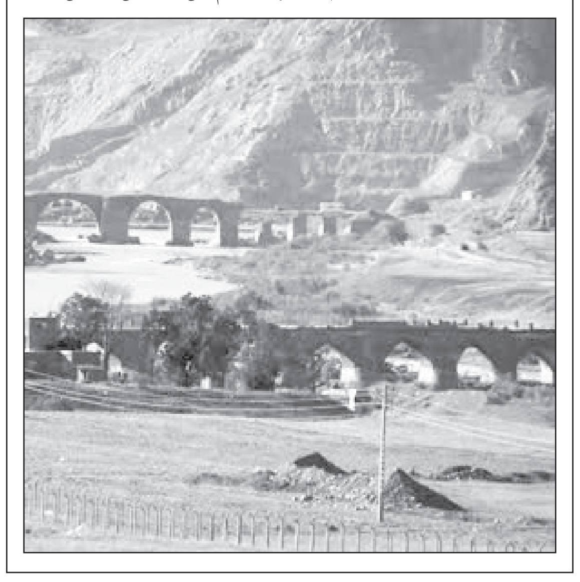
کورچشم، کوردل

کورچشم هنگامی که شناسایی به چیز دارد و آموزش گیرد، باید او را درست‌چشم به شمار آورد. و درست‌چشم هنگامی که دانش و شناسایی ندارد و آنچه را آموزند نپذیرد، پس او از کورچشم بدتر است.
مینوی خرد

ساحل رود ارس

حافظ شیرازی

ای صبا، گر بگذری بر ساحل رود ارس
بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس
منزل سَلمی که بادش هر دم از ما صد سلام
پرصدای ساربانان بینی و بانگ جرس
محمل جانان ببوس آنگه به زاری عرضه دار
کز فراقت سوختم، ای مهربان فریاد رس
من که قول ناصحان را خواندمی قول رباب
گوشمالی دیدم از هجران که اینم پند بس
عشرت شبگیر کن، می نوش کاندر راه عشق
شبروان را آشنایی‌هاست با میر عسس
عشقبازی کار بازی نیست، ای دل سر بباز
زانکه گوی عشق نتوان زد به چوگان هوس
دل به رغبت می‌سپارد جان به چشم مست یار
گرچه هشیاران ندادند اختیار خود به کس
طوطیان در شکّرستان کامرانی می‌کنند
و از تحسر دست بر سر می‌زند مسکین مگس
نام حافظ گر برآید بر زبان کلک دوست
از جناب حضرت شاهم بس است این ملتمس



برگی از دفتر کهن

چه گویم؟

محمد منور

استاد بوعلی دقاق مجلس داشت و گرم شده بود و مردمان خوش شده بودند. مردی گفت: «این همه می‌بینم، خدای کو؟» استاد بوعلی گفت: «من نیز هم از این به فریادم!» گفت: « پس ندانی، مگو.» گفت: «پس چه گویم؟»

جوانمردی

شیخ ما [ابوسعید ابوالخیر] قدس‌الله روحه‌العزیز روزی در حمام بود. درویشی شیخ را خدمت می‌کرد و دست بر پشت شیخ می‌نهاد و شوخ[1] بر بازوی شیخ جمع می‌کرد؛ چنانک رسم قایمانِ[2] گرمابه باشد تا آن کس ببینند که او کاری کرده است. پس در میان این خدمت، از شیخ سؤال کرد که: «ای شیخ، جوانمردی چیست؟» شیخ ما حالی گفت: «آنک شوخ مرد پیش روی او نیاری!»

همه مشایخ و ائمه نیشابور چون این سخن بشنودند، اتفاق کردند که کس در این معنی بهتر از این نگفته است.

هیچ کس

روزی شیخ ما ـ قدس‌الله روحه‌العزیز ـ در نیشابور به تعزیتی می‌شد. معرّفان پیش شیخ بازآمدند و خواستند که آواز دهند، چنانک رسم ایشان بود و القاب برشمرند. چون شیخ را بدیدند، فروماندند و ندانستند که چه گویند. از مریدان شیخ پرسیدند که: «شیخ را چه لقب گوییم؟» شیخ آن فروماندگی در ایشان بدید، گفت: «درروید و آواز دهید که: هیچ کس بن هیچ کس را راه دهید.» معرفان دررفتند و به حکم اشارت شیخ آواز دادند که: «هیچ کس بن هیچ کس را راه دهید!»

همه بزرگان سر برآوردند؛ شیخ را دیدند که می‌آمد، همه را وقت خوش گشت و بگریستند.

احکام نجوم

در آن وقت که شیخ ما قدس‌الله روحه‌العزیز به نیشابور بود، یک سال مردمان سخن منجمان و حکمی که ایشان کرده بودند، بسیار می‌گفتند و عوام و خواص خلق به یکبار در زفان[3] گرفته بودند که: «امسال چنین و چنین خواهد بود.» یک روز شیخ ما مجلس می‌گفت و خلق بسیار آمده بودند. به آخر مجلس، شیخ ما گفت: «ما امروز شما را از احکام نجوم سخن خواهیم گفت.»

همه مردمان گوش و هوش به شیخ دادند تا چه خواهد گفت. شیخ گفت: «ای مردمان، امسال همه آن خواهد بود که خدای خواهد؛ همچنانک پار همه آن بود که خدای تعالی خواست!» فریاد از خلق برآمد.

دست و دل

آورده‌اند که در آن وقت که شیخ ما قدس‌الله روحه العزیز به نیشابور بود، استاد امام ابوالقاسم قشیری را ـ قدس‌الله روحه‌العزیز ـ پیغام داد که: «می شنویم که در اوقاف تصرف می‌کنی؛ می‌باید که نیز تصرف نکنی.» استاد امام جواب باز فرستاد که: «اوقاف در دست ماست، در دل ما نیست.» شیخ ما جواب باز فرستاد که: « ما را می‌باید که دست شما چون دل شما باشد!»

اسرار التوحید

پی‌نوشتها:
۱ـ چرک ۲ـ دلاکان ۳ـ زبان

برگی از تاریخ

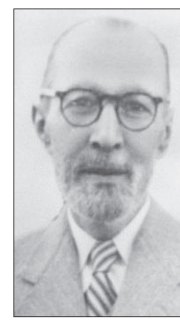
میدان مشق

در دوره فتحعلی شاه قاجار زمین بزرگی در شمال غرب حصار تهران وجود داشت که به اردوی نظامیان و مشق آنها اختصاص یافت؛ به طوری که در عهد ناصری آن را «میدان مشق طهران» نامیدند.

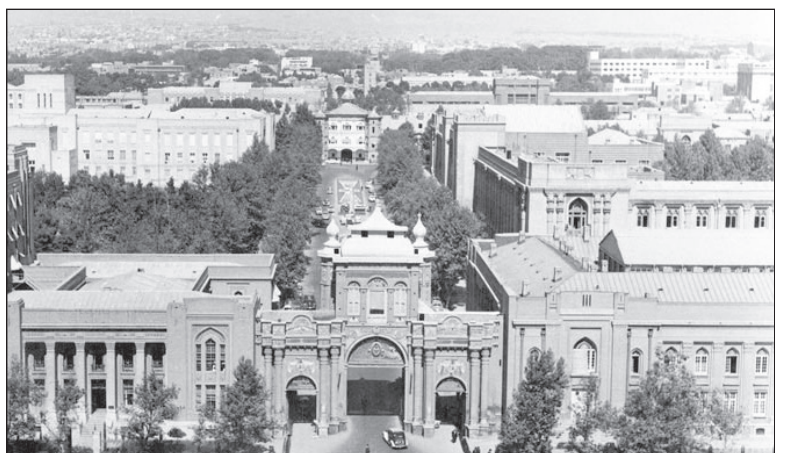
در سال ۱۲۷۸ هجری قمری به اهتمام سپهسالار، دیوار و دروازه‌ای هم برایش گذاشتند و به تدریج تبدیل به محیط سرسبزی شد که باغ ملی نام گرفت و در اطرافش دکانها و اماکن مختلفی ساخته شد که متاسفانه چیزی از باغ باقی نگذاشت؛ عماراتی همچون سردر باغ ملی که امروزه یکی از نمادهای تهران قدیم است، ساختمان وزارت خارجه، موزه ایران باستان، کتابخانه ملی، موزه و کتابخانه ملک (در سالهای اخیر)، پستخانه و پشت آن بنای شهربانی و پشت آن، زندانی که کمیته مشترک نام گرفت.

بنای اخیر که تاریخ ساختش به زمان فتحعلی‌شاه قاجار برمی‌گردد، در سال ۱۳۱۱ به دست مهندسان آلمانی تکمیل گردید و به عنوان نخستین زندان مدرن در ایران شروع به کار کرد و در دوران شاه جهت بازداشت و شکنجه زندانیان سیاسی مورد استفاده قرار گرفت و بعد از انقلاب به «موزه عبرت ایران» تبدیل شد.

استاد بزرگ شعر و ادب، **ملک‌الشعرای بهار** یکی از مهمترین کسانی بود که در زمان رضاخان مدتی را در این زندان سپری کرد و در توصیف آنجا قصیده‌ای سروده که ضمن بیان وضعیت زندان، به برخی نشریات و بخشی از سیمای شهری آن محله در آن روزگار اشاره کرده که از این زاویه نکات درخور توجهی دارد.



جرم رهی چیست تا به گوشۀ زندان
همچو جنایت‌گران بماند چندین؟
چندی بودم به سمج دیگر محبوس
همچون گنجشک، بستۀ قفس کین
آوردندم کنون به محبس بالا
محبس بالا بتر ز محبس پایین
هست وثاقم به روی شارع و میدان
ناف ری و رهگذار خیل شیاطین
چق‌چق پای ستور و همهمۀ خلق
فرفر واگون و بوق و عرعر ماشین
تق‌تق نجار و دُم‌دم حلبی‌ساز
عربدۀ بنز همچو کوس سلاطین
زنگ بیسکلت، هفاهف موتوسیکلت
زین دو بتر، طاق‌طاق گاری بی‌دین
کاخ بلرزاند و صُماخ بدرّد
چون گذرد پر ز بار، کامیون سنگین



وان خرک دوره‌گرد و صاحب نحسش
هردو به هم همصدا شوند وهم‌آیین
این یک عرعر کند به یاد خریدار
وآن یک عرعرکند چو بوید سرگین
سیبی و آلویی و هلویی و جوزی
گاه به بالا روند و گاه به پایین
پیش طبق‌شان ترازویی و چراغی است
کاین را لوله شکسته، وآن را شاهین
این یک گوید: بیا به سیب دماوند
آن یک گوید: بیا به آلوی قزوین
آن یک گوید که: نیست شهد و طبرزد
همچو هلوی رسیده‌ام خوش و شیرین
لیک چه شهد و طبرزدی؟ که در آخور
خر نخورد زان به ضرب پتک و تبرزین
بر لب استخر دیده‌ای که ز غوکان
شب چه بساطی است؟ آن به عین بود این
تا طبق کالشان تمام نگردد
هیچ نبندند لب ز بخبخ و تحسین
انجیری تا دو دانه‌ای بفروشد
خواند هر دم هزار سورۀ «والتّین»
راست چو اندر میان مجلس شورا
بحث و تشاجر به حل و فصل قوانین
بدتر از این هر سه، روزنامه‌فروش است
زیر بغل دسته‌دسته کاغذ چرکین
آن یک گوید که: های «گلشن» و «توفیق»
مختصر واقعات قمصر و نائین
این یک گوید که: های «کوشش» و «اقدام»
کشتن پور ملخ به خوار و ورامین
عکس فلان کنت کو به سال گذشته
بسته به رُم با فلانه کنتس، کابین
ناخن اگر روی مس کشند، چگونه است؟
هست صداشان جگرخراش دو چندین
در گلوی هر یکی تو گویی گشته‌ست
تعبیه، طبل سکندر و خم روئین
از همه بدتر، سر و صدای گداهاست
کاین یک «والنّجم» خواند، آن‌یک «یاسین»
گوید آن یک: بده به نذر ابوالفضل
یک دو سه شاهی به دست سید مسکین
وآن دگر اندر پیاده‌رو به بم و زیر
نوحه کند با نوای نازک و غمگین
نرّه‌خری کج نموده پای که لنگم
گاهی بر لب دعا و گاهی نفرین
پیرزنی چند طفل زرد نگونسار
گرد خود افکنده همچو بوتۀ یقطین
یک طرف آید خروش دستۀ کوران
کوری خواند دعا و مابقی آمین
آید هر دم قلندر از پی درویش
همچون تشرین که آید از پس تشرین
وز طرفی های‌هوی آن زن و شوهر
با دو سه طفل کرایه‌کردۀ رشکین
بس که هیاهوی و داد و قال و مقال است
مرد مجامع ز هول، گردد عنّین
ز اول صبح این بلا شروع نماید
وآخر شب رفته‌رفته یابد تسکین
تازه به بالین سرم قرار گرفته
بانگ سگانم برآورند ز بالین
هست خیابان ز هول، بیشۀ ارمن
بنده چو بیژن در آن و خواب، چو گرگین
وز در دیگر صدای پای قلاوز
از دل و جانم قرار برده و تمکین
خوابگه تنگ من بوَد به شب و روز
از تَف مردادمه، چو کامۀ تنّین
گرمی مرداد مرده‌ام به در آورد
قلب اسد هم بسوخت بر من مسکین
سجّین گردد چو در ببندم و چون باز
در بگشایم، چو محشری ز مجانین
گاه ز سجّین برم پناه به محشر
گاه ز محشر برم پناه به سجّین
خواب ز چشمم به سوی هند گریزد
همچو بهیم از نهیب لشکر غزنین...

گزارشی از متن و حاشیه دیدار شعرا با رهبر انقلاب - رمضان ۱۳۹۳

شب غوغای شعر جوان‌ها



در شب ولادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام، جمعی از اهالی فرهنگ، اساتید شعر و ادب فارسی، شاعران جوان و پیشکسوت کشور، و تعدادی از شاعران پارسی گو از کشورهای تاجیکستان، هندوستان، افغانستان و پاکستان با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری گزارشی از متن و حاشیه دیدار شعرا با رهبر انقلاب را به قلم مهدی قزلی منتشر کرد که به این شرح است:

مثل همیشه رمضان که به نیمه می‌رسد مثل یک رسم ریشه‌دار شعرا به جنب و جوش می‌افتند. حیاط حوزه هنری در بعدازظهر این روز گواه این شور و جنب‌وجوش است. جوان و پیر، خندان و بشاش و خوش‌پوش جابه‌جا مشغول گفت و گپ می‌شوند و گهگاهی چشم به ساعت دارند که کی خواهند رفت. کمی مانده تا غروب بالأخره با دو اتوبوس شرکت واحد از حوزه هنری سرازیر می‌شوند شعرا به سمت انتهای خیابان فلسطین، به سمت خانه واقعی شعر و شاعران. دیگر برای کسی جای شک نیست که این جلسات تأثیر وثیقی بر جریان شعر معاصر گذاشته است. یکی از گواه‌های این حرف هم سبقت شعرا برای شرکت و شعرخوانی در این مجلس است.

جمع شاعران در بیت سرحالتر هستند. هرچند هوا گرم است و روزه ۱۶-۱۷ ساعتی مردافکن، ولی شادابی جمع به چشم می‌آید. در حیاط پردرخت بیت رهبری فرش پهن شده و شعرا می‌نشینند. یکی از مسئولین برنامه فاضل نظری و محمدمهدی سیار را صدا می‌زند بروند صف جلو. بعدتر هم سبزواری و مجتبی رحماندوست و حدادعادل و گرمارودی. حیاط بوی نم و آب‌خوردگی می‌دهد. قزوه و مؤمنی محل رجوع و سؤال مجریان برنامه هستند. پشت سرم محمدکاظم کاظمی و سعیدی راد نشسته‌اند به صحبت. کاظمی خاطره کتابی را می‌گوید که این کتاب یک جور رمان تاریخی از وضعیت ۵۰ سال اخیر افغانستان. یک روز محمدحسین جعفریان اطلاع داد که آقا این کتاب را خوانده و نظراتی هم درباره‌اش دارند. من متعجب ماندم کتابی که پخش نشده چطور دست ایشان رسیده و چطور ایشان ۱۶۰۰ صفحه کتاب را با این سرعت خواندند. بعدتر متوجه شدیم یک نسخه از کتاب در نمایشگاه کتاب به ایشان هدیه شده و همان را خوانده‌اند.

توی دلم چند بار ۱۶۰۰ صفحه را تکرار کردم و در ذهنم ورق زدم. خیلی زیاد است! با خودم گفتم کاش آقا کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای من را هم می‌خواندند.

خانم‌ها ایستاده صحبت می‌کنند. بچه‌های اجرایی می‌روند و می‌آیند. یک نفر دفترها و کتاب‌های میهمانان را با خودش می‌آورد. شعرا می‌روند سراغ کتاب و دفترشان و باز صف‌ها به هم می‌خورد. یک نفر شوخی می‌کند که: یکی خوبش را برای ما سوا کن.

همان که یک بغل کتاب با خودش آورده بود، این بار یک بغل نامه می‌آورد که باز جماعت برای پیدا کردن مال خودشان جاکن می‌شوند. نامه‌ها زیاد است و در این زیاد بودن سه نکته دم دستی: اول اینکه در خیلی موارد مشکلی هست که باید حل شود. دوم اینکه راه حل مشکل، در یک جایی مشکل دارد که به صورت معمول حل نمی‌شود و سوم اینکه این جماعت به خوانده شدن نامه‌هایشان اطمینان و امید فراوان دارند.

به امید روزی که در نامه به مسئولان، چیزی از جنس طرح مشکل نباشد.

چند نفر با سر و شکل غیرایرانی هم در جمع هستند. از همان حیاط حوزه هنری به چشم می‌آمدند. خارجی‌هایی که یک جوری به شعر فارسی ربط دارند. به آقای مؤمنی گفته بودم به این مهمان‌ها پیشنهاد دهد سفرنامه آمدنشان به ایران را بنویسند. حضور

*در شب ولادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام، جمعی از اهالی فرهنگ، اساتید شعر و ادب فارسی، شاعران جوان و پیشکسوت کشور، و تعدادی از شاعران پارسی‌گو از کشورهای تاجیکستان، هندوستان، افغانستان و پاکستان با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند**

***انکار داستان علاقه این ملت به چفیه آقا تمام‌شدنی نیست! حلقه دور صندلی آقا تنگ‌تر می‌شود تا اینکه ایشان از جا بلند می‌شوند. جماعت قدمی عقب می‌گذارند بفهمند ماجرا چیست که آقا، حمید سبزواری را بغل می‌کنند. شاعری که روزی خانه‌اش پاتوق شعر انقلابی بوده و آقا هم آنجا رفت و آمد داشته**

این فارسی‌زبان‌ها و تنفس‌شان در این مجلس برای جغرافیای تمدنی فارس‌ها مهم است، خیلی مهم.

سمت راستی‌ام از کسی که سمت چپم نشسته سؤال می‌کند: فرزانه خجندی و همسرش را می‌توانم ببرم جایی؟ این‌ها که نام برد از مهمانان خارجی حوزه هنری بودند. ادامه که دادند حرف‌هایشان را، فهمیدم یک بار در خانه آن‌ها در تاجیکستان مهمان بوده و حالا می‌خواهد ببردشان خانه‌اش به میهمانی. سمت چپی گفت: همه‌شان را اگر می‌بری، کمکت کنم. سوا کردنی نیست!

خورشید افق را نارنجی کرده و دیگر هوا گرفته شده است. این حدود ۱۰۰ نفر مهمان، صف‌هایشان به باغچه و چمن کشیده. هوا دم دارد. همین موقع‌هاست که آقا می‌آیند. شعرا بلند می‌شوند به احترام و آقا با لبخند جلو می‌آیند، به چشم‌های هر که می‌شود نگاه می‌کنند و سر تکان می‌دهند به سلام. با این حضور قبل از اذان عملاً دیدار شروع می‌شود. برعکس بیشتر دیدارهای ماه رمضان که با افطار تمام می‌شود، این برنامه تازه با افطار وارد بخش اصلی می‌شود.

بزرگترها که جلو نشسته‌اند سلام می‌کنند. قبل از همه پیرمرد پاکستانی قابی را به آقا هدیه می‌دهد که گویا شعری از خودش در آن خوشنویسی شده. قزوه تند تند توضیح می‌دهد که پیرمرد کیست و قاب چیست. پیرمرد چیزهایی می‌گوید که نمی‌شنوم ولی آقا تواضع می‌کنند و به پیرمرد می‌گویند: قابل این حرف‌ها نیستیم ما!

شاعرها اول کار آرامند و با همان آرامش ظاهری سعی می‌کنند پیشروی کنند سمت صندلی آقا ولی این حرکت ناخودآگاه عمومی کم‌کم سرعت می‌گیرد و مجریان جلسه و حتی محافظان غافلگیر می‌شوند. سال قبل هم دیده بودم این ازدحام با ترکیب کت و شلوارهای پلوخوری جماعت، باعث عرق‌ریزان‌شان می‌شود. هوا دیگر گرگ و میش شده. یک روحانی چفیه آقا را می‌گیرد. انگار داستان علاقه این ملت به چفیه آقا تمام شدنی نیست! حلقه دور صندلی آقا تنگ‌تر می‌شود تا اینکه ایشان از جا بلند می‌شوند. جماعت قدمی عقب می‌گذارند بفهمند ماجرا چیست که آقا، حمید سبزواری را بغل می‌کنند. شاعری که روزی خانه‌اش پاتوق شعر انقلابی بوده و آقا هم آنجا رفت و آمد داشته. بعد از او فرید هم با آقا معانقه می‌کند.

آقا دوباره می‌نشینند. پیرمردی علایی‌نام، از بازماندگان واقعه پیشوای ورامین و کشتار ۱۵ خرداد، با آقا سلام و علیک می‌کند و از پسر و داماد شهیدش می‌گوید و کتابی می‌دهد. جوانی بعد از او جلو می‌آید و در گوش آقا چیزی می‌گوید. مسئولین بلندش می‌کنند که طولانی نکند حرف خصوصی را. جواد شیخ‌الاسلامی می‌نشیند و می‌گوید شاعر میثم مطیعی (مداح) است و شعرهایش را می‌دهد. زود هم بلند می‌شود که ظلم به بقیه نباشد.

نوجوانی با یک بسته نامه می‌نشیند جلوی پای آقا. آقا با لبخند می‌پرسند: این همه نامه؟ پسر می‌گوید: مال من نیست. بچه‌های قم دادند بدم بهتان. بعدی که می‌نشیند فقط از حرف‌ها می‌فهمم از بندر دیر آمده. ردیف دندان‌های سفیدش از پس لبخندش پیداست. جوان دیگری می‌نشیند که دانه‌های درشت عرق روی پیشانی‌اش مثل شبنم نشسته است. آقا با دست چپ دست می‌کشند به پیشانی پسر و پدرانه عرق‌ها را پاک می‌کنند.

با اینکه نزدیک آقا هستم ولی صدای صحبت‌ها را خوب نمی‌شنوم. یک نفر می‌نشیند و می‌گوید:... اردبیلدَن گلمیشم... و گزارشی می‌دهد به زبان ترکی. آقا هم جواب می‌دهند: سلام یتیر! حرف‌های جوان بعدی را نمی‌شنوم ولی متوجه می‌شوم آقا به او می‌گویند: خدا دلتان را گرم نگه‌دارد.

تمام تنمان عرق شده. چراغ‌ها هم روشن می‌شود. یک نفر جلو می‌آید صورت آقا را می‌بوسد و می‌گوید: دوستتون داریم، خیلی دوستتون داریم. منتظر عکس‌العمل ایشان هم نمی‌ماند و می‌رود. بعدی هم می‌آید و می‌خواهد آقا دعا کند برای شهادتش. جوانی می‌گوید: فداتون بشم آقا. آقا دست روی صورت جوان می‌گذارند و جلو می‌کشندش که صدایش را خوب بشنوند. بعدی جوانی ترکه‌ای و تُرک است که فارسی حرف می‌زند: از تبریز آمدم، ۱۰ ساله منتظر این لحظه‌ام. خدا شما را برای ما نگه دارد. آقا بحث را عوض می‌کنند و جزوه‌ای که دست پسر هست را می‌گیرند و می‌گویند: ببینم شعرت را!

روحانی جوانی می‌نشیند و می‌گوید: نوه شفیعی هستم، ابوی هم سلام رساندند و کتابی می‌دهد. آقا می‌گویند من شعرهای این کتاب را خواندم. دو تا اسم شفیعی توی کتاب هست. طلبه جا می‌خورد و تعجب می‌کند. می‌گوید: بله... چیزه... یکی من هستم، یکی هم پسرعمویم.

یک جوان افغان جلو می‌آید و سلام می‌کند. قزوه می‌گوید جوان از کابل آمده. آقا می‌گویند: اوضاع شعر در کابل خوب هست؟ جوان لبخند می‌زند و جزوه‌ای می‌گیرد سمت آقا و می‌گوید: این اولین مجموعه شعر عاشورایی افغانستان است که من جمع کردم. بعد جزوه دیگری می‌دهد و ادامه که: این هم اولین مجموعه شعر انتظار.

اگر کلمه «اولین» در جملات جوان دقیق نباشد، لااقل توصیف‌کننده وضع افغانستان هست. یعنی معلوم می‌شود مجموعه شعر با رنگ و بوی تشیع آنجا نیست یا کم است. جوان افغان که نشست فکر کردم به برکت انقلاب اسلامی، برای شیعه بودن و ابراز کردن آن دچار محدودیت و ناامنی نیستیم. و البته مثل ماهی داخل آب از نعمت آب غفلت داریم.

حمد کاظم کاظمی هم آمد به سلام کردن و آقا جمله‌ای تکراری به او گفتند: من شما را خیلی دوست می‌دارم. سال‌های قبل هم این را شنیده بودم. گویی نگاه و راه کاظمی را آقا خیلی می‌پسندند.

بعد از افغان یک نفر دست آقا را می‌گیرد و می‌گوید: بأبی و امی و نفسی. این جمله‌اش را دو سه بار تکرار می‌کند و همین وقت کسی گوشه حیاط اذان می‌گوید: الله اکبر... الله اکبر...

اذان تنها چیزی است که در این دیدار می‌تواند حلقه اطراف آقا را از هم بگسلد و صفوف نماز را مرتب کند.

وقتی می‌رسم سر سفره افطار، کنارم جواد زمانی را می‌بینم. خوش و بش می‌کنیم و نگاه می‌کنم به سفره. مثل قبل، افطاری ساده است و مثل قبل تعهد دارم بنویسم کمی سبزی و پنیر و خرما و شکر و حلوا و چای و آب و نان و نمک، افطار است و غذا هم یک نوع، مثل همیشه پلو مرغ! (البته یک زمانی که مرغ یکدفعه گران شد، غذای آقا هم شد فسنجان با گوشت چرخ کرده قلقلی!) همه ماها اگر همین سفره را برای مهمانی‌ها و افطار پهن کنیم اوضاع چشم و هم چشمی درست می‌شود.

هنوز جاگیر نشده‌ایم که آقا می‌رسند. همه بلند می‌شوند، ما هم. آقا به ما که می‌رسند، با زمانی سلام و علیک می‌کنند. بعد رو به من می‌کنند و سلام سریعم را جواب می‌دهند. عادت نداشتم از سلام به آقا در این جلسات، بیش از جواب سلام بگیرم. اما ایشان می‌ایستند و با لبخند می‌گویند: شما آقای قزلی هستید نه؟ بله را با دست پاچگی می‌پرانم؛ ایشان ادامه می‌دهند: کتاب «پنجره‌های تشنه» شما را خواندم، الحمدلله خیلی کتاب خوبی از آب درآمده بود. می‌گویم: ببخشید، زحمت کشیدید. رو برمی‌گردانند به سمت جای خودشان و البته می‌گویند: نه، کتاب خواندن که زحمت نیست!

وقتی می‌نشینم متوجه می‌شوم تمام تنم عرق کرده، این بار نه از سرما. باید بگذارم به حساب عظمت و ابهت این مرد. یاد حرف‌های کاظمی افتادم و دلخواسته‌ام!

سر شام گاهی حدادعادل و محسن مؤمنی چیزهایی به آقا می‌گفتند. گاهی هم ایشان چیزی می‌پرسیدند. آقا از محسن مؤمنی درباره علی معلم سوال می‌کنند و غیبتش. مؤمنی هم از کسالت معلم می‌گوید و البته نمی‌گوید زیر سرُم است تا شاید آقا را زیادی نگران نکند. آقا هم می‌گویند: از طرف من حال‌پُرسشان باشید.

این وسط یکی دو نفر هم می‌روند جلو صحبتی می‌کنند و گپی می‌زنند.

بعد از شام و افطار آقا می‌روند که به خانم‌ها هم سری بزنند. بیرون توی حیاط یک بار دیگر می‌بینم‌شان، به حرف‌های سیدعبدالله حسینی گوش می‌کنند. حسینی می‌گوید لباسی هست که امام در آن نماز خوانده‌اند و از آقا هم می‌خواهد در آن نماز بخوانند. آقا می‌گویند: وقتی لباس با بدن امام متبرک شده دیگر من چه کاره‌ام. حالا من هم برای تبرک گرفتن آن را می‌گیرم. این تواضع از جنس تصنع نبود، از جنس ارادت بود.

محمدحسین جعفریان به عادت همیشه در حیاط ایستاده تا آقا را ببیند. دیده‌بوسی می‌کند و کتاب و مجله می‌دهد و با هم می‌روند سمت حسینیه. در راه آقا درباره یک نویسنده افغان می‌پرسند و البته جواب جعفریان را نمی‌شنوم.

وقتی آقا وارد حسینیه می‌شوند، جمعیت به صلوات از روی صندلی‌ها بلند می‌شوند. آقا می‌روند بینشان و هر که سلام می‌کند، جوابش را می‌دهند. به شهرام شکیبا که می‌رسند، می‌ایستند و صحبتی می‌کنند. از اینکه برنامه تلویزیونی‌اش را می‌بینند و اینکه خوب است و چند نکته را یادآوری می‌کنند.

بعد می‌روند می‌نشینند در مرکز جلسه. رضا رفیع می‌رود پیش آقا و برمی‌گردد. هنوز قاری قرآن نخوانده که آقا، امیری اسفندقه را صدا می‌زنند. امیری می‌رود و می‌نشیند جلوی آقا، دست روی زانوی ایشان می‌گذارد و چند دقیقه صحبت می‌کنند. حضار بدشان نمی‌آید از حرف‌ها سر دربیاورند اما گویا نمی‌شود. آقا لبخندی می‌زنند و امیری بلند می‌شود سر جایش می‌نشیند. ساعت حدود ۱۰ است که قاری قرآن خواند و جلسه با شعری از قزوه درباره رمضان شروع می‌شود.

قزوه می‌گوید به رسم مهمان‌نوازی از خارجی‌ها شروع می‌کند و به رسم ادب از سالخورده این جمع که همان استاد پاکستانی است: «ظهیر احمد صدیقی» که حافظ کل قرآن است و استاد همان دانشگاهی که علامه اقبال لاهوری در آن درس خوانده و درس داده. ظهیر احمد با لهجه‌ای بسیار سخت شعر می‌خواند:

ای عزیزان عجم! ای صاحبان دین و دل
دیدن خضر و مسیحا هست دیدار شما

شعرش خیلی خوب است. ایرانی‌ها و پاکستانی‌ها را خیلی نزدیک و برادر دیده در این شعر و همین باعث می‌شود آقا و البته حضار لابه‌لای شعرخوانی تشویقش کنند.

آقا هم بعد از پایان شعر او را پروفسور خطاب می‌کنند و می‌گویند: شعر خوب و خوش‌مضمون و خوش‌لفظ و خوش‌جهتی بود. ظهیر احمد هم تأکید می‌کند هر چه هست و هرچه دارد از ایران و ایرانی‌ها دارد.

بعد از او قزوه شاعری هندی و هندو را معرفی می‌کند. موقع نماز دیدمش که نشسته روی صندلی کنار محمدحسین جعفریان و هیچ دورخیزی برای نماز خواندن نداشت. حکمتش معلوم می‌شود! اسمش «بلرام شکلا» است و جالب اینکه شعرش درباره حضرت علی (علیه السلام):

به من رساند نسیم سحر سلام علی
برهمن‌ام که شدم چون عجم غلام علی

شعرش را با لحنی شیوا می‌خواند.

هر بیت که تمام می‌شود جمع تشویقش می‌کند و احسنت می‌گوید. آقا هم بعد از شعر تشویقش می‌کنند و می‌گویند: إن شاءالله مشمول کمک و عنایت آن بزرگ قرار بگیرید. مؤمن قناعت به معرفی قزوه نام درخشان شعر تاجیکستان است که قرار می‌شود شعر بخواند. قزوه توضیح می‌دهد در زمان شوروی سابق، قناعت به عنوان وکیل تاجیکستان در پارلمان با گروهی از نمایندگان شوروی رفته به یکی از کشورهای خلیج برای میانجی‌گری در ماجرای جنگ. آنجا یکی از شیوخ خلیج به او اصرار می‌کند شعر بخواند و آقای قناعت شعری می‌خواند.

بقیه در صفحه ۱۴

***بعد از شام و افطار آقا می‌روند که به خانم‌ها هم سری بزنند. بیرون توی حیاط یک بار دیگر می‌بینم‌شان، به حرف‌های سید عبدالله حسینی گوش می‌کنند. حسینی می‌گوید لباسی هست که امام در آن نماز خوانده‌اند و از آقا هم می‌خواهد در آن نماز بخوانند. آقا می‌گویند: وقتی لباس با بدن امام متبرک شده دیگر من چه کاره‌ام**

***آقا شروع می‌کنند بعد از بسم‌الله. بعد از خوش‌آمدگویی و تشکر، در باب شعر چند نکته می‌گویند، اصالت داشتن دلتنگی‌ها و فردیت شاعر در شعر و به رسمیت شناختن آن. و فرع بودن همین موضوع مذکور در برابر تأثیری که شعر بر مخاطب و خلوت او می‌گذارد. آقا تأکید می‌کنند از بابت همین تأثیرگذاری، شاعر باید شعرش را غنا ببخشد مخصوصاً غنای معنوی**



عرضه ۲۲۲ هزار تن محصول در بورس کالا

بورس کالای ایران شاهد عرضه ۲۲۲ هزار تن انواع کالا که مهمترین محصولات عرضه شده شامل انواع مواد پلیمری، فرآورده های نفتی، مس، مقاطع فولادی و محصولات کشاورزی است بود.

به گزارش روابط عمومی بورس کالای ایران، در تالار محصولات صنعتی و معدنی، مقدار ۴ هزار تن مس کاتد شرکت ملی مس ایران به قیمت پایه ۲۱۴ هزار و ۹۴۴ ریال راهی تالار معاملات شد. این شرکت همچنین ۳۵۰۰ تن مس مفتول را به قیمت پایه ۲۲۱ هزار و ۶۱۸ ریال عرضه کرد.از دیگر محصولات عرضه شده شرکت صنایع ملی مس ایران می توان به ۳۳ هزار تن انواع مس کم عیار، ۱۰۰ تن سولفور مولیبدن و ۱۲ تن کنسانتره فلزات گرانبها اشاره کرد.علاوه بر این،مقدار ۳۰۰ تن مس مفتول شرکت صنایع تولیدی دنیای مس کاشان و ۱۰۰ تن مس مفتول گروه کابلسازی افق البرز عرضه را تجربه کردند.

در گروه فولاد هم، شرکت ذوب آهن اصفهان با ۲۰ هزار تن شمش بلوم به قیمت ۱۵ هزار و ۴۱۰ ریال و به صورت سلف در تالار معاملات حضور یافت که با استقبال مشتریان ۱۰ هزار تن دیگر به این حجم افزوده شد. این شرکت همچنین مقدار ۴۴۰۰ تن سبد میلگرد A۳-۱۲,۱۴را عرضه کرد.این گزارش همچنین حاکی است، در تالار فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، انواع مواد پلیمری مجتمع های پتروشیمی شازند، آریاساسول، مارون، تبریز، جم، نوید زرشیمی، پلی نار و شرکت طاهاسازان پیشتاز عرضه شد.در گروه قیر درحدود ۴۰ هزار تن انواع قیر شرکت نفت پاسارگاد و ۲۴ هزار تن انواع قیر شرکت نفت جی روی تابلوی عرضه رفت. علاوه بر این،مقدار ۲۵ هزار تن وکیوم‌باتوم، ۲۴هزار تن انواع لوب کات و ۳۳۰۰ تن انواع گوگرد راهی تالار معاملات شد.در تالار محصولات کشاورزی هم مقدار ۱۶۰ تن جودامی روسیه عرضه شد. همچنین مقدار ۱۰۰ تن خرمای کبکاب بوشهر و ۷۵ تن کنجاله کلزا پرک شرکت آلتین دانه عرضه را تجربه کردند.

گفتنی است در تالار صادراتی، مقدار ۶ هزار تن قیر ۶۰۷۰ شرکت‌های آذر دوام پول، فراشیمی روز و توسعه کروس انرژی راهی تالار معاملات شد.از سوی دیگر در جریان معاملات بورس انرژی بیش از ۱۲ میلیارد ریال برق و بیش از ۲۷ میلیارد ریال کالا در تابلوی فیزیکی معامله شد تا مجموع ارزش معاملات امروز بورس انرژی به رقم ۳۹ میلیارد و ۱۲۳ میلیون ریال برسد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، در جریان این معاملات ۲۲ هزار و ۱۷۶ مگاوات ساعت برق در ۸۳ نوبت معاملاتی به ارزش ۱۲ میلیارد و ۹۴ میلیون ریال معامله شد.همچنان نماد پر تقاضای شرکت های توزیع برق در این روزهای گرم تابستان، نماد بار پایه روزانه است که برای روزهای مختلف مرداد معامله می شود.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۷۴۵۱۵/۶	۷۴۵۱۵/۶	۷۳۹۱۷/۳	۶۲۵/۱	۰/۸۵
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۳۵۳۳/۸	۳۵۳۳/۸	۳۵۱۸/۴	۱۵/۳	۰/۴۳
شاخص آزادشناور	۸۵۶۳۷/۹	۸۵۶۳۷/۹	۸۵۱۵۶/۳	۵۳۰/۶	۰/۶۲
شاخص بازاراول	۵۵۲۵۹/۸	۵۵۲۵۹/۸	۵۵۱۰۹/۸	۱۶۱/۷	۰/۲۹
شاخص بازاردوم	۱۴۴۳۰۷/۱	۱۴۴۳۲۰/۷	۱۴۱۳۰۰/۱	۳۱۱۱/۱	۲/۲
شاخص صنعت	۶۲۵۲۴/۳	۶۲۵۲۴/۳	۶۲۰۳۲/۸	۵۴۶/۶	۰/۸۸

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۳/۴/۳۱)

مجموع حجم معاملات	۳۹۶/۶۶۲/۳۴۱ سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۲۴۱/۱۹۱ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۴۳۷۶۲ معامله
ارزش بازار	۳/۴۴۳/۱۴۴ میلیارد ریال

سهام ۵ شرکت دولتی در سبد واگذاری

سازمان خصوصی سازی اعلام کرد: سهام پنج شرکت دولتی در مجموع به ارزش کل پایه ۹۶۳۹ میلیارد ریال در مرداد امسال واگذار می شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه(سنا)؛ سهام پنج شرکت دولتی شامل ۳۲۷ میلیون و ۹۸۹ هزار سهم به ارزش کل پایه ۹ هزار و ۶۳۹ میلیارد و ۶۷۲ میلیون ریال در پنجمین ماه امسال روانه میز فروش خواهد شد.

بر اساس این گزارش،مقدار ۱۰۰ درصد سهام شرکت پرورش کرم ابریشم ایران که ۳۲۵ هزار سهم این شرکت را شامل می شود به قیمت پایه هر سهم چهار میلیون و ۶۲۶ هزار و ۴۴۳ ریال و ۱۰۰ درصد سهام شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه شامل ۱۹۴ میلیون و ۷۴۱ هزار سهم این شرکت به قیمت پایه هر سهم ۸۱۶۴ ریال در روز پنجم مرداد در فرابورس واگذار می شود.

همچنین ۵۱ درصد سهام شرکت آلومینای ایران که ۱۰۱ میلیون و ۹۸۸ هزار سهم این شرکت را شامل می شود قرار است به قیمت پایه هر سهم ۵۹ هزار و ۷۹۲ ریال در این روز روی میز فرابورس برود.

در عین حال، قرار است ۲۰,۸۲ درصد سهام شرکت عمران و مسکن سازان ایران به قیمت پایه هر سهم ۱۹ هزار و ۳۳ ریال و ۴۰ درصد سهام شرکت عمران و مسکن سازان منطقه شمال غرب به قیمت پایه هر سهم ۱۳۷۸ ریال که به ترتیب ۲۲ میلیون و ۹۳۵ هزار سهم و هشت میلیون سهم این شرکتها را شامل می شود در روز پنجم مرداد در فرابورس عرضه شود.

بازار سرمایه از این ماه مثبت می شود

یک کارگزار بورسی با بیان اینکه بازار سهام از توافقات حاصل شده در مذاکرات چند روز پیش وین چشم‌انداز مثبتی ترسیم کرده است، گفت: از مرداد و شهریور جاری با آمدن اخبار مجامع و گزارش عملکرد سه ماهه شرکت‌ها بازار مثبت خواهد شد.



حسین خزلی خرازی در گفتگو با فارس با اشاره به نتایج و آثار مذاکرات ۵+۱ با گروه ایرانی در وین بر بازار سهام اظهار داشت: از ابتدای برگزاری نشست جدید که در وین برگزار شد، همه فعالان بازار پیگیر خروجی و اخبار مربوط به این مذاکرات بودند.

وی ادامه داد: اکثر فعالان پس از انتشار اخبار در مورد نتیجه مذاکرات به این نتیجه رسیده‌اند که اکثر توافقات حاصل شده است، بنابر این نباید منتظر خبر بدی باشند.

این کارشناس بازار سرمایه با تاکید بر اینکه طبق گفته مسئولان سیاست خارجی ایران و اتحادیه اروپا ۶۵ درصد از توافقات حاصل شده و مابقی مربوط به پرانتزهایی است که درآینده برطرف خواهد شد، گفت: اکثر مدیران و فعالان بازار سرمایه بر این باورند که باید چنین توافقی حاصل می‌شد.

خزلی خرازی درباره وضع معاملات بورس اوراق بهادار تهران گفت: هم اکنون بازار در مجموع مثبت بوده، اما حجم معاملات در سطح پایینی پیگیری شد که این امر به دلیل توقف بسیاری از نمادها برای برگزاری مجامع عمومی عادی سالانه است و تا عید سعید فطر این مجامع به پایان رسیده و بازار با آمدن اطلاعات مجامع و گزارش‌های عملکرد سه ماهه تا پایان مرداد و شهریور روند مثبتی را طی خواهد کرد.

خرازی افزود: به غیر از یک یا دو صنعت مابقی صنایع از افزایش تولید و فروش برخوردار بودند که این عوامل در روند صعودی ملایم بازار اثرگذار خواهد بود.

این کارشناس بازار پیش‌بینی کرد که با حفظ شرایط موجود با توجه به کنترل تورم و سیاست‌های حمایتی دولت از تولید به علاوه استفاده از راهکارهای خروج از رکود بازار مثبتی خواهیم داشت.

همچنین مدیرعامل تامین سرمایه سپهر از راه‌اندازی صندوق‌های جدید برای پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف سرمایه‌گذاران خبر داد.بهروز زارع در گفتگو با ایسنا، از راه‌اندازی صندوق‌های جدید در بازار سرمایه خبر داد و گفت:ایجاد صندوق‌های سرمایه گذاری جدید با هدف افزایش مشارکت غیر مستقیم مردم در حال تشکیل است.

زارع با بیان اینکه صندوق‌های مختلف در بازار سرمایه برای جلوگیری از نوسانات بورس شکل گرفته و باید بورس را به سمت و سوی مناسب هدایت کنند،افزود:در این راستا تامین سرمایه سپهر قصد دارد تا گروه مختلفی از صندوق‌ها را در بازار سرمایه ایجاد کرده و به نیازهای افراد مختلف پاسخ دهد.

وی راه اندازی صندوق با تضمین سود را یکی از این صندوق ها دانست و عنوان کرد:تامین سرمایه سپهر قصد دارد تا با راه اندازی طیفی از صندوق ها با سطح ریسک پذیری و بازدهی متفاوت به نیازهای مختلف افراد پاسخ دهد.

وی با اشاره به اینکه صندوق‌های سرمایه گذاری باید آنقدر بزرگ شوند که با جذب سرمایه بتوانند بازار را کنترل کنند، اضافه کرد: در کشورهای پیشرفته تعداد معدودی از مردم به طور مستقیم با بازار سهام در ارتباط هستند و معمولا مردم این کشورها با استفاده از خدمات شرکتهای واسطه ای از جمله صندوقهای بازنشستگی و بانکها اقدام به سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه می‌کنند.

زارع با اشاره به این که تا ۴۵ درصد افراد در برخی کشورها در بورس سرمایه‌گذاری می‌کنند، تاکید کرد: مردم این کشورها دارایی خود را به واسطه‌ها می‌سپارند و شمار بالای سهامداران هم ناشی از فرهنگ سازی در این کشورهاست.

زارع تاکید کرد:یکی از مشکلات موجود در بازار سرمایه این است که رفتار نهادهای مالی تحت تاثیر نوسانات قرار گرفته است به طوری که در زمانیکه اوضاع بازار سرمایه خوب است چند صندوق ایجاد می شود در حالیکه صندوق‌ها ایجاد شده‌اند تا جلوی نوسانات را بگیرند نه اینکه تحت تاثیر نوسانات باشند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سرمایه گذاری پردیس	۱,۱۶۴	۱۰۰
ح.سرمایه گذاری خوارزمی	۵۹۴	۴۴
تکنوتار	۱,۸۳۰	۱۳۸
کنتورسازی‌ایران	۹,۶۷۰	۷۶۱
ح . الکتریک خودرو شرق	۹۳۸	۶۹
ح . البرزدارو	۹,۰۶۹	۴۰۷
توسعه‌معادن‌وفلزات	۳,۲۰۰	۱۴۰
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۳,۳۲۸	۱۲۸
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۴,۸۹۸	۵۷۳
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۴۵,۸۷۱	۱۷۶۴
کالسیمین	۴,۰۳۱	۱۵۵
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۳,۲۷۸	۱۲۶
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۶,۱۴۰	۲۳۶
داروسازی اکسیر	۱۹,۴۶۴	۷۴۸
داروسازی فارابی	۹,۱۹۰	۳۵۳
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۶۹۵	۶۵
سرمایه‌گذاری‌ملت	۶۲۶	۲۴
مس شهیدباهنر	۲,۲۴۸	۸۶
فرآورده‌های نسوز پارس	۳,۲۹۵	۱۲۶
عمران‌وتوسعه‌فارس	۲,۵۸۹	۹۹
دوده صنعتی پارس	۳,۶۰۹	۱۳۸
توسعه معادن روی ایران	۲,۳۸۱	۹۱
سرمایه گذاری دارویی تامین	۶,۲۳۱	۲۳۹
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۶,۲۸۷	۲۴۱
سیمان فارس نو	۵,۹۷۳	۲۲۹
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۱۵۸	۸۳
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۶۵۸	۶۳
قند ثابت خراسان	۱,۶۳۳	۶۲
کمباین سازی ایران	۱,۷۹۲	۶۸
سامان گستراصفهان	۱,۷۴۰	۶۶
گروه صنعتی پاکشو	۹,۱۲۷	۳۵۱
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۵,۴۹۱	۲۱۱
سرما آفرین	۲,۷۱۹	۱۰۴
بیمه دانا	۱,۱۳۶	۴۳
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۶۹۴	۶۵
البرزدارو	۱۰,۶۰۵	۴۰۷
کمک‌فنرایندامین	۱,۸۶۲	۷۱
کیمیدارو	۶,۵۸۲	۲۵۳
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱,۹۹۸	۷۶
پتروشیمی‌فارابی	۱۲,۶۶۶	۴۳۱
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۱۱,۸۱۱	۴۵۴
سیمان شرق	۲,۵۲۵	۹۷
ایران‌دارو	۶,۹۳۳	۲۶۶
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۲,۲۰۵	۸۴
حمل‌ونقل‌توکا	۲,۹۵۱	۱۱۳
پشم‌شیشه‌ایران	۵,۶۳۲	۲۱۶
سیمان‌غرب	۵,۷۹۹	۲۲۳
صنایع آذرآب	۲,۳۲۸	۸۸
داروسازی کوثر	۴,۲۹۰	۹۷
نیروترانس	۶,۲۴۹	۲۴۰
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۶,۱۲۱	۲۳۵
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۵,۱۵۴	۱۹۲
باما	۱۰,۸۱۴	۴۱۵
ملی سرب‌وروی ایران	۱,۹۱۲	۷۳
درخشان تهران	۳,۱۲۸	۱۲۰
ایران‌ارقام	۲,۳۹۶	۹۲
تولیدمحورخودرو	۱,۸۵۱	۷۱
سیمان‌شاهرود	۵,۲۶۵	۱۸۳
کارتن ایران	۴,۱۰۹	۱۵۸
سیمان‌سپاهان	۲,۱۶۱	۸۳
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۲۰۰	۸۴
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۶۵۳	۶۳
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲,۰۹۲	۸۰
ساپاشیشه	۲,۵۰۳	۹۶
سیمان تهران	۴,۳۱۹	۱۶۶
کارخانجات‌داروپخش	۷,۹۱۰	۳۰۴
افست	۷,۰۸۴	۲۷۲
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۹,۰۷۱	۳۴۸
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳,۲۲۷	۱۲۴
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۱۹۳	۴۵
آبسال	۴,۶۵۱	۱۷۸
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۸,۲۳۱	۱۰۸۵
داروسازی جابرابن‌حیان	۷,۹۲۸	۳۰۴
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۲,۰۵۲	۷۸
لعابیران	۳,۳۱۳	۱۲۷
سیمان فارس و خوزستان	۳,۱۹۰	۱۱۵
تامین ماسه ریخته‌گری	۶,۶۲۰	۲۴۸
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۷۸۸	۱۸
سرمایه گذاری شاهد	۲,۰۳۹	۷۸
فرآورده‌های تزریقی ایران	۸,۸۲۱	۳۳۹
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۲,۳۱۲	۸۸

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
پارس دارو	۳۱,۵۰۰	۶۴۳
سیمان‌ارومیه	۶,۵۰۲	۲۵۰
گروه صنعتی بارز	۸,۰۲۵	۳۰۸
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۲,۰۳۸	۷۸
پارس مینو	۵,۳۰۶	۲۰۴
سیمان قائن	۲۹,۲۱۱	۱۱۲۳
داروسازی سینا	۱۳,۴۰۰	۱۸۰
کابل البرز	۱,۷۵۷	۶۷
دارویی لقمان	۴,۳۸۱	۱۶۸
سیمان شمال	۳,۱۰۴	۱۱۹
تراکتورسازی‌ایران	۴,۲۸۳	۱۶
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۳۱۵	۷۱
الکتریک خودرو شرق	۱,۸۶۷	۷۱
فراورده های نسوزایران	۱۷,۳۵۲	۶۶۷
سیمان‌هگمتان	۶,۳۱۵	۲۴۲
پتروشیمی خارک	۱۸,۸۲۸	۲۵۲
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۴,۵۲۵	۱۷۴
تجارت الکترونیک پارسیان	۸,۹۰۰	۲۶۵
خدمات‌انفورماتیک	۱۰,۸۷۱	۴۱۸
فولاد آلیاژی ایران	۲,۹۲۷	۱۱۲
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۲,۱۹۵	۳۹
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۵,۶۳۷	۱۸۷
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۱۹۰	۳۳
لیزینگ ایرانیان	۲,۱۲۹	۳
ح . سرمایه‌گذاری مسکن	۵۳۰	۱۰
معدنی املاح ایران	۱۰,۳۶۸	۳۹۸
سرمایه گذاری پارس توشه	۳,۰۶۶	۱۱۷
تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۲۰۰	۱۳
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۳,۷۵۰	۳۳
کاشی پارس	۷,۶۰۱	۱۳۶
سیمان صوفیان	۴,۲۳۳	۱۶۲
پارس‌سویچ	۳,۲۲۹	۱۲۴
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۱۷,۵۷۴	۶۷۵
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲,۴۰۵	۶۳
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۳۶۸	۵۲
ایران ترانسفو	۴,۸۳۰	۷۴
ح . پتروشیمی شازند	۶,۸۰۰	۹
ذغال‌سنگ نگین طبس	۳,۲۵۰	۷۹
تجارت الکترونیک پارسیان	۸,۷۲۰	۸۵
لامپ پارس شهاب	۱۰,۵۸۸	۴۰۷
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۲۳۹	۱۳
گلتاش	۸,۹۳۹	۳۴۳
حفاری شمال	۴,۹۳۰	۱۳۹
گروه‌بهمن	۱,۶۹۰	۳۲
پارس سرام	۷,۲۱۴	-۲۳۹
چرخشگر	۱,۶۲۹	۳۵
صندوق سرمایه‌گذاری صنوین–مختلط	۱۰,۹۰۰	۸۲
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۲,۰۶۷	۷۹
لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۱۲۰	۸
پتروشیمی آبادان	۱۲,۳۹۰	-۱۲۱
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴,۳۷۲	۱۶۸
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲,۳۵۰	-۱۸
محورسازان‌ایران‌خودرو	۲,۰۶۰	-۷
قطعات اتومبیل ایران	۲,۷۰۰	۵۴
بیمه البرز	۱,۰۲۰	-۳
گسترش نفت و گاز پارسیان	۷,۶۰۰	۹
ماشین سازی اراک	۴,۸۷۰	۲۸
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۲,۰۴۰	۴۵
قند مرودشت	۵,۹۱۸	۱۸۸
سیمان بهبهان	۳۴,۸۶۳	-۷۴
دارویی رازک	۲۳,۴۹۹	۷۸۵
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۶,۷۴۹	۱۲
شیمی داروئی داروپخش	۶,۸۳۸	۲۶۳
مهرکام‌پارس	۲,۶۰۸	۷۵
خوراک دام پارس	۴,۳۷۹	۶۳
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۰۸۱	۸۰
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۴۶۳	۵۶
پتروشیمی فناوران	۲۵,۵۵۹	۱۷
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۵,۱۲۰	-۵۷
معدنی و صنعتی گل گهر	۵,۴۳۹	۱۷
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۴,۰۰۰	۷
داروسازی امین	۱۰,۹۰۵	۴۱۹
داروسازی اسوه	۱۰,۵۱۰	۴۰۴
داروسازی‌زهراوی	۴۳,۷۳۰	۱۲۱۵
سیمان‌خاش	۷,۷۵۰	-۱۹۴
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۶,۳۱۹	۶
موتوژن	۷,۷۰۰	۸۵
سپنتا	۱۰,۲۸۸	۳۹۵
کشت و صنعت چین چین	۱۵,۰۰۰	۳۳
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱,۳۴۷	۴
داروسازی ابوریحان	۱۸,۱۳۸	۶۹۷

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سرمایه‌گذاری سپه	۲,۱۸۷	-۲
گروه دارویی سبحان	۷,۰۱۵	۲۶۹
داملران	۹,۸۱۲	۳۷۷
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۳,۹۲۹	۲۷
سیمان سفیدنی‌ریز	۲۰,۵۶۷	۱۸۱
صنایع سیمان دشتستان	۳,۹۲۴	-۱۶۳
سیمان‌اصفهان	۱۳,۱۷۶	-۵۴۹
کاشی سعدی	۴,۰۰۲	-۱۶۶
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۵۸۴	۷
بیمه ملت	۱,۸۱۱	۱
تولیدی‌مهرام	۶,۷۵۰	-۲۳۲
گروه صنعتی ملی (هلدینگ	۵,۵۴۵	-۲۳۱
قند شیرین خراسان	۵,۲۰۰	۱۷
نورد آلومینیوم	۴,۷۵۸	-۱۹۸
فروسیلیس ایران	۳,۳۳۰	-۹۶
پارس پامچال	۲۷,۳۲۸	-۱۱۳۸
سیمان بجنورد	۵,۱۹۲	-۲۱۶
بیمه پارسیان	۲,۳۶۰	-۱۶
پمپ سازی ایران	۴,۴۵۴	-۱۸۵
سازه پویش	۱۹,۸۹۳	-۸۲۸
فولاد خراسان	۸,۷۴۳	-۳۶۴
مخابرات ایران	۲,۷۱۰	۳
قندهکمتان	۳,۸۱۶	-۱۵۹
شرکت ارتباطات سیار ایران	۳۱,۲۰۰	-۵۵۶
فنرسازی‌خاور	۲,۶۵۰	۵۳
پتروشیمی شازند	۸,۱۹۰	-۳۸
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷,۰۳۰	۲۱
سیمان‌مازندران	۱۹,۵۰۱	-۸۱۲
ح . معدنی و صنعتی گل گهر	۴,۲۳۰	۳۵
گروه‌صنعتی‌بوتان	۲,۱۱۰	-۸۴
سیمان خزر	۵,۳۳۲	-۱۷۸
شهد	۱۶,۲۴۷	-۶۷۶
کاشی الوند	۲,۲۰۵	-۹۱
شهد ایران	۲,۲۳۹	-۹۳
زامیاد	۱,۳۳۰	۲۱
معادن‌منگنزایران	۵,۹۰۰	-۸
تهران شیمی	۱۴,۲۰۰	۴
بانک‌پارسیان	۲,۹۶۹	-۳۹
پلی‌اکریل	۱,۴۴۰	-۳۵
قندنقش‌جهان	۹,۵۵۱	-۳۹۷
نفت بهران	۲۲,۳۸۰	-۱۲۵
پارس خودرو	۸۹۵	۹
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۷,۸۲۰	-۱۳۴
سایپا دیزل	۷۹۳	۰
ملی صنایع مس ایران	۲,۵۵۰	-۴۳
لامیران	۲,۴۱۲	-۳۶
فولاد خوزستان	۷,۴۴۰	-۲۳۲
پتروشیمی‌شیراز	۸,۲۳۳	-۳۴۳
نیروکلر	۴,۱۲۸	-۱۷۰
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۲۶۷	-۲
بیمه آسیا	۱,۲۶۸	-۵۲
پاکسان	۵,۱۳۲	-۴۰
ایران خودرودیزل	۸۶۶	-۱
نفت پارس	۱۳,۵۶۵	-۵۶۵
سیمان ایلام	۷,۸۹۲	-۳۲۸
ح . نفت پارس	۱۱,۳۴۰	-۲۴۹
قنداصفهان	۴,۷۲۰	-۵۲
بین المللی محصولات پارس	۴,۳۰۳	-۱۵۷
شکرشاهرود	۲,۰۰۰	-۱۳
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۰۷۰	۱۱۸
رینگ‌سازی‌مشهد	۲,۶۶۰	-۱۹
ایران‌یاساتایرورابر	۱۶,۹۴۴	-۷۰۶
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱,۸۵۶	-۵۳
ح . پتروشیمی‌فارابی	۱۱,۹۶۴	-۱۰۴۰
لیزینگ رایان سایپا	۲,۲۶۸	-۵۱
ایران مرینوس	۱۲,۳۸۳	-۵۱۵
فولاد امیرکبیرکاشان	۱۲,۷۶۸	-۵۳۱
صنایع لاستیکی سهند	۷,۶۰۴	-۳۱۶
کارخانجات قند قزوین	۲,۸۸۹	-۵۴
شیشه همدان	۱۰,۱۵۲	-۴۱۲
سیمان کرمان	۱۰,۰۵۰	-۳۸۵
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۱۰,۷۹۰	-۴۴۹
فنرسازی‌زر	۱,۴۷۸	-۲۷
ح . سیمان شرق	۱,۱۴۰	-۶۰
آهنگری تراکتورسازی ایران	۲,۰۳۰	-۶۹
قند نیشابور	۴,۳۰۶	-۱۷۹
قند لرستان	۳۰,۷۳۹	-۱۲۸۰
بهنوش ایران	۷,۳۳۲	-۱۹۶۵
صندوق سرمایه‌گذاری صنوین–مختلط	۱	-۱۰۸۱۷

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی مسکن مهر ۲۸ منطقه ۵ تهران

از کلیه‌ی اعضای محترم این شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول که رأس ساعت ۹ صبح روز جمعه مورخ ۹۳/۵/۱۷ در محل پروژه واقع در مسکن مهر یوسف‌آباد صفادشت تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند.

تذکر:کسانی که قصد دادن وکالت‌نامه به غیر جهت حضور در جلسه را دارند، می‌توانند همه روزه تا ۴۸ ساعت قبل از برگزاری مجمع به همراه وکیل و موکل به دفتر تعاونی مراجعه نمایند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس تعاون در خصوص وضعیت فعلی تعاونی
۲ـ اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال تعاونی
۳ـ انتخاب سه نفر به عنوان هیأت تصفیه
۴ـ تعیین محل و مدت تصفیه.

هیأت مدیره

کوتاه از چهار گوشه کشور

آموزش قرآن کریم به نونهالان والیبالیست اردکان

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: نونهالان والیبالیست پیشگامانی برای نخستین بار در شهرستان اردکان، در کلاس‌های قرآن شرکت می‌کنند.

به گزارش روابط عمومی باشگاه فرهنگی ورزشی پیشگامان، برای نخستین بار در تابستان امسال و همزمان با ماه مبارک رمضان والیبالیست‌های نونهال مدرسه والیبال پیشگامان شفق اردکان، در کلاس‌های آموزش و روخوانی قرآن کریم شرکت می‌کنند.

گفتنی است نونهالان والیبالیست پیشگامانی پیش از شروع تمرینات مدرسه والیبال به مدت یک ساعت با حضور در این کلاس آموزشی، قواعد و روخوانی قرآن کریم را به شیوه صحیح آموزش می‌بینند.

لازم به ذکر است در ادامه فعالیت‌های فرهنگی برای هنرجویان مدارس ورزشی پیشگامان شفق اردکان قرار است کلاس‌های آموزش مکالمه زبان انگلیسی نیز تشکیل شود.

تشکیل شورای راهبردی سلامت در کاشان

کاشان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر مرکز ارتباطات راهبردی و امور بین‌الملل شهرداری کاشان از انعقاد تفاهمنامه همکاری بین شهرداری کاشان و دانشگاه علوم پزشکی خبر داد.

محمدعلی فرجی توجه به سلامت شهروندان را از اهداف مهم امضای این تفاهمنامه دانست و گفت: تلاش برای گسترش فعالیت‌های سلامت و رفاه شهروندان در راستای ارائه خدمات مطلوب به شهروندان ضروری و حائز اهمیت است. وی شناسایی اولویت مشکلات و نیازهای سلامت شهروندی و تلاش برای جلب حمایت توسعه ارتباطات برون بخشی از طریق شناسایی، طبقه‌بندی و جلب مشارکت افراد و گروه‌های حامی سلامت توسعه فرهنگ خود مراقبتی در جامعه و افزایش مهارت و نگرش مردم را از مهمترین بندهای منعقد شده این تفاهم‌نامه برشمرد.

استقبال از قهرمان بازی‌های آسیایی وزنه‌برداری در بهشهر

بهشهر ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم استقبال از بسیجی سید میلاد هاشمی تروجنی دارنده دو مدال طلای آسیایی رشته وزنه‌برداری قدرتی (پاورلویفتینگ‌فول‌راو) با حضور پرشور و بی‌سابقه اهالی قهرمان‌پرور و با شرکت اعضای شورای اسلامی، دهیاری و پایگاه‌های مقاومت بسیج در روستای شهیدآباد شهرستان بهشهر برگزار شد.

سیدمیلاد هاشمی که در مسابقات وزنه‌برداری قدرتی (پاورلویفتینگ فول راو) که در کشور گرجستان برگزار شد، توانست دو مدال طلا برای کشورمان کسب کند. مراسم استقبال از بیمارستان شهدا به سمت مزار شهدای روستا برگزار شد و اهالی روستا با قربانی کردن گوسفند و دود کردن اسفند از این قهرمان بسیجی استقبال پرشوری کردند.

نصب پمپ قبل از کنتور آب ممنوع است

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: مشترکینی که به منظور افزایش فشار آب، به صورت غیرقانونی، قبل از کنتور آب، پمپ نصب کرده‌اند، شناسایی و با آنان برخورد قانونی می‌شود.

بهمن آنالویی معاون بهره‌برداری شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی با اعلام این خبر افزود: برخی از منازل و آپارتمان‌ها برای افزایش فشار آب، قبل از کنتور آب منازلشان، پمپ نصب کرده‌اند؛ که این کار منع قانونی دارد و مشکلات جدی را برای شبکه توزیع و دیگر مشترکین ایجاد می‌کند.

او اضافه کرد: تأمین فشار آب تا سه طبقه به عهده شرکت آب و فاضلاب بوده و در ساختمان‌های با بیش از آن به عهده مشترک است و مشترک باید با تعبیه درست پمپ و مخزن نسبت به تأمین فشار آب برای طبقات بالاتر اقدام کند.

تامین بسته‌های سرمایه گذاری در ریگان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: با تدوین سند توسعه و در اختیار قرار دادن آن به سرمایه گذاران تحول بزرگی در ریگان ایجاد می‌شود.

منصور حسین‌پور فرماندار ریگان با بیان مطلب بالا از فراهم کردن بسته‌های سرمایه گذاری در این شهرستان خبر داد و افزود: با توجه به رویکرد استاندار کرمان مبنی بر سند توسعه اقتصادی، ریگان دارای آب و زمین فراوان است که سرمایه گذاران می‌توانند از آن استفاده کنند.

او با تأکید بر ظرفیت‌های ریگان در بخش‌های فرهنگی و اقتصادی یادآور شد: ناحیه صنعتی ریگان بسته مناسبی برای سرمایه گذاران فراهم کرده است و با تأمین آب و برق آن سرمایه گذاران می‌توانند در این ناحیه کار کنند.

وی همچنین با اشاره به برقراری ارتباط تلفنی بین دو روستای سلطان آباد و نعمت آباد گفت: با پیگیری اداره مخابرات استان کرمان و شهرستان ریگان ۷۰۰ خانوار روستایی در این دو روستا از نعمت تلفن ثابت برخوردار شدند.

اختصاص ۱۵۷۶ میلیارد ریال برای اقدامات پیشگیرانه و مقابله با سیل در مازندران



ساری ـ خبرنگار اطلاعات: مبلغ ۱۵۷۶ میلیارد ریال برای اقدامات پیشگیرانه و مقابله با سیل و جابجایی واحدهای مسکونی واقع در حریم رودخانه‌های مازندران، هزینه خواهد شد.

معاون برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری مازندران با اعلام این خبر درباره تصویب اعتبار برای اقدامات پیشگیرانه و مقابله با پیامدهای جاری شدن سیل در استان گفت: هیات وزیران به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی ۵۰۰ میلیارد ریال به صورت تملک دارایی سرمایه‌ای برای مازندران تصویب کرده است علی احسانی افزود: بر این اساس امسال مبلغ ۹۵ میلیارد ریال مربوط به بخش آبخیزداری، آبخوانداری و پیشگیری و مهار سیل، ۴۰ میلیارد دریال در بخش پخش سیلاب و بهره‌برداری از رواناب‌های سطحی در حوزه‌های شهری و روستایی و ۲۰ میلیارد ریال برای بهبود و اصلاح مراتع، کنترل و مدیریت چرا در مراتع و افزایش پوشش‌های گیاهی، مصوب می‌شود.

وی جنگلکاری و توسعه جنگل‌ها را از دیگر بخش‌هایی ذکر کرد که مبلغ ۲۵ میلیارد ریال مصوب دارد. احسانی تصریح کرد: به بخش ساماندهی و دیواره‌سازی رودخانه‌های محلی خارج از محدوده شهرها ۱۰۰ میلیارد ریال و برای ساماندهی، دیواره‌سازی و لایروبی رودخانه‌های محدوده داخل شهرها نیز ۷۰ میلیارد ریال مصوب شده است.

معاون برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری مازندران ادامه داد: به منظور ایجاد و توسعه باغ‌ها در اراضی مستعد شیب‌دار ۷۰ میلیارد ریال و در بخش انتقال آب برای اراضی شیب‌دار بالا دست نیز ۸۰ میلیارد ریال بودجه به تصویب رسیده است، بر این اساس در قالب فعالیت‌های یاد شده برای سال آینده مبلغ ۴۴۰ میلیارد ریال و تا سال ۱۳۹۵ نسبت به پیش‌بینی و تأمین اعتبار مورد نیاز این تصویب‌نامه تحت عنوان «اقدامات پیشگیرانه و مقابله با سیل استان مازندران» اقدام می‌شود.

احسانی افزود: به منظور تسریع در روند اجرای پروژه‌های یاد شده، دستگاه‌های اجرایی ذیربط استان نیز موظفند با تأمین اعتبار از محل منابع تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، منابع مالی مربوط را تقویت کنند و برای ساماندهی، دیواره‌سازی و لایروبی رودخانه‌های محدوده داخل شهرها نیز با مشارکت شهرداری‌ها، اقدام‌های لازم را انجام دهند.

وی یادآور شد: مبلغ ۲۲۱ میلیارد ریال نیز برای تأمین هزینه‌های جابه جایی ۲۲۱ واحد مسکونی واقع در حریم و بستر رودخانه‌ها در اختیار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مازندران قرار می‌گیرد تا با هماهنگی استانداری نسبت به خرید واحدهای مسکونی واقع در حریم و بستر رودخانه‌ها و آزادسازی حریم‌های یاد شده، اقدام شود.

احسانی ادامه داد: در این میان استانداری مازندران موظف است ضمن نظارت دقیق و رعایت اصول فنی در روند اجرای عملیات احداث، بازسازی، بهسازی، ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی پروژه‌های یاد شده در برابر حوادث غیر مترقبه، گزارش عملکرد اعتبارات یاد شده به همراه حجم عملیات و پیشرفت فیزیکی پروژه‌ها را هر ۳ ماه به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری ارسال کند.

طرح همکُدی تلفن‌های ثابت بزودی در استان گلستان اجرا می‌شود

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: نامیرینگ ۸ رقمی یا همکُدی، طرحی ملی است که از سوی سازمان تنظیم مقررات مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است و شرکت مخابرات ایران، مکلف به اجرای آن تا پایان سال شهریور ماه ۹۳ است. مهندس سیدمهدی حسینی، مدیرعامل شرکت مخابرات استان گلستان با بیان این مطلب به خبرنگار اطلاعات گفت: شرکت مخابرات استان گلستان نیز به پیروی از اجرای این مصوبه، به زودی طرح همکُدی را در استان اجرا می‌کند.

وی افزود: در این طرح کدهای استان که تا قبل از اجرای طرح شامل ۰۱۷۱، ۰۱۷۲، ۰۱۷۳ و ۰۱۷۴ بود، به یک کد ۰۱۷ به عنوان کُد استانی در شبکه مخابراتی لحاظ خواهد شد و به عبارت دیگر، پس از اجرای این طرح، کُد استان گلستان در شبکه مخابراتی کشور ۰۱۷ شناخته و تعریف می‌شود.

به گفته وی، تعداد ارقام شماره تلفن ثابت مشترکین پس از اجرای طرح از ۷ به ۸ رقم تغییر می‌یابد و شروع شماره مشترکین در سطح استان برای تمامی شماره‌ها عدد ۳ و به عبارت دیگر، رقم اول از ۸ رقم در سطح استان عدد ۳ است. وی افزود: استان گلستان به ۲ ناحیه ترانزیتی گرگان و گنبد تقسیم‌بندی شده و پیش شماره و شماره مشترکین نیز بر مبنای همین موضوع توزیع شده است. حسینی ادامه: شماره مشترکین شهرستان گرگان (شهرها و روستاهای شهرستان گرگان) بعد از عدد ۳ استانی با ۲ شروع می‌شود، شماره‌های مشترکین شهرستان گرگان با ۳۲ و سایر شهرستان‌های مرکز ترانزیت گرگان شامل شهرستان‌های بندرگز، بندرترکمن، گمیشان، کردکوی، آق‌قلا و علی آباد بعد از عدد ۳ استانی با ۴ شروع خواهد شد.

بنابراین، شماره‌های مشترکین شهرستان‌های یاد شده با عدد ۳۴ شروع می‌شود و به همین منوال شماره مشترکین شهرستان‌های گنبد (شهرها و روستاهای شهرستان گنبد) پس از عدد ۳ استانی، عدد ۳ خواهد بود، به طوری که شماره‌های مشترکین این شهرستان با ۳۳ شروع می‌شود و برای سایر شهرستان‌های منطقه ترانزیتی گنبد، شامل شهرستان‌های رامیان، آزادشهر، مینودشت، گالیکش، کلاله و مراوه‌تپه بعد از عدد ۳ استانی با ۵ شروع می‌شود، یعنی شماره‌های مشترکین شهرستان‌های یاد شده با ۳۵ آغاز می‌شود. وی گفت: ۶ رقم باقیمانده از ۸ رقم شماره مشترکین، بر حسب شهرستان‌های استان، ناحیه‌بندی شده است. به طوری که تلاش بر این بوده است که کمترین تغییرات در شماره‌های مشترکین در طرح مزبور، به وجود آید. مدیرعامل مخابرات استان گلستان مزایای طرح را برشمرد و از جمله آنها عدم شماره گیری کد استانی در تماس‌های داخلی استان، کاهش هزینه تماس بین مشترکین توابع استان با مرکز استان و بالعکس و همچنین اختصاص یک شماره منحصر به فرد برای هر مشترک در سطح استان را اعلام کرد.

جمع آوری ۱۴۰ میلیون تومان کمک‌های خیرین برای آزادی زندانیان جرائم غیرعمد

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: قائم‌مقام رئیس ستاد دیه کشور از صدور سالانه بیش از ۵۰ میلیون قبض جریمه و ثبت ۵۰۰ میلیون تخلف رانندگی برای رانندگان متخلف در سطح کشور، خبر داد.

علی‌اکبر یساقی در مراسم جشن بزرگ گلریزان کمک به آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد زندان‌های خراسان شمالی (شهرستان بجنورد) که در تالار حافظ شهرداری بجنورد برگزار شد گفت: لازمه ایجاد تمدن، رعایت قانون است و از این مسأله به عنوان پیام اول ستاد دیه می‌توان نام برد که باید فرهنگ‌سازی درستی در حوزه تصادفات، حوادث کارگاهی، مهریه و حوزه‌های مالی انجام شود تا بتوانیم ملتی متمدن باشیم. وی به صدور سالانه بیش از ۵۰ میلیون قبض جریمه و ثبت ۵۰۰ میلیون تخلف رانندگی در کشور و کشته شدن بیش از ۲۳ هزار نفر در حوادث رانندگی اشاره کرد و در بخش دیگری از سخنانش به وضع نگران‌کننده تغییر کاربری زمین‌های شمال پرداخت و گفت: در این رابطه بیش از یک هزار و ۹۹۰ نفر در حوادث کارگاهی در سال گذشته جان باختند.

قائم‌مقام رئیس ستاد دیه کشور در رابطه با زندانیان محکوم به پرداخت مهریه‌های سنگین گفت: متأسفانه اصطلاحی بین خانواده‌ها و جوانان با عنوان «مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته؟» امروز به صورت فرهنگ درآمده و باعث بالا رفتن مبالغ بالای مهریه شده است که باید خانواده‌ها و جوانان به این مهم توجه کنند که به موجب قانون مدنی ایران به محض وقوع عقد، زن مالک مهریه است. او درباره حوزه معاملات نیز اظهار داشت: در این زمینه نباید سریع و بدون تفکر زیر هر برگه‌ای را امضاء کنیم، چرا که مسائل مالی پیچیده است و هزاران ماده در این باره وجود دارد و امکان دارد به محکومیت‌های مالی دچار شویم. وی در رابطه با حوزه‌های مالی گفت: لازم است در کارگاه‌ها ایمنی به درستی رعایت شود تا کشته شدن ۱۹۹۰ نفر در حوادث کارگاهی را نداشته باشیم. وی حوزه بیمه‌ها را نیز مورد اشاره قرار داد و بر لزوم مطالبه حق و حقوق از بیمه توسط مردم تأکید کرد و از تبدیل شدن بیمه‌ها به نهادهای تجاری که فقط به فکر منفعت خود هستند به عنوان معضلات این صنعت یاد کرد.

او گفت: با کمک به خانواده‌ها و آزادسازی افرادی که به هر دلیل در زندان به سر می‌برند، می‌کوشیم چراغ خانواده‌های بسیاری را روشن کنیم و آرامش را دوباره به آنان برگردانیم.

امام جمعه بجنورد نیز در این جشن با تأکید بر کمک به نیازمندان از جمله زندانیان جرائم غیرعمد، خواستار کمک نیکوکاران شد تا بتوانند خانواده‌هایی را شاد کنند.

حجت‌الاسلام یعقوبی کمک به این زندانیان و خانواده آنها را از مصادیق انفاق و صدقه ذکر کرد و افزود: باید کسانی که قدرت و توانایی مالی دارند، هر چه می‌توانند در این راه گام بردارند تا خانواده‌هایی را از گرفتاری نجات دهند.

قائم‌مقام دادگستری خراسان شمالی نیز در این مراسم به آزادی ۱۶۲۰ زندانی جرائم غیرعمد از سال ۸۴ تاکنون اشاره کرد و گفت: فقط در سال ۹۲ با کمک خیران و ستاد دیه استان ۱۴۰ زندانی در استان آزاد شدند. وی میزان بدهی این زندانیان را ۵ میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: نیمی از این مبلغ با استفاده از ظرفیت‌های ستاد دیه از شکات رضایت گرفته شده و نیمی دیگر با کمک‌های ستاد دیه و خیران، به شاکیان پرداخت شده است. سیدی، با بیان این که هم‌اکنون ۱۲۰ زندانی جرائم غیرعمد به دلایل حوادث کار، مهریه، مطالبات حقوقی و تصادفات در زندان‌های استان زندانی هستند، افزود: میزان بدهی این زندانیان ۶ میلیارد تومان است و در این زمینه تلاش ستاد دیه بر این است که از ظرفیت‌های محققین و مددکاران کمیته امداد برای اخذ رضایت از شکات بهترین استفاده را داشته باشد.

لازم به ذکر است در پایان این مراسم ۱۴۰ میلیون تومان برای کمک به زندانیان جمع آوری شد.

سنگ فیروزه؛ ثروت منحصر به‌فرد کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: سنگ فیروزه شهربابک یکی از ثروت‌های منحصربه‌فرد کرمان است.

مهدی حاج محمدی نماینده اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کرمان با بیان مطلب بالا سنگ فیروزه شهربابک را جزو سنگ‌های مرغوب کشور دانست و افزود: کارگاه‌های فیروزه این شهر زمینه اشتغال ۶۰ نفر را به طور مستقیم و ۶۰ نفر دیگر را غیر مستقیم فراهم کرده است.

او با تأکید بر ساماندهی و متمرکز کردن کارگاه‌های فیروزه تراشی گفت: باید از خام فروشی و خارج کردن این سنگ گرانبها از شهر بابک برنامه‌ریزی شود. به گفته وی، برپایی نمایشگاه صنایع دستی در سال‌های اخیر توانسته است سنگ فیروزه شهر بابک را به علاقه‌مندان و گردشگران به عنوان صنایع دستی معرفی کند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

از نویسنده مدرسه موش‌ها هم به نیکی یاد شود

هنگامی که در صدا و سیما و مطبوعات از مجموعه تلویزیونی مدرسه موش‌ها صحبت می‌شود، در کنار تجلیل از کارگردان و فیلمبردار این مجموعه، جا دارد از مرحوم احمد بهبهانی نویسنده آن هم به نیکی یاد شود. چرا که ایشان بعد از پیروزی انقلاب با نوشته‌هایش جلوه و اعتبار ویژه‌ای به برنامه‌های نمایش کودکان و نوجوانان بخشید.

از دست اندرکاران تولید برنامه‌های کودک

ضیافت افطار رمضان برگزار نشده است

خواننده‌ای در خط ارتباطی از برگزاری ضیافت‌های پر هزینه افطار برای فرهنگیان انتقاد کرده بود، حال آن‌که از ۲ سال قبل نه این ضیافت برگزار شده و نه به فرهنگیان سبد کالای رمضان تعلق گرفته است.

اصفهان ـ خانم میرحاجی

وقتی ماجرا به خیر و خوشی پایان می‌یابد!

مردم و دولت با افزایش قیمت خودروهای داخلی مخالفت می‌کنند، اما شورای رقابت با رفاقتی که با خودروسازان دارد، به افزایش قیمت خودروها رأی می‌دهد و خودروسازان هم به صدا و سیما آگهی‌های آنچنانی می‌دهند و پس از مدت کوتاهی، ماجرا به خیر و خوشی پایان می‌یابد!

خریدار خودرو

بیکاری جوانان متولد دهه ۶۰

آیا استمرار بیکار ماندن اغلب جوانان متولد دهه ۱۳۶۰ هنوز مسئولان را مجاب کرده است که بدون پیش‌بینی اشتغال برای جوانان، تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری بیشتر در آینده مشکل ساز خواهد شد.

تلفن به خط ارتباطی

تفاوت گوجه فرنگی‌های گذشته و حالا!

سال‌های گذشته گوجه فرنگی‌ها کوچک، پردانه و پرآب بود و مزه خوشمزه‌ای هم داشت، کارشناسان کشاورزی لطفا توضیح دهند که این روزها گوجه فرنگی‌ها چرا خیلی سفت و پرگوشت و نیز کم آب و بیمزه شده است؟

مصرف کننده گوجه فرنگی

فروش داروهای خارجی به قیمت‌های دلخواه

داروخانه‌ها، داروهای خارجی مورد نیاز بیماران را به قیمت‌های متفاوت و دلخواه می فروشند و متاسفانه نظارتی، هم به آنها وجود ندارد.

خانم بیمار نیازمند دارو

وظیفه پارکبانان چیست؟

ظاهراً وظیفه پارکبانان این است که به رانندگان کمک کنند در کنار خیابان‌ها بتوانند خودروهایشان را پارک کنند. اما سر و کله آنان فقط هنگامی پیدا می‌شود که رانندگان با هزار زحمت توانسته‌اند برای خودشان جای پارکی پیدا کنند و حالا باید بابت خدمتی که دریافت نکرده‌اند، به پارکبانان مبالغی بپردازند!

شهروند تهرانی

تقاضا در سازمان انتقال خون ایران

با توجه به اهمیت اهدای خون، از سازمان انتقال خون ایران تقاضا می‌شود به درخواست نمازگزاران مساجد شهید دکتر بهشتی، اباعبدالله الحسین(ع) واقصی و دیگر ساکنان تهران پارس پاسخ مثبت دهند و نسبت به نصب یک کانکس خونگیری در فلکه دوم تهرانپارس اقدام کنند.

فیاض ـ مداح اهل بیت(ع)

پرداخت ۵ درصد افزایش حقوق‌ها

باتشکر از هیات محترم دولت که افزایش ۲۵ درصدی مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی را در خرداد ماه امسال تصویب کرده است، تقاضا می‌شود در مورد پرداخت ما به التفاوت ۵ درصدی آن در ماه‌های فروردین و اردیبهشت هم اقدام کنند.

کوچک زاده ـ بازنشسته تأمین اجتماعی

با این مستمری می‌توان با نان خالی‌هم خود را سیر کرد؟

از ۳ سال پیش مستمری ۲۲ هزار تومانی مدد جویان کمیته امداد امام(ره) تغییری نکرده است که وجداناً با این مبلغ آیا می‌توان نان خالی هم خرید و خود را سیر کرد؟

از مدد جویان کمیته‌امداد

امکان پهلوگیری کشتی‌های ۵۰۰۰ تنی با لایروبی حوضچه بندرلنگه

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر اداره بنادر و دریانوردی بندرلنگه، از آغاز عملیات لایروبی حوضچه این بندرتجاری در ماه جاری خبر داد.

اسماعیل مکی زاده، امکان پهلوگیری کشتی‌های ۵۰۰۰تنی را از جمله دستاوردهای اجرای طرح اعلام کرد و افزود: عملیات لایروبی حوضچه این بندر تجاری هم اکنون در دست اجراست و با پایان طرح، ظرفیت تخلیه و بارگیری کالا در این بندر سالانه از ۱/۵ میلیون به ۴/۵ میلیون تن افزایش می‌یابد.

او فراهم شدن امکان تردد کشتی‌های با ظرفیت ۵۰۰۰ تن و با طول ۷۰ متر را از دیگر مزایای لایروبی حوضچه این بندر مهم دانست.

مکی زاده اضافه کرد: به موازات عملیات لایروبی، ۹ هکتار پس کرانه جدید نیز در بندر تجاری لنگه استحصال و در اختیار سرمایه گذاران قرار می گیرد.



بیژن یزدانی معاون فنی و مهندسی اداره بنادر و دریانوردی بندرلنگه نیز در این رابطه، گفت: با پایان مراحل اولیه طرح همچون تجهیز کارگاه، عملیات شن ریزی و گمانه زنی در بسترهای سنگی و غیرسنگی حوضچه، عملیات لایروبی آغاز شده است.

وی تصریح کرد: طرح مزبور با اعتبار ۸۵ میلیارد ریال و در ۱۸ ماه انجام می‌شود.

معاون فنی و مهندسی اداره بنادر و دریانوردی بندرلنگه، حجم عملیات لایروبی این بندر را ۳۲۰ هزار متر مکعب اعلام و گفت: با لایروبی حوضچه این بندر، عمق آبخور حوضچه جدید اضافه شده به ۵/۵ متر افزایش یافته و ایمنی و قابلیت چرخش کشتی‌ها در حوضچه ارتقاء می‌یابد.

عباس حلافی ناخدای یک لنج تجاری فعال در این بندر نیز با اشاره به مزایای این اقدام سازمان بنادرو دریانوردی برای رونق کسب و کار تجار و سرمایه‌گذاران، بیان کرد: با انجام این لایروبی تخلیه روزانه لنج از ۱۵ به ۳۰لنج افزایش می‌یابد و صادرات کالا رونق بیشتری می‌یابد.

فاز نخست طرح توسعه بندرلنگه در سال ۹۱ به پایان رسید که به موجب آن، طول موج شکن از ۱۵۰۰ متر به ۱۹۷۵ متر و مساحت حوضچه نیز از ۱۰ هکتار به ۳۰ هکتار رسید.

کاهش آمار تصادفات درون‌شهری و جاده‌ای لرستان

خرم‌آباد ـ خبرنگار اطلاعات: آمار وقوع تصادفات درون‌شهری استان لرستان ٤٤ درصد کاهش یافته است.

رئیس پلیس راهور فرماندهی انتظامی استان لرستان با اعلام این مطلب افزود: آمار وقوع تصادفات درون‌شهری استان در ۳ ماه نخست امسال نسبت به مدت مشابه پارسال ٤٤ درصد کاهش یافته است.

سرهنگ حشمت‌الله اسکینی در جمع خبرنگاران افزود: در ٤ سال گذشته روند تصادفات درون‌شهری استان نیز سیر نزولی داشته است به نحوی که این تصادفات در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۱ نیز حدود ۱۸ درصد کاهش داشته و در این زمینه موفق به کسب رتبه دوم کشور شده‌ایم.

وی با بیان این‌که تصادفات رخ‌به رخ واژگونی خودرو در شهرهای استان لرستان روی نداده است افزود: بیشترین آمار تصادفات درون شهری استان شامل خسارتی و جرحی و مربوط به راکبان موتور سیکلت و عابران پیاده است که در این زمینه استفاده از کمربند و کلاه ایمنی موجب کاهش ۸۰ درصدی خسارت‌های جرحی و فوت ناشی از حوادث رانندگی درون شهری می‌شود.

وی درباره برخی نابسامانی‌های ترافیکی درون شهری در استان نیز گفت: برخی از مشکلات به دلیل ضعف قانون و برخی هم به دلیل ناآگاهی و قانون گریزی مردم و رانندگان ایجاد می‌شود.

او با بیان این‌که ۱۲۰ هزار وسیله نقلیه روزانه در خیابان‌های خرم‌آباد تردد می‌کنند، افزود: باید کنترل خیابان‌ها همانند بسیاری از کشورهای پیشرفته با استفاده از تجهیزات جدید و به شیوه نظارت الکترونیکی انجام شود.

وی همچنین دربارهٔ وضع ترافیکی میدان و زیرگذر امام حسین(ع) شهر خرم‌آباد نیز اظهار داشت: ۱۵۰ هزار نفر جمعیت مناطق جنوبی خرم‌آباد روزانه در این مسیر تردد می‌کنند و با وجود و استقرار برخی مشاغل در این محدوده مشکل ترافیکی این زیرگذر با حضور یا افزایش شمار ماموران راهنمایی و رانندگی حل نمی‌شود که در این زمینه باید رفتار مردم اصلاح شود و علاوه بر آن حل معضل سد معبر در این محدوده و ساماندهی این میدان برای خروج از حالت پایانه‌ای نیز به عنوان یک راهکار محوری در دستور کار شورای ترافیک استان قرار گرفته است.

کاهش تلفات تصادفات برون‌شهری

رئیس پلیس راه استان لرستان نیز گفت: میزان تلفات ناشی از تصادفات رانندگی در محورهای ارتباطی استان در سه‌ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه پارسال ۱۳/۳ درصد کاهش یافته است. سرهنگ سید محمودرضا حسینی درجمع خبرنگاران رسانه‌های گروهی افزود: همچنین دراین مدت مجموع تصادفات رخ داده نیز ۹/۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. وی ایجاد چهار خطه‌ها، ارتقای عملکرد نیروهای اورژانس و هلال‌احمر و پیگیری و حمایت مدیریت ارشد استان در زمینه بررسی مسایل و مشکلات ترافیکی را از جمله عوامل کاهش تصادفات در لرستان برشمرد.

وی گفت: لرستان در زمینه تلفات ناشی از تصادفات جاده‌ای در سال ۹۱ رتبه ششم، در سال ۹۲ رتبه چهارم و در مجموع تصادفات برون و درون شهری رتبه ۱۲ کشوری را کسب کرده است. او با بیان این‌که در سه ماه نخست امسال شمار مجروحان ناشی از تصادفات جاده‌ای ۱٤/۵ درصد نسبت به مدت مشابه پارسال کاهش یافته است افزود: تاکنون ۷٦ نقطه حادثه‌خیز در استان شناسایی و آشکار سازی شده است. وی گفت: پرحادثه‌ترین محورهای ارتباطی استان محور خرم‌آباد ـ دورود و خرم‌آباد ـ نورآباد و پر ترددترین مسیر نیز محورهای خرم‌آباد ـ بروجرد و بروجرد ـ اراک است.

۸۵ درصد مؤدیان مالیاتی استان یزد اظهارنامه مالیاتی تنظیم کردند

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: ۸۵ درصد مؤدیان مالیاتی سال قبل در استان یزد، امسال هم اظهارنامه مالیاتی تنظیم کرده‌اند که این آمار شامل ۱۰۰ درصد اشخاص حقوقی و ۹۰ درصد افراد حقیقی است.

سیدرضا نوربخش، مدیرکل امور مالیاتی استان یزد در جمع خبرنگاران به مناسبت هفته مالیات با بیان این مطلب افزود: ۸۵ درصد مالیات‌های استان یزد مربوط به اشخاص حقوقی هم در بخش صنعت و هم در بخش خدمات، ۱۱ تا ۱۲ درصد در حوزه مشاغل و بقیه مربوط به سایر درآمدهای مالیاتی است. وی همچنین با اشاره به ارائه صورت معاملات فصلی افزود: مهلت تسلیم این صورت تمدید شده و برای اشخاص حقیقی تا ۵ مهر و برای اشخاص حقوقی تا ۲۵ شهریور مهلت برای تسلیم صورت معاملات فصلی در نظر گرفته شده است.

نوربخش افزود: اظهارنامه‌ها امسال به صورت الکترونیک تکمیل می‌شود و برای مودیانی که اظهارنامه خود را به موقع تحویل دهند، تسهیلاتی نظیر تقسیط مالیات در نظر گرفته شده است به نحوی که ٤۰ درصد مبلغ مالیات به صورت نقدی و بقیه در شش قسط پرداخت می‌شود.

او همچنین از تلاش برای اجرای طرح جامع مالیاتی در استان یزد خبر داد و گفت: سیستم استاندارد‌سازی عملیات‌های مالیاتی و سیستم یکپارچه سازی نرم افزار مالیاتی دو پروژه از طرح یاد شده است که عملیات اجرایی آن آغاز شده و تا پایان سال در یزد قابل بهره برداری کامل است. وی گفت: از سال ۱۳۷۵ تاکنون، بیش از ٦۳ میلیارد تومان بدهی معوقه شامل مالیات و جرائم دیرکرد آن داریم که این معوقات هر سال پیگیری می‌شود. او با اشاره به علت‌های وصول نشدن این معوقه‌ها گفت: برخی از اصناف و اشخاص حقیقی و حقوقی که بدهی مالیاتی دارند، اکنون به دلایل مختلف فعال نیستند و این امر علت اصلی وصول نشدن مالیات آنهاست. مدیرکل امور مالیاتی استان یزد همچنین با اشاره به درآمدهای مالیاتی استان افزود: امسال درآمدهای مالیاتی استان یزد ٦۹۰ میلیارد تومان تعیین شده که در ۳ ماه نخست امسال، ۹۳ درصد از درآمدهای پیش بینی شده وصول شده است و نسبت به برنامه، ۷ درصد عقب هستیم. وی افزود: تلاش می کنیم مالیات‌های تعیین شده را تا پایان سال وصول کنیم اما به دلیل افزایش درآمدهای مالیاتی، وصول مالیات اندکی دشوارتر شده است.

او با اشاره به اینکه پارسال ٥٦٥ میلیارد تومان مالیات در استان یزد وصول شد، افزود: یزد هم اکنون در زمینه وصول مالیات رتبه ۱۷ کشور را داراست. نوربخش ادامه داد: درآمدهای عمومی استان یزد امسال ۷٦۸ میلیارد تومان تعیین شده که ٦۹۰ میلیارد تومان آن معادل ۹۰ درصد درآمدهای استانی را درآمدهای مالیاتی شامل می‌شود.

وی با بیان اینکه فرار مالیاتی در کل کشور مشاهده می‌شود، افزود: در یزد نیز شاهد فرار مالیاتی هستیم اما تعریف‌های متعددی از فرار مالیاتی وجود دارد. دسته‌ای از افراد تا ماموران وصول مالیات به سراغ آنها نروند، برای پرداخت مالیات مراجعه نمی‌کنند و این نوعی از فرار مالیاتی است. اما اغلب افرادی که فرار مالیاتی دارند، به طور عمده دارای درآمدهای نامشخص و زیرزمینی هستند و عده‌ای نیز، هم مشمول مالیات هستند و هم پرونده مالیاتی دارند اما از پرداخت آن سر باز می‌زنند.

طرح جامع ۲۶ شهر استان اردبیل در حال تهیه است

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: طرح جامع و تفصیلی ۲٦ شهر استان اردبیل با هدف الگوسازی مناسب ساخت و تجهیز واحدهای مسکونی، در دست تهیه و اجراست. علی حیدری، مدیرکل راه و شهرسازی استان اردبیل در جلسه بررسی مشکلات حوزه راه و شهرسازی نمین افزود: با تدوین طرح‌های تفصیلی، برقراری توازن را در توسعه شهرهای استان اردبیل را شاهد خواهیم بود. وی همچنین از شناسایی بافت‌های فرسوده در مناطق شهری خبر داد و گفت: قرار است تا پایان امسال طرح جامع تفصیلی شهر «نمین» به نقطه پایانی مطالعات و اجرا برسد تا در هفته دولت به شهرداری ابلاغ و مراحل اجرایی آن انجام شود. مدیر کل راه و شهرسازی استان اردبیل همچنین از تکمیل و بهره‌برداری مسکن مهر «نمین» و تحویل آن به متقاضیان به شکل کامل خبر داد و افزود: ما کمترین مشکل را در حوزه مسکن مهر این شهرستان شاهد نبوده‌ایم.

حیدری اجرای ۱۰ هزار متر مربع خط کشی، نصب ۱٤۰ شاخه گاردریل و نصب علائم راهنمایی و رانندگی را در مسیرهای اصلی و فرعی را یادآور شد و تصریح کرد: قرار است ۱۸ کیلومتر روکش آسفالت و ۵۰۰۰ متر مربع لکه گیری در جاده‌های این شهرستان انجام شود. وی به چهار خطه شدن محور اردبیل ـ آستارا اشاره کرد و گفت: زیرسازی و آسفالت ٦ کیلومتر کنارگذر تونل بزرگراه اردبیل ـ آستارا با یک میلیارد ریال اعتبار و اصلاح و بازسازی آسفالت و روشنایی داخل این تونل در آینده نزدیک انجام می‌شود.

حیدری حذف مسیرهای خطرناک و نقاط حادثه‌خیز را در شهرهای مختلف شهرستان نمین یادآور شد و گفت: به زودی آسفالت‌ریزی معابر شهرک مسکن مهر نمین به همت بنیاد مسکن، انجام می‌شود.

برقراری پرواز آزمایشی بار هوایی در فرودگاه بین‌المللی شهیدمدنی تبریز

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهادکشاورزی آذربایجان شرقی از برقراری پرواز آزمایشی بار هوایی (کارگو) در فرودگاه بین‌المللی شهید مدنی تبریز تا پایان ماه مبارک رمضان سال‌جاری خبر داد.

ایرانی فام در حاشیه جلسه بررسی موضوع برقراری پرواز بار هوایی (کارگو) در فرودگاه بین‌المللی شهید مدنی تبریز، با اشاره به اهمیت و ایجاد ترمینال باری در فرودگاه تبریز و نقش بارز آن در اقتصاد آذربایجان شرقی به ویژه در بخش کشاورزی اعلام کرد: در صورت فعالیت این ترمینال، صادرات محصولات کشاورزی می‌تواند بیشترین حجم صادرات پایانه بار هوایی (کارگو ترمینال) تبریز را به خود اختصاص دهد.

وی با اشاره به این که موقعیت آذربایجان شرقی به رغم وسعت و جایگاه آن در مرکز کشور از نظر حمل بار هوایی مطلوب نبوده است، تاکید کرد: به دلیل نبود زیر ساخت‌های لازم صادرکنندگان بخش کشاورزی مجبور بودند کالاهای خود را به تهران ارسال کنند تا از آنجا به مقصد مورد نظر انتقال یابد.

او با اشاره به این که برقراری پرواز بار هوایی در توسعه تجارت بخش کشاورزی آذربایجان شرقی گام بزرگی محسوب می‌شود، افزود: ایجاد کارگو ترمینال در فرودگاه بین‌المللی شهید مدنی تبریز حاصل زحمات چندین ساله مسئولان استان است. وی با تاکید بر این که توسعه و رونق صادرات محصولات کشاورزی حمایت‌های همه جانبه‌ای را می طلبد، اظهار امیدواری کرد؛ این بخش با همراهی و همدلی مسئولان هرچه بیشتر و بهتر رونق گیرد.

معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهادکشاورزی آذربایجان شرقی با اشاره به این که فعالیت کارگو ترمینال فرصت بسیار خوبی برای افزایش صادرات و کسب ارز برای استان و استان‌های همجوار به ویژه در بخش کشاورزی است، گفت: بخش کارگو در چند فرودگاه کشور از جمله فرودگاه امام خمینی(ره) و فرودگاه شهید بهشتی اصفهان فعال است که امیدوارم با فعالیت آن در تبریز حضور تولیدکنندگان و صادرکنندگان بخش کشاورزی شمال غرب کشور در بازارهای جهانی افزایش یابد.

ایرانی فام با اعلام این که محصولات کشاورزی، ۱۲ درصد صادرات آذربایجان شرقی را به خود اختصاص داده است، افزود: پارسال صادرات محصولات کشاورزی آذربایجان شرقی ۲٦۰ میلیون دلار بود که با فعالیت این ترمینال افزایش خواهد یافت. وی از تمامی واحدها، تشکل‌ها و صادرکنندگان بخش کشاورزی از فرصت پیش آمده حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورند و در تداوم و استمرار فعالیت ترمینال هوایی نقش‌آفرین شوند.

ساخت مجتمع تجاری ـ مسکونی در موقوفه خسرو بیگ ارومیه

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: ۹ طرح عمرانی وقفی در آذربایجان غربی بعد از ماه مبارک رمضان کلنگ زنی می‌شود.

حجت الاسلام علی مصائبی مدیر کل اداره اوقاف و امور خیریه آذربایجان غربی در آیین کلنگ زنی پروژه ملی موقوفه خسرو بیگ ارومیه این خبر را اعلام کرد و افزود: از این تعداد یک مورد در ارومیه، سه مورد در خوی، یک مورد در شوط، دو مورد در مهاباد و یک مورد در میاندوآب ساخته می‌شود.

وی اجرای نیت واقف را یک ضرورت اساسی دانست و گفت: افراد خیر با هدف نزدیک شدن به مقام قرب الهی، از اموال خود چشم‌پوشی کرده و املاک خود را برای استفاده در امور معین اختصاص می دهند.

او درباره طرح ملی موقوفه خسرو بیگ ارومیه افزود: مجری این پروژه بنیاد توسعه و عمران اوقاف است که با اعتبار ۷۰ میلیارد ریال و در مدت ٤ سال به پایان می‌رسد.

وی اضافه کرد: این مجتمع در زمینی به وسعت ٤۷۸۲ مترمربع و با زیربنای ٤۰ هزار مترمربع در ۱۸ طبقه به صورت سه طبقه پارکینگ زیرزمینی و ۱۵ طبقه تجاری ـ مسکونی در ساحل رودخانه شهرچایی ارومیه ساخته خواهد شد.

حجت الاسلام مصائبی با بیان اینکه ۱۸ پروژه سرمایه گذاری با ۱۲ میلیارد تومان اعتبار امسال در استان ساخته می‌شود، افزود: از مجموع این طرح‌ها هشت مورد مربوط به بخش کشاورزی است، که با بالاترین حجم سرمایه گذاری در ارومیه اجرایی خواهد شد. هادی بهادری معاون امور عمرانی استاندار آذربایجان غربی هم در مراسم کلنگ زنی این مجتمع با اشاره به نقش سنت وقف در جامعه گفت: ترویج فرهنگ وقف و مشارکت در امر کمک به نیازمندان و زدودن آثار فقر در جامعه از برکات و آثار نیک این سنت اسلامی است که علاوه بر گسترش فضای معنوی و روحانی در جامعه موجب ایجاد فرصت خدمت به مردم در همه ابعاد فرهنگی و اقتصادی می‌شود. وی با بیان اینکه فرهنگ وقف عدالت اجتماعی را در جامعه گسترش می دهد، افزود: فرهنگ وقف باید با اطلاع رسانی از اثرات و کارکردهای آن در جامعه و بین مردم نهادینه شود.

اخبار کوتاه شهرستان

اخراج متکدیان غیربومی از ایلام

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: متکدیان غیربومی از ایلام اخراج می‌شوند.

مدیرکل بهزیستی ایلام گفت: بخش عمده‌ای از متکدیان در ایلام از دیگر مناطق هستند.

به گفته شهریار مهردادی، رفع مشکل متکدیان نیازمند عزمی استانی از سوی همه دستگاه‌های متولی و از جمله شهرداری، فرمانداری، دستگاه قضایی و نیروی انتظامی است و سازمان بهزیستی به تنهایی قادر به رفع آن نیست.

وی یادآور شد: بهزیستی فقط مسئول آن است که پس از شناسایی متکدیان از سوی دستگاه‌های متولی در استان، ضمن مشاوره و تقسیم‌بندی آنها در قالب افراد بی‌سرپرست، کودکان خیابانی و نظایر آن‌ها، زمینه رفع این مشکلات را برطرف سازد. او افزود: روانشناختی و مشاوره از این افراد از ضروریات است که سازمان بهزیستی به آن توجه و عنایت ویژه‌ای دارد. مهردادی تأکید کرد: برای رفع این معضل باید همه دستگاه‌های متولی همپای بهزیستی تلاش کنند. مدیرکل بهزیستی استان ایلام با اشاره به اقدام‌های اخیر شهرداری ایلام در این زمینه، اظهار امیدواری کرد، این روند با شتاب بیشتری استمرار یابد.

استقرار بالگرد امدادی جمعیت هلال‌احمر در ایلام

* بالگرد امدادی جمعیت هلال‌احمر در ایلام مستقر می‌شود.

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر ایلام گفت: اولویت کاری این جمعیت ساخت پایگاه امداد هوایی است که تاکنون نتایج مطلوبی داشته شده است.

محمد سلیمانی استقرار بالگرد امدادرسانی در ایلام را یکی از مطالبات به حق مردم و از دغدغه‌های مسئولان امر دانست و یادآور شد: در این مورد هماهنگی‌های لازم انجام شده است و قرار است بزودی در دیداری با مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر کشور، موضوع نهایی شود.

سلیمانی با تأکید بر این که استقرار بالگرد امدادرسانی در استان ایلام با توجه به شرایط توپوگرافی آن ضروری است، اظهار امیدواری کرد که با استقرار این بالگرد امدادرسانی به مصدومان و حادثه‌دیدگان تسریع شود.

ایجاد تأسیسات در آمدزا در روستای بساب بافق

بافق ـ خبرگار اطلاعات: نخستین برنامه ایجاد تأسیسات درآمدزایی شهرستان بافق، در روستا «بساب» اجرا شد.

داوود ایزدی، دهیار «بساب» در گفتگو با خبرنگار ما با اعلام این مطلب، افزود: دهیاری «بساب» با ایجاد یک استخر به حجم ۱۸۰ مترمکعب و آماده‌سازی آن، برای نخستین بار در سطح روستاهای بخش مرکزی بافق طرح درآمدزایی پرورش ماهی را ایجاد کرده است. وی گفت: در اجرای این طرح بیش از ۱۵۰۰ قطعه بچه ماهی قزل‌آلا به صورت آزمایشی در استخر رهاسازی شد. وی هزینه اجرای این طرح را بالغ بر ۱۸۰ میلیون ریال عنوان کرد و افزود: این مبلغ از محل اعتبارات دهیاری بساب، هزینه و پرداخت شده است. دهیار بساب، ظرفیت این استخر را در هر دوره رهاسازی، افزون بر ٤ هزار قطعه بچه ماهی اعلام کرد و افزود: امکان رهاسازی در هر سال ۲ مرتبه وجود دارد و جمعاً بیش از ۸ هزار قطعه بچه ماهی رهاسازی می‌شود. وی با بیان اینکه متوسط وزن هر بچه ماهی تا زمان صید ۵۰۰ گرم خواهد بود پیش‌بینی کرد: سالانه افزون بر ۱٦ تن گوشت ماهی در این استخر روستایی تولید شود. این استخر علاوه بر تولید ماهی قزل‌آلا، موجب غنی‌سازی و کوددهی آب زراعی روستای بساب خواهد شد.

رئیس دادپزشک مازندران منصوب شد

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: در حکمی از سوی محمود خدادوست رئیس مرکز تحقیقات سازمان پزشکی قانونی کشور، علی عباسی مدیر کل پزشکی قانونی مازندران به عنوان رئیس دادپزشک مازندران منصوب شد.

طرح دادپزشک در راستای استانداردسازی صدور جواز دفن و صدور گواهی فوت به روش علمی و کمک در ایجاد بانک اطلاعات مرگ و میر ایرانیان اجرایی شده است.

از دیگر اهداف این طرح ایجاد بستر مناسب پژوهشی برای پیشگیری از خطاهای پزشکی و نیز پیشگیری از مرگ‌های غیرطبیعی اعلام شده است.

برگزاری نمایشگاه تغذیه سالم در بندر خرمشهر

خرمشهر ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره بیمه، رفاه، بهداشت و ایمنی بندر خرمشهر، از برگزاری نمایشگاه عکس با عنوان تغذیه سالم به مناسبت ماه مبارک رمضان خبر داد.

محمدرضا رسول رویسی افزود: این نمایشگاه در راستای تأمین سلامت پایدار توسط مرکز HSE و با حضور امام جمعه خرمشهر، مدیران و جمعی از کارکنان این اداره کل افتتاح شد. وی گفت: در این نمایشگاه عکس و پوستر همراه توصیه‌های پزشکی و نحوه مصرف مواد غذایی در ماه مبارک رمضان در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفته است. او افزود: با توجه به گرمای طاقت‌فرسای خوزستان و طولانی بودن روز، رعایت توصیه‌های پزشکی برای روزه‌داران از اهمیت زیادی برخوردار است.



غروب جاویدان منافقین در مرصاد

رزمندگان ارتش و سپاه ایران با اجرای نقشه سپهبد شهید صیاد شیرازی، منافقین را از اجرای عملیات فروغ جاویدان پشیمان کردند

عملیات مرصاد، ۵ مرداد ۱۳۶۷ با رمز «یا صاحب الزمان (عج) ادرکنی» برای مقابله با حرکت منافقین اجرا شد.

در این عملیات که توسط نیروهای ارتش جمهوری اسلامی و نیروهای سپاه پاسداران اجرا شد، رزمندگان از سه محور چهارزبر، جاده قلاجه و جاده اسلام آباد–پل دختر وارد عمل شدند و نیروهای ضد انقلاب را تا پشت نوار مرزی عقب راندند.

در عملیات مرصاد، بیش از ۱۲۰ دستگاه تانک، ۴۰۰ دستگاه نفربر، ۲۴۰ قبضه خمپاره انداز ۶۰ و ۸۰ میلیمتری دشمن منهدم شدند. همچنین بیش از ۲۰ تیپ مشترک منافقین و ارتش عراق متلاشی شد و تعداد کشته و زخمی‌های دشمن از مرز ۴۸۰۰ نفر گذشت. در این عملیات، نزدیک به ۱۰۰۰ قبضه آر. پی. جی ۷، ۷۰۰ قبضه تیربار کلاشینکف، ده‌ها دستگاه خودرو، ده‌ها دستگاه تانک و نفربر، تعدادی تجهیزات پیشرفته الکترونیکی و مخابراتی و مقادیری اسناد درون گروهی منافقین به دست رزمندگان ایران افتاد.

شش روز پس از قبول قطعنامه توسط ایران و در شرایطی که نیروهای عراقی با زیر پا گذاشتن توافقات ۵۹۸ مجددا به خرمشهر حمله کردند و تا آستانه تصرف آن پیش رفته بودند، سازمان مجاهدین عملیاتی با نام فروغ جاویدان را آغاز کرد.

مسعود رجوی در شب آغاز عملیات گفت: «براساس تقسیمات انجام شده، ۴۸ ساعته به تهران خواهیم رسید... کاری که ما می خواهیم انجام دهیم در حد توان یک ابرقدرت است؛ چون فقط یک ابرقدرت می تواند کشوری را ظرف این مدت تسخیر کند... از پایگاه نوژه هم ترسی نداشته باشید؛ هر سه ساعت به سه ساعت دستور می دهم هواپیماهای عراقی بیایند و آنجا را بمباران کنند و ...»

شکست در عملیات فروغ، سبب شکسته شدن رجوی در ذهن شمار زیادی از نیروهایش و ریزش سازمان شد بطوری که شمار زیادی از اعضا و هواداران سازمان جدا شدند.

در توجیه شکست عملیات ، رجوی گفت: تمامی اتکاء ما به ارتش و ایدئولوژیمان بود و روی عناصر سیاسی کار جدی انجام نداده‌ایم.

پیامدهای عملیات در سازمان منافقین

یکی از پیامدهای این عملیات، زیر سئوال رفتن خط استراتژی سازمان، به تبع آن زیر سئوال رفتن رئیس آن بود. سازمان استراتژی و برنامه‌های مختلفی را از ابتدای تاسیس و خصوصا پس از پیروزی انقلاب مورد آزمایش قرار داده بود که با ورود به فاز جدید و تشکیل ارتش آزادیبخش، همه آنها را به نوعی مردود و بی‌جواب قلمداد کرده بود و تنها راه مبارزه و براندازی نظام را مبارزه مسلحانه و جنگ نوین ارتش آزادیبخش دانسته بود.

سازمان منافقین با مطرح کردن این قضیه که صلح طناب دار ایران است و هیچ گاه صلح نمی‌کند، اقدام به عملیات های مختلف و نهایتاً چلچراغ و فروغ کرد که در عملیات فروغ جاویدان هم با شکست مواجه شد.

لذا برای جبران این مساله، رجوی علت شکست و ناکامی را در پرسنل سازمان و بی‌ایمانی و ضعف آنها اعلام کرد و گفت: اگر ایراد و مشکلی هست در خود شماست؛ خط مشی ما مشکلی نداشته است.

دیگر پیامد عملیات، محکومیت سازمان و عملیات فروغ از جانب گروه های اپوزیسیون بوده است. عمده گروه های مخالف جمهوری اسلامی نظیر حزب دموکرات کردستان، چپی‌ها و سلطنت‌طلبان، عملیات فروغ را نتیجه‌توهمات و خیال‌پردازی‌های رجوی دانستند و حتی برخی سازمان را عامل ایجاد وحدت در جمهوری اسلامی اعلام کردند.

پیامد دیگر عملیات فروغ جاویدان تلفات آن عملیات بود. سازمان منافقین ۱۳۰۴ نفر کشته خود را رسما تائید و عکس و زندگی‌نامه شان را منتشر کرده است. بر اساس اعترافات دستگیرشدگان و عکس‌هایی که از بعضی اجساد شناسایی شده تهیه شده است از مجموع ۵۱ نفر هیات اجرایی سازمان (مرکزیت) حداقل ۳۳ نفر از آنها در صحنه عملیات حضور داشته‌اند که ۱۶ نفر آنان کشته شدند. لذا حجم ضربه به بدنه سازمان ۵۰ تا ۶۰ درصد بوده و به کادر مرکزی سازمان حدود ۳۰ درصد ضربه وارد شده است که این تعداد علاوه بر مجروحان و از کار افتادگانی است که به عقب انتقال داده شدند.

بررسی علل تجاوز منافقین

فقط بعد از گذشت چند روز از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی ایران در ۲۷ تیر ۱۳۶۷، رهبر منافقین فرمانی را مبنی بر آماده باش همه نیروها و قطع تمامی مسافرت ها و ترورها صادر کرد و این پیام از جانب وی برای تمامی نیروها قرائت شد: «طلسم جنگ در حال شکستن است. باید ضربه کاری را بزنیم».

در بررسی عواملی که زمینه لازم برای حمله منافقین به ایران از نقطه نظر تئوریسین‌های نظامی این سازمان، می توان به عواملی اشاره کرد که مهمترین آنها عبارتند از: مبهم بودن آینده سازمان، ضعف بنیه نظامی در آن مقطع، فرسوده و ناتوان شدن نیروهای سپاه پاسداران (به زعم منافقان) و پیش بینی خستگی مردم ایران از جنگ اشاره کرد.

آنها در این اندیشه بودند که نیروهای سپاه در جبهه جنوب زمینگیر و در طول جنگ به لحاظ این که رزمندگان سپاه اسلام متحمل سختی‌های فراوانی شده‌اند، دیگر توان یک عملیات مضاعف گسترده را نخواهند داشت. در این مورد تئوریسین‌های منافقین از رابطه قلبی ای که میان امام (ره) و برادران سپاه وجود داشت غفلت و آن را تنزل یافته تلقی کردند، اما در پاسخ به این اندیشه غلط، سپاه پاسداران با حضور گسترده خویش، پاسخ دندان شکنی بر توهمات آنان دادند.

منافقین همچنین به غلط فکر می کردند که مردم در نتیجه طولانی شدن جنگ، خسته شده اند و با توجه به ضررهایی که مردم بر اثر طولانی شدن جنگ، اعم از مادی و معنوی، از دست دادن عزیزان و ... داشته‌اند، از آنان استقبال می کنند و دست از حمایت نظام جمهوری اسلامی خواهند کشید.

این مورد را می‌توان بزرگترین اشتباه سازمان و استراتژی‌های آن محسوب کرد. غفلت از میزان مشروعیت بالای نظام به لحاظ مردمی و اسلامی بودن بیشترین ضربه را به نیروهای رجوی زد، چرا که آنان فکر می کردند مردم به آنها خواهند پیوست، درصورتی که با مقاومت‌های مردمی روبرو شدند.

علاوه بر موارد مذکور، پذیرش قطعنامه هم بر تمامی موارد یادشده دامن زد تا سازمان منافقین در کمینگاه مرصاد در دام مرگباری گرفتار آید که طراح آن کسی نبود جز سپهبد شهید صیاد شیرازی.

اهداف منافقین برای حمله به ایران

اعلام دولت موقت جمهوری دموکراتیک – مثلا اسلامی در کرمانشاه پس از فتح این شهر، شکستن طلسم اختناق در ایران (به زعم خودشان)، امضاء پیمان صلح میان عراق و ایران، تصرف تهران و ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله اهداف خیالی منافقین برای حمله به ایران بود، رویایی بلند پروازانه که پرندگان مخوف آن هنوز پر و بال نگرفته مورد اصابت تیری قرار گرفتند که آرش اساطیرگونه ارتش ایران، صیاد دلها پرتاب کرده بود و سالها بعد ناجوانمردان چون پی بردند که چه کسی آنان را با چنین مهارت بی‌نظیری شکار کرده بود، نقشه ترور ناجوانمردانه او را طرح‌ریزی و اجرا کردند.

آنچه که مهم است عملیات فروغ جاویدان صرف نظر از اهداف و علتها چنان سرنوشتی یافت که امروزه از آن به عنوان «دروغ جاویدان» یاد می‌شود.

دستاوردهای عملیات مرصاد

پرونده هشت سال دفاع مقدس در بعد سخت افزاری آن با شکست منافقان در عملیات مرصاد بسته شد.

این نبرد که به نحوی می‌توان آن را نهروان ایران نامید، در روزهای آغازین مرداد ۶۷ آغاز شد و با شکست سنگین نیروهای مسعود رجوی پایان یافت.

بحث اصلی اینجاست که شکست منافقین در عملیات مرصاد که فروغ جاویدان نامیده می‌شد چه دستاوردها و بازتاب‌هایی در داخل و خارج از کشور از خود برجا گذاشت.

نقطه اتکا تئوریک مسعود رجوی، حمایت‌های مردمی بود، اما غافل از این که مردم، تصور مطلوبی از وی و نیروهایش نداشته و کمترین اعتماد ممکن نسبت به آنها در لایه‌های فکری و تجربی ملت ایران وجود نداشت.

> *** عمده گروه های مخالف جمهوری اسلامی نظیر حزب دموکرات کردستان، چپی‌ها و سلطنت‌طلبان، عملیات فروغ جاویدان را نتیجه خیال‌پردازی‌های رجوی دانستند و حتی برخی سازمان منافقین را عامل ایجاد وحدت در جمهوری اسلامی اعلام کردند**
>
> *** منافقین در کمینگاه مرصاد در دام مرگباری گرفتار شدند که طراح آن سپهبد شهید صیاد شیرازی بود**

غفلت رجوی و تئوریسین‌های نظامی وی از وضع فکری سیاسی داخلی ایران را می توان علت اصلی شکست سازمان منافقین در عملیات مرصاد محسوب کرد.

به هر حال این عملیات به هر شکلی به انجام رسید، اما با توجه به گستردگی حوزه مباحث در خصوص عملیات مذکور، دستاوردهایی از خود به جا گذاشت. حوزه تاثیرات عملیات مرصاد را شبیه هر عملیات بزرگ دیگری می‌توان به دو حوزه تاثیرات و دستاوردهای داخلی و تاثیرات و دستاوردهای خارجی تقسیم کرد.

ازجمله تاثیرات و دستاوردهای داخلی عملیات مرصاد

می توان به تحکیم ثبات داخلی نظام و مشروعیت آن در بعد کارآمدی نظامی، شناخته شدن دوست از دشمن ، تحکیم وحدت در بعد داخلی و تبلور مشارکت عمومی و همبستگی عمومی و همبستگی ملی اشاره کرد.

دستاوردها و تاثیرات عملیات مرصاد در بعد خارجی و بین المللی هم شامل خنثی شدن نقشه‌های صدام در چشمداشت به بهره برداری از اشغال ایران توسط منافقین، تثبیت قطعی نظام جمهوری اسلامی ایران در نظام جهانی و افزایش مشروعیت اسلامی ایران در افکار عمومی جهان بواسطه حمایت های مردمی بوده است.

اجرای عملیات

به محض صدور فرمان لازم، نیروهای سازمان منافقین، خط مرزی را در نوردیدند و با استفاده از خودروهای وانت که بر روی آنها مسلسل‌های سنگین نصب شده بود و همچنین با استفاده از نفربرهای زرهی و زرهپوش‌های چرخ‌دار روسی و فرانسوی، پیشروی مکانیزه سریع خود را آغاز کردند. در موج اول حمله حدود ۲۲۰۰ نیروی مسلح زن و مرد حضور داشتند.

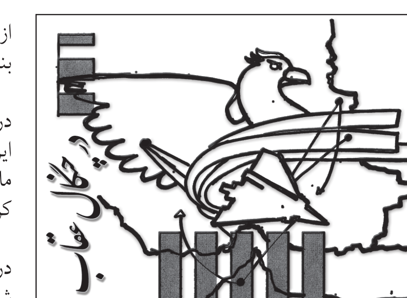
هواپیماهای جنگنده «میگ ۲۳» و «میراژاف یک» عراقی برای حفاظت از نیروهای عمل کننده دربرابر دخالت احتمالی نیروی هوایی ایران، اقدام به پروازهای گشتی مسلحانه و برقراری پشتیبانی هوایی نزدیک کردند. پیشروی اولیه سبب شد تا این نیروها به عنوان یک نیروی کاملاً غافلگیر کننده و قوی پیشروی کنند و به شهر اسلام آباد واقع در ۱۰۰ کیلومتری (خط حرکتشان) دست یابند. آنها نیروهای موجود در این شهر را غافلگیر کردند و پادگان ، مناطق و موقعیت‌های حساس این شهر را ظرف مدت زمان کوتاهی (چند ساعت) به اشغال خود در آوردند. نیروهای بعدی با بهره گیری از موفقیت‌های به دست آمده، در چارچوب برنامه تعیین شده برای دستیابی به شهر تهران، حمله خود را از سر گرفتند. بدیهی بود که در پشت سر خود، از هیچ گونه اقدام دفاعی یا نیروی تامینی در جاده‌ها برخوردار نبودند.

از سویی دیگر فرماندهان ایران به اطلاعات جامعی در مورد محور و اهداف عملیات و میزان نیروهای عمل کننده (سازمان منافقین) دست پیدا کردند و با به حرکت درآوردن تعدادی از یگان‌های سپاه پاسداران، که دارای ویژگی‌های حرکت سبک و سریع بودند و از وسایل نقلیه سریع و کوچک استفاده می کردند، واکنش سریعی در مقابل این رویداد نشان دادند. تعدادی از ارتفاعات و تقاطع جاده‌های ارتباطی در فاصله بین اسلام آباد و کرمانشاه را به کنترل خود درآوردند و با نیروهای مقدم منافقین درگیر شدند. آنها توانستند تا هنگام آمادگی و تجمع نیروهای سپاه پاسداران از مناطق مختلف در محور عملیات، منافقین را زمین گیر و خطوط ارتباطی آنها را در چند نقطه قطع کنند. در ادامه، عملیات نابود کردن منافقین آغاز شد و در همان ابتدای کار، حداقل ۱۰۰۰ منافق کشته، زخمی و اسیر شدند. در حالی که بنا به اطلاعات موجود، شمار تلفات منافقین به بیش از ۲۰۰۰ نفر رسید.

شناسنامه عملیات

نام عملیات: مرصاد
زمان اجرا: ۵/۳ /۱۳۶۷
تلفات دشمن: ۴۸۰۰ (کشته، زخمی و اسیر)
رمز عملیات: یا صاحب الزمان (عج)
مکان اجرا: خطوط جبهه میانی جنگ
ارگان‌های عمل کننده: نیروهای ارتش جمهوری اسلامی و رزمندگان سپاه پاسداران –(در دو مرحله)
اهداف عملیات: در هم کوبیدن تجاوز نیروهای منافق ضد انقلاب و باز پس گیری مناطق اشغال شده

به نقل از : سبکبالان



آسمان ایران و ادامه عملیات

فرمانده نیروی هوایی ارتش، با توجه به تجارب ارزشمند خود، نگران نتیجه عملیات بود. او می اندیشید آیا ممکن است بین سه فروند هواپیمای مسافربری که هر کدام با اختلاف دو دقیقه در این دقایق پایانی شب از کریدورهای پروازی ایران در حال عبورند، هواپیمای مورد نظر به اشتباه رهگیری شود؟ و به راستی کدام یک از این پرندگان آسمان حامل عبدالمالک ریگی است؟ و آیا واقعاً پس از رهگیری شکارِ دلخواه در تور پروازی اسیر خاک می‌شد یا نه؟

فرمانده نهاجا به یاد می‌آورد که مشابه چنین عملیاتی در سال ۱۹۷۳ توسط منابع اطلاعاتی موساد برای دستگیری جورج حبش، از رهبران سازمان جنبش آزادی فلسطین، صورت گرفت. در جریان این اقدام، رژیم صهیونیستی، بر فراز مدیترانه، یک فروند هواپیمای خطوط هوایی لیبی را اقدام به فرود اجباری در تل‌آویو کرد.

قضیه از این قرار بود که منابع اطلاعاتی موساد در بیروت و طرابلس از پیش اعلام کرده بودند که نام جورج حبش در فهرست مسافرانی است که از طرابلس عازم دمشق‌اند، از همین روی، در آگوست ۱۹۷۳، پس از برخاستن هواپیمای خطوط هوایی لیبی از طرابلس، دو فروند جنگنده رژیم اشغالگر قدس برفراز دریای مدیترانه راه را بر هواپیما بستند و آن را مجبور به فرود اجباری در فرودگاه تل‌آویو کردند، با این تصور که دکتر جورج حبش، دبیر کل جبهه خلق آزادی فلسطین و مسئول اجرای بسیاری از عملیات‌های نظامی علیه صهیونیست‌ها، را بازداشت کنند و به جهانیان نشان دهند که موساد شکاری بزرگ را به تور انداخته است، اما پس از نشاندن هواپیما روی باند و پیاده‌کردن مسافران، معلوم شد که نه فقط جورج حبش، که هیچ یک از نیروهای برجسته مقاومت ملی فلسطین و یا دیگر گروه‌های فلسطینی، جز مسافران این هواپیما نیستند و تشکیلات امنیتی اسرائیل با یک افتضاح امنیتی روبه‌رو شد. این ناکام‌ترین و در عین حال بزرگ‌ترین تلاش موساد برای به دام انداختن جورج حبش بود.

یادآوری این رویداد و تکرار وضعیتی مشابه آن، باعث شد تا فرمانده نهاجا با توکل بر خدا، شخصاً فرماندهی و کنترل رهگیری را تا حصول نتیجه نهایی و شناسایی دقیق هواپیما به عهده بگیرد.

در این هنگام اطلاع رسید که رادار منطقه بندرعباس موفق شده است، با رصد به موقع سه هواپیمای ورودی، دو هواپیمای مسافربری را که به مقصد کیف اوکراین و کابل افغانستان در حرکت بودند از هواپیمای هدف به مقصد بیشکک متمایز کند. این خبر بسیار خوشحال‌کننده بود.

در اوّلین تماس (و هماهنگی قبلی با پست فرماندهی و کنترل هوایی تهران)، مرکز ترافیک هوایی وابسته به هواپیماهای کشوری درخواست هواپیمای مسافربری را مبنی بر صعود به ارتفاع ۳۶ هزار پایی به مقصد قرقیزستان تأیید نکرد و از خلبان آن تقاضا کرد تا اطلاع ثانوی، به علت ترافیک هوایی، در ارتفاع ۲۵ هزار پایی به پرواز خود ادامه دهد. این ترفند فرصتی شد تا رادار منطقه، پس از شناسایی کامل هواپیمای هدف، از میان چند ترافیک همزمان و نزدیک به‌هم، شکاری فانتوم را در حداقل زمان در مسیر هوایی A-419 از ورودی امارات قرار دهد و، برای تحقق رهگیری هوایی و ادامه مأموریت، آن را در موقعیت تثبیت‌شده حفظ کند. این امر برای جلوگیری از ادامه پرواز و فرود هواپیما در فرودگاه بین‌المللی بندرعباس ضروری بود.

هواپیمای حامل عبدالمالک ریگی به مقصد بیشکک در اوّلین نقطه ورودی به منطقه اطلاعات پروازی (FIR) ایران واقع در داراکس (نقطه تماس اجباری در فاصله هشتاد مایلی نسبت به پایگاه هوایی بندرعباس) ورود خود را اعلام کرد و در کریدور پروازی قرار گرفت.

لازم بود عمل رهگیری هوایی پس از تثبیت پرواز در مسیر کریدور هوایی A-419 صورت گیرد و هواپیمای شکاری فانتوم در ارتفاع ۲۳ هزار پایی در موقعیت جنوب شرقی در حالت آماده‌باش هوایی (برای تکمیل رهگیری هوایی در منطقه ایستایی) به پرواز خود ادامه دهد.

اینک تفکیک هواپیمای هدف، از میان مجموعه‌ای از ترافیک‌های ورودی با فاصله دو تا پنج دقیقه، به دلیل تمایز ارتفاع برای مسئولان رادار منطقه بندرعباس سهل و آسان بود، زیرا در رهگیری هوایی طی سال‌های دفاع مقدس و بعد از آن تجربیاتی ارزنده کسب کرده بودند.

از سوی دیگر، این رهگیری برای خلبان ماهر هواپیمای فانتوم عملی به مراتب ساده‌تر و آسان‌تر بود، زیرا به دفعات، در تمرینات شبانه‌روزی، عملیات رهگیری هوایی را در قالب تمرینات و الزامات ماهانه و سالانه خود و نیز تمرینات سوخت‌گیری هوایی انجام داده بود. بدین ترتیب، همه مقدمات برای رهگیری هواپیمای هدف و شکار موجودی که با مساعدت قدرت‌های خارجی و منطقه‌ای از عوامل ضدامنیتی ایران اسلامی به شمار می‌آمد، کاملاً آماده بود.

آخرین مرحلهٔ طرح‌ریزی عملیاتی اکنون وارد فاز نهایی می‌شد که خلبانان هواپیمای فانتوم می‌بایست آن را تکمیل می‌کردند.

***

سی دقیقه از پرواز می‌گذشت. صفحه تلویزیون نصب شده در مقابل مسافران هواپیما، دقیقه به دقیقه، اطلاعاتی درباره شهرهای مشهور و پُرجمعیت مستقر در مسیر پرواز، به همراه وضعیت دمای بیرون و درون هواپیما، و مسافت طی شده و باقی مانده در اختیار مسافران قرار می‌داد.

بیشتر مسافران به خواب آرامی فرو رفته بودند.

عبدالمالک به صفحه تلویزیون مقابل خود یا همان مسیر پروازی خیره شده بود. کمی آن‌طرف‌تر، خانمی که یک رایانه کوچک دستی همراه خود داشت، خونسرد ولی سریع، نگاه کوتاهی به عبدالمالک انداخت و مسیر نگاه او را دنبال کرد.

تلویزیون هواپیما نام ایران به درشتی حک شده بود. «اینجا مرز ایران... در حال گذر از آسمان ایران...»

شمارش معکوس بالای صفحه هر ثانیه از زمان پرواز می‌کاست، عبدالمالک در آن لحظه گمان می‌کرد این ثانیه‌های عمر اوست که کاسته می‌شود... کُندی گذشت زمان برای او احساسی همچون احساس خفگی به همراه داشت.

***

با هدایت رادار، خلبان شکاری دنا آلفا از شصت مایلی موقعیت خود خارج شد و در کمترین زمان ممکن توانست در سی مایلی مسیر پروازی هواپیمای مسافربری، هدف در پشت سر او قرار گیرد.

نخستین اخطار رادار

همگام با تکمیل فرایند رهگیری هوایی، درخواست رادار از هواپیمای مسافربری برای نشستن در فرودگاه بین‌المللی بندرعباس، به‌دلیل عدم برنامه‌ریزی قبلی با خلبان مربوطه، با پاسخ مثبتی از خلبان روبه‌رو نشد.

رادار بندرعباس دوباره درخواستش را تکرار کرد، اما هیچ نتیجه‌ای دربر نداشت.

هواپیمای مسافربری اکنون بر فراز بندرعباس (در موقعیت بالاسری) فرودگاه قرار داشت. از آن لحظه هر گونه گذشت زمان و ایجاد فاصله عمل رهگیری و اجبار در فرود را برای تیم کنترل ترافیک ایران، که به مثابه مجموعه واحدی از هواپیماهای شکاری، رادار منطقه و کنترل ترافیک بندرعباس عمل می‌کردند، مشکل‌تر می‌کرد.

ادامه دارد

آینده سیاسی عراق پس از بازگشت طالبانی



■ منبع: ایرنا

بازگشت رییس جمهوری عراق پس از ۱۹ ماه درمان به کشور آن هم در آستانه معرفی نامزد احزاب کرد برای این جایگاه سیاسی، گرچه می تواند وحدت آفرین باشد اما به دلیل اختلاف جناح های حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق، شاید تاثیر چشمگیری در برگزیدن نامزد نهایی ریاست جمهوری نداشته باشد.

انتخاب «سلیم الجبوری» به ریاست مجلس عراق، امیدها برای پایان بن بست کنونی در عراق را تقویت کرده است. با این انتخاب، فضا برای انتخاب رییس جمهوری و نخست وزیر مهیا شده است. گروه های سیاسی بیش از یک ماه فرصت دارند تا هم رییس جمهوری و هم نخست وزیر را انتخاب کنند. تا این لحظه چانه زنی های سیاسی میان گروه های گوناگون ادامه دارد و به ویژه «ائتلاف دولت قانون» به رهبری نوری مالکی نخست وزیر عراق، تمامی تلاش خود را برای به دست آوردن رای لازم برای نامزد مورد نظر خود به کار می برد. پیش از این، نوری مالکی آمادگی خود را برای بر عهده گرفتن دور سوم نخست وزیری اعلام کرده است.

اما پیش از نخست وزیر، باید تکلیف رییس جمهوری روشن شود که بر پایه یک توافق، از میان کردها انتخاب خواهد شد. جلال طالبانی رییس جمهوری کنونی عراق و رهبر حزب «اتحادیه میهنی کردستان»، ۱۹ماه پیش در پی سکته مغزی به آلمان رفت. وی بیست و هشتم تیرماه پس از طی مراحل درمانی به سلیمانیه در اقلیم کردستان بازگشت. بازگشت طالبانی به کشور در این برهه زمانی می تواند فضای موجود برای انتخاب رییس جمهوری و نخست وزیر را تعدیل کند. شخصیت میانه رو و مقبول او در دوران زندگی سیاسی اش می تواند نقش تاثیر گذاری بر آینده عراق داشته باشد. یکی از چالش های کنونی کردها در انتخاب نامزد مورد نظر خود، اختلاف هایی است که میان جناح های گوناگون کردی با حزب اتحادیه میهنی کردستان وجود دارد. بازگشت طالبانی به خواست «هیرو ابراهیم احمد» همسر او صورت گرفته است تا خانم ابراهیم احمد با استفاده از برگ جلال طالبانی قدرت خود در منطقه سلیمانیه را تثبیت کند. بدیهی است انتخاب رییس مجلس مساله بسیار مهمی بود و نخستین گام به حساب می آمد. پیش بینی ها این است که توافق ها میان گروه های سیاسی آغاز شود. اکنون طی سه یا چهار روز آینده باید نامزد ریاست جمهوری نیز بر پایه توافق سیاسی از میان کردها مشخص شود. بر پایه توافق مهم ترین گروه های کردی یعنی اتحادیه میهنی کردستان و دموکرات کردستان عراق، رییس اقلیم از حزب دموکرات و رییس جمهوری از حزب اتحادیه میهنی انتخاب می شود. اما مشکل کنونی این است که درون اتحادیه میهنی کردستان بر سر انتخاب نامزد ریاست جمهوری اختلاف های عمیقی وجود دارد. هم اکنون دو جناح در این حزب حضور دارند؛ «برهم صالح» جانشین طالبانی در حزب و «نجم الدین کریم» فرماندار کرکوک، یک جناح را تشکیل می دهند و خانم هیرو ابراهیم احمد همسر جلال طالبانی هم رهبری جناح دیگر را بر عهده دارد.

هیرو به ریاست جمهوری چشم دارد اما وضع اجتماعی عراق به گونه ای است که شاید یک زن نتواند رییس جمهوری شود. درچنین شرایطی، هیرو نامزدی برهم صالح را نپذیرفت و به سوی نجم الدین کریم رفت اما دیگر اعضای دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان هوادار برهم صالح هستند. هم اکنون نیز اعضای حزب با کنار گذاشتن نام دو نامزد پیشین، بر سر «عادل المفتی» و «فواد معصوم» توافق کرده اند. از این رو به نظر می رسد یک حالت بلاتکلیفی میان جناح ها وجود دارد. همچنین خانم هیرو تلاش دارد با برگ جلال طالبانی به سود جناح مورد نظر خود بازی کند. بر همین پایه وی از طالبانی دعوت کرد به سلیمانیه بر گردد.

البته در حال حاضر «مسعود بارزانی» رییس اقلیم خودمختار، یک وزنه سیاسی مهم است که می تواند به اختلاف های موجود پایان دهد چون مجلس عراق تشکیل شده است و باید نامزد ریاست جمهوری کردها هم مشخص شود. پیش بینی می شود طی چند روز آینده این نامزد مشخص شود و به نظر، هنوز برهم صالح برای ریاست جمهوری نسبت به دیگر افراد بخت بیشتری دارد. خانم هیرو، بازی بزرگی به راه انداخته است و چون می داند به سبب وضعیت سیاسی -اجتماعی ویژه عراق نمی تواند به عنوان رییس جمهوری انتخاب شود، به دنبال این است که پسر خود یعنی «قباد طالبانی» معاون کنونی نخست وزیر اقلیم کردستان را به عنوان نامزد معرفی کند یا زمینه ای مهیا سازد که چهار سال دیگر قباد بتواند به ریاست جمهوری برسد. از طرفی برهم صالح از اعضای قدیمی اتحادیه میهنی است و سال ها با طالبانی کار کرده و از اعضای موسس این حزب است. البته هیرو نیز از زمانی که جلال طالبانی رییس جمهوری عراق شده است، نقش مهمی در سیاست منطقه سلیمانیه دارد. اکنون هم خانم هیرو به دنبال حفظ قدرت خود در حزب اتحادیه میهنی کردستان است.

بر همین اساس او سعی کرده است جلال طالبانی را به سلیمانیه برگرداند تا با استفاده از وی قدرت خود را تقویت کند اما وضع جسمانی طالبانی به گونه ای است که به نظر نمی رسد بتواند نقش زیادی در ایجاد اتحاد میان جناح های گوناگون حزب ایفا کند و دور از ذهن است که خانم هیرو در این مرحله بختی برای پیروزی داشته باشد. به نظر می رسد برهم صالح و فواد معصوم در شرایط کنونی برای رییس جمهوری بخت بیشتری داشته باشند.

از سویی مشکلی که در عراق وجود دارد، اختلافاتی است که در ائتلاف میهنی عراق وجود دارد. این ائتلاف متشکل از دولت قانون، مجلس اعلا، جریان صدر و چند گروه کوچک است. هم اکنون اختلاف کلیدی میان گروه های تشکیل دهنده ائتلاف میهنی وجود دارد. شاید کردها از شیعیان درباره نامزدهای رییس جمهوری مشورت بگیرند، اما مهم ترین مساله، اختلاف گروه‌های شیعی با یکدیگر است که از معرفی نامزد نخست وزیری جلوگیری می کند. مالکی خود را به عنوان جدی ترین نامزد پست نخست وزیری معرفی کرده است؛ در حالی که دیگر گروه های سیاسی وی را عامل مشکلات کنونی عراق می خوانند و وی را واجد شرایط انتخاب نخست وزیری نمی دانند. مرجعیت (آیت الله العظمی سیستانی) و دوستان عراق مانند جمهوری اسلامی ایران می توانند در انتخاب نامزد مورد قبول همه گروه‌های عراقی نقش مهمی داشته باشند.

اما نخستین مساله عراق در وضعیت کنونی انتخاب یک نامزد ریاست جمهوری است که مورد قبول همه گروه‌های عراقی شامل سنی ها، کردها و شیعیان باشد و در گام بعدی انتخاب نخست وزیر است. باید دید در این شرایط کردها برای جایگاه ریاست جمهوری چه تصمیمی خواهند گرفت.

افراطی گری، بلای جان همزیستی مسالمت آمیز در عراق

■ منبع: ایرنا

زمستان سال ۱۳۸۷ در سالروز شهادت امام حسن عسکری(ع) نزدیک به یک میلیون شیعه در سامرا مراسم برگزار کردند. این رویداد بعد از یک دوره سه ساله از جنگ‌های فرقه‌ای برای ناظران غربی و اشغالگران آمریکایی حیرت آور بود. همان روزها، در مسجد اصلی شهر سامرا ۵۰۰۰ شیعه و سنی در کنار هم در نماز جمعه شرکت کردند و مساجد سامرا میزبان جماعت انبوه شیعیان بود که به این شهر آمده بودند. اینها نشان می دهد که همزیستی در عراق دور از دسترس نیست، همانگونه که در طول تاریخ این همزیستی وجود داشته است. مردم دوست دارند فارغ از تفاوت های مذهبی و قومی با هم زندگی کنند. عراق یکی از مظاهر همزیستی اقوام و مذاهب و ادیان مختلف است، اما چه اتفاقی افتاد که اکنون آستانه تحمل در این کشور تا این حد پایین آمده است؟

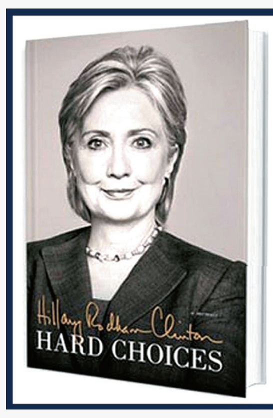
کارشناسان و تحلیلگران اعتقاد دارند که جامعه عراق در سالهای اخیر مبتلا به افراط و تندروی شده است که البته ریشه آن را می توان به سیستم سرکوب رژیم بعث و نیز اشغال این کشور توسط ارتش آمریکا مرتبط دانست. عراقی ها خود معتقدند، دسته های کوچک تندرو و اقلیتی بحران ساز در تمامی این سالها عراق را به بازی گرفته اند؛ ناسازگاری در سیاست، نابردباری در فرهنگ و مذهب و سرانجام زیاده خواهی و تمامیت خواهی، خرمنی از آتش بر جامعه عراق افکنده است. این افراط ها و تندروی ها نیز بعضا از خارج عراق تزریق می شود، بطوری که پس از سقوط صدام حسین در ۲۰۰۳ میلادی، در شرایطی که ملت و بویژه دولت عراق سرگرم تدارک برای خارج کردن ارتش آمریکا از این کشور بود، پای گروههای تروریستی از خارج کشور به واسطه حمایت برخی از بازیگران منطقه ای به عراق باز شد.

ورود القاعده به عراق که با شعار مبارزه با اشغالگران همراه بود، در نهایت به جنگ فرقه ای کشیده شد که محصول آن قربانی شدن بیش از یک میلیون شهروند عراقی بود و اکنون داعش با حمایت همان دولت های منطقه ای وارد شمال عراق شده است. اما نکته ای که بسیار حائز اهمیت است، اینکه صدای همین اندک جریان های تندرو بسیار بلندتر است. زمانی که بخشی از سیاستمداران در کردستان عراق طی بحران اخیر از جدایی سخن گفتند، تصور بر این بود که این صدای همه کردهاست، اما در جریان نشست های پارلمان جدید در یک هفته گذشته، مشخص شد که این صدای همه کردها نبود. یا زمانی که یک شخصیت اهل سنت، بر طبل ناسازگاری می کوبید، همه تصور می کردند این صدای همه سنی هاست.

به عنوان مثال اسامه نجیفی از مخالفان جدی دولت در شرایط بحرانی و تهاجم داعش و تهدید بغداد، تلاش کرد تا دولت نوری مالکی را ساقط کند و از او می خواست استعفا دهد. او به گونه ای سخن می گفت که به نظر می آمد این خواست همه اهل سنت عراق است. اما در بحث انتخاب رییس پارلمان مشخص شد که او و برخی شخصیت ها اساسا صدای همه اهل سنت عراق نیستند. نجیفی بعد از انتخابات در گفت وگویی رسانه ای گفته بود که به گزینه «المساری» برای ریاست پارلمان اعتقاد بیشتری دارد و «صالح مطلک» را برای این پست مناسب نمی داند. اما گزینه اهل سنت نه این بود و نه آن و نه اقبال دوباره ای به نجیفی شد. این بار جریان اهل سنت عراق، سلیم جبوری را که شخصیتی ملایم تر و معتدل تر از نجیفی معرفی می کنند، برای این پست نامزد کرد و او هم با ۱۹٤ رای به ریاست پارلمان رسید. یا اینکه وقتی داعش موصل را گرفت و به صلاح الدین پاگذاشت، این تصور غالب شد که داعش یعنی همه اهل سنت عراق؛ اما روند وقایع نشان داد که چنین نیست. هم اکنون نیز بخشی از نیروهای مقاومت مردمی در مناطق شمال و غرب عراق در نبرد با داعش را جوانان عشایر اهل سنت عراق تشکیل می دهند که دوشادوش داوطلبان شیعه سرگرم نبرد با تروریست ها هستند.

اتفاقا بسیاری از قربانیان حمله داعش به موصل سنی هایی بودند که با ایده ها و دیدگاههای داعش موافق نبودند.

نتیجه آنکه ملت عراق از اقشار مختلف آن اعم از شیعه، سنی، کرد، ترکمن، مسیحی و شبک و ایزدی هیچگاه کینه و دشمنی ذاتی با هم نداشته و حالا هم اگر بگذارند بصورت مسالمت آمیز در کنار هم زندگی خواهند کرد.



۱۶

گزینه‌های دشوار

هیلاری کلینتون

وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا ۲۰۰۹-۲۰۱۳

ترجمه: **علی اکبر عبدالرشیدی**

وقتی به خانه برگشتیم [و به باراک اوباما تلفن زدیم] معلوم شد پیش بینی بیل در مورد علت تلفن زدن باراک دقیق بوده است. رئیس جمهور منتخب همه افرادی را که فکر می کرد می توانند جزو مغزهای متفکر تیم اقتصادی او باشند فراخوانده بود تا به کمک آنها بحران مالی کشور را حل و فصل کند.

باراک از بیل خواست هر چه زودتر به اتفاق من به دیدنش برویم. من هم فکر کردم [علت احضار من برای این است که] می خواهد در مورد اقدامات تقنینیه در سنا نظر من را جویا شود.

اما من کنجکاو شده بودم. به چند نفر از اعضای دفترم در سنا زنگ زدم تا نظر آنها را هم جویا شوم.

نظر فیلیپ راینز[46] سخنگوی خودم را هم خواستم. فیلیپ پر احساس، وفادار و زیرک بود. همیشه قبل از آنکه کسی از سیاست پیشگان و دولتمردان در واشینگتن دست به کاری بزند فیلیپ از آن باخبر است. من همیشه به نظر او اعتماد کرده ام. این بار یکی از همان دفعات بود که با او صحبت می کردم تا نظرش را بشنوم.

فیلیپ دو روز پیش به من گفته بود شایعاتی بر سر زبانهاست مبنی بر اینکه من برای پستی از وزارت امور خارجه گرفته تا ریاست سازمان پست ایالات متحده امریکا در نظر گرفته شده ام. اما خود او با اطمینان پیش بینی می کرد که پست وزارت امور خارجه امریکا از آن من خواهد بود. با شنیدن این سخن فیلیپ در پاسخ گفتم:

«این پیش بینی به هزار و یک دلیل غلط است.»

فکر میکردم فیلیپ دچار توهم شده است. راستش را بگویم اصلا علاقه ای به کار در کابینه نداشتم. میل داشتم به سنا برگردم و به نمایندگی از نیویورک مشغول به کار شوم.

از آن ۱۱ سپتامبر کذایی تا بحران مالی سال ۲۰۰۸، نیویورکی ها روزهای سختی را گذرانده بودند. حالا به یک طرفدار قوی و متعهد در واشینگتن نیاز داشتند. دوست داشتم ارباب خودم باشم و کارهای مورد علاقه خودم را انجام دهم. پیوستن به دولت در حقیقت از دست دادن بخشی از این خودمختاری بود.

روز یکشنبه وقتی به فیلیپ زنگ زدم خبر داد که رسانه ها هم شروع به پیش بینی و حدس و گمان کرده اند. برنامه «این هفته[47]» شبکه اِ.بی.سی.[48] به این شایعات پرداخته بود که باراک اوباما رئیس جمهور منتخب، مرا برای پست وزارت امور خارجه در نظر گرفته است. این برنامه اعلام کرده بود که باراک اوباما تصمیم گرفته است گروهی از رقبا را در کابینه گرد هم بیاورد. این برنامه اشاره ای داشت به کتاب تاریخی که در سال ۲۰۰۵ به قلم دوریس کرنسگودوین[49] منتشر شده بود و در آن از آبراهام لینکلن[50] یاد کرده بود که در سال ۱۸۶۰ سناتور نیویورک ویلیام هنری سوارد[51] را برای مسئولیت وزارت امور خارجه خود برگزیده بود.

لینکلن قبل از این انتخاب، سوارد را که از حزب جمهوریخواه در مبارزات انتخاباتی شرکت کرده بود شکست داده بود.

در طول زمان نسبت به سوارد علاقمند شدم بخصوص این که شباهت‌های او به من برایم جذاب بود. او یکی از مردان روشن و نیرومند زمان خود، یک اصلاح طلب اصولگرا، یک منتقد پر قدرت برده داری، فرماندار و سناتور نیویورک و دست آخر وزیر امور خارجه امریکا بود.

ادامه دارد

پی نویس:

46-Philippe Reines
47-This Week
48-ABC
49-Doris Kearns Goodwin
50-Abraham Lincoln
51-William Henry Seward

سیاست خارجی و دنیای پر تلاطم

دکتر سید محمد کاظم سجادپور

بازگشت ژئوپلیتیک به سیاست بین‌الملل واقعیت‌ها و انگاره‌ها (۵)

در شماره پیشین به تحولات و پدیده‌های ژئوپلیتیکی در دوران پساجنگ سرد پرداخته و اشاره شد که یکی از پدیده‌های مهم در این دوران تحول در ژئوپلیتیک مناطق و ژئوپلیتیک منطقه‌ای است حال باید این پرسش را مطرح کرد و پاسخ داد که ماهیت دگرگونی در رابطه و نسبت بین ژئوپلیتیک و مناطق گوناگون دنیا در دوران بعد از فروپاشی نظام دو قطبی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

در پاسخ باید گفت که در دوران جنگ سرد، مناطق مختلف دنیا در چارچوبی عمودی از نظر ژئوپلیتیک تعریف می شدند. به‌عبارت دیگر نظام بین‌الملل، از بالا و نقطه رأس سیستم، چگونگی قرار گرفتن مناطق را در دو اردوگاه به مرکز و کانون آمریکا و شوروی مشخص می کرد. اروپای شرقی در اردوگاه شرق و اروپای غربی در اردوگاه غرب قلمداد می شدند.

منطقه شاخ آفریقا اهمیتی که داشت به‌خاطر تعیین کنندگی خاص در رقابت شرق و غرب بود. و بر همین منوال سایر مناطق و سازمان‌های منطقه‌ای نظامی و اقتصادی شکل می گرفتند.

با فروپاشی نظام دو قطبی، نسبت و رابطه عمودی مناطق مختلف و نظام بین‌الملل دگرگون و این رابطه، به رابطه‌ای افقی و از پائین به بالا تبدیل شد.

معنای ژئوپلیتیکی گزاره فوق آن است که اولاً برخی از مناطق دنیا که به‌خاطر وضعیت جنگ سرد، مناطق بسته و محصوری قلمداد می‌شدند. باز شدند. مناطقی چون آسیای مرکزی، قفقاز، بالتیک، اروپای شرقی و مرکزی در دوران جنگ سرد، با درجات گوناگون، در رابطه با دنیای خارج و حتی در حوزه‌های پیرامونی خود، بسته بودند و تعامل و کنش و واکنشی با دیگران نداشتند و ارتباطات بین‌المللی آن‌ها از طریق مسکو صورت می گرفت. پایان جنگ سرد، این مناطق را باز کرد. هر چند که در بسیاری از آنها، هنوز مسکو نسبت به دیگر بازیگران نفوذ بیشتری دارد ولی همه این مناطق، از وابستگی گذشته خارج شده و تعاملات گوناگونی با دیگر بازیگران دارند. این گسترش افقی مناطق پدیده مهم و درخور توجه است.

دومین وجه تحولات ژئوپلیتیکی در رابطه با مناطق مختلف جهان، اهمیت یافتن بیشتر قدرت‌های منطقه‌ای در دوران بعد از جنگ سرد است. تقریباً تمامی قدرت‌های منطقه‌ای بعد از فروپاشی نظام دوقطبی، موقعیت و نقش بیشتری در مناطق پیرامونی خود گرفته‌اند.

از ایران در غرب آسیا گرفته تا آفریقای جنوبی درجنوب آفریقا و برزیل در آمریکای جنوبی، وزن، تاثیر و کنشگری بازیگران منطقه‌ای افزایش یافته است. البته باید در نظر داشت که موقعیت و وضعیت هر کدام از بازیگران منطقه‌ای با دیگران فرق دارد و در عین حال نمی توان از این پدیده فراگیر چشم پوشید که در دوران پساجنگ سرد، محیط عملیاتی همه بازیگران منطقه‌ای بازتر شده است.

سومین بعد تحولات ژئوپلیتیکی مناطق مختلف بعد از فروپاشی نظام دوقطبی، رشد سازمان‌های منطقه‌ای است. به‌عبارت دیگر در هر کدام از مناطق جهان در این دوران شاهد تقویت و راه‌اندازی نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای متنوع هستیم.

در دوران جنگ سرد، سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای تابعی از رقابت از بالا بودند ولی در دوران جدید، بازیگران بومی و منطقه‌ای، از درون مناطق، اتحادیه‌های منطقه‌ای را شکل داده‌اند که غالباً موثر و قابل توجه‌اند. از اتحادیه اروپایی گرفته تا دگردیسی سازمان وحدت آفریقا به اتحادیه آفریقایی و از سازمان همکاری شانگهای گرفته تا سازمان همکاری مرکوسور در آمریکای لاتین، سازمان‌های نوین منطقه‌ای، به ژئوپلیتیک منطقه‌ای مفهوم نوین بخشیده‌اند. در این مفهوم نوین، پویایی درونی مناطق بسیار برجسته و قابل توجه است.

چهارمین بعد تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای در دوران جدید، ظهور بازیگران غیر دولتی و غیر حکومتی در مناطق مختلف جهان است. در دوران گذشته، فقط دولت که مطرح بودند ولی باز شدن مناطق و بطور کلی باز فضای عملی در روابط بین‌الملل زمینه را برای بازیگران غیر دولتی و غیر حکومتی فراهم آورده و این به نوبه‌خود فضای ژئوپلیتیکی درون مناطق را متحول و دگرگون ساخته است نگاهی گذرا به خاورمیانه روشن می کند که دیگر صرفاً دولت‌های کلاسیک نیستند که به کنش گری سیاسی مشغول‌اند. ما با مجموعه رنگارنگی از بازیگران و کنشگرانی روبرو هستیم که فاقد سابقه‌اند. برآمدن داعش به‌عنوان کنشگری ژئوپلیتیکی در عراق و سوریه فقط نمونه‌ای از ده‌ها مورد کنشگری بازیگران غیر حکومتی جدید در این منطقه است.

از آنچه در چندین نوشتار گذشته در مورد رابطه ژئوپلیتیک و سیاست بین‌الملل طرح شد، این استنباط را می توان داشت که ژئوپلیتیک هیچگاه از سیاست بین‌الملل دور نشده است و پیوستگی بین سیاست بین‌الملل و ژئوپلیتیک امری پایدار اما در عین پایداری این نسبت، پویایی و تحول در آن پدیده‌ای غیر قابل انکار است. ژئوپلیتیک جزئی جدا نشدنی از سیاست بین‌الملل بوده و خواهد بود. اما این جزء پایدار خود پدیده‌ای متحول و پویا بود و تابعی از سایر تحولات بین‌المللی است.

تمهیدات امنیتی و ترافیکی مراسم راهپیمایی روز قدس

سرویس خبر: رئیس پلیس پیشگیری نیروی انتظامی از آمادگی صد درصدی پلیس برای تأمین نظم و امنیت راهپیمایی روز قدس خبر داد.

سردار تقی مهری با بیان اینکه این روز، یکی از یادگارها و ابتکارات بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی است؛ تا انزجار ما را از رژیم غاصب صهیونیستی نشان دهد گفت: در راستای هر چه باشکوه‌تر برگزار شدن مراسم راهپیمایی این روز، تمهیدات لازم در زمینه مسائل امنیتی، انتظامی و نیز ترافیکی از سوی پلیس‌های تخصصی اتخاذ شده است.

وی با اشاره به این‌که پلیس همه نقاط مراسم راهپیمایی را پوشش خواهد داد، گفت: در این روز برای طول مسیر راهپیمایی، محل قرائت قطعنامه و برنامه‌های پیرامون آن در سراسر کشور، تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شده است.

*** محدودیت‌های ترافیکی**

رئیس پلیس راهور پایتخت طرح ترافیکی راهپیمایی روز قدس را تشریح کرد.

سرهنگ تیمور حسینی درباره تمهیدات ترافیکی برگزاری مراسم راهپیمایی روز جهانی قدس در جمعه سوم مرداد امسال گفت: تردد همه وسایل نقلیه از ساعت ۱۰ صبح جمعه در معابر طول بلوار کشاورز از میدان ولیعصر(عج) تا خیابان کارگر ممنوع است.

وی با بیان اینکه از طرف شرق، تردد از سمت خیابان ولیعصر(عج) حدفاصل تقاطع جمهوری تا میدان ولیعصر(عج) و خیابان فلسطین، طالقانی و خیابان‌های منشعب از آن به سمت غرب نیز ممنوع است، گفت: از سمت غرب، تردد همه وسایل نقلیه از خیابان کارگر حدفاصل خیابان جمهوری تا تقاطع بلوار کشاورز و از جنوب خیابان انقلاب اسلامی حدفاصل میدان انقلاب تا تقاطع ولیعصر(عج) (جهان نما) ممنوع است.

به گفته رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، تردد در خیابان جمهوری حدفاصل کارگر تا ولیعصر(عج) به صورت غرب به شرق جریان دارد.

وی در مورد محدودیت‌های توقف افزود: توقف همه وسایط نقلیه در محدوده بلوار کشاورز از میدان ولیعصر(عج) تا تقاطع کارگر در هر دو مسیر، خیابان‌های واقع در غرب خیابان ولیعصر(عج) حد فاصل جمهوری تا میدان ولیعصر، خیابان کارگر حدفاصل جمهوری تا بلوار کشاورز، طول خیابان فلسطین و جویبار از تقاطع انقلاب تا بلوار کشاورز، طول خیابان قدس از تقاطع انقلاب تا بلوار کشاورز، طول خیابان ۱۶ آذر از تقاطع انقلاب تا بلوار کشاورز، طول خیابان طالقانی از تقاطع قدس تا ولیعصر(عج)، طول خیابان ولیعصر(عج) از تقاطع جمهوری تا میدان ولیعصر(عج) و همچنین خیابان‌های واقع شده در ضلع جنوبی خیابان انقلاب اسلامی شامل فخر رازی، فلسطین، ابوریحان، دانشگاه، رازی، ۱۲ فروردین و منیری جاوید محدودیت دارد.

حسینی درباره مسیرهای پیش‌بینی شده برای استقرار و فعالیت تاکسی‌های ون نیز گفت: در مسیر شماره یک از میدان هفتم تیر ابتدای خیابان قائم مقام تا میدان ولیعصر(عج) تاکسی‌های ون به صورت رفت و برگشت فعالیت خواهند داشت.

وی با بیان اینکه از تقاطع خیابان‌های فاطمی و ولیعصر(عج) تا میدان ولیعصر(عج) به صورت رفت و برگشت و در تقاطع خیابان‌های فاطمی، حجاب تا تقاطع بلوار کشاورز و خیابان حجاب تاکسی‌های ون به صورت رفت و برگشت آماده خدمت رسانی هستند، گفت: در تقاطع خیابان‌های فاطمی، کارگر تا تقاطع بلوار کشاورز و خیابان کارگر وبیمارستان امام خمینی(ره) تا تقاطع خیابان کارگر و بلوار کشاورز تاکسی‌ها به صورت رفت و برگشت آماده خدمت رسانی هستند.

به گفته رئیس پلیس راهور تهران بزرگ تاکسی‌های ون در تقاطع خیابان‌های طالقانی، مفتح تا تقاطع خیابان‌های طالقانی و ولیعصر(عج) و تقاطع بزرگراه نواب، خیابان آزادی تا میدان انقلاب و میدان حر تا میدان انقلاب و تقاطع خیابان‌های مفتح، انقلاب تا چهار راه ولیعصر(عج) و همچنین تقاطع چهار راه ولیعصر تا تقاطع خیابان وصال در انقلاب به صورت رفت و برگشت آماده خدمت‌رسانی هستند.

وی در مورد محل‌های پیش بینی شده توقف موتورسیکلت‌های نمازگزاران با بیان اینکه در ضلع شمال، خیابان حجاب حدفاصل خیابان فاطمی تا در شرقی پارک لاله و پارکینگ لاله در خیابان فاطمی در نظر گرفته شده است، گفت: در ضلع جنوب نیز همه محورهای جنوبی خیابان انقلاب حد فاصل خیابان ولیعصر(عج) تا میدان فردوسی و پارکینگ‌های حافظ و علاء الدین در تقاطع‌های نوفل لوشاتو و جمهوری در نظر گرفته شده است.

به گفته حسینی، موتورسواران در ضلع شرقی می‌توانند موتورهای خود را در خیابان ولیعصر(عج) حدفاصل خیابان انقلاب تا میدان ولیعصر(عج) داخل پهلوگاه‌های پارک موتورسیکلت و همچنین در ضلع غرب در خیابان نصرت حد فاصل خیابان جمالزاده تا خیابان کارگر و پارکینگ کاوه در خیابان آزادی قرار دهند.

۳۶ شرور نادم سیستان و بلوچستان امان نامه گرفتند

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار سیستان و بلوچستان رویکرد دولت و مسئولان استان را رأفت و مهربانی و بازگرداندن مجرمان نادم به دامان جامعه بیان کرد و گفت: اعضای کمیسیون امان نامه استان از خرداد امسال تاکنون برای ۳۶ نفر از اشرار نادم امان نامه صادر کردند.

علی اوسط‌هاشمی در نشست شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر سیستان و بلوچستان افزود: این فرصتی بسیار مغتنم برای تمامی افراد مجرم است تا با ابراز پشیمانی از گذشته خود به دامان جامعه و خانواده بازگردند.

وی با بیان این‌که ریشه بسیاری از ناامنی‌های استان، موادمخدر است، گفت: باید از توانمندی‌های ملی، ارزشی، فرهنگی و ظرفیت‌های منطقه‌ای به گونه‌ای بهره گیریم که هر سال بازدهی بهتری عاید جامعه شود.

استاندار سیستان وبلوچستان افزود: فعال شدن اردوگاه‌های ایرانشهر و نیاتک تا یک ماه آینده برای جمع آوری و نگهداری معتادان و مجرمان موادمخدر و تعیین تکلیف ۶۰۰ دستگاه خودرو توقیفی در توقفگاه شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر از برنامه‌های اولویت دار این شورا است.

حق پرست مدیر کل اطلاعات سیستان و بلوچستان هم اظهار داشت: سربازان گمنام امام زمان (عج) در استان در طول چهار ماه گذشته ۱۱ تن و ۵۰۰ کیلوگرم موادمخدر کشف کردند که افزون بر ۱۰ تن آن تریاک و بقیه حشیش، مرفین و هرویین بوده است.

سردار حسین رحیمی فرمانده انتظامی استان هم عملکرد چهار ماه گذشته مأموران انتظامی در سراسر استان را کشف ۱۴ تن موادمخدر عنوان کرد و گفت: در این مدت ۷۴۴ نفر از متهمان اصلی شبکه‌های مختلف دستگیر، ۱۰ شبکه بزرگ قاچاق موادمخدر منهدم و ۲۴ قبضه سلاح کشف شده است.

وی افزود: انجام ۱۲ عملیات مسلحانه و درگیری و کشف ۹۲ دستگاه خودرو سبک و سنگین از دیگر موفقیت‌های امسال بوده است. فرمانده مرزبانی سیستان و بلوچستان نیز گفت: نیروهای مرزبانی با اقتدار در زمینه کنترل و انسداد مرزهای میهن اسلامی در این استان تلاش می‌کنند و عملیات انسداد مرزها از شمال تا مناطق میانی استان به طور کامل انجام شده است و کارهای انسداد مناطق جنوبی هم با جدیت ادامه دارد. سردار رهام بخش حبیبی افزود: مرزبانان دلاور استان در چهار ماه نخست امسال در نقاط صفر مرزی ۱۲ تن انواع موادمخدر کشف کردند و هفت نفر از اشرار و قاچاقچیان معروف را در درگیریهای مسلحانه به هلاکت رساندند.

نظارت آنلاین پلیس بر قهوه‌خانه‌ها

سرویس حوادث: نصب دوربین توسط تمامی اصناف باید الزامی شود تا در صورت وقوع رخدادی از طریق این تصاویر بتوانیم مجرم را شناسایی کنیم.

سردار حسین اشتری جانشین رئیس پلیس کشور در هجدهمین جلسه قرارگاه مرکزی مبارزه با سرقت اظهار داشت: تلاش‌ها در این قرارگاه منجر به کاهش شیب سرعت سرقت در کشور شده اما هنوز نسبت به گذشته با افزایش این جرم روبرو هستیم و باید تا آنجا که می‌توانیم روند کاهش را بیشتر کنیم.

اشتری ادامه داد: سامانه «رخدادهای انتظامی» راه اندازی شده که سامانه‌ای خوب و به روز است.

معاون حقوقی ناجا هم گفت: از قوه قضائیه خواسته‌ایم شعب ویژه رسیدگی به جرم سرقت راه‌اندازی شود. سردار محمد زارعی تاکیدکرد: خلأهای قانونی در این موضوع از پلیس آگاهی ناجا احصاء و در صدد رفع آنها خواهیم بود.

رئیس پلیس اماکن ناجاهم اظهار داشت: با نصب دوربین‌های ویژه، قهوه‌خانه‌ها از سوی پلیس به صورت آنلاین کنترل می‌شوند.

سرهنگ خلیل هلالی افزود: چهار قهوه‌خانه در تهران به صورت آزمایشی به دوربین‌هایی مجهز شده‌اند که امکان نظارت براین صنوف را برای ماموران فراهم می‌کند.

اخبار حوادث

دستگیری شرور سطح یک یافت‌آباد

سرویس حوادث: رئیس پلیس اطلاعات و امنیت تهران بزرگ جزئیات دستگیری یکی از اشرار سطح یک محدوده شهرک ولیعصر(عج) را تشریح کرد.

سرهنگ علیرضا محرابی درباره دستگیری این شرور معروف به «جمشید سامورایی» که از اشرار و اراذل سطح یک محدوده یافت‌آباد است، اظهار داشت: ماموران اداره عملیات ویژه پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ با توجه به دستور بازپرس دادسرای ناحیه ۱۸ تهران مبنی بر دستگیری جمشید سامورایی به اتهام شرارت و درگیری و تخریب خودرو و ضرب و جرح، پس از کنترل ویژه اطلاعاتی، آدرس متهم در موقعیت تهرانسر شناسایی و ماموران با اطمینان از حضور او در مخفیگاهش، با کسب دستور قضایی وارد آنجا شدند که در هنگام ورود، همدست جمشید به نام ساسان، با دیدن ماموران قصد مقاومت داشت که دستگیر شد و با ورود ماموران به مخفیگاه مشاهده شد که او به همراه یکی دیگر از همدستانش به نام «هدایت» و دو دختر جوان در آنجا حضور دارند که جمشید با دیدن ماموران و بدون توجه به فرمان ایست آن‌ها از پنجره پشتی واحد مسکونی (طبقه دوم) بر روی خودرو پارک شده در زیر پنجره پرید و اقدام به فرار کرد که ماموران با استفاده از قانون به کارگیری سلاح، اقدام به شلیک ۷ تیر هوایی و ۶ تیر مستقیم به سمت پای وی کردند و با اینکه یکی از گلوله‌های شلیک شده به پای راست متهم اصابت کرده بود او به فرار خود ادامه داد تا این که با به کارگیری گاز اشک‌آور، وی را زمینگیر و دستگیر کردند.

محرابی در پایان با تاکید بر این‌که جمشید سامورایی پس از دستگیری برای مداوا به بیمارستان منتقل شد، اضافه کرد: در ادامه این عملیات، دو همدست وی هم دستگیر و روانه بازداشتگاه شدند و دو دختر حاضر در محل هم به پلیس امنیت اخلاقی انتقال یافتند.

نجات پسربچه ۳ ساله از چنگ کودک ربایان



شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: پسر بچه سه ساله‌ای که پنج روز پیش در یکی از روستاهای لارستان استان فارس به گروگان گرفته شده بود، عصر دوشنبه با تلاش مأموران آگاهی فارس از چنگال کودک ربایان نجات یافت.

فرمانده انتظامی استان فارس دراین باره اظهار داشت: کودک ربایان ۲۵ تیر پس از ربودن محمد، در تماس تلفنی از والدینش در ازای رهایی کودکشان درخواست ۳۵۰ میلیون تومان پول نقد کرده بودند.

سردار گودرزی گفت: با ردگیری‌های اطلاعاتی معلوم شدکودک ربوده شده در خانه‌ای در خیابان نشاط شیراز نگهداری می‌شودکه با در نظر گرفتن تمام شرایط امنیتی لازم و با تأکید بر لزوم حفظ سلامت گروگان، نیروهای ویژه آگاهی وارد کار شدندو با دستگیری دو نفر از گروگانگیران کودک را از دست آنان آزاد کردند. وی اضافه کرد: همزمان با این اقدام، دو نفر دیگر هم یکی در شیراز و یکی در لارستان توسط پلیس دستگیر شدند.

مسمومیت ۲۰۰ روستایی خراسان شمالی در یک شب

مانه و سملقان ـ خبرنگار اطلاعات: نوعی مسمومیت مشکوک، ۲۰۰ نفر از روستاییان روستای «قلعه‌خان» از توابع شهرستان مانه و سملقان در غرب خراسان شمالی را راهی بیمارستان کرد.

بر اساس گزارش مسئولان بهداشت و درمان این شهرستان حال عمومی اکثر مسموم‌شدگان خوب و از درمانگاه مرخص شده‌اند، اما شماری از آنان همچنان در درمانگاه شهر قاضی مرکز بخش مانه بستری هستند. اگرچه تاکنون مراکز درمانی و بهداشتی شهرستان مانه و سملقان علتی را برای این مسمومیت اعلام نکرده اند، اماگمانه زنی‌های اولیه حاکی از آن است که این مسمومیت ممکن است ناشی از آلودگی آب آشامیدنی روستا یا شام مسموم بوده باشد. روستاییان دلیل مسمومیت را استفاده از آب آشامیدنی اعلام کرده‌اند که به دلیل قطعی جریان آب، مدت زمان زیادی در لوله باقی مانده بود. فرماندار شهرستان مانه و سملقان هم گفت: هنوز علت اصلی مسمومیت روستاییان روستای قلعه خان این شهرستان مشخص نشده و آزمایش‌های لازم از بیماران انجام شده است. غلامرضا عوض زاده افزود: پزشکان مراکز درمانی این شهرستان از غذای مصرفی روستاییان هم نمونه برداری کرده‌اند تا بتوانند به نتیجه بهتری در زمینه علت مسمومیت برسند. رئیس شورای اسلامی قلعه خان اما احتمال مسمومیت از ناحیه آب روستا را بیشتر دانست و گفت: شماری از اهالی روستا با وجودی که از شام مورد استفاده نخورده‌اند دچار مسمومیت شده اند.

انفجار تانکر حامل گاز در ترکیه ۷۰ زخمی داشت

ترکیه: انفجار تانکر حامل گاز «ال.پی.جی» در جنوب شرق ترکیه منجر به زخمی شدن ۷۰نفر شد که حال ۲۰ تن از آنان وخیم گزارش شده است.

این حادثه بامداد دیروز در جاده مواصلاتی لیجه - بین گول در جنوب شرق ترکیه رخ داد و تانکر حامل گاز پس از واژگونی منفجر شد و سرایت شعله‌های آتش سبب آتش گرفتن یک اتوبوس مسافربری و چند خودرو عبوری شد.

اجرای برخی مصوبات دولت پیشین ۲۲ سال زمان می‌برد

سرویس شهرستان‌ها ـ معاون اجرایی رئیس جمهوری گفت: اجرای برخی مصوبات سفرهای دولت‌های نهم و دهم در استان‌های مختلف کشور حدود ۲۲ سال زمان نیاز دارد.

به گزارش ایرنا؛ محمد شریعتمداری دیروز در دیدار با نماینده ولی‌فقیه در چهارمحال و بختیاری و امام جمعه شهرکرد گفت: جنس مشکلات دولت تدبیر و امید با مشکلات دیگر دولت‌های نظام جمهوری اسلامی تفاوت فراوانی دارد.

وی اضافه کرد: دولت یازدهم در شرایطی کشور را تحویل گرفت که تحریم‌های ناجوانمردانه دشمن به اوج خود رسیده بود و کشور با تورم و رکود مواجه بود.

معاون رئیس جمهوری همچنین، استفاده از ظرفیت و توانمندی سازمان‌های عمومی غیردولتی؛ شرکت‌های توسعه گرا و سازمان‌هایی نظیر سازمان بازنشستگی کشوری و لشگری و قرارگاه‌های سازندگی در تامین زیر ساخت‌های مورد نیاز توسعه را از دیگربرنامه‌های دولت در سال جاری بیان کرد. شریعتمداری با تشریح ظرفیت صندوق توسعه ملی برای حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران، افزود: این صندوق می‌تواند با پرداخت تسهیلات با نرخ مناسب به تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران؛ در رونق اقتصادی و کاهش بیکاری نقش آفرینی کند.

معاون اجرایی رئیس جمهوری همچنین در خصوص ظرفیت‌های توسعه‌ای چهارمحال و بختیاری افزود: با تکمیل طرح‌های نیمه تمام در بخش راه و راه‌آهن؛ گام بلندی در کاهش مصرف سوخت؛ کاهش تصادفات جاده‌ای و کاهش مسیرهای ترددی و خروج این استان از بن‌بست برداشته می‌شود.

معاون اجرایی رئیس جمهور همچنین پس از دیدار با نماینده ولی فقیه در چهارمحال و بختیاری و امام جمعه شهرکرد؛ از روند ساخت و تکمیل مصلای امام خمینی(ره) شهرکرد دیدن کرد.

شرایط جذب و نحوه فعالیت پلیس افتخاری

سرویس خبر: پلیس افتخاری در نیروی انتظامی براساس نوع مأموریت و آموزش‌های خاص می‌تواند از سلاح استفاده کند.

سردار عصار معاون نیروی انسانی ناجا به نوع خدمت پلیس‌های افتخاری نیز اشاره کرد و گفت: این افراد با توجه به نوع مأموریت‌هایشان در دو سطح تعریف می‌شوند، سطح یک که بیشتر اجرایی، همیار پلیس و در کف خیابان است، بین ۱۸ تا ۶۰ سال بوده و سطح دو مربوط به متقاضیان زیر ۱۸ سال است؛ سطح دو این پلیس هنوز فعال نشده اما فعالیت‌های این گروه، صرفا فرهنگی - اجتماعی است.

وی سلامت جسمانی و نداشتن اعتیاد و سوءپیشینه را از فاکتورهای اصلی جذب متقاضیان پلیس افتخاری دانست و تاکید کرد: پلیس‌های افتخاری در ناجا استخدام نمی‌شوند اما این امر می‌تواند اولویت‌های استخدامی در کادریابی و توان سنجی افرادی که احتمالاً تمایل به حضور در نیروی انتظامی را دارند، نیز باشد.

معاون نیروی انسانی ناجا گفت: دستورالعمل البسه پلیس‌های افتخاری در هیأت رئیسه در حال بررسی است ودر واقع پلیس افتخاری را باید از نوع پوشش آنان شناسایی کرد.

عصار با اشاره به اینکه در حال حاضر در ۱۵ استان مهم کشور پلیس افتخاری راه اندازی شده است و علاقمندان می‌توانند با مراجعه به پلیس پیشگیری استان‌ها مراحل جذب خود را طی کنند، گفت: پلیس فتا نیز از میان پتانسیل مردمی و دانشجویان نخبه و زبده اقدام به جذب پلیس افتخاری از طریق فضای مجازی می‌کند.

معاون نیروی انسانی ناجا از به کارگیری پلیس افتخاری زن هم خبر داد و گفت: متناسب با مأموریت‌های مختلف، از بانوانی که در هرکدام از یگان‌های به کارگیرنده ثبت نام کنند، استفاده می‌شود، هم اکنون یگان ویژه تعدادی اعضای زن جذب و آموزش‌های خاص را نیز گذرانده اند.

معرفی فرمانده جدید واحد رهایی گروگان یگان ویژه پلیس

سرویس حوادث: سردار حسن کرمی فرمانده یگان‌های ویژه ناجا در مراسم تودیع و معارفه فرمانده واحد رهایی گروگان یگان‌های ویژه ناجا، واحد رهایی گروگان را یکی از واحدهای تخصصی یگان ویژه دانست.

در این مراسم با قدردانی از سرهنگ محمد طراقیه فرمانده پیشین واحد رهایی گروگان، سرهنگ حسین امجدیان به سمت فرمانده یگان رهایی گروگان معرفی شد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
- * موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- * پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
- * خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- * چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

با دستمزد کارلوس کی روش موافقم!

از دولت محترم تقاضا می‌شود با پرداخت ۱۲ میلیارد تومان به کارلوس کی روش و دستیارانش برای مربیگری تیم ملی فوتبال موافقت کند، زیرا خوشبختانه در کشورمان کسی وجود ندارد که به وام ازدواج و سبد کالا و غیره نیاز داشته باشد!

آمل ـ از دوستداران ورزش

ایجاد ناامنی در جامعه

تاریخ نشان داده است با افزایش فشار و تهدیدها نسبت به جوانان و زنان نه تنها مشکلی حل نمی‌شود، بلکه ایجاد ناامنی در جامعه را به همراه می‌آورد. چرا عده‌ای همچنان اصرار دارند با اجرای نادرست امر به معروف و نهی از منکر، این فریضه سودمند الهی را زیر سئوال ببرند؟

خانم حقوقدان

بهشت آنجا است کازاری نباشد

باتشکر از آقای فتح الله آملی جوادی به دلیل نگارش مقاله‌های جذاب و پر محتوا، من هم معتقدم که «بهشت آنجا کازاری نباشد، کسی را با کسی کاری نباشد!»...

خواننده روزنامه اطلاعات

چاپ پیام‌های مردمی در صفحه اول

پیشنهاد می‌کنم انتقادها و پیشنهادهای مردم به مسئولان را در صفحه اول روزنامه اطلاعات چاپ کنید، تا شاید آنان پیام‌ها را بخوانند و به آن‌ها عمل کنند.

زنجان ـ امیر

خط ارتباطی: با توجه به کثرت پیام‌ها و همچنین چاپ اخبار مهم ایران و جهان و آگهی هایی که منبع درآمد و اداره مالی روزنامه است، چاپ پیام‌های مردمی در صفحه اول روزنامه امکان‌پذیر نیست.

بازی درخشان ایران در برابر آرژانتین

نتایجی که تیم‌ملی آرژانتین در مسابقات جهانی فوتبال برزیل گرفته است، نشان می‌دهد که ایستادگی ۹۱ دقیقه‌ای دلاور مردان تیم ملی فوتبال ایران در برابر تیم قدرتمند آرژانتین، چه ارزشی دارد و چگونه ادامه این روند می‌تواند تیم ملی ما را به موفقیت‌های بیشتری برساند.

شهرضا (اصفهان) ـ محمدرضا میرزایی

نیکوکاران به یاری طب سنتی بشتابند

من هم با تماشای برنامه «راز» که ۱۸ تیر ۹۳ از شبکه ۴ سیما پخش شد، به اهمیت طب سنتی پی بردم و در عین حال از بی‌توجهی مسئولان به این طب، تأسف خوردم. پیشنهاد می‌کنم نیکوکاران با تشکیل انجمنی، طبق ضوابط کشور به یاری توسعه و تقویت طب سنتی در کشورمان بشتابند و آن را در رسیدن به اهداف عالیه‌اش، یاری دهند.

رجایی شهر کرج ـ گیاهی

پاسخ مسئولان

پاسخ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درباره هزینه عمل جراحی

باسلام و احترام، پیرو درج مطلب در روزنامه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۱ تحت عنوان «پزشک بیمارستان هزینه عمل را خصوصی دریافت می‌کند» خواهشمند است دستور فرمایید جهت پیگیری موضوع، نام پزشک مورد نظر و نام فرد مراجعه کننده را به این مرکز اعلام نمایند.

دکتر زارع نژاد ـ مدیر مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی

پاسخ شرکت واحد اتوبوسرانی در خصوص بستن درهای اتوبوس‌ها قبل از حرکت

احتراماً، با عنایت به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۳۹۳/۴/۵ با عنوان «بستن درهای اتوبوس قبل از حرکت» به آگاهی می‌رساند: برابر دستورالعمل ابلاغی، کلیه رانندگان این شرکت و شرکت‌های خصوصی تحت نظارت پس از پیاده و سوار نمودن مسافران ملزم به بستن درهای اتوبوس بوده و در صورت مشاهده توسط عوامل گشت برابر مقررات و آئین‌نامه انضباطی رفتار می‌گردد.

در همین رابطه شهروندان محترم می‌توانند در صورت مشاهده، مراتب را متضمن اطلاعات تکمیلی از قبیل شماره اتوبوس، ساعت، تاریخ و مکان وقوع تخلف، از طریق انعکاس به سامانه ۱۸۸۸ به این شرکت اعلام نمایند.

پیرامون کشش اتوبوس‌ها در بزرگراه شهید مدرس

احتراماً، با عنایت به مطلب مندرج در آن روزنامه به تاریخ ۱۳۹۳/۴/۷، با عنوان «اتوبوس‌ها کشش لازم را ندارند»، به آگاهی می‌رساند: برابر بررسی به عمل آمده خط ۸۲۰۳ (میدان امام خمینی «ره» ـ میدان قدس) از بزرگراه شهید مدرس تردد می‌نمایند که همه اتوبوس‌های خط مذکور از نوع ۴۵۷ کولردار و سال ساخت آنها نیز ۱۳۸۹ می‌باشد.

فریگرد رزم آزما ـ مشاور مدیرعامل در امور اطلاع‌رسانی و تبلیغات

پاسخ شرکت مترو درباره حضور متکدیان و دستفروشان در واگن‌ها

احتراماً، بازگشت به مطلب مندرج در آن روزنامه مورخ ۲۳ تیر ۱۳۹۳ صفحه ۱۳ با عنوان «متکدیان و دستفروشان» لطفاً پاسخ زیر در همان صفحه به چاپ برسد:

با سلام احتراماً به استحضار می‌رساند، شرکت بهره‌برداری مترو، جهت حل معضل حضور متکدیان و دستفروشان در واگن‌ها، نیازمند همراهی و همکاری مسافران محترم با پرسنل مستقر در ایستگاه‌ها می‌باشد که این موضوع، آرامش بیشتر و رعایت حریم کلیه استفاده کنندگان از این وسیله حمل و نقل عمومی را به دنبال خواهد داشت.

به نظر می‌رسد که یکی از راه‌های فاصله گرفتن و دورشدن فضای مترو از این معضل، عدم خرید کالاهای نامرغوب و اجناس غیربهداشتی و غیر استاندارد دستفروشان توسط مسافران محترم مترو و نیز کمک به صندوق صدقات به جای پرداخت وجه نقد به متکدیان حاضر در ایستگاه‌ها است که می‌تواند بسیار موثر و کارساز باشد.

درخصوص فنس کشی مقابل ایستگاه مترو

احتراماً بازگشت به مطلب مندرج در آن روزنامه مورخ ۲۴ تیر ۱۳۹۳ صفحه ۹ با عنوان «فنس‌کشی مقابل ایستگاه مترو» لطفاً پاسخ زیر به چاپ برسد:

با سلام، احتراماً به استحضار می‌رساند شرکت بهره‌برداری مترو تهران در فنس‌کشی پیاده رو حد فاصل ایستگاه اتوبوس‌های شرکت واحد تا ایستگاه مترو شهید حقانی، هیچ مسئولیت و نقشی نداشته و ندارد.

احسان مقدم ـ مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل

پاسخ شرکت مخابرات استان تهران درباره تعرفه و آبونمان تلفن‌های ثابت

احتراماً، در پاسخ به مطلب مندرج در شماره ۲۵۹۱۷ مورخ ۹۳/۴/۱۸ آن نشریه تحت عنوان «تعرفه‌های شرکت مخابرات بالاست» و «افزایش مبلغ آبونمان در قبوض تلفن» به اطلاع می‌رساند:

به گزارش روابط عمومی شرکت مخابرات استان تهران، کلیه تعرفه‌های شرکت مخابرات برمبنای تعرفه‌های ابلاغی از سوی کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات اعمال و بر روی قبوض مشترکین درج می‌شود و این در حالی است که رشد تعرفه‌های شرکت مخابرات در مقایسه با نرخ تورم و افزایش تعرفه‌های سایر خدمات شهری، از رشد بسیار پایینی برخوردار است.

همچنین براساس مصوبات کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات وفق مصوبه شماره ۳ جلسه شماره ۱۸۴ مورخ ۹۲/۱۲/۲۵ میزان آبونمان ماهیانه هر خط تلفن ثابت از ابتدای سال ۹۳ به شرح جدول ذیل تعیین گردیده است.

عناوین		شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، کرج، اهواز و شیراز	سایر شهرهای مراکز استان	سایر شهرها	بخش‌ها و روستاها
آبونمان ماهیانه ثابت		۳/۶۰۰ ریال	۳/۰۰۰ ریال	۲/۱۰۰ ریال	۱۰۰۰ ریال
آبونمان متغیر براساس مبلغ کارکرد ماهیانه خط تلفن ثابت	کارکرد تا ۱۰/۰۰۰ ریال	۲/۲۰۰ ریال	۲/۰۰۰ ریال	۱/۹۰۰ ریال	۰
	کارکرد از ۱۰/۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰ ریال	۵/۲۰۰ ریال	۵/۰۰۰ ریال	۳/۱۰۰ ریال	۰
	کارکرد بیشتر از ۱۰۰/۰۰۰ ریال	۸/۴۰۰ ریال	۷/۰۰۰ ریال	۴/۹۰۰ ریال	۰

ولی الله سعیدیان
مدیرکل دفتر روابط عمومی و راهبردی

بقیه در صفحه ۹

بازیکنان بیرون مانده از لیگ برتر فوتبال

پس از پایان زمان نقل و انتقالات فصل چهاردهم لیگ برتر فوتبال، چند بازیکن مطرح در فهرست فصل آینده هیچ تیمی جای ندارند.

نقل و انتقالات لیگ چهاردهم، دوشنبه شب به پایان رسید و ورودی و خروجی قطعی ۱۶ تیم لیگ برتری، مشخص شد. الزام همه تیم‌ها در استفاده از بازیکنان زیر ۲۳ سال، باعث شده است تا تعدادی از بازیکنان با تجربه سال‌های گذشته، لیگ فصل آینده را از دست بدهند و در فهرست هیچ تیمی، جای نداشته باشند.

همچنین بازیکنی مثل جواد نکونام، کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران با توجه به بازی در یک تیم خارجی در نیم فصل دوم سال گذشته، می‌تواند در روزهای آینده با یک باشگاه لیگ برتری قرارداد ببندد.

کریم انصاریفرد که گفته می‌شود، از تیم‌های خارجی پیشنهاد دارد، تاکنون با هیچ تیمی قرارداد نبسته است و به نظر می‌رسد که در صورت انصراف از حضور در لیگ‌های خارجی، باید در تراکتورسازی بازی کند.

بازیکنانی مثل حسین کعبی، سهراب بختیاری زاده، عادل کلاه کج، سپهر حیدری، محمد صلصالی، فرزاد آشوبی، حسین پاشایی، محسن بیاتی نیا و ... از جمله بازیکنانی هستند که در فهرست تیم فصل گذشته خود، جایی ندارند و حداقل برای نیم فصل نخست فصل چهاردهم لیگ برتر فوتبال باشگاه های کشور، بدون تیم مانده‌اند.

احمد جمشیدیان، شرایط متفاوتی نسبت به سایر بازیکنان فوتبال باشگاهی ایران دارد. جمشیدیان که در همه اردوهای آماده سازی تیم استقلال تهران، حضور داشت و حتی همراه این تیم به ترکیه رفت، یکباره و در روز آخر فصل نقل و انتقالات، از فهرست آبی پوشان خارج شد تا نام یعقوب کریمی، جایگزین نام وی در فهرست بازیکنان تیم استقلال شود! بدون شک، جمشیدیان را باید بازنده بزرگ بازار نقل و انتقالات دانست؛ چرا که بعد از خارج شدن از فهرست بازیکنان تیم استقلال تهران، فرصتی برای مذاکره با سایر تیم‌ها و انتخاب تیم جدید خود نداشت!

همچنین سیاوش اکبرپور – که فصل گذشته در تیم استقلال بازی می‌کرد – با باشگاه پدیده مشهد به توافقاتی رسیده بود، ولی نام این بازیکن نیز به یکباره و در آخرین روز، از فهرست تیم پدیده، کنار گذاشته شد!

از دیگر بازیکنان فصل قبل تیم استقلال – که تا کنون نتوانسته اند، تیمی برای فصل آینده خود پیدا کنند – می‌توان به کبه، نیکبخت واحدی و مجید غلام نژاد اشاره کرد.

همچنین سه بازیکن فصل گذشته تیم تراکتورسازی تبریز (جواد کاظمیان، فرشید طالبی و میثم بائو) از جمله بازیکنانی هستند که به گفته سرپرست این تیم در فهرست مازاد تراکتورسازان قرار گرفته و نتوانسته اند، برای فصل آینده، تیمی را برای خود دست و پا کنند.

تمرینات سنگین تپه نوردی برای آزاد کاران اردونشین



دومین اردوی تیم ملی کشتی آزاد ایران، برای حضور در رقابت های قهرمانی جهان و بازی های آسیایی با تپه نوردی سنگین در حاشیه دریاچه مجموعه ورزشی آزادی تهران پیگیری شد.

شاگردان رسول خادم که تمرینات خود را از ۲۶ تیر در خانه کشتی تهران آغاز کرده اند، صبح دیروز تمرینات بدنسازی خود را در تپه های اطراف مجموعه ورزشی آزادی تهران انجام دادند.

کشتی گیران در این تمرین با برنامه ریزی و نظارت کادر فنی با بالا رفتن از تپه به همراه وزنه زدن و حرکات بارفیکس، تمرینات سنگین و پرفشاری را پشت سر گذاشتند.

این مرحله از اردوی آزادکاران تا ۱۰ مرداد در خانه کشتی شماره یک تهران ادامه دارد. برنامه آماده سازی کشتی گیران، برای شرکت در رقابت های جهانی – ۲۰۱۴ ازبکستان در دهه پایانی شهریور و بازی های آسیایی – ۲۰۱۴ کره جنوبی در اوایل مهر، پیگیری می شود.

ترکیب ۱۶ تیم لیگ برتر فوتبال مشخص شد



۱۶ تیم لیگ برتری در پایان مهلت نقل و انتقالات فصل چهاردهم لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور، ترکیب خود را شناختند.

نکته جالب توجه این است که از جمع پنج تیم بالانشین فصل سیزدهم، تیم‌های استقلال و سپاهان – که سهمیه لیگ قهرمانان آسیا را کسب نکردند – عملکرد بسیار بهتری نسبت به سایر تیم‌ها در نقل و انتقال بازیکنان داشتند.

فصل چهاردهم لیگ برتر فوتبال، از نهم مرداد آغاز می‌شود. عملکرد تیم‌های مدعی قهرمانی و بالانشینان فصل قبل در بازار نقل و انتقالات فصل جدید را در پی از نظر می گذرانید.

فولاد؛ توجه به نسل جوان

قهرمان فصل سیزدهم، نقل و انتقالات فصل چهاردهم را با تغییر سرمربی خود آغاز کرد. حسین فرکی، برای جراحی کمر خود از هدایت فولاد خوزستان، کناره‌گیری کرد تا «دراگان اسکوچیچ»، مربی فصل قبل ملوانان، جای او را بگیرد.

مدافع عنوان قهرمانی در جذب بازیکنان فصل قبل، موفق نبود. عبدالله کرمی، سوشا مکانی، غلامرضا رضایی، لوسیانو پریرا و لئوناردو پادوانی، بازیکنان مطرح این تیم بودند که راهی تیم‌های دیگر شدند؛ البته ایمان موسوی، ماتیاس چاگو و احتمالا امجد راضی عراقی به فولاد اضافه شده‌اند. فولادی‌ها، قصد دارند که با اضافه کردن بازیکنانی از تیم‌های پایه به تیم بزرگسال خود، نسل جوانی از فوتبالیست‌ها را وارد لیگ برتر کنند.

پرسپولیس؛ خداحافظی با ملی‌پوشان

نایب قهرمان فصل قبل، رضایت هواداران خود را در جذب بازیکنان جدید، جلب نکرده است؛ هر چند که امیدوار است با جذب چند بازیکن خوب، فصل مطلوبی را پشت سر بگذارد.

میلاد غریبی، یونس شاکری، سید مهدی سید صالحی، فرزاد حاتمی، قاسم دهنوی، امیر عابدزاده، رضا محمدی، محمدرضا خلعتبری و سید جلال حسینی از پرسپولیس جدا شدند. مهرداد پولادی نیز بزودی راهی لیگ‌های اروپایی می‌شود و فقط حسین ماهینی و رضا حقیقی در جمع سرخ پوشان باقی مانده‌اند.

مهدی دغاغله، مهدی طارمی، رضا نوروزی، سوشا مکانی، احمد نورالهی، نادر سفرزایی، نوید صبوری، علی آستانی و علی فاطمی، بازیکنانی هستند که پرسپولیس آنها را جذب کرده است.

شنیده‌ها حاکی از آن است که علی دایی، سرمربی سرخ پوشان تهرانی از وضع این تیم در فصل نقل و انتقالات، راضی نیست. البته بحث همکاری کریم باقری با این تیم، همچنان نقل محافل فوتبالی است. پرسپولیس، فصل چهاردهم را با ترکیبی از بازیکنان جوان آغاز می‌کند.

نفت تهران: سنت شکنی

تیم شگفتی‌ساز فصل سیزدهم لیگ برتر فوتبال، فصل جدید را در حالی آغاز می‌کند که چند ستاره خود را از دست داده است. وریا غفوری، رسول نوید کیا، رضا نوروزی، هادی نوروزی، احمد آل نعمه و حمید بوحمدان، بازیکنان تاثیر گذاری بودند که از این تیم جدا شدند.

علیرضا منصوریان که جای گل محمدی، هدایت تیم نفت را عهده‌دار شده است، میثم جودکی (کاپیتان تیم ملی فوتبال جوانان)، دیوید ویکروم، سعید لطفی، احمد گوهری، ارسلان مطهری (بازیکن تیم ملی فوتبال نوجوانان)، مهدی شیری، غلامرضا رضایی، ایمان مبعلی، سعید قزلکچی، لئوناردو پادوانی و سیامک کورش را جذب کرده است. نفت تهران، پس از چند سال، بازیکن خارجی جذب کرده است. مدیرعامل باشگاه، دلیل اینکار را نیافتن بازیکن خوب داخلی در پست هافبک بازیساز عنوان کرد.

سپاهان؛ فراتر از سقف؟

سازمان لیگ، برای همه تیم‌ها، سقف بودجه تعیین کرد؛ ۱۵ میلیارد تومان برای همه و ۱۸ میلیارد تومان برای نمایندگان آسیایی فوتبال ایران.

تیم های فولاد، پرسپولیس، نفت و تراکتورسازی، سقف بودجه را رعایت کردند و از خرجی که سپاهان و استقلال کرده‌اند، گلایه دارند.

وقتی مدیرعامل سپاهان، ادعا کرد که از وزارت ورزش مجوز گرفته است که مانند نمایندگان آسیایی فوتبال ایران ۱۸ میلیارد تومان خرج کند، رییس سازمان لیگ، این ادعا را تکذیب کرد تا شائبه دست و دل بازی اصفهانی ها قوت بگیرد.

استقلال؛ بمب‌های بی صدا!

علی فتح‌الله‌زاده، مدیرعامل پیشین استقلال تهران، تکه کلامی داشت و از ترکاندن «بمب» در فصل نقل و انتقالات حرف می‌زد. حالا که او در جمع آبی پوشان نیست، استقلالی ها بی سر و صدا، ستاره‌ها را جذب کرده اند.

فرزین گروسیان، محمدرضا خرسندنیا، میلاد فخرالدینی، امید ابراهیمی، سجاد شهبازززاده، علیرضا رمضانی، هرایر مگویان، مهدی کریمیان، سهیل اصغرزاده، محسن فروزان، عنایت بخشی، سید محسن کریمی، محمدرضا سلیمانی، مهران نورافکن، ایمان عباس زاده، سعید امرایی، مهدی کربلایی، محمد خلیلی، آلبرتو رافائل داسیلوا، جاسم کرار، مهرداد محمودی، امیرحسین طویی و یعقوب کریمی، بازیکنان جدید استقلال هستند.

محمد مهدی نظری، بوبکر کبه، مهرداد اولادی، علیرضا نیکبخت واحدی، مجید غلام نژاد، سیاوش اکبرپور، جی لوید ساموئل، سید حسین حسینی، میثم جودکی، ایمان باصفا، مهدی رحمتی، ایمان مبعلی، آرش رضاوند، مهرداد حسینی، تونی و احمد جمشیدیان نیز از جمع آبی پوشان تهرانی جدا شده اند. استقلال در زمینه حفظ ستاره‌ها، عملکرد بهتری نسبت به پرسپولیس داشت و خسرو حیدری، آندرانیک تیموریان و امیر حسین صادقی را در تیم خود نگهداشت.

تراکتورسازی: خلع سلاح

تراکتورسازی تبریز، یکی از نمایندگان فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیا، باید برای حضور پرقدرت در آسیا آماده شود. اما عملکرد این تیم در فصل نقل و انتقالات، حکایت دیگری دارد.

علی کریمی، سعید دقیقی، میلاد فخرالدینی، محمد نصرتی، مرتضی اسدی، مهدی کریمیان، جواد کاظمیان، محمد حسین مهرآزما و مسعود ابراهیمزاده، از تراکتورسازی جدا شده‌اند و اگر نام کریم انصاری فرد، فرشید طالبی و میثم بائو را به خروجی‌های احتمالی این تیم اضافه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که تراکتورسازی، ترکیب ثابت فصل گذشته خود را از دست داده است.

تراکتورسازی، بازیکنانی چون سامان نریمان جهان، میرهانی هاشمی، خالد شفیعی، فرید کریمی، شاهین ثاقبی، محمود پور رحمت الله، احمد آل نعمه، دیتمار و علاء عبدالزهراء را به خدمت گرفته است و احتمال دارد، «لوسیانو ادینیو» را به این جمع، اضافه کند.

فهرست ورودی و خروجی بازیکنان تیم‌های حاضر در فصل چهاردهم لیگ برتر فوتبال باشگاه های کشور به این شرح است:

فولاد خوزستان

ورودی: ایمان موسوی، ماتیاس چاگو و بهمن کامل.

خروجی: چاوز، مهدی نوری، یوسفی، محمدرضایی، سالارزاده، حسن جعفری، سوشا مکانی، عبدالله کرمی، غلامرضا رضایی و لوسیانو پریرا.

پرسپولیس

ورودی: دغاغله، طارمی، مکانی، رضا نوروزی و احمد نوراللهی.

خروجی: خلعتبری، غریبی، دهنوی، شاکری، سید صالحی، رضا محمدی، پولادی (احتمالی)، جلال حسینی و امیرعابدزاده.

نفت تهران

ورودی: امیرارسلان مطهری، میثم جودکی، مبعلی، آرش رضاوند، شیری، رضا علیاری، ویکروم، غلامرضا رضایی و قزل.

خروجی: وریا غفوری، رسول نویدکیا، رضا نوروزی، آل نعمه– بوحمدان، مجتبی شیری و بهمن کامل.

سپاهان اصفهان

ورودی: وریا غفوری، عبدالله کرمی، رسول نویدکیا، لوسیانو پریرا و خلعتبری.

خروجی: غلامی، بولکو، امید ابراهیمی، محمودوند، ایران‌نژاد و یعقوب کریمی.

استقلال تهران

ورودی: گروسیان، نوجوان، خرسندنیا، امید ابراهیمی، هرایر مگویان، شهبازززاده، محسن ابراهیمی، فخرالدینی، میلاد سیلمانی، فروزان، مهدی کریمیان، جاسم کرار، آلبرت رافائل داسیلوا و یعقوب کریمی.

خروجی: کبه، ساموئل، نظری، اکبرپور، اولادی، نیکبخت واحدی، غلام‌نژاد، حسین حسینی، ایمان مبعلی، مهدی رحمتی، باصفا و کاروالیو.

تراکتورسازی تبریز

ورودی: جابر انصاری، سامان نریمان جهان، هانی هاشمی، شفیعی، فرید کریمی، ثاقبی، آل نعمه، دیتمار و علاعبدالزهرا.

خروجی: فخرالدینی، علی کریمی، مرتضی اسدی، سعید دقیقی، مهدی کریمیان، محمد نصرتی، فروزان و ابراهیم زاده.

ملوان بندر انزلی

ورودی: شایان کارگر، محمد رضی، علی عابدی، علیرضا مصطفایی، فرزام بیجاری، میلاد جلالی، غلامین، محمد دارابی، پورغاز، شمسی‌پور، کنعانی، حسین حسینی، جمال حسینی، پوررحمت الله، گلزاری، جعفری، اعتمادی و اولادی.

خروجی: دغاغله، فشنگچی و ثاقبی.

سایپا

ورودی: پویا نزهتی، کرمانی، سید صالحی، میداوودی، حکیم نصاری، مسیح زاهدی، حامد فلاح زاده، مجتبی رمضانی، علی نادمی، ابراهیم‌زاده و وحید محمدزاده.

خروجی: شهبازززاده و سبحانی.

صبای قم

ورودی: پیروز قربانی، علی‌محمدی، فراهانی، کاظمی، امید قربانی، عباس بختیاری، محمد برجلو، مهدی زاده، عباس قادیان، قاسم گرامی، علیرضا فرجی و کلانتری.

خروجی: عنایتی، امرایی، اکبر صادقی، مهربان، فرید کریمی، سلیمان فلاح و حیدری.

گسترش فولاد

ورودی: نظری، پیمان رنجبر، جلال عبدی، محمد مختاری، عادل سرشار، جوکار، محمدامین درویش، مرتضی اسدی، باتیستا و جهانی.

خروجی: سیدمحسن حسینی، ایملان موسوی، رسول علیزاده، فروزان، نریمان جهان و شفیعی.

راه آهن

ورودی: غلامی، ایران‌نژاد، سبحانی، امیر عابدزاده، محمد آبشک، وحید طالب لو، شیث رضایی، احمد موسوی، کوهنورد، جوکیچ، ننزیچ و مجتبی شیری.

خروجی: پیروز قربانی، ویکروم، علی حسینی و آقازمانی.

استقلال خوزستان

ورودی: میثم مجیدی، دورقی، صادقی، بابااحمدی، باصفا، سیف الهی، ربانی، مهدوی، کاردوست، مجید حیدری و عباسیان.

خروجی: مدملیسی، قاسم‌نژاد، بیگدلی، معاوی، میداوودی، تیغ‌نورد، ترائوره و خیری.

پدیده خراسان

ورودی: عنایتی، ناصحی، میلان یووانوویچ، امرایی، عباس محمدرضایی، غریبی، شاکری و خیری.

خروجی: خرسندنیا، هانی هاشمی و قنبری.

نفت مسجد سلیمان

ورودی: احسان عبدی، تیغ‌نورد، رضا محمدی، سلیمان فلاح، زنیدپور، سالارزاده و بوحمدان.

خروجی: بابااحمدی، نصاری دورقی و صادقی.

ذوب آهن اصفهان

ورودی: محمدباقر صادقی، حق‌وردی، دهنوی، حسن زاده، هادی محمدی، شیخ حسینی، قنبری و شجاعی.

خروجی: بیاتی‌نیا.

پیکان

ورودی: فشنگچی، مهدی رحمتی، علی حسینی، جی لوید ساموئل، محمد نصرتی و دقیقی.

خروجی: کرمانی، محسن ابراهیمی و محمد برجلو.

کارلوس کی‌روش؛ راضی از توافق و امیدوار به آینده



کارلوس کی‌روش، راضی از توافق با فدراسیون فوتبال و امیدوار به آینده، ایران را ترک کرد.

اگر چه مربی پرتغالی، پس از توافق کلی با فدراسیون فوتبال در باره چند موضوع، ابهام و دغدغه داشت، ولی بعد از جلسه با رییس فدراسیون فوتبال و رفع ابهامات، آماده تمدید قرارداد شد.

یکی از دغدغه‌های کی‌روش، موضوع سرپرستی تیم ملی فوتبال بود که ظاهرا، پس از جلساتی که با کفاشیان داشت، ابهام‌هایش رفع شده و شرایط را برای آغاز یک کار خوب در تیم ملی فوتبال، بسیار مساعد دیده است.

او تا ۹ مرداد با فدراسیون فوتبال ایران قرارداد دارد و همواره تاکید کرده است که تا پایان قراردادش در خدمت فوتبال ایران خواهد بود و برای تداوم همکاری، مذاکره می‌کند. البته او، هیچوقت قاطعانه از امضای قرارداد، سخن نمی‌گفت تا اینکه پس از صحبت با کفاشیان و جلسه با مسئولان سازمان لیگ و رفع ابهامات، گفته است که در بازگشت به ایران، قرارداد خود را امضا می‌کند. او می‌خواهد، تعاریف حقوقی بعضی از بندهای قرارداد را با وکیل خود هماهنگ کند.

اعزام تیم فوتبال نوجوانان به بلاروس و تیم فوتبال ساحلی به جام بین قاره‌ای

کمیته فنی و توسعه فدراسیون فوتبال با اعزام تیم ملی فوتبال نوجوانان به تورنمنت بلاروس موافقت کرد.

در آخرین نشست کمیته فنی و توسعه فدراسیون فوتبال، درباره مشکلات پیش روی تیم ملی فوتبال دختران زیر ۱۶ سال و برگزارنشدن دیدارهای تدارکاتی، بحث و بررسی شد. کادر فنی این تیم، خواستار حضور در اردوهای تدارکاتی برون مرزی شده بود که پس از مخالفت اعضای کمیته فنی، قرار شد که با توجه به شرایط آب و هوایی کشور بنگلادش، اردوهای نهایی تیم ملی فوتبال دختران نوجوان در شهرهای بندرعباس، گلستان یا مازندران برگزار شود. همچنین با برگزاری تورنمنت چهار جانبه با حضور تیم های ملی نوجوانان و جوانان ایران، مجارستان و روسیه در شهریور امسال، موافقت شد.

با توجه به اینکه تیم ملی فوتبال نوجوانان، رقابت‌های قهرمانی آسیا را پیش رو دارد، با حضورش در تورنمنت بلاروس موافقت شد. همچنین همه اعضا با حضور تیم ملی فوتبال ساحلی در مسابقات بین قاره‌ای موافقت کردند.

مهرداد پولادی، راهی اروپا می‌شود



اسکای اسپورت، از مهرداد پولادی به عنوان یکی از بازیکنانی که به زودی راهی اروپا می‌شود، نام برد.

سایت شبکه تلویزیونی اسکای اسپورت در گزارشی نوشت: مهرداد پولادی در جام جهانی بیستم، عملکرد خوبی با تیم ملی فوتبال ایران داشت و بازی‌های زیبایی را از به نمایش گذاشت. او به طور میانگین در هر بازی ایران ۶٫۳ تکل موفق داشت که نشان می‌دهد، او در کارهای دفاعی، بسیار موفق بوده است. او، هنوز در لیگ ایران بازی می‌کند و نتوانسته راهی تیمی در اروپا شود.

عملکرد خوب پولادی، باعث شده تا این بازیکن ایرانی، مدنظر تیم‌های اروپایی قرار گیرد، ولی انتقال او، هنوز نهایی نشده است.

پولادی در دو مسابقه ایران مقابل نیجریه و آرژانتین در جام جهانی – ۲۰۱۴ برزیل، عملکرد خیلی خوبی داشت، ولی در بازی سوم با بوسنی که تیم ایران برای گل زدن جلو کشیده بود، نتوانست به تنهایی مانع فروپاشی دروازه ایران شود.

اعلام جزئیات آیین‌نامه جدید مشاغل سخت و زیان آور

معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی جزئیات آیین‌نامه جدید مشاغل سخت و زیان‌آور را اعلام کرد.

محمد حسن زدا با بیان این که این آیین نامه به تازگی به کمیسیون اجتماعی دولت ارائه شده است به روزنامه اطلاعات گفت: آیین نامه قبلی دارای بی عدالتی هایی بود که در آیین نامه جدید اصلاح شده و امیدواریم در چند روز آینده به تصویب دولت برسد تا تحولی در بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور ایجاد کند.

او با اشاره به یکی از موارد اصلاحی این آیین نامه گفت: مطابق آیین نامه قبلی، فرد در طول خدمت ۲۰ ساله خود می توانست با ۱۰ روز غیبت غیرموجه در هر سال بدون شرط سنی بازنشسته شود؛ در حالی که اگر این غیبت فقط در یکی از سال ها بیشتر از ۱۰ روز بود، حتی با وجود نداشتن غیبت غیرموجه در سال های دیگر، فرد امکان بازنشستگی ۲۰ ساله را از دست می داد.

زدا ادامه داد: یکی دیگر از موارد اصلاح شده در آیین نامه جدید، ماده ۳ قانون مشاغل سخت و زیان آور است. بر اساس این ماده، هر کارگاهی که اعلام سخت و زیان آوری کرده، مکلف است در مدت ۲ سال شرایط سخت و زیان آور بودن شغل را از بین ببرد. اما جزئیات این ماده و راهکار قانونی برای کارگاه هایی که در این زمینه اقدام نمی کنند مشخص نبود که در آیین نامه جدید اصلاح شده است.

شناسایی بیمه شدگان متخلف

معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی همچنین با اشاره به اجرای نرم‌افزار ماتریس همپوشانی در این سازمان به فارس گفت: نرم‌افزار این ماتریس تهیه شده است و جایگاه بیمه‌ای تمامی ایرانیان در این ماتریس مشخص شده است. با استفاده از این نرم‌افزار می توان اقدامات غیر قانونی در بخش بیمه را مشخص کرد به عنوان مثال در ماه اول ۱۷۰۰ فرد متخلف را شناسایی کرده‌ایم که همزمان با دریافت مقرری بیمه بیکاری مشغول به کار هم بوده‌اند.

زدا با تاکید بر اینکه افرادی که از سازمان تامین اجتماعی مقرری بیمه بیکاری دریافت می کنند نمی توانند در جایی مشغول به کار باشند و در صورت اشتغال باید نسبت به قطع پرداخت مقرری بیمه بیکاری اقدام کنند گفت: افرادی در دریافت مقرری بیمه بیکاری تخلف می کنند باید مبلغ دریافت کرده را به سازمان بازگردانند.

او ادامه داد: رقم پرداختی به افراد تحت پوشش بیمه بیکاری ۵۵ درصد حقوق زمان اشتغال است و به ۴ نفر از اشخاص تحت تکفل او به ازای هر نفر ۱۰ درصد مبلغ مقرری بیمه بیکاری پرداخت می شود که این مبلغ نباید از ۸۰ درصد زمان اشتغال بیشتر باشد.

به گفته معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی در حال حاضر ۲۰۰ هزار نفر از سازمان تامین اجتماعی مقرری بیمه بیکاری دریافت می کنند که در ماه ۱۲۰ میلیارد تومان هزینه‌های سازمان در این بخش است.

دریاچه مهارلو توده ای از نمک شد

با ادامه پدیده کشند قرمز در دریاچه مهارلوی شیراز کارشناسان محیط زیست اعلام کردند شرایط زیستی برای آبزیان دریاچه مهارلو از بین رفته و احتمالا هیچ موجود زنده‌ای در آب دریاچه زندگی نمی کند.

به گزارش مهر، خشکسالی های متمادی چند سال اخیر فارس منجر به خشکی بیشتر تالاب‌های این استان شده است اما یکی از دریاچه‌هایی که همچنان در مقابل این خشکی ها مقاومت کرده، دریاچه مهارلو بود. این دریاچه که در ۱۵ کیلومتری شیراز قرار دارد، با وسعتی حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع پناهگاهی برای حیات وحش و پرندگان مثل فلامینگو، مرغابی، آنقوت و... محسوب می شد. علمدار علمداری کارشناس محیط زیست با ابراز نگرانی از وضعیت قرمز شدن دریاچه مهارلو گفت: از مدتی قبل دریاچه مهارلو به صورت کامل قرمز شد که یکی از دلایل آن پایین آمدن سطح آب و رشد جلبک ها از جمله کشند قرمز بود. به گفته علمداری، کشندهای قرمز که برای موجودات دریاچه مضر هستند، نسبت به شوری مقاومت داشته و زمانی که شوری آب بالا برود بیشتر رشد می کنند. او با بیان این که وضعیت دریاچه مهارلو بحرانی است، گفت: این دریاچه هم اکنون به دلیل ورود فاضلاب‌های شیراز تا حدودی آبدار است. علمداری ادامه داد: زمانی که تراکم جلبک ها در سطح آب بالا رود به صورت لایه ای قرار می گیرند که مانع از تبادل هوا با آب و در نهایت کاهش اکسیژن می شود که در این شرایط با تولید سموم، زیست موجودات زنده به خطر می افتد. او با اشاره به اینکه تغذیه پرندگان هم با مشکل مواجه شده است گفت: در حال حاضر شرایط به نقطه بحرانی رسیده و از دریاچه فقط توده‌ای از نمک باقی مانده است اما با بالا آمدن آب دریاچه می توان امیدوار بود که مهارلو از دست این کشندهای قرمز جان سالم به در ببرد.

وزیر بهداشت: با تخلفات حوزه پیوند برخورد شدید می شود

وزیر بهداشت ضمن تاکید بر لزوم پرهیز از هر گونه حاشیه‌سازی در حوزه سلامت و از جمله پیوند اعضا، گفت: عمل پیوند به مسلمان‌های نیازمند خارجی در جلسه بعدی شورای عالی پیوند بررسی می‌شود و از دوستان خواهش می‌کنیم حاشیه سازی نکنند و این شورا برای این تشکیل شده که از حقوق مردم ایران دفاع کند و در عین حال در راه فناوری پیوند در کشور و حتی منطقه نهایت تلاش خود را بکند.

به گزارش ایسنا، دکتر حسن هاشمی در حاشیه مراسم افطاری در خوابگاه امام علی (ع) دانشگاه علوم پزشکی ایران، در پاسخ به پرسش ایسنا درباره صحبت‌های اخیر رییس انجمن حمایت از بیماران کلیوی درباره پیوند دو بیمار عربستانی از کلیه ایرانی، گفت: دوستان لطفا حاشیه‌سازی نکنند.

وی با بیان این که در کشور پیوندهای مختلفی از جمله پیوند روده، ریه، قلب و لوزالمعده و کبد انجام می‌شود، اظهار داشت: پیوند روده یکی از مهمترین جراحی‌ها در دنیاست و پیوندهای مختلفی در کشور انجام می‌شود. در مسئله پیوند سالها با کشورهای منطقه و برخی کشورهای اروپایی فاصله داریم بنابراین گمان می‌کنم بهتر است داشته‌هایمان را به راحتی به دست حاشیه‌ها نسپاریم.

هاشمی با تاکید بر این که مدعی اصلی در تخلفات وزارت بهداشت است، افزود: وزارت بهداشت یکی از بخش‌ها را در همین زمینه تعطیل و پزشک متخلف را محروم و پرونده آن را به قوه قضائیه ارجاع داد.

وی با بیان اینکه از مجموع ۲۵ هزار بیمار در لیست انتظار پیوند کلیه شاید به کمتر از ۲۰ درصد موفق به ارائه خدمات شویم، گفت: یکی از کارهایی که شورای پیوند باید انجام دهد تلاش در جهت افزایش استفاده از کسانی است که دچار مرگ مغزی شده‌اند.

این فرهنگ در کشور باید اشاعه داده شود تا لیست‌های انتظار به حداقل برسند.

وزیر بهداشت همچنین با اشاره به مصوبه مجلس مبنی بر اختصاص سهمیه ۳۰ درصدی این آزمون به مناطق محروم اظهار داشت: نفس این اقدام خوب بود ولی با توجه به این که این تصمیم به یکباره اعلام شد، شانس موفقیت شرکت کنندگان در آزمون با محاسبه ۳۰ درصد مناطق محروم و ۲۰ درصد سهمیه ایثارگران به ۵۰ درصد می رسید.

هاشمی اظهار داشت: باپیگیری های رئیس مجلس شورای اسلامی مقرر شد طی یک طرح دو فوریتی، مصوبه قبلی اصلاح شود و با تصویب این مصوبه، رضایت خاطر افرادی که گاهی تا ۳ سال برای موفقیت در این آزمون تلاش می کنند، فراهم شود.

طرح افزایش مستمری مددجویان کمیته امداد در مجلس

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از تلاش مجلس برای افزایش دو برابری مستمری مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) خبر داد و گفت: با توجه به اینکه در سال گذشته موفق به افزایش مستمری مددجویان نشده ایم امسال با تصویب این طرح در کمیسیون اجتماعی مجلس و ارجاع آن به کمیسیون تلفیق، از افزایش دو برابری مستمری مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) حمایت خواهیم کرد.

عبدالرضا عزیزی ادامه داد: در بودجه سال ۹۳ اقدامات حمایتی گسترده ای در نظر گرفته شده است که افزایش ۱۰۰ درصدی تسهیلات قرض الحسنه بانک ها برای مددجویان تا سقف ۲۰ هزار میلیارد ریال، اختصاص ۱۵۰ میلیارد ریال برای تامین جهیزیه نوعروسان تحت حمایت، اختصاص ۱۵۰ میلیارد ریال برای امنیت غذایی و تغذیه مددجویان بخشی از این اقدامات است. عزیزی همچنین از اختصاص ۱۵۰ میلیارد ریال برای برنامه حمایت های اجتماعی و اختصاص ۵ درصد از بخش صنعت و کشاورزی صندوق توسعه ملی برای توانمندسازی مددجویان خبر داد و گفت: مددجویان کمیته امداد از پرداخت هزینه های صدور پروانه ساختمانی، عوارض شهرداری و هزینه های انشعاب آب، برق، فاضلاب و گاز برای یک بار در حد یک واحد مسکونی مطابق الگوی مصوب معاف هستند.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به اینکه لازم است تا افراد تحت پوشش کمیته امداد از افزایش حقوق بهره‌مند شوند گفت: بسیاری از مددجویان توانایی خوداشتغالی ندارند و امیدواریم افزایش دو برابری مستمری مددجویان کمیته امداد با تصویب مجلس محقق شود.

معاینه فنی صوری از عوامل بروز تصادف اتوبوس ها است

سرویس سیاسی – اجتماعی: مدیرعامل سازمان پایانه های شهر تهران، معاینه فنی صوری را یکی از مهمترین عوامل تاثیر گذار در بروز تصادفات اتوبوس اعلام کرد.

محمدرضا حاجی بیگی با بیان این که متاسفانه در بحث ایمنی اتوبوس ها چه از نظر فنی و چه از نظر رعایت استاندارد در کشور کم توجه هستیم، افزود: معاینه فنی اساسا درست انجام نمی شود و به طور عملی و حضوری انجام نمی گیرد و در اکثر موارد افراد با دادن کارت اتوبوس به پیک موتوری می توانند معاینه فنی بگیرند، البته این موضوع عمومیت ندارد اما بسیار شایع است. حاجی بیگی تاکید کرد: اگر این ندانم کاری ها کنار گذاشته شود و اصول فنی بویژه در بخش معاینه فنی کنترل شود خیلی از حوادث و تصادفات اتوبوس ها که متاسفانه منجر به فاجعه می شود، کاهش می یابد.

امکان بازگشت بُن نقدی به فیش حقوقی کارگران

زمینه بازگشت بن نقدی به فیش های حقوقی کارگران و از سرگیری دریافت حق بیمه از آن فراهم شده است که این امر سبب تقویت منابع تامین اجتماعی هم خواهد شد.

رئیس کارگروه تخصصی مزد و بهره وری وزارت کار از برگزاری نشست این کارگروه با وزیر کار خبر داد و گفت: در جلسه ای که با حضور وزیر کار برگزار شد، به نمایندگی از کارگران گلایه ای را درباره حذف بن نقدی از فیش های حقوقی مطرح کردیم. فرامرز توفیقی در گفتگو با مهر همچنین اظهارداشت: از وزیر کار درخواست کردیم که احساساتی تصمیم گیری نکند چون مورد اخیر درباره حذف بن نقدی از فیش های حقوقی کارگران به منظور حذف دریافت حق بیمه، به زیان کارگران و تقویت منابع تامین اجتماعی انجامیده است. توفیقی ادامه داد: خواهش کردیم تا تصمیم اخیر شورای عالی کار درباره بن نقدی کارگران برگردانده شود و ربیعی هم قول داد تا در این زمینه بررسی کند و صحبت هایی را درباره آن انجام دهد. وی با اشاره به اینکه زمینه بازگشت حق بن نقدی به عنوان یکی از بندهای فیش حقوقی مشمولان قانون کار فراهم شده است، افزود: قرار است در روزهای آینده مدیران ۱۵ کارخانه تولید مواد غذایی، قطعه سازان خودرو، سیمان و فولاد نظرات خود را درباره آنالیز قیمت تمام شده تولید که از سوی کارگروه تخصصی مزد و بهره وری انجام شده ارائه کنند. رئیس کارگروه تخصصی مزد و بهره وری با تاکید بر اینکه پس از تایید چک لیست های اولیه از آنالیز قیمت تمام شده تولید در صنایع یادشده، به سراغ بخش صنعت خواهیم رفت، اظهارداشت: هدف کارگروه تخصصی مزد و بهره وری این است که با شناسایی هزینه‌های گوناگون تولید در بخش های مختلف، سهم مزد و توان افزایش پرداخت حقوق در بنگاه ها را بررسی کند. وی خاطرنشان کرد: این اقدامات می تواند منجر به طراحی مدل جدیدی در تعیین مزد سالانه کارگران و مشمولان قانون کار شود به نحوی که با ارائه آنالیزهای مختلف قیمتی به بنگاه ها، می توان سهم دستمزد را در قیمت تمام شده تولید که در حال حاضر بسیار ناچیز و در حد نهایتا ۱۲ درصد است، افزایش داد و از هزینه های سربار کم کرد.

شب غوغای شعر جوان‌ها

بقیه از صفحه ۷

بعد خواهش می کند او همان شعر را اینجا بخواند. قزوه ۳–۴ بار خلیج فارس را خلیج می گوید و من منتظرم آقا چیزی به قزوه بگویند. اما قناعت شروع می کند:

از خلیج فارس می‌آید نسیم فارسی
ابر از شیراز می‌آید چو سیم فارسی

شعر قناعت هم خیلی مورد توجه آقا و حضار قرار می گیرد. بعد از هر بیت آفرین و احسنت از هر گوشه جلسه بلند می شود. آقا بعد از شعر تشویقش می کنند و می گویند: به یاد آقای قزوه هم آوردید که بگویند خلیج فارس نه خلیج.

نوبت رسید به «آنابرزینا»، بانوی اوکراینی که دکتری زبان فارسی را از دانشگاه تهران گرفته و در مسکو استاد دانشگاه است. فارسی را خیلی خوب صحبت می کند. شعر خواندنش هیچ لحن ندارد:

این خاک گهربار که ایران شده نامش
شیری است که در بین دو دریاست کنامش

آقا بعد از شعر گفتند: آفرین آفرین. طیب‌الله أنفاسکم. نفر بعد فرزانه خُجندی است که از بزرگان شعر تاجیکستان محسوب می شود. می گویند رئیس جمهور فقید تاجیکستان اسم دخترش را به خاطر این شاعر گذاشته فرزانه! قزوه هم تکمیل می کند که یک زمانی قیصر امین پور کتاب او را در انتشارات سروش چاپ کرده. فرزانه خجندی شعر می خواند و بعد از او نوبت می رسد به سیده تکتم حسینی که شاعره افغان و مهاجر است. او کاملاً مثل ما فارسی صحبت می کرد.

نشسته برف پیری روی مویت، دلم می خواست تا باران بگیرد/ تنت از خستگی خرد و خمیر است، بیا تا خانه بوی نان بگیرد

آقا، خانم حسینی را هم خیلی تشویق می کنند و آفرین می گویند. بعد از پایان شعر هم این تکه شعر را زمزمه می کنند: برای برگ‌های زرد عمرم، بگو جنگل حنابندان بگیرد. نفر بعد خانم غزاله شریفیان است:

بدون مقصد پایانه‌ها شبیه هم‌اند
همین که دور شوی خانه‌ها شبیه هم‌اند

بعد از او هم انسیه سادات هاشمی:

مزه عشق به این خوف و رجاهاست رفیق!
عاشقی بازی آزار و تسلاست رفیق!

هر دو شاعر شعرشان با آفرین‌های آقا تشویق می شود.

نوبت به آقایان می رسد و اول حسین عباسپور که شعری برای امام حسن (علیه‌السلام) می خواند:

بارها از سفره‌اش با این که نان برداشتند
روز تشییع تنش تیر و کمان برداشتند

رضا شیبانی، نفر بعدی است با شعری امام زمانی (عجل‌الله‌فرجه):

طلوع می‌کنی آخر، به نور و نار قسم
به آسمان، به افق‌های بی‌سوار قسم

شیبانی در جایی از شعرش می خواند:

به خون نشسته دلم مثل قالی تبریز
به حلقه و گره و مرگ و چوب دار قسم
دلم شبیه گسل‌های شهر تبریز است
به این سکوت... به این صبر پایدار قسم
کجا روم که دمی شهریار خود باشم؟
نه شهر مانده... نه یاری... به شهریار قسم

همین ابیات بهانه می شود تا آقا بگویند: تبریزلی سن ها؟ از ترویج قالی تبریز در شعر معلوم است. شهریار هم مثل شما بوده در این سن و سال. من همیشه گفتم اینجا منزل اول شماهاست. منزل آخر نیست. تازه باید شروع کنید به بهتر بودن و بهتر شدن. ان‌شاءالله از شهریار هم جلو بزنید.

علی فردوسی، شاعر جوان بعدی است با شعری تقدیمی به مردم غزه:

ناگاه بی‌مقدمه آمد به حرف، سنگ
این گونه گفت و سخت مرا بیقرار کرد
تنها به یک جوان فلسطینی‌ام بده
با من ببین که می‌شود آنگه چه کار کرد!

آقا شعر و شاعر را تشویق می کنند و می گویند: آفرین خیلی خوب بود. مضمون و لفظ و جهت، همه خوب بود. کاربردهای مختلف سنگ را سروده بودید. کمی مکث کردند بعد زمزمه که:

هر سنگ که بر سینه زدم نقش تو بگرفت
آن هم صنمی بهر پرستیدن من شد

شاعر کرجی، علی قنبری، شعری درباره امام رضا (علیه‌السلام) می‌خواند:

هر چند که در شهر تو بازار زیاد است
باید برسم زود... خریدار زیاد است
من در به‌در پنجره‌فولادم و دیری است
بین من و آن پنجره دیوار زیاد است

مصرع به مصرع و بیت به بیت آفرین و خیلی خوب نثار شعر این جوان می‌شود تا شعرش تمام شود.

وسط شعر وقتی قنبری می‌رسد به این بیت که:

گندم به کبوتر بدهم؟ شعر بگویم؟
آخر چه کنم در حرمت کار زیاد است

آقا بی‌درنگ گفتند: زیارت از همه بهتر است! جمع که با دقت داشتند گوش می‌کردند، همه خندیدند.

احمد بابایی جوان بعدی است که با توجه به اوضاع روز عراق شعری می‌خواند.

دیگر رهبر انقلاب نمی‌توانند شادی و شعفشان را از شعرهای خوب جوان‌ها پنهان کنند و می‌گویند: جوان‌ها امشب ماشاءالله غوغا کردند!

بعد از این نوبت به «علی سلیمانی» می‌رسد و پس از او به «محمدحسین ملکیان» که شعری با موضوع جنگ بخواند:

جنگ یک جدول تناسب بود، تا جوابش همیشه این باشد/پدرم ضرب در چهل در صد، حاصلش بخش بر زمین باشد/ عده‌ای را ضریب منفی داد، عده‌ای را به هیچ قسمت کرد/تا هر آن کس که سوء نیت داشت، تا ابد زیر ذره‌بین باشد

شعر که تمام می‌شود آقا از ملکیان می‌پرسند: شما فرزند جانباز هستید؟ جواب مثبت او را که می‌گیرند ادامه می‌دهند: به ایشان سلام من را برسانید.

میثم داوودی شعری درباره امام هادی (علیه‌السلام) می‌خواند و آقا حسابی تشویقش می‌کنند. هم او را و هم تعمیم می‌دهند به بقیه: آفرین به جوانها!

مهدی نظارتی هم قرار می‌شود شعری سپید بخواند برای مردم غزه. او که می‌خواند جو جلسه سنگین می‌شود. بین این همه کلاسیک‌خوان، سپید خواندن سخت است. آقا بعد از شعر او می‌گویند: خوب بود. با اینکه من با شعر سپید مأنوس نیستم ولی شعر شما را متوجه شدم. بعضی کنایه ظریف آقا به شعر سپید را در می‌یابند و لبخند می‌زنند.

سعید طلایی مسئولیت خواندن شعر طنز را در جلسه به عهده گرفته است. شعری درباره نماز خواندن آدم‌های سبک‌سر!

فکرم همه جاهست، ولی پیش خدا نیست
سجاده زردوز که محراب دعا نیست
از شدت اخلاص من عالم شده حیران
تعریف نباشد، ابداً قصد ریا نیست!
از کمیت کار که هر روز سه وعده
از کیفیتش نیز همین بس که قضا نیست
یک ذره فقط کندتر از سرعت نور است
هر رکعت من حائز عنوان جهانی است!

آقا اینجای شعر با لبخند می‌گویند: باید در کتاب گینس ثبت کنید! و جمع می‌خندد.

این سجده سهو است؟ و یا رکعت آخر؟
چندی است که این حافظه در خدمت ما نیست
ای دلبر من! تا غم وام است و تورم
محراب به یاد خم ابروی شما نیست
هر سکه که دادند دو تا سکه گرفتند
گفتند که این بهره بانکی است، ربا نیست!
از بس که پی نیم وجب نان حلالیم
در سجده همان رونق اگر هست، صفا نیست
به‌به، چه نمازی است! همین است که گویند
راه شعرا دور ز راه عرفا نیست!

حضار جابه‌جا با لبخندهایشان شاعر و شعرش را تشویق می‌کنند. آقا هم می‌گویند: خوب بود، خدا این نماز را از شما قبول کند! و باز جمع می‌خندد.

بلال کمالی شعر ترکی می خواند و شریف صادقی شعری دیگر. آخرین کسی که قزوه معرفی می کند سیدعبدالله حسینی است. قزوه قبل از خواندن او توضیح می دهد: همه کسانی که شعر خواندند بار اولشان است.

حسینی می گوید اصل شعر ۵۰ بیت است که من خمسش را برای جلسه می خوانم. آقا می خندند و می گویند: سهم ساداتش برای خودتان، سهم امامش برای ما. جمع می خندد و حسینی شعر می خواند. بعد از شعر، آقا می گویند: شعر شما به «اهل عبایی» طعنه دارد که توجه به موضوع فلسطین و استکبار ندارند، البته باید توجه کنید آن کسانی که توجه لازم را دارند هم از همین اهل عبا و روحانیان هستند. خوب است نیمه پر لیوان را هم ببینید.

قزوه اعلام می کند جلسه به پایانش رسیده و عنان کار را می سپرد دست آقا. می خواهد اگر ایشان کسی مدنظرشان است نام ببرند برای شعر خواندن و اگر نه خودشان صحبت کنند. آقا به خنده و شوخی می گویند:

کاش امشب همگی شعر بخوانند اینجا
بعد از آن تا سحری جمله بمانند اینجا

همه می خندند و بر ایشان معلوم است که امکان ندارد. به هر حال آقا به زکریا اخلاقی و حدادعادل و امیری اسفندقه هم تعارف می کنند شعر بخوانند. بعد از اینها هم آقای محمدی گلپایگانی. آقای محمدی می گوید می داند احتمالاً آقا از شعرش راضی نباشند ولی می خواند.

در شعر هم از آقا تعریف‌هایی می کند. بعد از اتمام شعر آقا می گویند: شما گفتید من راضی نیستم و خواندید. بعضی خندیدند و البته بعضی جدیت آقا را متوجه شدند.

آقای محمدی داشت توضیحی می داد که آقا گفتند: هر چه هم الآن بگویید همین معنا تقویت می شود. یاد جلسه چند روز پیش افتادم که در تبیین این جلسه دکتر اسماعیل امینی گفته بود: فرق این جلسه با جلسه شعر حاکمان این است که آنها این جلسات را برگزار می کنند که دیگران از آنها تعریف کنند ولی آقا اگر بداند کسی می خواهد از ایشان به تعریف شعر بخواند اجازه نمی دهد. ناصر فیض هم به همین مضمون گفته بود در همان جلسه و این برخورد ایشان با شعر آقای محمدی هم شاهدش!

دیگر جمع منتظر می شوند صحبت‌های آقا را گوش کنند که یک نفر از خانمها می گوید: خانمها مظلوم هستند کمتر شعر خواندند. آقا سریع جواب می دهند: به نسبت تعداد خانمها و آقایان خیلی هم کم نخواندند خانمها. اسم آقایان بد در رفته ولی معمولاً بیشتر آقایان از بعضی خانمها مظلوم‌تر هستند!

قزوه اصرار می کند آقا چند دقیقه‌ای صحبت کنند و جمع با صلواتی از او پشتیبانی می کند.

آقا شروع می کنند بعد از بسم‌الله. بعد از خوش آمدگویی و تشکر، درباب شعر چند نکته می گویند، اصالت داشتن دلتنگی‌ها و فردیت شاعر در شعر و به رسمیت شناختن آن. و فرع بودن همین موضوع مذکور در برابر تأثیری که شعر بر مخاطب و خلوت او می گذارد. آقا تأکید می کنند از بابت همین تأثیر گذاری، شاعر باید شعرش را غنا ببخشد مخصوصاً غنای معنوی.

توجه به وجه اجتماعی شعر هم محور دیگری از صحبت‌های ایشان است و محور این وجه اجتماعی هم عقلانیت ملازم با معنویت است. ایشان البته جریان شعر کشور را مثبت ارزیابی می کنند و در عین حال از شعرا می خواهند توجه بیش از پیش به فرهنگ و هویت ملی کشور داشته باشند و البته غنای هنری اشعارشان را هم فراموش نکنند.

صحبت‌های آقا که تمام می شود، شعرا صلوات می فرستند و با تجربه‌ها بلند می شوند برای خداحافظی آخر جلو می روند. ازدحام زیاد می شود.

فیض و برقعی کتاب‌هایشان را می دهند به ایشان. آقا از کنار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که با تأخیر هم آمده بود می گذرند و می گویند: با آقای وزیر حرف زیاد داریم، در عرصه فرهنگ اشکال جدی داریم.

آقا آرام آرام می روند سمت دَر و شعرا آرام آرام قبول می کنند این سال هم شب قدر شعرش گذشت.

ترحیم

انالله و انالیه راجعون

با اندوه و تأسف فراوان درگذشت **عبدالله (مسعود) رحیمیان لنگرودی** روزنامه‌نگار پیشکسوت جامعه مطبوعات ایران و همکار قدیمی روزنامه اطلاعات را به اطلاع دوستان، آشنایان و بستگان می‌رساند.
مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه ۱۳۹۳/۵/۳ از ساعت ۵/۵ تا ۷/۵ بعدازظهر در سالن اجتماعات کوی نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات واقع در تقاطع بزرگراه‌های شیخ فضل‌الله نوری و جلال آل‌احمد جنب پل آزمایش برگزار می‌شود.
خانواده رحیمیان لنگرودی و سایر وابستگان

خانواده محترم رحیمیان لنگرودی

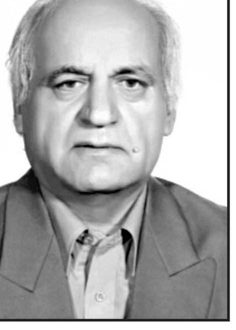
اکنون که اندوه از دست دادن همسر و پدری دلسوز بر شانه‌هایتان سنگینی می‌کند، ما را نیز در غم خود شریک بدانید. بر این باوریم که یاد و نام شادروان **عبدالله (مسعود) رحیمیان لنگرودی**، این همکار قدیمی‌مان به عنوان یکی از پیشکسوتان مطبوعات ایران، برای همیشه در تاریخ، جاوید خواهد ماند.
ابراهیم امین‌زاده، محمدرضا اسماعیل‌پور، علی باستانی، سیدحسن بنی‌الحسینی، علیرضا بردبار، محمدعلی حاجیان‌فر، محمد حیدری، محمدرضا حیدرزاده، رضا خاکی‌نژاد، محمدرضا خسروی، جعفر دانیالی، جهانگیر رزمی، ابوالقاسم سلیسپور، منوچهر سرشار، محمد صالحی آرام، علی‌اصغر شیرزادی، اسماعیل عباسی، پرویز عطایی، محمدرضا فرجاد، علی صادقی، کهرام، حسن فرازمند، بهروز قطبی، خسرو قهرمان‌زاده (قهرمانی)، تیمور گورگین، محمدعلی مقدس‌زاده گلپایگانی، هادی مهرپرور، سیاوش میرزاآقاسی، بیژن نفیسی، جهانگیر نظام‌العلما، سیدمحمد ویژگان، ابراهیم رستمیان، عزیز فیض‌اللهیان، امیرعباس تقی‌پور و حامد شمس، محمد صادق (بهروز) صادقی، مسعود مصلحی.

انالله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت بانوی متقی و پرهیزگار، آخرین دخت حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدعبدالحسین لاری، پرچمدار آزادی و حکومت اسلامی در خطه جنوب و استان فارس، **خانم علویه حاجیه زهرا آیت‌اللهی (معتمدی)** و مادر گرامی شهید مهندس غلامعلی معتمدی را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس یادبودی از ساعت ۲ تا ۳/۳۰ بعدازظهر روز پنج‌شنبه ۹۳/۵/۲ در مسجد نور واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار خواهد شد.
شرکت دوستان و آشنایان موجب شادی روح آن مرحومه و امتنان بازماندگان می‌باشد.
از طرف فرزندان: دکتر محمدرضا معتمدی ـ دکتر احمدرضا معتمدی ـ فاطمه معتمدی
خانواده‌های: آیت‌اللهی ـ معتمدی ـ نسابه ـ بروجردی ـ موسوی لاری ـ رکنی ـ نبی‌زاده ـ مقربی.
مسعود نبی‌زاده ـ دکتر علاءالدین بروجردی ـ بهجت نسابه ـ فاطمه مقربی ـ علی و ابراهیم معتمدی ـ حسین معتمدی ـ مهندس اسماعیل معتمدی ـ زهرا و زینب معتمدی ـ حاجیه خانم نحله بروجردی ـ آیت‌الله سید حسین نسابه ـ دکتر محمدحسین مرتضوی ـ دکتر افتخار آیت‌اللهی ـ مهندس محمدرضا آیت‌اللهی ـ مهندس صنیع خانی ـ عبدالهادی بروجردی و سایر وابستگان و آشنایان.

بازگشت همه بسوی اوست

گردش دور قمر را نه تو دانی و نه من
وقت اعلام سفر را نه تو دانی و نه من
تا که هست سایه پر مهر پدر بر سرما
به خدا قدر پدر را نه تو دانی و نه من



پدربزرگترین ثروت، گوهر و نعمت گرانبهائیست که خداوند به ما عطا کرده و همیشه بغض نبودن آن دنیایمان و دلهایمان را می‌لرزاند، پس قدر آن را باید بدانیم و به آن محبت کنیم. افسوس که ما آن را از دست دادیم و از این نعمت بی‌بهره ماندیم.
بدینوسیله درگذشت شادروان **علی اصغر مددی** را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترحیم و بزرگداشتی در روز پنجشنبه ۹۳/۵/۲ از ساعت ۱۸/۳۰ الی ۲۰ در مسجد سید الشهداء واقع در فلکه دوم تهرانپارس خیابان جشنواره چهارراه سید الشهداء منعقد می‌گردد.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
از طرف خانواده مددی

انالله و انا الیه راجعون

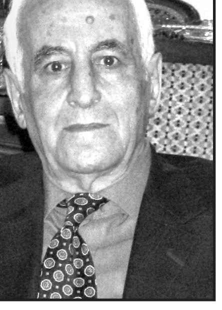


بانهایت تأسف درگذشت ناگهانی شادروان **امیر سرتیپ ۲ بازنشسته بهرام بزرگمهر (عوض عزیزپور)**، را به اطلاع منسوبین و آشنایان و همشهریان محترم آستارائی میرساند.
بهمین مناسبت مجلس ترحیم آن مرحوم روز پنجشنبه ۹۳/۵/۲ از ساعت ۴/۳۰ الی ۶ بعدازظهر در مسجدالنبی (ص) واقع درکارگر شمالی روبروی کوی دانشگاه تهران برگزار میشود.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: عزیزپور ـ دستوری ـ لیاقت

همکار گرامی و ارجمند
جناب آقای دکتر رسول عزیزپور

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان مرحوم مغفور **امیر سرتیپ دوم بازنشسته بهرام بزرگ‌مهر (عزیزپور)** را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزدمنان برای آن شادروان آمرزش الهی و برای شما و بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم. بهمین مناسبت مراسم ختم آن مرحوم در روز پنج‌شنبه مورخ ۹۳/۵/۲ در مسجدالنبی (ص) واقع در خیابان امیرآباد شمالی (کارگر شمالی) مقابل کوی دانشگاه از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۸ برگزار می‌گردد.
هیئت‌مدیره انجمن متخصصین علوم آزمایشگاهی بالینی ایران

بازگشت همه بسوی اوست
استاد حسینقلی سالور همه ما را ترک نمود



باکمال تأسف و تأثر درگذشت شادروان **حسینقلی سالور** فرزند مرحوم شاهزاده ملک قاسم میرزا سالور قاجار دبیر اسبق فدراسیون شطرنج و اولین داور بین‌المللی قاره آسیا و ایران و داور منتخب فدراسیون جهانی شطرنج و فدراسیون شطرنج آسیا در سال ۲۰۱۴ را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان محترم میرساند. زنده یاد **استاد حسینقلی سالور** یکی از پیشکسوتان ورزش و پیشکسوت فرهیخته شطرنج کشورمان و شخصیتی مردمی و دوست داشتنی و نیکوکار و پایبند به اصول انسانی بود.
مراسم بزرگداشت و ترحیم آن مرحوم در روز جمعه مورخ ۹۳/۵/۳ از ساعت ۱۱ الی ۱۲/۳۰ صبح در مسجد نور واقع در میدان دکتر فاطمی منعقد می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان می‌باشد.
همسر: جمیله درویش آقاجانی
فرزندان: سپهر و نوشین سالور
خواهر: تابنده سالور (نوبان)
برادران: عطاءاله سالور، شاهرخ سالور
عروس: باران نجاتی
داماد: امیر سالاری
یگانه نوه: رادمان سالور
خانواده‌های: سالور، خانلرخان، درویش آقاجانی، نوبان، نجاتی، سالاری، صنمی، بحرینی، نوروزی و سایر خانواده‌های وابسته

تسلیت

جناب آقای مهندس رحیم‌زاده
عضو محترم هیئت مدیره مهندسین مشاور پاسار

با ابراز تاسف و تاثر مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت داریم.
هیئت مدیره و کارکنان شرکت ساختمانی ویسا

همکار محترم
جناب آقای دکتر فهیمی

باکمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده گرامیتان تسلیت عرض نموده، ما را نیز در غم خود شریک بدانید.
دکتر علیرضا زالی

همکار گرامی
جناب آقای دکتر حسین فهیمی

باکمال تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را خدمت شما و فامیل محترم تسلیت عرض می‌نمائیم و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.
دکتر هوشنگ خواجوی و بانو

بسمه تعالی
همکار گرامی جناب آقای البرز فتحی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت دائی گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوندمنان علو درجات برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای بازماندگان خواهانیم.
همکاران شما در آرشیو روزنامه اطلاعات

به نام اهورا مزدا

ایریستنام اوروانویزه میده، یا اشا او نام فره و شیو
با اندوه فراوان درگذشت بهشتی روان **هرمزدیار فریدون هرمزدیاری**، یکی از خدمتگزاران راستین جامعه زرتشتی را، آرامش باد گفته، دیرزیوی و تندرستی بازماندگان را از درگاه اهورامزدا خواستاریم.
انجمن موبدان تهران

جناب آقای مهندس ثریایی

باکمال تأسف درگذشت پدر همسر ارجمندتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوندمنان آمرزش و علو درجات برای آن مرحوم مغفور و صبر و اجر و شکیبایی برای بازماندگان محترم مسئلت می‌نمائیم.
شرکت صنعت نورد آلومینیوم قزوین
علی ناصر معدلی ـ رضا ناصر معدلی ـ امیر ناصر معدلی ـ مهندس سینا ـ کلاهگر ـ عباس رضایی

جناب آقای مهندس ثریایی

باکمال تأسف و تأثر درگذشت پدر همسر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال آمرزش و علو درجات برای آن مرحوم مغفور و صبر و شکیبایی و سلامتی و طول عمر برای کلیه بازماندگان محترم آرزومندیم.
از طرف هیئت مدیره شرکت پرلیت
علی ناصر معدلی ـ محمود گوهرین

جناب آقای مهندس ثریایی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزدمنان آمرزش و علو درجات برای آن مرحوم مغفور و صبر و اجر و شکیبایی برای بازماندگان محترم مسئلت می‌نمائیم.
مدیران و کارکنان شرکت پرلیت

انالله و انا الیه راجعون
جناب آقای ثریایی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت ابوی همسرتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد دوست برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی را خواستاریم.
از طرف مدیرعامل و هیئت مدیره و کارکنان شرکت راهبرد توسعه طرحها
کیهان کلانتری

جناب آقای مهندس رحیم‌زاده

در نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان آمرزش و علو درجات برای آن مرحوم مغفور و صبر و اجر و شکیبایی برای بازماندگان محترم مسئلت می‌نمائیم.
مدیران و کارکنان شرکت پرلیت

جناب آقای مهندس رحیم‌زاده
مدیرعامل محترم مهندسین مشاور پاسار

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامی جنابعالی را تسلیت گفته، غفران الهی برای آن شادروان و طول عمر با عزت بازماندگان محترم را از درگاه ایزد یکتا خواهانیم.
انجمن شرکتهای راه‌سازی ایران ـ جمعیت طرفداران ایمنی راه‌ها

جناب آقای مهندس اقدم

چهلمین روز درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از ایزدمنان علو درجات عالیه برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای جنابعالی و خانواده محترم خواستاریم.
از طرف شرکت عمران پویا وطن (اُپی وی)

سخنرانی

بسمه تعالی شأنه

شَهرُ رَمَضانَ الَّذی اُنزِلَ فیهِ القُرآنُ هُدیً لِلنّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الهُدی وَ الفُرقان — آیه ۱۸۵ سوره بقره

بمنظور بهره‌گیری معنوی هرچه بیشتر از فیوضات ماه مبارک و پربرکت رمضان، ماه ضیافت الله، و بهره‌مندی کامل از رحمت واسعه الهی، و فیض بردن از تعالیم انسان‌ساز گران‌سنگ‌ترین کتاب آسمانی، قرآن مجید، و مکتب رهائی‌بخش اهل بیت عصمت و طهارت، حضرات ائمه معصومین، علیهم آلاف التحیة و الثناء، و در روزگارانی که کوردلان مسلمان‌نما به کشتار وحشیانه شیعیان و محبان آن خاندان مطهر در کشورهای مختلفی اقدام نموده‌اند با استغاثه به درگاه حضرت احدیت و توسل به خاندان پاک رسول الله، پیامبر رحمت و دعا جهت هدایت و بصیرت و یا نابودی و ریشه‌کن شدن گمراهان و حامیان آنان، هر روز پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در مسجد حضرت امام خمینی (ره)، مجلس سخنرانی برگزار و وعاظ محترم به شرح زیر مستفیض خواهند نمود سپس جلسه قرائت یک جزء از قرآن کریم همراه با آموزش لازم منعقد خواهد گردید. شایسته است مؤمنین و مؤمنات با شرکت خود فرصت را مغتنم شمرده و فیض کامل برند.
دهه سوم: واعظ گرامی حجة‌الاسلام والمسلمین آقای مصطفی جان‌نثاری دامت افاضاته
دفتر مسجد امام خمینی (ره) ـ بازار تهران

آگهی تغییرات شرکت سیمان هرمزگان سهامی عام به شماره ثبت ۴۶۴۱۲ و شناسه ملی ۱۰۸۰۰۰۷۴۱۵۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۹۲/۸/۳۰ به تصویب رسید موسسه حسابرسی کوشامنش ش م ۱۰۱۰۰۴۳۴۱۱۰ بازرس اصلی و موسسه حسابرسی هوشیار ممیزش م ۱۰۱۰۰۴۳۹۶۴۵ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۲۵۶۴ـ۵۹۸۸۷۱۰/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت بهمن لیزینگ سهامی عام به شماره ثبت ۱۹۵۸۸۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۷۷۶۵۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردید. ـ آقای جعفر صالح با کدملی ۳۲۵۶۶۱۲۲۱۰ به نمایندگی از طرف گروه بهمن به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۳۱۴۰۲ به سمت رئیس هیئت مدیره ـ آقای محمدعلی اخوان با کدملی ۰۰۴۴۱۳۸۴۲۳ به نمایندگی از طرف شرکت مزدا یدک به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۶۴۳۳۳ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره ـ آقای میرحکیم حسینی باکدملی ۱۴۶۴۴۴۴۴۹۸ به نمایندگی از طرف شرکت بازرگانی عصر بهمن با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۹۷۲۷۲ به سمت عضو هیئت مدیره ـ آقای اسماعیل کاویانی با کدملی ۶۲۷۹۴۹۹۹۰۱ به نمایدگی از طرف شرکت بازرگانی سروش بهمن با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۷۶۳۲۸ به سمت عضو هیئت مدیره ـ آقای بهزاد قنبری با کدملی ۴۹۵۹۹۳۱۰۸۶ به نمایندگی از طرف شرکت شاسی‌ساز ایران با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۷۰۷۲ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، قراردادها و سایر اوراق تجاری با امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره متفاقاً همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضاء هیئت مدیره متفاقاً با مهر شرکت و سایر مکاتبات و امور جاری و اداری با امضاء مدیرعامل به تنهایی با مهر شرکت معتبر خواهد بود. اختیارات هیئت مدیره به شرح صورتجلسه به مدیرعامل واگذار گردید.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۵۷۴۳ـ۶۰۹۸۳۷۴/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت گروه کارکنان حکمت ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۳۳۴۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۹۸۹۲۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای مهدی عبدالسلامی با کدملی ۲۹۹۱۲۸۱۶۰۱ به عنوان رئیس هیئت مدیره و آقای شهرام سلامتی‌خیاوی با کدملی ۲۶۱۹۸۴۲۳۸۷ بنمایندگی از بانک حکمت ایرانیان به ش‌ملی ۱۰۱۰۰۴۵۱۵۸۸ به عنوان نائب رئیس هیأت مدیره و آقای حسین رادفر با کدملی ۲۲۴۹۵۰۵۴۲۱ به عنوان عضو هیأت مدیره و آقای ابوالقاسم علی‌خواه با کدملی ۲۴۹۱۴۵۲۰۱۴ به عنوان عضو هیأت مدیره و آقای نادر حاجی‌حسینی با کدملی ۰۰۷۳۸۹۴۴۳۵ به عنوان مدیرعامل و عضو هیأت مدیره برای بقیه دوره تصدی هیئت مدیره منصوب گردیدند و کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و در غیاب مدیرعامل با امضای متفق دو نفر از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و مکاتبات عادی و اداری با امضاء مدیرعامل و در غیاب مدیرعامل با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره با مهر شرکت معتبر خواهد بود. اختیارات مندرج در بندهای ۱ و ۴ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ ماده ۴۰ اساسنامه به مدیرعامل تفویض گردید.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۵۷۲۳ـ۶۱۰۸۳۳۷/م الف

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری مسکن البرز سهامی خاص به شماره ثبت ۳۱۳۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۱۵۷۰۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سیدشمس‌اله نعمتی‌ورکی کدملی ۵۸۰۹۹۰۳۴۵۲ نماینده شرکت سرمایه‌گذاری مسکن تهران شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۷۴۳۳۳ به سمت رئیس هیأت مدیره، آقای نوراله نیاوند کدملی ۰۰۳۵۸۸۶۶۶۸ نماینده شرکت گروه سرمایه‌گذاری مسکن شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۶۵۷۱ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و آقای محمدتقی جنترستمی کدملی ۲۲۷۹۴۸۹۲۰۱ نماینده شرکت سرمایه‌گذاری مسکن پردیس شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۲۲۷۱۵ به سمت عضو هیأت مدیره برای مدت دو سال تعیین شدند. امضاهای مجاز شرکت: کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی با امضاء ثابت مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضای دو عضو هیأت مدیره مجتمعاً با مهر شرکت معتبر خواهد بود و سایر نامه‌های اداری با امضاء مدیرعامل و مهر شرکت معتبر می‌باشد. اختیارات مدیرعامل در ۱۰ بند بشرح صورتجلسه تعیین گردید.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۱۰۰۲ـ۵۸۹۷۹۱۸/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری مسکن البرز سهامی خاص به شماره ثبت ۳۱۳۳۷۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۱۵۷۰۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و صورتحساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۶/۳۱ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی فریوران به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۷۳۱۱۹ و آقای جواد بستانیان به شماره ملی ۰۰۴۳۲۸۷۶۲۱ به ترتیب به عنوان بازرس اصلی و علی‌البدل برای یکسال انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. اعضای هیأت مدیره شرکت بمدت دوسال به شرح ذیل انتخاب شد: شرکت گروه سرمایه‌گذاری مسکن به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۶۵۷۱، شرکت سرمایه‌گذاری مسکن تهران به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۷۴۳۳۳ و شرکت سرمایه‌گذاری مسکن پردیس به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۲۲۷۱۵
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۱۰۰۱ـ۵۸۹۷۷۰۹/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری اعتصام شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۲۳۹۵۴۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۰۳۲۸۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ آقای محمدرضا رستمی به کدملی ۲۲۹۳۹۱۰۳۴۲ بنمایندگی از شرکت گروه مالی ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۶۱۲۱۶ به عنوان عضو هیئت مدیره ـ آقای حسن عابدی به کدملی ۰۵۳۲۸۸۶۶۴۱ بنمایندگی از سرمایه گذاری بهمن به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۴۱۵۳۵ به عنوان عضو هیئت مدیره ـ حجت‌اله انصاری به کدملی ۲۴۹۱۴۶۲۷۰۲ به نمایندگی از شرکت داد و ستد آریا به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۶۶۵۵۴ به عنوان عضو هیئت مدیره ـ آقای علیرضا سیری به کدملی ۰۰۶۹۵۲۹۴۱۸ بنمایندگی از شرکت اعتبار آفرین به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۶۱۰۹۸ به عنوان عضو هیئت مدیره ـ آقای احمدنبی زاده به کدملی ۲۸۹۹۲۲۴۴۳۳ بنمایندگی از شرکت گروه صنعتی ایرانیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۶۱۱۵۷ به عنوان عضو هیئت مدیره ـ آقای محمدرضا رستمی بسمت رئیس هیئت مدیره و آقای حسن عابدی بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقایان حجت‌اله انصاری، علیرضا سیری و احمد نبی‌زاده بسمت اعضاء هیئت مدیره و آقای بابک داوری به کدملی ۶۰۱۹۲۷۲۵۲۴ خارج از اعضاء به سمت مدیرعامل انتخاب گردیدند. ۲ـ کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک، سفته و غیره با امضای رئیس و یکی از اعضای هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت و در غیاب رئیس با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت و سایر اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۱۳۱۰۲۰ـ۵۹۱۶۴۵۹/م الف

آگهی تغییرات شرکت هربی فارمد سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۲۶۸۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۹۷۹۶۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمدرضا زرگرزاده با کدملی ۲۲۹۲۰۳۲۲۷۹ به نمایندگی شرکت دارویی برکت به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۷۵۶۴۳ به سمت رئیس هیأت مدیره آقای محمد شادابی با کدملی ۲۵۵۹۴۵۳۲۵۸ به نمایندگی شرکت گروه صنایع شفا فارمد به شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۲۹۱۱۰ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره آقای مهران میرابزاده اردکانی با کدملی ۴۴۴۹۶۷۱۰۷۴ به نمایندگی شرکت داروسازی آتی فارمد به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۵۹۱۱۷ به سمت عضو هیأت مدیره و مدیرعامل آقای محمدرضا صادقی‌مقدم با کدملی ۲۵۱۱۳۱۰۰۶۶ به نمایندگی شرکت سرمایه‌گذاری البرز به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۴۳۹۰۸ به سمت عضو هیأت مدیره آقای مسعود کرباسیان با کدملی ۰۰۵۹۲۳۷۷۷۵ به نمایندگی شرکت شهرک صنعتی سلامت تدبیر البرز به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۴۳۹۱۱ به سمت عضو هیأت مدیره برای بقیه مدت تصدی هیأت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته و برات با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیأت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۱۸۹۲ـ۵۹۷۳۳۷۳/م الف

* *

آگهی تغییرات گروه مدیریت و سرمایه‌گذاری امید سهامی عام به شماره ثبت ۱۸۳۶۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۵۸۰۹۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۷/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای رامین پاشایی فام به شماره ملی ۱۵۵۱۹۱۲۴۱۴ به نمایندگی از بانک سپه به شماره ۱۰۸۶۲۰۶۴۷۳۲ به سمت رئیس هیأت مدیره آقای کوروش پرویزیان ۵۵۰۹۹۱۲۲۵۱ به نمایندگی از شرکت مدیریت توسعه گوهران امید به شماره ۱۰۱۰۲۸۲۳۱۷۹ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره آقای حامد هیئت داودیان ۱۳۷۸۹۳۱۹۳۹ به نمایندگی از شرکت خدمات آینده اندیش نگر ۱۰۱۰۲۲۷۹۲۶۱ به سمت عضو هیأت مدیره آقای فرشاد حیدری ۴۱۹۸۴۸۶۲۱۲ به نمایندگی از صندوق بازنشستگی وظیفه از کارافتادگی و پس‌انداز کارکنان بانکها ۱۰۱۰۲۶۹۹۵۴۹ به سمت عضو هیأت مدیره آقای عبدالرحیم همایون‌پور ۲۱۴۱۲۹۱۸۰۱ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی سپه ۱۰۱۰۱۱۲۷۸۷۳ به سمت عضو هیأت مدیره و مدیرعامل برای باقیمانده دوره تصدی هیأت مدیره انتخاب گردیدند که براساس مواد لایحه اصلاحی قانون تجارت و اساسنامه شرکت وظایف خود را انجام دهند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک، سفته، بروات و قراردادها با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضا هیأت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضاء رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره و یکی از اعضا هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. مکاتبات و مراسلات عادی نیز با امضاء مدیرعامل شرکت دارای اعتبار است. هیأت مدیره قسمتی از اختیارات موضوع ماده ۴۱ اساسنامه و نیز سایر اختیارات مورد نظر خود را به شرح صورتجلسه به مدیرعامل تفویض نمود.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۱۸۹۱ـ۵۹۷۳۵۸۲/م الف

* *

آگهی تغییرات صندوق قرض‌الحسنه بانک پارسیان به شماره ثبت ۳۰۵۵۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۵۰۲۰

به استناد صورتجلسه هیأت امناء مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: بانک پارسیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۰۳۴۰۱ به نمایندگی آقای سید حسام شمس عالم به شماره ملی ۲۳۷۱۸۹۶۲۴۱، آقای نادر خواجه حق‌وردی به شماره ملی ۵۵۹۹۳۲۶۵۴۳ آقای حسینقلی اصانلو به شماره ملی ۴۳۷۱۱۸۷۲۷۷ علی‌اصغر هراتی به شماره ملی ۴۶۰۹۳۴۸۷۰۵ مهدی رضایی به شماره ملی ۰۴۵۲۵۷۳۱۶۵ به عنوان اعضای اصلی و آقای داریوش طاهرپور به شماره ملی ۳۲۵۶۱۳۳۶۶۵ و آقای محمد امیری به شماره ملی ۱۷۱۸۶۳۴۳۰۷ به عنوان اعضای علی‌البدل هیئت مدیره.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۱۸۹۰ـ۵۹۷۳۷۹۱/م الف

آگهی تغییرات شرکت ابهربرزنت شرکت سهامی خاص به شماره ۴۸۸۱۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۳۹۹۷۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای احمد دقیقی کدملی ۰۵۳۲۶۵۴۵۵۲ به سمت رئیس هیئت مدیره، آقای مهدی دقیقی کدملی ۰۰۴۱۹۵۰۲۴۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای بابک دقیقی کدملی ۰۰۵۳۵۰۲۳۱۰ به سمت مدیرعامل تعیین شدند. کلیه اختیارات مشروحه در ماده ۲۴ را به مدیرعامل تفویض گردید. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضاء مشترک ۲ نفر از اعضای هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد و مکاتبات عادی و اداری با امضای مدیرعامل
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۲۵۸۲ـ۵۹۸۷۸۱۲/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت نساجی کردستان (درحال تصفیه) سهامی عام به شماره ثبت ۶۱۳۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۶۳۳۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضا هیئت تصفیه به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: ـ آقای غلامرضا اسمعیلی نراقی به شماره ملی ۰۵۷۹۸۹۷۴۳۵ ـ آقای مسعود صفاری آشتیانی به شماره ملی ۰۰۵۲۸۸۳۷۱ ـ خانم ناهید بهره‌مند به شماره ملی ۱۶۳۸۶۲۹۰۷۲ برای مدت دو سال به عنوان مدیران تصفیه انتخاب گردیدند. عملکرد مدیر تصفیه و صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ به تصویب رسید مؤسسه حسابرسی مفید راهبر به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۳۶۵۳۱ به عنوان ناظر تصفیه انتخاب گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۲۵۸۱ـ۵۹۹۲۱۷۰/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت پیشگامان رشد الکترونیک شرکت سهامی خاص در حال تصفیه به شماره ثبت ۱۳۱۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۳۱۸۴

به استناد صورتجلسه هیئت تصفیه مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۷ تصمیات ذیل اتخاذ شد: آقای یدالله معمارزاده به کد ۳۸۷۰۸۷۰۱۶۹ به عنوان مدیر اجرایی هیئت تصفیه انتخاب گردید. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور با امضای متفق کلیه اعضای هیئت تصفیه همراه با مهر شرکت معتبر و کلیه مکاتبات عادی با امضای یدالله معمارزاده مدیر اجرایی به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۲۵۸۰ـ۵۹۹۲۳۷۹/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت پیشگامان رشد الکترونیک سهامی خاص در حال تصفیه به شماره ثبت ۱۳۱۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۳۱۸۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیئت تصفیه به مدت ۲ سال دیگر در سمتهای خود ابقاء شدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۲۵۷۹ـ۵۹۹۲۳۸۳/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت لیزینگ خودرو بیستون سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۵۸۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۶۷۹۶۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: نام شرکت به «لیزینگ انصار سهامی خاص» تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. ماده ۵۱ اساسنامه در خصوص سال مالی شرکت به شرح ذیل اصلاح گردید: سال مالی شرکت روز اول دی ماه هر سال آغاز و روز آخر آذر ماه سال بعد به پایان می‌رسد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۲۵۶۵ـ۵۹۸۴۴۸۵/م الف

آگهی تغییرات شرکت دیدگاه تصویر سهامی خاص به شماره ثبت ۹۵۱۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۹۲۲۶۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۹/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۴۲۰۹۳ به عنوان بازرس اصلی با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۴۲۰۹۳ و دکتر بهرام غیایی به کدملی ۳۸۷۳۱۸۴۰۰۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: شرکت سرمایه‌گذاری ملت شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۵۷۴۴۷ شرکت بازرگانی مدیریت ملت شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۸۳۸۶۱ شرکت فرآورده‌های دریایی ارس شناسه ملی ۱۰۷۲۰۰۸۳۱۶۰ روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. حساب سود و زیان و سایر صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۲/۶/۳۱ مورد تصویب قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۰۱۵۷۳۴ـ۶۱۰۶۵۴۰/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو سهامی عام به شماره ثبت ۱۶۵۸۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۹۴۵۰۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به شرح ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: شرکت واگن‌سازی کوثر (سهامی خاص) با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۸۹۰۸۹ شرکت صنعتی کاوه (سهامی عام) با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۵۵۳۵۷ شرکت تأمین ماسه ریخته‌گری (سهامی عام) با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۸۰۳۹۷ شرکت تولیدی تحقیقاتی مبارز (سهامی خاص) با شناسه ملی ۱۰۸۶۱۱۹ ۱۰۲۶۰۲۶۷۱۱۹ شرکت لیزینگ ماشین‌آلات سنگین ایرانیان (سهامی خاص) با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۸۴۱۸۱
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۲۵۸۷ـ۶۰۰۰۷۲۸/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت بهمن لیزینگ سهامی عام به شماره ثبت ۱۹۵۸۸۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۷۷۶۵۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۸/۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره برای مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: گروه بهمن با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۳۱۴۰۲ شرکت بازرگانی عصر بهمن با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۹۷۲۷۲ شرکت بازرگانی سروش بهمن با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۷۶۳۲۸ شرکت مزدا یدک با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۶۴۳۳۳ شرکت شاسی‌ساز ایران با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۷۰۷۲
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۰۱۵۷۴۴ـ۶۰۹۸۱۶۵/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت تولید ایستگاهی نیرو واحد سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۹۳۴۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۹۸۴۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: تراز مالی سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۲۵۸۶ـ۶۰۰۰۵۱۹/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت در حال تصفیه بنیاد پارکت کشوری سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۵۱ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۷۹۲۴۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقایان کوروش صالحی به کد ملی ۰۴۹۱۳۹۳۴۷۴ و حمیدرضا سمائی به کدملی ۰۴۹۱۴۶۳۹۴۴ و خانم ناهید بهره‌مند به کدملی ۱۶۳۸۶۲۹۰۷۲ به عنوان اعضای هیئت تصفیه برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۳۲۵۸۵ـ۵۹۹۱۹۰۳/م الف

اطلاعات

سال هشتاد و نهم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات
چهارشنبه یکم مرداد ۱۳۹۳
۲۵ رمضان ۱۴۳۵ ـ ۲۳ جولای ۲۰۱۴

ظهر شرعی	۱۳ و ۱۱ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۱۶ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۳۶ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۲۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۲۶ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۰۶ دقیقه

احتمال آتش‌بس در غزه با پذیرش شروط مقاومت فلسطین قوت گرفت

سرویس خارجی: سفیر فلسطین در مصر اعلام کرد رئیس تشکیلات خودگردان و رئیس دفتر سیاسی حماس بر سر متن آتش‌بس توافق کرده‌اند و قرار است با نظارت آمریکا و مصر این متن مورد بررسی قرار گیرد. «حامد الشوبکی» افزود: محمود عباس و خالد مشعل در دیدار خود با آتش‌بس و بازگشتن آرامش به نوار غزه موافقت کرده‌اند و عباس به زودی در یک کنفرانس خبری آتش‌بس ورفع کامل محاصره غزه را اعلام خواهد کرد. الشوبکی در ادامه گفت: آتش‌بس موافقت شده شامل آزادی اسرا بر اساس توافق تبادل اسرا در سال ۲۰۱۲ با نظارت مصر، پایان محاصره غزه، آزادی رفت و آمد و ورود و خروج کالا و نیز آتش‌بس طولانی مدت با دشمن صهیونیستی است و محمود عباس تلاش می کند بندی به این توافقنامه اضافه کند که بر اساس آن فلسطینیها در مقابل خشونت رژیم اشغالگر از یک حمایت بین‌المللی برخوردار باشند. سفیر فلسطین گفت متن آتش‌بس به جان کری وزیر امور خارجه آمریکا تحویل داده می شود. در همین راستا جان کری به منظور رایزنی در خصوص نحوه برقراری آتش‌بس میان حماس و رژیم صهیونیستی وارد مصر شد.

وزیرخارجه آمریکا در سفر به قاهره با تکرار دوباره موضع تامل برانگیز واشنگتن در این زمینه که اسرائیل حق دفاع از خودش را دارد، خواستار توقف فوری حملات حماس شد. جان کری در سفر به قاهره با دبیر کل سازمان ملل که او نیز به همین دلیل به مصر سفر کرده است دیدار و گفتگو کرد. وزیر خارجه آمریکا در دیدار با دبیرکل سازمان ملل گفت واشنگتن ۴۷ میلیون دلار به نوارغزه کمک خواهد کرد. کری همچنین با عبدالفتاح السیسی رئیس جمهوری مصر نیز دیدار کرد. وی احتمالا امروز به چند کشور دیگر خاورمیانه سفر خواهد کرد. بان کی مون نیز ضمن تاکید بر توقف فوری جنگ غزه گفت: از تمامی طرف های درگیر می خواهم بدون پیش شرط به جنگ پایان دهند. دبیر کل سازمان ملل برای دیدار با مقامات اسرائیلی و مذاکره در مورد آتش‌بس در غزه، وارد فلسطین اشغالی شد. در این حال باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا گفت به وزیر خارجه این کشور دستور داده برای برقراری آتش‌بس فوری در نوار غزه، تلاش کند و او به همین منظور راهی قاهره شده است. اوباما بار دیگر عملیات صهیونیست‌ها علیه ساکنان غزه را دفاع در برابر حملات راکتی و حق اسرائیل دانست و از محکوم کردن کشتار غیرنظامیان در غزه، خودداری کرد. از سویی دبیرکل اتحادیه عرب با بیان اینکه طرح آتش‌بس مصر شامل پایان دادن به محاصره نوار غزه می‌شود، از جنبش حماس خواست این طرح را بپذیرد. نبیل العربی پس از دیدار با بان کی مون در قاهره گفت: طرح آتش‌بس مصر به طور آشکار به توقف خشونت‌ها در نوار غزه منجر می‌شود و ما امیدواریم جنبش حماس این طرح را بپذیرد. درچنین شرایطی منابع فلسطینی اعلام کردند رژیم صهیونیستی پیشنهاد سازمان ملل مبنی بر آتش بس پنج ساعته در نوار غزه را نپذیرفت. شایان ذکر است، سازمان ملل به منظور وصول کمکهای انسانی به غزه خواهان برقراری آتش بس از ساعت ۱۰ صبح تا ۳ بعد از ظهر دیروز شده بود.

دستاورد جدید مقاومت

گردان های قسام شاخه نظامی جنبش حماس اعلام کرد در نخستین ساعات دیروز و در عملیات مختلف در نوار غزه و اطراف آن، ۲۳ سرباز صهیونیست را به هلاکت رساند و دهها صهیونیست دیگر را زخمی کرد. در بیانیه گردان های قسام آمده است: نیروهای مقاومت فلسطینی در جریان عملیاتی موفق شدند پشت خطوط دشمن صهیونیستی قرار بگیرند. گردان های قسام همچنین به انهدام هشت دستگاه خودرو نظامی صهیونیست ها، شلیک هفت گلوله خمپاره به چند پناهگاه نیروهای ویژه، انفجار سه بمب در مسیر عبور گشتی های نیروهای صهیونیستی و شلیک ۱۴۵ گلوله راکت اشاره کرد که یک راکت به حیفا و ۱۱ گلوله نیز به تل آویو اصابت کرد. در پی اصابت این موشکها آژیر قرمز در تل آویو و چند شهر دیگر اسرائیل مانند «اشکول» و «عسقلان» به صدا در آمد. رادیو اسرائیل نیز به نقل از منابع نظامی رژیم صهیونیستی کشته شدن ۲۷ تن از سربازان این رژیم را در جنگ غزه تایید کرد. در این حال روزنامه صهیونیستی یدیوت آهارانوت نوشت: فرمانده یگان جنگ چریکی موسوم به "اغوز" ارتش اسرائیل در جریان درگیری های منطقه مشرف به غزه به شدت زخمی شد.

این خبر درپی هلاکت سرهنگ صهیونیست «دولیف کیدار» در شمال نوار غزه منتشر شد. این سرهنگ ضرب گلوله مبارزان گردانهای قسام که از طریق یک تونل زیرزمینی به این شهرک نفوذ کرده بودند، کشته شد.

«کیدار» فرماندهی گردان آموزش یکی از پایگاههای آموزشی افسران صهیونیست در منطقه نقب را برعهده داشت. «غسان علیان» فرمانده یگان نخبه «گولانی» نیز در جریان درگیری های یکشنبه گذشته در محله التفاح غزه زخمی شد که ساعاتی بعد خبر مرگش منتشر شد. رادیو رژیم صهیونیستی همچنین اعلام کرد در نبرد غزه ۱۱۴ سرباز اسراییلی زخمی شده اند که حال هشت تن از آنان وخیم گزارش شده است. تلویزیون فرانسه نیز در گزارشی پیرامون درگیری های جاری در غزه گفت: شمار تلفات نظامیان اسرائیلی در این جنگ زیاد است و اسرائیلی ها که از سال ۲۰۰۶ شاهد ۱۸ کشته در میان نظامیان خود نبوده اند به شدت از این میزان تلفات ارتش خود در جنگ غزه شگفت زده شده اند. روزنامه صهیونیستی هاآرتص نیز با اشاره به تقویت قوای حماس نوشت: تاکتیک‌های حماس پیشرفت کرده و شبیه به حزب‌الله شده است و دیگر همچون گذشته، حماس در مقابل نیروهای صهیونیستی حاضر به فرار نیست. در تحولی دیگر وزیر دادگستری رژیم اشغالگر قدس از حمله خمپاره‌ای گروه‌های مقاومت فلسطین جان سالم به در برد. زیپی لیونی در حال بازدید از یک شهرک صهیونیستی در مجاورت نوار غزه بود که گلوله خمپاره به نزدیکی محل حضور وی اصابت کرد.

جنایات صهیونیست ها

رژیم صهیونیستی منازل مسکونی و اراضی فلسطینیان در مناطق مختلف نوار غزه را هدف شلیک ده ها خمپاره و گلوله های حاوی گازهای ناشناخته و بدبو قرار داد که بر اثر آن ده ها فلسطینی دچار حالت خفگی شدند. در این حال سازمان عفو بین‌الملل با صدور بیانیه‌ای خواستار تحقیقات در مورد حملات رژیم‌صهیونیستی به نوار غزه و جنایت جنگی احتمالی این رژیم شد. نیکلاس مادورو رئیس جمهوری ونزوئلا نیز ضمن محکوم کردن اقدامات متجاوزانه اسرائیل اعلام کرد: قتل‌عام فجیع رژیم صهیونیستی در نوار غزه مشابه جنایات آدولف هیتلر با یهودیان در طول جنگ جهانی دوم است. از طرفی دولت ترکیه به نشانه همبستگی با فلسطینیان ساکن نوار غزه که هدف حملات خونین ارتش اسرائیل قرار گرفته اند، سه روز عزای عمومی اعلام کرد. در چنین شرایطی «دیوید هرست» روزنامه نگار و نویسنده کهنه کار بریتانیایی با انتشار مقاله‌ای در پایگاه «هافینگتن پست» اعلام کرد دستان زیادی در پشت پرده کشتار مردم غزه به دست اسرائیل وجود دارند و تأکید کرد که عربستان یکی از بازیگران اصلی این بحران است و حمله به غزه به فرمان پادشاه عربستان صورت گرفت. در همین راستا "طلعت زهران" شیخ سلفی مصری مدعی شد حملات وحشیانه صهیونیست ها به نوار غزه در دفاع از شهرک نشینان است و کمک کردن به مردم غزه جایز نیست.خبر دیگر اینکه شمار شهدای غزه به ۶۱۰ تن افزایش یافت. در تحولی دیگر نظامیان اسرائیلی دفتر شبکه تلویزیونی الجزیره در غزه را هدف قرار دادند. همچنین یک خانواده هفت نفره فلسطینی تبعه آلمان در پی بمباران دیشب غزه جان خود را از دست دادند. در چنین شرایطی مقامات مصری از ورود پزشکان اروپایی به نوار غزه از طریق گذرگاه رفح جلوگیری کردند. خبر دیگر اینکه یک نظامی صهیونیست یک جوان فلسطینی را در کرانه باختری به بهانه پرتاب سنگ بسوی اتومبیلش به شهادت رساند و گفته می شود پیکر مقتول به اسرائیل برده شد.

از طرفی رمضان عبدالله شلح دبیرکل جنبش جهاد اسلامی گفت: غزه تاریخ منطقه را تغییر می‌دهد زیرا این نخستین جنگ در تاریخ امتی است که در آن تمامی شهرهای اسرائیل هدف قرار گرفته است. در این حال زبیگنیو برژینسکی، مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا حمله به غزه را اشتباه بسیار جدی اسرائیل دانست و گفت: نتانیاهو آینده اسرائیل را در خطر قرار داد.



آوارگی صدها هزار ساکن غزه

سازمان ملل اعلام کرد: به دنبال حمله گسترده نظامی اسرائیل به غزه، صدها هزار تن از ساکنان نوار غزه آواره شده اند. از طرفی وزارت اقتصاد دولت فلسطین میزان خسارت‌های وارد شده به نوار غزه را در نتیجه حملات رژیم صهیونیستی حدود سه میلیارد دلار ارزیابی کرد.

از طرفی دبیرکل جمعیت هلال‌احمر کشورمان اعلام کرد: نخستین کمک هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران به مردم مظلوم غزه با هماهنگی هلال‌احمر فلسطین در زمینه‌های بهداشتی، دارویی و درمانی به ارزش ۲ میلیارد ریال ارسال شد.

آمادگی ارتش عراق برای محاصره داعش در عملیات بزرگ «الانبار»

سرویس خارجی: فرمانده عملیات الانبار اعلام کرد به زودی عملیات نظامی گسترده‌ای برای محاصره گروه تروریستی داعش در این استان آغاز می شود. «رشید فلیح» گفت: طی چند روز آینده عملیات بزرگی برای محاصره داعش آغاز می شود، و نیروهای امنیتی توانستند پس از شکست موصل اعتبار خود را به دست آورند و شایعات در خصوص محاصره نیروهای عراقی از سوی تروریسم درست نیست. وی افزود: بعضی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و ترکیه در حال انتشار اینگونه شایعات هستند. فلیح خاطرنشان کرد:داعش تک تیراندازان خود را در پشت بام خانه های موصل مستقر کرده و مردم را سپر خود قرار داده است؛ به همین دلیل نمی توان آنان را با استفاده از سلاح های کشنده از بین برد، زیرا این امر باعث آسیب رسیدن به مردم می‌شود. در این حال منابع امنیتی عراق از کشته شدن ۱۰۰ عنصر تروریستی وابسته به گروه تکفیری داعش در عملیات دیروز نیروهای ویژه ارتش در شهر فلوجه استان الانبار خبر دادند. نیروهای ویژه عراق در این عملیات همچنین شش خودرو آنها تروریست ها را در منطقه البوحدید الناصر واقع در شهر فلوجه منهدم کردند. از طرفی پلیس شهر کرکوک نیز از دستگیری ۶۲ مظنون و فرد تحت تعقیب در این شهر خبر داد. در تحولی دیگر شورای امنیت سازمان ملل متحد آزار و اذیت مسیحیان و دیگر اقلیت های عراقی را محکوم کرد و هشدار داد چنین اقداماتی به عنوان جنایت علیه بشریت تلقی می شود.

انحلال دولت موقت معارضان سوریه

سرویس خارجی: ائتلاف معارضان سوری با اکثریت آرای اعضای خود یعنی ۶۶ رای، دولت «احمد طعمه» نخست وزیر موقت را منحل اعلام کرد. این ائتلاف هدف از اتخاذ این تصمیم را ایجاد زمینه‌های جدید برای انتقال دولت موقت به داخل خاک سوریه اعلام کرد. ائتلاف معارضان سوری ضمن تشکر از احمد طعمه، نخست وزیر برکنار شده و وزیران او، آن‌ها را به همکاری در تشکیل دولت جدید موظف کرد. رئیس ائتلاف نیز از زمان برکناری طعمه، دو هفته را به منظور کاندیداتوری نامزدها برای به عهده گرفتن پست نخست وزیری جدید این ائتلاف تعیین کرد.

این درحالی است که نیروهای ارتش سوریه با کمک گروههای مسلح دولت، در ادامه عملیات پاکسازی این کشور از وجود تروریست های تکفیری، ۳۲ تروریست را در حومه حما به هلاکت رساندند و ۱۰۵ نفر دیگر را در استان الحسکه بازداشت کردند. در تحولی دیگر اتحادیه اروپا، سه مقام و ۹ نهاد سوریه را به فهرست کنونی کسانی که در معرض انسداد دارایی قرار گرفته‌اند و ورودشان به اتحادیه اروپا ممنوع شده اضافه کرد. با این تصمیم اتحادیه اروپا، مجموع افراد تحریم شده از سوی این اتحادیه در سوریه به ۱۹۲ شخص و ۶۲ نهاد رسید.

بازداشت ۵۵ افسر پلیس ترکیه به اتهام تلاش برای کودتا

سرویس خارجی: ترکیه ۵۵ افسر ارشد پلیس این کشور را به اتهام فساد و سوء استفاده از موقعیت برای اقدام علیه دولت بازداشت کرد. گفته می شود این افراد در طرح توطئه "فتح الله گولن" برای کودتا علیه دولت رجب طیب اردوغان دست دارند. واحد مبارزه با تروریسم پلیس استانبول این افسران پلیس ترکیه را که در عملیات اخیر مقابله با فساد حضور داشته و طی آن چند تن از وزرای کابینه و ده‌ها تاجر حامی دولت آنکارا را دستگیر کرده بودند، بازداشت کرد. در میان افسران بازداشتی، "عمر کوشه" فرمانده سابق واحد مبارزه با تروریسم پلیس استانبول نیز دیده می‌شود. وی پس از عملیات مبارزه با فساد، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳ از کار برکنار شد. وی که برای چکاپ سالانه به یک بیمارستان در استانبول رفته بود، بازداشت شد. "یاسین توپچی" معاون سابق رئیس واحد مبارزه با جرایم مالی استانبول نیز در میان این افسران بازداشتی است. توپچی در منزلش بازداشت شد. در همین حال روزنامه زمان چاپ ترکیه از احتمال ادامه عملیات علیه افسران پلیس خبر داد. گفته می شود واحد مبارزه با تروریسم پلیس استانبول در بیش از ۴۰ نقطه از شهر مظنونان را هنگام خوردن سحری دستگیر کرد. در چنین شرایطی رهبر اپوزیسیون ترکیه مدعی شد ادامه سیاست خارجی کنونی نخست وزیر این کشور منجر به گسترش تروریسم فرقه‌ای در سراسر کشور می‌شود. کمال قلیچدار اوغلو گفت: سیاست خارجی رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه باعث شده تا اعتبار، موقعیت و نفوذ پیشین کشورمان در خاورمیانه از دست برود. اکمل الدین احسان اوغلو از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ترکیه نیز در ادامه انتقادهای خود از سیاست‌های دولت اردوغان گفت: زبان بیان سیاست خارجی باید با الفاظی های مربوط به سیاست داخلی متفاوت باشد و برای به نتیجه رسیدن، گاه باید دیپلماسی سکوت اجرا شود.

تهران کانون رایزنی کشورهای اسلامی برای توقف جنایات اسرائیل

سرویس سیاسی -اجتماعی: نشست ترویکای اتحادیه مجالس کشورهای اسلامی روز گذشته در تهران برگزار شد و نمایندگان و روسای مجلس ۱۰ کشور اسلامی به ریاست تهران در اجلاسی فوق العاده گرد هم آمدند تا درباره مسایل غزه چاره اندیشی کنند.

به گزارش خبرنگار ما، در این نشست که روسای مجالس مالی، سودان، ایران، سوریه، فلسطین، قطر و ترکیه و مقاماتی از کشورهای کویت، لبنان، پاکستان و عمان حضور داشتند علی لاریجانی رئیس این اتحادیه با اشاره به ضرورت وحدت کشورهای اسلامی در مقابل حمله جنون آمیز رژیم صهیونیستی به غزه گفت: اینکه در ماه رمضان رژیم صهیونیستی دست به این شرارت زده و مردم بیگناه و مظلوم فلسطین را با استفاده از سلاح های غیر متعارف و ممنوعه به خاک و خون کشیده نشانگر روحیه وحشی و اشغالگرانه این رژیم سفاک است، اگر چه اسرائیل سابقه طولانی جنگ افروزی و نسل کشی در منطقه دارد اما بعد از شکست های نظامی در سال های اخیر دچار پریشانی سیاسی شده است. لاریجانی با ابراز تاسف از این که در سال های اخیر به خاطر بحران در کشورهای اسلامی این رژیم بی آبرو با فرصت طلبی زمان را برای استیفای آبروی از دست رفته خود مناسب دیده و دست به جنایت جدیدی زده است گفت: کشتار زنان و کودکان و مردم در محاصره غزه چیزی جز نقض قواعد بین المللی و حقوق بشر نیست مخصوصا اخباری که از منطقه شجاعیه به ما می رسد نوعی توحش مدرن را نشان می دهد.

لاریجانی با اشاره به این که امام(ره) راه مبارزه با این رژیم را وحدت مسلمانان می دانستند گفت: امروز همه جریانهای مقاومت در منطقه حزب الله، حماس و جهاد اسلامی، بلوغ و شایستگی خود را در مبارزه با رژیم صهیونیستی نشان داده اند و این روحیه مجاهدت نشان افتخار مسلمانان است وگرنه طرح های سازش صرفا به غاصبان فرصت داده است. او ادامه داد: این قدرت مجاهدت مقاومت است که خاورمیانه را تعریف مجدد می کند. هر چند امریکا و متحدانش نمی خواهند قدرت مقاومت را درک کنند و تلاش می کنند با انگ زدن این جریانها را متهم کنند. امریکا و کشورهای اروپایی چشم خود را به این جنایات بسته و از آن حمایت می کنند.

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان این که امروز غزه قلب همه مسلمانان است گفت: امام خمینی(ره) ۳۵ سال پیش در بدو پیروزی انقلاب فرمودند که اسرائیل غده سرطانی منطقه است. لاریجانی ادامه داد: از دولت مصر مصرانه می خواهیم که گذرگاه رفح را برای کمک های انسان دوستانه به مردم مظلوم غزه باز کند، جنگ سوم غزه مقطع تاریخی برای دولت و ملت مصر است.

رئیس ترویکای مجالس کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی با بیان این که جریان مقاومت قلب جوانان مسلمان را تسخیر کرده و روحیه مبارزان فلسطینی را افزایش داده است گفت: امروز مقاومت پیروزی استراتژیک را بدست آورده و توانسته معادله وحشت بر کل اسرائیل در برابر غزه را نشان دهد.

لاریجانی همچنین اتحادیه بین المجالس اسلامی را نماینده ملت های مسلمان دانست و گفت: ما حامی مقاومت هستیم و به هر نحو به غزه کمک می کنیم و باید از طریق پارلمان های خود هر گونه حمایت از مردم فلسطین را سامان دهیم.

وی با بیان این که رژیم صهیونیستی جنایتکار واقعی جنگی است که باید از طریق نهادهای بین المللی اعتراض به این جنایات پیگیری شود گفت: از دولت مصر مصرانه می خواهیم تا گذرگاه رفح را برای کمک های انسان دوستانه به مردم مظلوم غزه باز کند. امروز مقطع تاریخی برای دولت و ملت مصر است که چه نقشی در جنگ سوم



عکس از سعید نیک نژاد

غزه بازی می کند و باید مسئولیت شناسی آنها نشان داده شود.

لاریجانی ایجاد وفاق میان ملت های مسلمان و پرهیز از تفرقه ای را که در چند سال اخیر میان امت اسلامی ایجاد شده ضروری دانست و گفت: مقام معظم رهبری فرمودند: که اکنون زمانی است که مسلمانان اختلافات را کنار گذاشته و همه برای دفاع از فلسطین با ید واحده وارد شوند. امروز متاسفانه گروه هایی به جان مسلمانان افتادند و با این نادانی خدمتی بزرگ به صهیونیست ها می کنند.

وی در پایان این کنفرانس را زمینه ساز وحدت جهان اسلام برای دفاع از مردم مظلوم فلسطین دانست و از شرکت کنندگان در این اجلاس خواست تا در روز قدس تجلی بخش این وحدت باشند.

سخنان میهمانان

در ادامه این مراسم رئیس مجلس سودان ضمن درخواست برپایی دادگاه جنایت جنگی گفت: ما خواهان آتش بسی سریع و مورد قبول همه گروه ها در فلسطین هستیم. نباید معیارهای مجامع بین المللی دوگانه باشد. کاری که اسرائیل انجام می دهد، علیه قوانین بین المللی است. رئیس مجلس سودان با بیان این که این جنایات یک برنامه بین المللی برای تضعیف کشورهای اسلامی و شکستن هیبت آنان است ادامه داد: رژیم صهیونیستی یک حاکمیت دولتی نژادپرست است و به این رژیم درباره کشتن مردم بی دفاع غزه هشدار می دهیم.

رئیس مجلس مالی هم با بیان این که حمایت از فلسطین بخشی از دیپلماسی این کشور است گفت: این محاصره باید هر چه سریعتر پایان بگیرد و اموال، حقوق مردم و آموزش و بهداشت برای مردم غزه فراهم شود. او احداث شهرک های یهودی نشین و آوارگی مردم فلسطین را یکی از نشانه های نقض حقوق بشر توسط رژیم صهیونیستی خواند و گفت: از جامعه بین الملل می خواهیم تا اسرائیل را وادار به پایبندی به تعهدات خود در زمینه حقوق بین المللی بر اساس کنوانسیون ژنو کند.

در ادامه این نشست سلیم الزعنون رئیس پارلمان فلسطین با ابراز تاسف از اینکه دولت مصر غزه را در محاصره کامل قرار داده و هیچگونه کمکی به غزه نمی رسد گفت: رژیم صهیونیستی از مصالحه ای که برای تشکیل دولت وحدت ملی در فلسطین انجام شد به مرز جنون رسیده و از همین رو بود شروع به مجازات ملت ما و گسترش شهرک های صهیونیست نشین کرد. او با بیان این که امروز غزه در حال از بین رفتن است گفت: در حالی که آماده می شدیم بعد از جنگ های ۳۳روزه غزه را از نو بسازیم تمام خانه هایی را که توسط دولت ساخته شده بود از بین بردند. امروز در غزه نزدیک به ۶۰۰ شهید و ۳هزار و ۴۰۰ زخمی دادیم و هزاران نفر از مردم ما آواره شده اند.

سلیم الزعنون رسانه های دنیا را گمراه خواند و گفت: به خاطر وارونه نشان دادن واقعیت مردم تصور می کنند که موشک های غزه در حال نابود کردن اسرائیل است در حالی که این رژیم با توپ و تانک، شهروندان غیرنظامی، زنان و کودکان را به شکلی بی رحمانه از بین می برد. رئیس پارلمان فلسطین در پایان با ارائه چند پیشنهاد گفت: ما خواستار فشار به رژیم صهیونیستی برای آزادی نیروهای پارلمانی فلسطین از زندان های این رژیم هستیم. همچنین انتظار داریم ملت های مسلمان از دولت وحدت ملی در فلسطین حمایت کنند. سلیم الزعنون همچنین درخواست کرد تا با باز شدن گذرگاه رفح کمک های پزشکی و دارویی به مردم غزه ارسال و امکان عبور و مرور مردم فلسطین فراهم شود. جمیل چیچک رئیس مجلس ترکیه با بیان اینکه این اجلاس باید به تحکیم موضع مجالس کشورهای اسلامی در حمایت از مردم مظلوم فلسطین منجر شود گفت: رژیم صهیونیستی هیچ حد و مرزی در وحشی گری قائل نیست و از سوی دیگر هیچ تعادلی میان دو نیروی نظامی به چشم نمی خورد.

او با بیان این که اقدام اسرائیل در ممنوعیت ورود به مسجدالاقصی، نقض آشکار قوانین بین المللی است گفت: رژیم صهیونیستی به بهانه نپذیرفتن طرح آتش بس از سوی حماس حملات خود را شدت بخشیده است و ما خواستار برقراری آتش بس دائمی در این منطقه و مواخذه رژیم صهیونیستی هستیم. از طرف دیگر باید اقدامات اطلاع رسانی و مستنداتی برای آشکار کردن جنایات این رژیم صورت گیرد.

چیچک با بیان این که ۳روز عزای عمومی در سفارتخانه های ترکیه به علت کشتار مردم غزه اعلام شده است پیشنهاد کرد در آستانه عید سعید فطر کشورهای اسلامی یک روز عزای عمومی اعلام کرده و از سازمان ملل بخواهند تا از اختیارات خود برای متوقف کردن تجاوزات رژیم صهیونیستی استفاده کند. رئیس مجلس ترکیه مصالحه حماس و فتح را بسیار بااهمیت خواند و گفت: با سخت ترین بیان ها این وحشی گری را محکوم می کنیم و به مردم مظلوم فلسطین می گوییم که در کنار آنها هستیم.

کوتاه از سراسر جهان

تظاهرات گسترده مردم کابل در اعتراض به کشتار غیرنظامیان

ایرنا: معترضان در کابل خواهان توقف کشتار غیرنظامیان در افغانستان شدند. رسانه های افغانستان گزارش دادند که جمعی از دانشجویان، اعضای مجلس نمایندگان و فعالان مدنی در یک تظاهرات گسترده خواستار توقف کشتار غیرنظامیان شدند. تظاهرکنندگان در مقابل مجلس شورای ملی افغانستان تجمع کردند و حمله انتحاری در ولایت پکتیکا که منجر به کشته شدن بیش از ۹۰ نفر و زخمی شدن ۱۳۰ فرد دیگر شد را محکوم کردند.

رهبر خونتای تایلند با قانون اساسی جدید به دیدار پادشاه می رود



ایسنا: فرمانده ارتش تایلند برای جلب تائیدیه و حمایت از قانون اساسی موقت به دیدار پادشاه می‌رود. ارتش تایلند ۲۲ مه سال جاری میلادی زمام امور کشور را به دست گرفت و قانون اساسی قدیمی را کنار گذاشت. یکی از مقامات ارشد در کاخ سلطنتی تایلند گفت: «بهومیبول آدولیادج» پادشاه این کشور اجازه شرفیابی به ژنرال «پرایوت چان اوچا» فرمانده ارتش می دهد و از قانون اساسی موقت حمایت خواهد کرد.

پیشنهاد به مخالفان بحرینی برای حضور در کابینه

فارس: دبیر کل جمعیت الوفاق بحرین از دریافت پیشنهادی مبنی بر اختصاص شش سمت وزارتی به هر کدام از شیعیان، اهل سنت و آل خلیفه خبر داد. شیخ «علی سلمان» با برگزاری نشستی مطبوعاتی اعلام کرد که مخالفان بحرینی پیشنهادی را به صورت شفاهی درباره ترکیب کابینه آینده این کشور دریافت کرده‌اند اما مخالفان در واکنش به این پیشنهاد بر اصل برگزاری انتخابات (نتایج انتخابات پارلمانی) تاکید کرده و یادآور شدند که به دنبال حل فراگیر بحران جاری هستند و نباید موضوعی باقی بماند که بعد از گذشت یک یا دو ماه بار دیگر ملتهب شود.

سفر رئیس بانک جهانی به هند



ایرنا: «جیم یانگ کیم» رئیس بانک جهانی برای گفتگو با مقام های هندی وارد دهلی نو شد. جیم یانگ کیم قرار است در دیدار با «نارندرا مودی» نخست وزیر هند درباره اهداف و برنامه های توسعه اقتصادی و نیز چگونگی حمایت های مالی بانک جهانی از پروژه های توسعه اقتصادی این کشور گفتگو کند. وی همچنین قرار است در این سفر با «آرون جیتلی»، وزیر امور دارایی هند دیدار و در خصوص راه های کمک بانک جهانی به طرح های توسعه ای این کشور، گفتگو کند. گفته می شود سفر رئیس بانک جهانی به هند فرصت مهمی برای خروج این کشور از رکود اقتصادی است.

طرح حمله به هواپیمای رئیس جمهوری مصر خنثی شد

مهر: یک منبع امنیتی الجزایر از ناکام ماندن طرح یک گروه تروریستی مصری برای هدف قرار دادن هواپیمای رئیس جمهوری مصر خبر داد. این مقام امنیتی که نخواست نامش فاش شود، گفت: یک لیبیایی عضو ارشد گروه‌های سلفی تندرو اطلاعات مهمی در خصوص عملیات قاچاق مواد منفجره از طریق مرز مصر و لیبی و عملیات قاچاق موشک‌های ضد هواپیما به دست آورده و سازمان امنیت الجزایر را در جریان این اطلاعات قرار داده است. به گفته این فرد لیبیایی، قاچاق این موشک‌ها و مواد منفجره برای سازمان «اجناد مصر» صورت می گرفته است؛ سازمانی است که تاکنون مسئولیت تعداد زیادی از حملات و انفجارها در مصر را برعهده گرفته است.

کمیته حقیقت یاب بین المللی درباره سقوط هواپیمای مالزیایی تشکیل می‌شود



سرویس خارجی: پیش نویس قطعنامه تحقیقات بین المللی مستقل در مورد سانحه سقوط هواپیمای بوئینگ «ام اچ-۱۷» متعلق به خطوط هوایی مالزی با ۲۹۸ مسافر در شرق اوکراین به تصویب همه اعضای شورای امنیت رسید. اعضای شورا به اتفاق آرا خواستار انجام تحقیقات بین المللی بی طرفانه برای روشن شدن دلایل این سانحه شدند. در این قطعنامه از جدایی طلبان هوادار روسیه که کنترل محل سقوط هواپیما را در اختیار دارند نیز خواسته شده است امکان دسترسی آزاد و امن به منطقه را فراهم کنند. اعضای شورای امنیت حمله به این هواپیما را با شدیدترین لحن ممکن محکوم و از همه کشورهای دارای نقش فعال منطقه ای از جمله روسیه درخواست کردند در تحقیقات بین المللی کامل، دقیق و مستقل باشند. قطعنامه شورای امنیت همچنین خواستار شناسایی عاملان این حمله شده است. در چنین شرایطی ژنرال «آندری کارتوپولوف» رئیس اداره عملیات عمومی قرارگاه ارتش روسیه در یک کنفرانس خبری از تعقیب شدن هواپیمای ساقط شده مالزیایی توسط یک فروند جنگنده سوخوی ۲۵ ارتش اوکراین خبر داد. وی افزود: این جنگنده اوکراینی با افزایش ارتفاع، به فاصله سه تا پنج کیلومتری این هواپیمای مسافربری رسیده بود. این درحالی است که سخنگوی رسمی وزارت دفاع آمریکا گفت، پنتاگون هم مانند مقامات کی یف، با نظریه مقامات نظامی روسی در مورد سقوط هواپیمای مالزیایی موافق نیست. در چنین شرایطی وزرای امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست خود در بروکسل، مساله اعمال تحریم‌های جدید علیه روسیه و اوضاع اوکراین بعد از سانحه سقوط هواپیما را مورد بررسی قرار دادند. در همین حال رئیس جمهوری آمریکا نیز انجام تحقیقات شفاف، کامل و آزاد در خصوص سقوط هواپیمای مسافربری مالزی در اوکراین را خواستار شد. در تحولی دیگر، جدایی طلبان جمهوری خودمختار دونتسک، جعبه سیاه هواپیمای سرنگون شده را به مقامات مالزی تحویل دادند. از طرفی، هواپیمایی مالزی هم اعلام کرد پرواز لندن به کوالالامپور از این پس به جای مسیر معمول اوکراین از محدوده هوایی سوریه انجام خواهد شد. در چنین شرایطی، حدود ۲۰۰ تن از معترضان مالزیایی با تجمع مقابل سفارتخانه های روسیه و اوکراین، خواستار اجرای عدالت در خصوص شناسایی مسببان سرنگونی این هواپیما شدند.

مسئول قتل بی نظیر بوتو در حمله پهپاد های آمریکا کشته شد

سرویس خارجی: القاعده کشته شدن شش تن از سرکردگان خود در حملات اخیر پهپادهای آمریکایی به وزیرستان شمالی را تایید و اسامی چند تن از آنان را فاش کرد. به گزارش منابع اطلاعاتی یکی از این افراد که در حملات پهپادهای آمریکایی در «داتا خیل» کشته شده «مصطفی ابو یزید» فرمانده ارشد عملیاتی القاعده و یکی از دستیاران نزدیک «اسامه بن لادن» است که مسئولیت قتل «بی نظیر بوتو» در سال ۲۰۰۷ در راولپندی را برعهده گرفته بود. «سنافی النصر» رئیس کمیته پیروزی القاعده که مستقر در سوریه است و ارتباط نزدیکی با فرماندهی کل القاعده در پاکستان دارد اعلام کرد شش تن از بهترین رفقای او در حملات پهپادهای آمریکا کشته شدند و سه نفر از آنان را «تاج الملکی»، «ابو عبدالرحمن الکویت» و «فیاض الخالدی» نام برد. درهمین حال یکی از مشاوران امنیتی ارشد پاکستان گفت نیروهای امنیتی کشورش تمامی گروه‌های مسلح در منطقه قبیله‌ای وزیرستان شمالی را هدف قرار می‌دهند.

درگیری‌ها در «بنغازی» لیبی ۱۶ کشته داشت

سرویس خارجی: منابع امنیتی لیبی اعلام کردند، درگیری میان ارتش ملی لیبی و گروه‌های مسلح در بنغازی ۱۶ کشته و ۸۰ زخمی برجا گذاشت. این اقدامات خشونت آمیز پس از درگیری دو روز قبل برای تسلط بر فرودگاه بین‌المللی «طرابلس» رخ داد طوری که دولت لیبی مجبور به درخواست کمک بین‌المللی شد. به گزارش منابع امنیتی، گروه «انصار الشریعه» به پادگان متعلق به ارتش ملی لیبی یورش بردند، اما نیروهای «خلیفه حفتر»، فرمانده سابق نیروهای زمینی ارتش ملی لیبی که در حال حاضر رهبری عملیات شبه نظامیان را برعهده دارد، با آن‌ها مقابله کردند. خبر دیگر اینکه کمیته عالی انتخابات لیبی نتایج نهایی انتخابات پارلمانی این کشور را اعلام کرد. در این انتخابات «جریان مدنی» و «لیبرال‌ها» بر «اسلام گراها» پیروز شدند اما ساختار سیاسی پارلمان پس از تشکیل فراکسیون‌های سیاسی اعلام می‌شود. هنوز موعدی برای برگزاری کنگره ملی لیبی که مقر آن به بنغازی منتقل می‌شود، اعلام نشده است. گزارش‌ها حاکی از این است که اسلام گراها تنها ۳۰ کرسی را به دست آورده و لیبرال‌ها در مقابل به ۵۰ کرسی دست یافتند. حامیان «فدرالیسم» در شرق لیبی و مخالفان اسلام گراها نیز بین ۲۵ تا ۲۸ کرسی را به دست آوردند. هنوز تکلیف ۱۲ کرسی از مجموع ۲۰۰ کرسی پارلمان جدید در پی لغو انتخابات در برخی حوزه‌های انتخاباتی به دلیل خشونت‌ها مشخص نیست.

ارائه گزارش مذاکرات وین ۶ به مجلس توسط دکتر ظریف

وزیر خارجه دیروز در جلسه غیرعلنی، مجلس را در جریان جزئیات دور آخر مذاکرات قرار داد.

جزئیات اظهارات وزیر امور خارجه البته منتشر نشده است، اما آن طور که محمدرضا تابش، نماینده اصلاح طلب مجلس می گوید: «وجدان عمومی مجلس این کار را تحسین و قبول کرد که تیم مذاکره کننده در راستای منافع ملی اهتمام کرده است.»

به گفته برخی نمایندگان، با وجود این که جلسه صبح دیروز با هدف پرسش و پاسخ نبود، اما وزیر به دو سئوال مطرح شده طوری پاسخ داد که جای ابهام باقی نمانده است.

بر اساس گزارش ظریف، اگر همان‌طور که تاکنون به تعهداتمان در توافق ژنو عمل کرده‌ایم، در چهار ماه آینده نیز به این تعهدات عمل کنیم و اعضای ۱+۵ هم متعاقبا تعهداتشان را عملیاتی کنند، می توانیم پیش از پایان دوره چهار ماهه به توافق همه‌جانبه‌ای دست پیدا کنیم. تابش همچنین با اشاره به این که تیم‌های قبلی مذاکره ایران در پرونده هسته‌ای هر چند سال یک بار به مجلس می آمدند تاکید کرده است که شاید انتقادهایی از طرف نمایندگان وجود داشته باشد، اما «آقای ظریف گزارش خوبی دادند که مورد استقبال نمایندگان قرار گرفت.»

یک عضو هیات رئیسه مجلس خبر داده است که وزیر امور خارجه در جریان توضیحاتش برای نمایندگان، گفته است که تیم مذاکره کننده از ابتدا براساس نیاز کشور، پیگیر دستیابی به ۱۹۰ هزار سو غنی سازی بوده است.

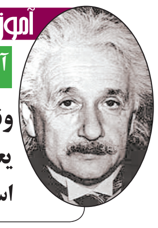
بهروز نعمتی سخنگوی هیات رئیسه مجلس هم بعد از پایان جلسه به خبرنگاران گفت که طبق گزارش ارائه شده عمده بحث اختلافی فقط در مورد ظرفیت غنی سازی بوده است و با توجه به توضیحاتی که وزیر امور خارجه ارائه کرد به نظر می‌رسد که ۱+۵ پذیرفته‌اند که باید خواسته‌های به حق ملت ایران را درنظر بگیرند. وی همچنین گفته است که «تولید ۱۹۰ هزار سو غنی سازی مذاکرات را تحت تاثیر قرار داده است.»

منصور حقیقت پور نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی هم در مورد جلسه غیر علنی صبح دیروز ان را «خوب» ارزیابی کرد.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۸۲

چهارشنبه یکم مرداد ۱۳۹۳ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / شماره ۲۵۹۲۸



آموزه

آلبرت اینشتین:

وقتی راه حل ساده باشد، یعنی خدا در حال پاسخ دادن است.

سرسخن

گزارشی از «یورومانیتور»

نسلی به سوی آینده

بسیاری از پدر بزرگ و مادربزرگ ها از نوه هایشان هنگامی که پدر و مادر سر کار می روند، مراقبت می کنند. اگرچه تعداد مراکز نگهداری از کودکان در حال افزایش است، اما والدین ترجیح می دهند که از این تسهیلات زمانی استفاده کنند که فرزندانشان بیشتر از ۳ سال سن دارند. هزینه این مراکز نیز سبب می شود والدین کودک خود را نزد پدربزرگ و مادربزرگ بگذارند. عموما والدین تمایل دارند تا هزینه کمی صرف نوزادشان کنند. از طرف دیگر، تولد نوزاد به نشانه شادی توسط خانواده اش جشن گرفته می شود. در نتیجه آن ها باید سخاوتمندانه تر خرج کنند.

طیف وسیعی از محصولات مربوط به کودکان برای مصرف کنندگان با همه سطوح درآمدی وجود دارد. اما در میان برندهای خارجی تعداد زیادی برند که همه محصولات نگهداری از کودکان را ارائه دهد وجود ندارد.همزمان باافزایش سطح تحصیل مادران، تمایل آن‌ها به هزینه کردن برای محصولات مراقبت از کودکان افزایش می یابد. داروخانه ها اصلی ترین کانال پخش محصولات مراقبت از کودکان هستند.

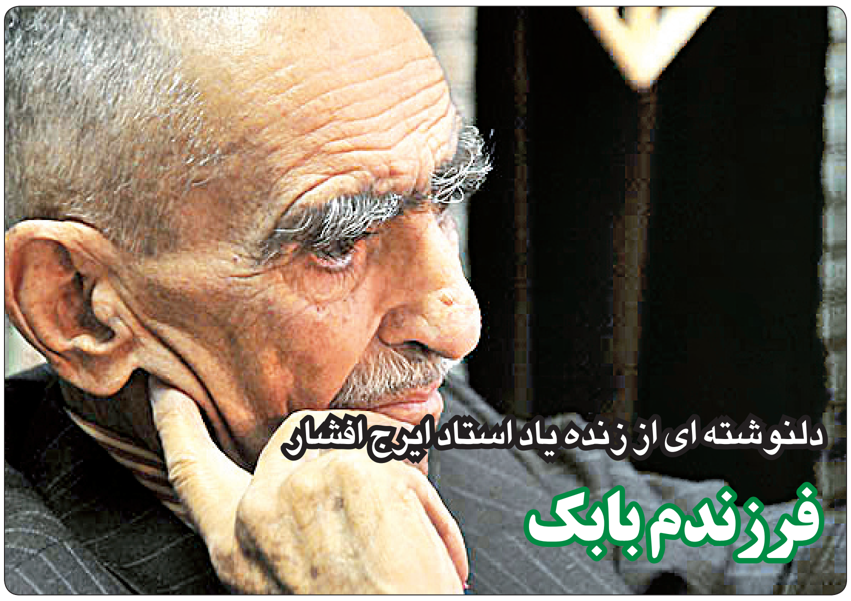
کمپین های ملی تغذیه با شیر مادر را تا سن دو سالگی ترویج می دهند و فواید فراوان آن را متذکر می شوند. با این حال طبقات بالای زنان شهرنشین به خصوص کارمندان تمایل به استفاده از شیر خشک دارند. استفاده از پوشاک نیز به دلیل بهداشت، قابلیت دسترسی، استفاده آسان در مقایسه با نوع قابل شستشوی سنتی آن رایج تر از سطح انتظار شده است. معروف ترین برندهای پوشک در ایران پنبه ریز و مای بی بی هستند. فروش محصولات نگهداری از کودکان در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با سال ۲۰۰۹، ۲٤,٦ درصد رشد داشته است. غذای آماده کودکان رایج نیست و معمولا در منزل با مواد تازه تهیه می شود.

در سال ۲۰۱۰ ایران ۷,٤ میلیون کودک در سنین بین ۳ و ۸ سال داشت. این یک رشد ۱۵,٦ درصدی در طی دوره تحقیق را نشان می دهد که نتیجه افزایش تعداد زاد و ولد در سال های دهه ۲۰۰۰ است. زمانی که کودکان دهه ۱۹۸۰ به سن زایمان می رسند. انتظار می رود که جمعیت این گروه تا ٤,۹ درصد در طی دوره پیش بینی رشد کند و به ۸ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ برسد. کودکان غالبا مرکز توجه خانواده های ایرانی به خصوص در طبقات بالایی و میانی جامعه هستند. کودکان در تصمیم گیری برای خرید اسباب بازی، لباس و میان وعده اظهارنظر می کنند. کودکان رفتن به مهد را در سن ۳ سالگی شروع می کنند و رفتن به پیش دبستانی هم اجباری است. آن ها از ٦ سالگی به مدرسه می روند.

مهد و پیش دبستانی درس های گوناگونی مثل هنر، زبان و ورزش ارائه می دهند. در مهد کودک های مدرن ۲ یا ۳ زبان بطور همزمان آموزش داده می شود. شهریه این مهدها بسیار بالاست اما قشر مرفه ایرانی آن را پذیرفته اند. هزینه برای کودکان در حال افزایش است. در ایران از آنجایی که والدین به خصوص در طبقات بالایی و میانی جامعه، فرزندان کمی دارند، هزینه بیشتری صرف رفاه و تحصیل فرززندانشان می کنند. درحالیکه خانواده ها فرزندانشان را به مدارس عیر انتفاعی که شهریه بالایی دارند می فرستند، سایر خانواده ها مدارس دولتی را که نیمه رایگان هستند و یا شهریه پایین دارند، انتخاب می کنند.

تقاضا برای لوازم التحریر و غذای بسته بندی شده در این گروه سنی بالاست. نوشیدنی، شیرینی، آدامس و اسنک بسته بندی شده بسیار رایج بوده و بطور گسترده برای کودکان تبلیغ می شوند.

ادامه دارد



دلنوشته ای از زنده یاد استاد ایرج افشار

فرزندم بابک

فرزند بزرگم، بابک، ۲٤ آبان ۱۳۲٦ ش زاده شد و ساعت یازدهم شب ۱۵ اسفند ۸۲ درگذشت. یازده سال در ایران درس خواند و پس از آن مدتی در سویس و مدتی در انگلستان بود. در سویس از سید محمد علی جمال‌زاده درخواست کرده بودم که بر او سرپرستی داشته باشد. او از این لطف دریغ نداشت و معمولاً یکشنبه‌ها با اگی خانم به مدرسهٔ بابک که بر کوه «سالو» نزدیک ژنو بود می‌رفت و او را با خود به گردش می‌برد. گاه او را به خانهٔ خود می‌برد و برای سرگرمی او را وامی‌داشت که توله سگ اگی خانم را ببرد در پارک بچرخاند. این کار خوشایند بابک نبود و همواره گله‌آمیز بود. موقعی که در انگلستان بود فرصتی پیش آمد که از بورس تحصیلی چاپ که مؤسسهٔ انتشارات فرانکلین در اختیارش گذاشت استفاده کند. ولی او دلش درگرو ایران و مادرش بود. پس بازگشت و به کار پرداخت.

به لطف عمیم دکتر اکبر اعتماد در سازمان انرژی اتمی و خانم حاتم که سرپرستی ادارهٔ روابط عمومی آنجا را در عهده داشت در آن سازمان مشغول شد و به کار دلپذیری که یافته بود دلگرم و پا بسته بود، مخصوصاً به هنگامی که مدیریت باشگاه آنجا را در عهده گرفت.

چون مهربان بود و از صمیم دل به کمک دیگران می‌شتافت در آن کار که اساسش برخدمتگذاری و مردم داری است موفق بود. با پیش آمد انقلاب آن دستگاه از کار افتاد و او هم برکنار شد.

من هم که به میل و نگرش شخصی از دانشگاه دور شده بودم و «سازمان کتاب» را به وجود آوردم و به نشر مجلهٔ آینده پرداختم. طبعاً بابک کنارم بود و هم مدتی از طرف پدرم مسئول امور اداری موقوفهٔ او بود. دو سالی در ساختمانی از موقوفهٔ پدری که برای کمک به مجلهٔ آینده در اختیارمان گذارده بود به نشر مجله و خدمات فروش و صدور کتاب مشغول بودیم.

دوستان عزیز کاووس جهانداری و قدرت الله روشنی هم همراه شده بودند و سپس ترکریم اصفهانیان و محمد رسول دریا گشت از اواخر بهار ۱۳٦۰ ش که وضع فرهنگی ایران رنگی تر یعنی افقی دگرگونه‌تر از پیش به خود گرفت من احتیاط را در آن دیدم که آن دستگاه را به مناسبت آنکه دوستان می‌آمدند و می‌رفتند و می گفتند و می خندیدند از هم واچینم و دست از آن گونه همنشینی بشویم.

بابک که به کار کتاب علاقه‌مندی یافته بود فروش کتاب را پیشهٔ خود کرد و در ساختمانی که ملک دائیش (هرمز افشاریه) بود به ترتیب کتابفروشی آبرومند تازه‌ای دست زد. روزی از من پرسید نامش را چه بگذارم. به او گفتم چون به تاریخ دلبسته‌ای و می خواهی کتابفروشی‌ات جنبه تخصصی داشته باشد نام آن را «تاریخ بگذار که تاریخ گویای بسیاری از حقایق است و رویدادها. «آرم» آن را هم دوست هنرمند گرامی مرتضی ممیز به میل شخصی نقش کرد.

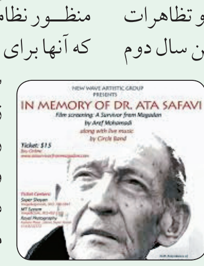
ادامه در صفحه۳

خاطرات عطاءالله صفوی

به سوی بهشت خیالی

پس از خروج ارتش شوروی از ایران و شکست فرقه دمکرات آذربایجان اختناق شدیدی در مازندران به راه افتاد: ماه عسل توده‌ای‌ها برای خودنمایی و تظاهرات و میتینگ تمام شده بود. در سال ۱۳۲٦ من سال دوم دانشسرا بودم.

روزی علی‌اکبری نامه‌ای از سوی سازمان جوانان بابلسر تحویل من داد که در آن از من خواسته شده بود که به وی کمک کنم تا وارد دانشسرا شود. با آن که دو سه ماه از سال تحصیلی گذشته بود، من از رئیس دانشسرا خواهش کردم علی‌اکبری را برای ورود به دانشسرا قبول کند. رئیس دانشسرا که از طرف مادری بستگی دوری با من داشت، خواهش مرا رد نکرد و علی وارد دانشسرا شد. یک روز من و مهدی قائمی با دوست جدید و هم حزبی‌مان، علی‌اکبری در خیابان راه‌آهن ساری گردش می‌کردیم، تا وارد مغازه‌ای شدیم. ناگهان سه چهار نفر نظامی ما را غافلگیر کردند و به سویمان هجوم آوردند. من و قائمی فرار کردیم و آن‌ها علی اکبری را دستگیر کردند. البته منظور نظامی‌ها من و قائمی نبودیم. ما متوجّه شدیم که آنها برای دستگیری ما دو نفر تلاشی نکردند. شب شد و از علی خبری نشد. صبح به اداره ژاندارمری که پشت مسجد ساری بود رفتم. رئیس ژاندارمری آقای نادری یا انوری بود. وی علّت دستگیری علی‌اکبری را شرح داد و گفت که او زمانی که قوای شوروی مازندران را اشغال کرده بود، یک مالک را در بابلسر با تیر زخمی کرده بوده و پس از خروج قوای شوروی از ایران مالک مذکور به شهربانی شکایت کرده است و اطلاع داده که اکبری حالا در دانشسرای ساری به تحصیل مشغول است. علی‌اکبری چند روز در ژاندارمری زندانی بود. من هر روز برایش نهار و شام می‌بردم. زیرا بابلسری بود و کسی را در ساری نداشت.



ادامه در صفحات ٤و٥

نگاه

به مناسبت ششصد و هجدهمین سال تولد جامی

جامی و ادبیات تعلیمی

دکتر سید جعفر حمیدی



اشاره: در گنجینه بسیار عظیم ادب فارسی انواع مختلف ادبی وجود دارد که یکی از آن انواع، ادبیات تعلیمی است. وسعت دایره ادبیات غنایی اگر چه بیشتر است و گویندگان و سرایندگان بسیار در این حوزه گام زده‌اند، اما ادبیات تعلیمی حرف و حدیث دیگری دارد که می تواند حتی در غنایی هم تاثیر بگذارد و نورالدین عبدالرحمن جامی از آن گونه شاعرانی است که عرفان و غنا و تعلیم را یک جا جمع آورده است. عصر جامی، عصر نفوذ و گسترش تصوف نقشبندیه در خراسان بزرگ بود و پدر جامی (احمد بن محمد دشتی) خود از ره یافتگان و بزرگان این فرقه بود و او توسط پدرش از دوران کودکی به این فرقه راه یافت. فخرالدین لورستانی و خواجه محمدپارسا از جمله مشایخی بودند که جامی از محضرشان کسب فیض کرد و تا آخر عمر نیز شکر فیض حضور این دو استاد خود را فراموش نکرد. جامی در مثنوی‌های خود به پند و اندرز فرزند خود پرداخت که در مثنوی‌های سلسله الذهب، سلامان و ابسال و یوسف و زلیخا تعلیمات او در چندین صفحه به اوج رسیده است.

مقدمه: تعلیم و تربیت و در اصطلاح ادیبان «ادبیات تعلیمی» درختی است هزار شاخه با هزاران میوه رنگارنگ و مختلف که ذایقه‌ها و سلیقه‌های متفاوت در هر گروه و رسته را شیرین کام و سیراب می‌سازد و ادبیات غنی و برازنده ما علاوه بر درخت‌های گوناگون که می توانیم نام آن‌ها را انواع ادبی بدانیم، بر این درخت ثمر دار و گهربار پیوسته تاکید داشته و آنرا انبوه و پربار و برگ آراسته است. ادبیات تعلیمی پیوسته دوش به دوش ادبیات غنایی گام برداشته و دائما کوشیده است که راهی به شهری آراسته و مزین به جواهر ادب و هنر و تعلیم و تربیت و اخلاق بیابد.

بیشتر متفکران و اندیشه‌وران سرزمین ایران چه در حوزه پزشکی و نجوم و سایر علوم و چه در حوزه ادبیات و علوم انسانی، تفکرات تعلیمی را نیز در قلمرو دانش و آثار خود دخیل کرده‌اند، چونان که وقتی به آثار مثلا ابن سینا، رازی، ابوریحان و دیگر بزرگان می‌نگریم به رگه‌هایی از اندیشه‌های تعلیمی بر می خوریم که از همه مهم‌تر و کامل‌تر، کتاب «اخلاق ناصری» است از خواجه نصیر الدین توسی (ت۵۹۷ف ۶۷۲ هـ‌ق). مولف به سال ۶۳۳ هـ‌ق. خواجه این کتاب را در سه مقالت یا سه گفتار تنظیم نموده است. مقالت اول در تهذیب اخلاق، مقالت دوم در تدبیر منزل و مقالت سوم در سیاست



مدن و به درستی از عهده بیان این سه موضوع برآمده است. کتاب‌های فراوان دیگر نیز مثل قابوسنامه تالیف کیکاوس بن اسکندر، بوستان سعدی و... در تعلیم و تربیت ، گام‌های موثری برداشته و تعلیم و تربیت را مطابق زمان خود ارایه نموده‌اند که چه بسا نظرها و اندیشه‌های آنها تا امروز هم کاربرد دارند و مورد استفاده قرار می گیرند.

جامی کیست؟

نورالدین عبدالرحمن جامی فرزند نظام‌الدین احمدبن محمددشتی، زاده شده در ۲۳ شعبان سال ۸۱۷ هـ‌ق در خرگرد جام که امروز دهستانی است از شهر «خواف» شهرستان تربت حیدریه. اجداد نظام الدین (پدر جامی) از محله دردشت اصفهان، سال‌ها پیش از این تاریخ به خرگرد مهاجرت کرده بودند و عبدالرحمن در این روستا تولد یافت. از کودکی آثار هوش و ذکاوت در چهره او آشکار بود در آن زمان تصوف فرقه نقشبندیه در خراسان رواج داشت و گفته‌اند که جامی از کودکی توسط پدرش نظام الدین به این فرقه صوفیه راه یافت، مولانافخرالدین لورستانی که از مشایخ بزرگ این فرقه بود، در سفری که به خرگرد داشت و در خانه نظام‌الدین فرود آمد و مدتی مهمان او بود، جامی در آن وقت سه ساله بود و فخرالدین، جامی را مورد لطف خود قرار داد. بار دیگر خواجه محمد پارسا از دیگر مشایخ معروف نقشبندیه که در سفر خود از جام می گذشت، نظام‌الدین احمد باجمعی به استقبال او رفتند و جامی که فقط پنج سال داشت به سفارش پدر خود، بر دوش یکی از متعلقان به حضور خواجه محمد پارسا رسید و مورد عنایت او قرار گرفت و یک حبه نبات کرمانی به او عنایت فرمود.(نفحات الانس، ۱۳۷۰ ص۳۹۶) این لطف و شفقت مولانا فخرالدین لورستانی و عنایت خواجه محمد پارسا، آنچنان در دل پاک این کودک اثر گذاشت که تا پایان زندگی اخلاص و اعتقاد و ارادت و محبت خود را نسبت به خواجگان این سلسله از دست نداد(نفحات الانس ص۴۵۵) در حلقه درس مولانا شهاب‌الدین جاجرمی بود که پیری روشن ضمیر یعنی سعدالدین کاشغری راهزن دل او شد و جامی به امر وی ریاضت‌ها و مجاهدت‌های بسیار سخت اختیار کرد و خلوت و چله‌نشینی برگزید که پس از شش ماه از خود خالی گشت و سال‌ها نیز طریق مولانا سعدالدین را پیمود و بعدها شاگرد خلف او گردید. (از سعدی تا جامی ۱۳۵۷ ص۷۵۴) جامی در درس و معرفت بیشتر از پدر خود نظام‌الدین الهام می گرفت. او هیچگاه بساط شیخی و مریدی و مرادی را نگسترد. او از دقیق‌ترین محققان و از بزرگترین عارفان عصر خود بوده که همه محققان هم عصر و بعد از وی به خوبی از او ستایش و یاد کرده‌اند(همان).

جامی در محرم ۸۹۸هـ‌ق در حالی که باعزت و احترام می‌زیست چشم از جهان فروبست و سلطان حسین بایقرا، در تشییع جنازه بسیار شکوهمند و محترمانه او شرکت کرد.(نفحات‌الانس ص یازده) جامی در تمام مدت عمر محترم زیست و برخلاف شاعران دیگر که در زندگی مشکلات فراوان داشتند، مشکلی در زندگی نداشت، بجز اینکه در بغداد او را متهم کردند به عداوت با آل علی علیه‌السلام.

با اینکه قطعه فصیحی درباره حضرت امام حسین(ع) سروده بود اما او توانست از خود دفع تهمت کند و موضوع را علیه مفسدان و مغرضان منعکس نماید.(از سعدی تا جامی ۱۳۵۷ ص۷۵۶)

کردم زدیده پای سوی مرقد حسین
هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین
خدام مرقدش به سرم گر نهند پای
حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین
جامی گدای حضرت او باش، تا شود
با راحت وصال، مبدل عذاب عین
میران زدیده اشک که در مشرب کریم
باشد قضای حاجت سایل، ادای دین
(قصاید ۱۳۸۰_۹۳)

جامی از بغدادیان چنان دلگیر شد که در مذمت آنان این شعر را سرود:

بگشای ساقیا به لب شط سر سبوی
وز خاطرم کدورت بغدادیان بشوی
مهرم به لب نه از قدح می که هیچکس
ز ابنای این دیار نیرزد به گفت و گوی
در راه عشق زهد و سلامت نمی خرند
خوش آنکه با جفا و ملامت گرفت خوی
از ناکسان وفا و مروت طمع مدار
از طبع دیو، خاصیت آدمی مجوی
جامی مقام راست روان نیست این زمین
برخیز تا نهیم به خاک حجاز، پای
(دیوان: ۱۳۸۰_ص۶۶)

فرزند بزرگ شیخ سعدالدین کاشغری یعنی خواجه محمداکبر معروف به خواجه کلان، دو دختر داشت که یکی از آنها به حباله نکاح جامی درآمد و دیگر به خانه مولانا فخرالدین علی صفی فرزند حسین واعظ کاشفی رفت.

ادامه دارد

گذر از تهران

سفرنامهٔ ارنست اورسل



دکتر علی‌اصغر سعیدی

ترجمه علی‌اصغر سعیدی: ساکنان اولیه‌ی تهران از لحاظ تمدن و شهرنشینی تعریفی ندارند. به طوری که وقایع‌نگار قرن سیزدهم ایرانی نقل کرده است:

آنها در زیرزمین‌هایی که شبیه زاغه و سرداب بود، زندگی می کردند. در مواقع حمله‌ی دشمن خود را در این پناهگاه‌ها که ورود به آنجا برای دیگران مشکل و حتی غیرممکن بود، مخفی می کردند. اگر محاصره چندین‌روز هم طول می کشید از مخفی گاه خود بیرون نمی‌آمدند، ولی به محض اینکه دشمن مأیوسانه از محاصره دست برمی‌داشت و به جایگاه خود برمی گشت، از پشت به آنها حمله کرده، در بین راه هرکه را می‌یافتند، قتل و غارت می کردند. ساکنان اولیه‌ی این شهر علیه سلاطین و حکم‌فرمایان خود نیز دایم دست به قیام و شورش می‌زدند. در این ناحیه جمعاً دوازده پارچه‌آبادی قرار داشت که اهالی تمام این ده کوره‌ها همیشه با هم در حال جنگ و ستیز بودند. وقتی که ساکنان تمامی آبادی‌ها نسبت به سلطانی اظهار انقیاد می کردند، نماینده‌ی سلطان برای مطالبه‌ی مالیات سردسته نواحی را دور هم جمع می‌کرد. در صورت تن دادن این سردسته‌ها به پرداخت مالیات هر کدام از آنان خروسی یا مرغی پیش آن نماینده می‌آورد و می گفت: «ارزش هر مرغ یا خروس یک دینار است!» و این تنها راه پرداخت مالیات بود. آنها زمین را به جای گاوآهن با تیشه و بیل شخم می‌زدند تا به جهت داشتن گاو مشمول مالیات نشوند و به همین علت حیوانات بارکش نیز نگه نمی‌داشتند. سرزمین آنها خاک حاصلخیزی دارد و مخصوصاً برای پرورش درختان میوه بسیار مناسب است که نظیر آن را در جاهای دیگر مشکل می توان یافت...».

تهرانی ها رفته‌رفته خوی و آداب و سنن خود را ترک گفتند. در قرن شانزدهم شاه طهماسب اول این دهکده را تبدیل به شهر کرد: «حسن موقع جغرافیایی، زیبایی مناظر، ثروت مراکز دادو ستد، کثرت آب و باغ‌های فراوان چنین اقدام به جایی را ایجاب می کرد.» در آغاز قرن هفدهم، پیترودلاواله در تهران «هیچ بنایی یا حتی موضوعی که قابل تذکر باشد» پیدا نکرده است. این سیاح ایتالیایی فقط از کثرت درختان چنار متعجب شده و تهران را چنارستان نامیده است.

در طی هجوم افاغنه به ایران تهران موقتاً پایتخت اسمی ایران بود: شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه سلسله صفوی، آنجا را برای محل اقامت خود برگزید. بعد از گذشت یک قرن و نیم ـ که توأم با انقلابات و جنگ‌های داخلی دایمی بود ـ سرانجام این شهر در سال ۱۷۹۵[۱۲۱۰ هـ‌ق] به وسیله‌ی آغامحمدخان، مؤسس سلسله‌ی قاجار، رسماً به پایتختی ایران انتخاب گردید. از آن تاریخ به بعد سه پادشاه پشت سرهم در این شهر به تخت سلطنت نشسته‌اند: فتحعلی‌شاه (۱۷۹۷ ـ ۱۸۳۴) [۱۲۱۲_۱۲۵۰ هـ‌ق] محمدشاه (۱۸۳۴ _۱۸۴۸) [۱۲۵۰ _۱۲۶۶ هـ‌ق] و ناصرالدین‌شاه، شاه فعلی. مسافرانی که در نیمه‌ی اول قرن [نوزدهم] از تهران دیدن کرده‌اند، همگی متفق‌القولند که این شهر مجموعه‌یی از کلبه‌هایی گلی بوده است. ولی این قضاوت مقرون به حقیقت و بی‌ریا دیگر در حال حاضر صادق نیست، زیرا ناصرالدین‌شاه بعد از جلوس به تخت سلطنت در زیبایی و آبادی پایتخت خود، تا آنجا که مقدور بوده، کوشیده است و اینک عنوان تهران یعنی تمیز؟) برای این شهر اسم کاملاً بامسمایی است.

دور شهر حصار بلندی کشیده شده که گویا نقشه‌ی آن از روی استحکامات شهر پاریس اقتباس شده است. این حصار دوازده دروازه دارد که همه آنها کاملاً شبیه دروازه‌ی شهر قزوین است. بیرون این حصار، حومه‌ی شهر که اغلب وضع اندوهناکی دارد واقع شده و دارای دیوار دیگری است که به زودی همه‌ی زمین‌های اطراف آنها را به صورت یک شهر تازه در خواهند آورد. جمعیت شهر و حومه بالغ بر صدو پنجاه هزار نفر می‌شود. البته تعداد دقیق آن معلوم نیست. در تابستان هوای شهر به شدت ناسالم است، به این جهت آنهایی که زندگی مرفهی دارند، این فصل را در ییلاق‌ها و کوهستان‌های اطراف شهر می گذرانند. اغلب صاحب نظران تبریز را که در حدود صدو بیست هزار نفر جمعیت دارد، از پایتخت پر جمعیت‌تر می دانند.

چون هنوز طرح راه آهنی که قرار است هند را به اروپا بپیوندد و تهران در آن صورت یکی از مراکز اصلی این شاهراه به شمار خواهد آمد اجرا نشده است، تعداد جهانگردان در این شهر بسیار معدود و انگشت‌شمار است. از این رو ورود یک مسافر تازه وارد به هتل پروو برای اروپاییانی که در تهران اقامت دارند حادثه‌ی جالبی محسوب می‌شود. البته درباره‌ی ما نیز این موضوع صادق بود: فردای آن روزی که وارد تهران شدیم، حسن خان(پیشخدمت هتل) بسته‌یی به همراه یک نامه‌ی محبت آمیز به دست ما داد که خیلی ما را به تعجب واداشت. این نامه را یک نفر بلژیکی نوشته بود و به شرح زیر بود:

بارون لویی دو نورمان هم میهنی که مدت‌ها است در ایران به سر می‌برد و در دربار موقعیت بسیار خوب و در وزارت خارجه پست دبیر کلی را دارد، خود را از هر لحاظ در اختیار شما می گذارد و از شما دعوت می کند طی مدتی که در ایران خواهید بود، او را مهماندار خود بدانید.

یک ساعت بعد با بارون دو نورمان چنان صمیمی شده بودیم که گویی سال‌ها است همدیگر را می شناختیم. بعد از این ملاقات به همراهی میرزا(منشی آقای دونورمان) جوان بسیار باهوش ارمنی ـ که خوب فرانسه حرف می‌زد ـ نزدیک به یک ماه تمام سراسر شهر و اطراف آن را زیرپا گذاشتیم و ...

تاریخ

دکتر منصوره اتحادیه

تاریخ به زبان داستان

اولین بنفشه‌ها



شـاه‌زاده و همراهانـش بـه سـوی اتومبیل‌هایـی کـه چمدان‌هـای متعـددی روی باربندهایشـان بسـته بودنـد، حرکـت کردنـد. شـاه‌زاده، با صدای بلند، جوری که همگان بشنوند، گفت:«الحمدلله جاده‌ها امن است و به امید خدا، به زودی زود، برمی گردیم.»

شـاه‌زاده خانم، عزت و دخترهایش، کنیز دده سـیاه، و چمن، سررسـیدند. دده سیاه یک سینی با قرآن و کاسه آب حمل می کرد و چمن، منقل اسفند را می‌آورد.

شـاه‌زاده خانم، دختر عموی عباس میرزا بود و در تمام مدت زناشویی، بی‌وفایی‌ها، بلندپروازی‌ها، تندخویی‌ها، و ول‌خرجی‌های شوهرش را، مهربانانه و بردبارانه تاب آورده بود، لیکن حاضر نشـده بود عبـاس میرزا را در تبعید نیـز همراهی کند؛ زیرا که می‌پنداشـت در تبعید، دیگر یار شـاطر همسـرش نخواهد بود و بیش‌تر بار خاطرش خواهد شد.

عبـاس میرزا مقابل زنش سـرخم کرد و چند ثانیه‌ای پیشانی‌اش را روی شانه او گذارد:«این غلام را ببخش!»

شـاه‌زاده خانـم، بـه زحمت اشـک‌هایش را مهار کرد و از شـوهرش خواسـت که مواظب پسر کوچکشـان باشـد.عباس میرزا نیز به محسن میرزا توصیـه کرد:«مراقب مادرت باش! خیلی برایم عزیز است.»

تعظیم کوتاهی به عزت کرد و بچه‌ها را بوسید و سـوار اتوموبیل شد. راننده ارمنی، اتوموبیل را راه انداخت و در پی آن، اتوموبیل دوم نیز راه افتاد.

دده سیاه کاسه آب را در مسیری که اتوموبیل‌ها رفته بودند، خالی کرد، که مسافرها هرچه زودتر، به خانه بازآیند.

عـزت، بچه‌هایـش را آزاد گذاشـت که بازی کنند:«من و پدرتان می‌خواهیم با شـاه‌زاده جان قدم بزنیم. حواستان باشد خودتان را خیس نکنید!»

عزت و شوهر و مادر شوهرش، کنار جوی آبی که از میان خیابان وسـطی باغ می گذشت، قدم‌زنان، به پیش رفتند.

محسـن میرزا زیر چشمی مادرش را می‌پایید و از سـکوت سـنگین او، ضعف و بی‌پناهی‌اش را احسـاس می‌کرد.شاه‌زاده خانم، همان‌طور که غرق در اندیشه سرنوشتش بود، به شکلی غیرمنتظره دولا شـد و در کناره جوی آب، گُل‌های بنفشه را نوازش کرد:«گل بنفشه! اولین بنفشه‌های سال!»

و زیر لب اضافه کرد:«آیا بنفشه‌های سال دیگر را هم خواهم دید؟!»

بغضش بی‌صدا ترکید و اشکش سرازیر شد.

از جایـی دور، صـدای چمـن بـه گـوش می‌رسید:«خانم جان! خانم جان!»

می‌دویـد و پیش می‌آمد. گونه‌های سـیاهش خیـس از عرق بود و چشـمانش می‌خواسـتند از حدقه‌ها بیرون بجهند.شـاه‌زاده خانم قد راست کرد و پرسید:«چه شده؟»

چمـن بـه زاری گفت:«ناهار، جعبـه ناهار را نبرده‌اند.»

مشت محکمی به سینه‌اش کوفت و نالید:

«بدون ناهار رفتند. به خدا تقصیر من نبود.»

شـاه‌زاده خانم لبخند غمینی زد و او را دلداری داد:«نگـران نباش چمن! حالا کـه رفته‌اند و کاری از دسـت ما برنمی‌آید، بگذار یک روز هم بی‌ناهار بمانند!»

برگرفته از : رمان «زندگی باید کرد»، کتاب سیامک

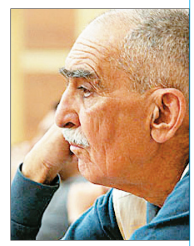
یاد

استاد ایرج افشار

دلنوشته ای از زنده یاد استاد ایرج افشار

فرزندم بابک

ادامه از صفحه اول

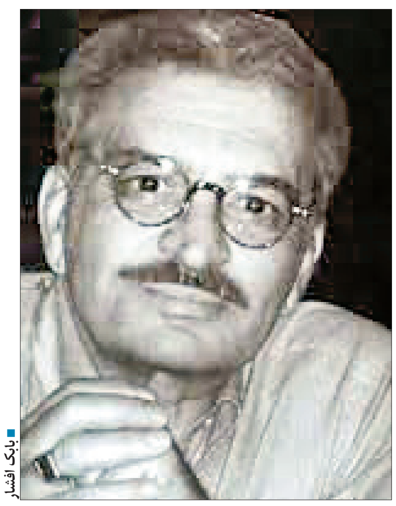


آن کتابفروشی مدتی در آن ساختمان که حوالی تخت طاووس قرار داشت دایر بود و چون مشـکلی بـرای آن محـل به‌وجود آمد ناچار کتابفروشی را به ساختمان‌فروردین‌نزدیک دانشگاه تهران منتقل کرد. آنجا محلی شده بود که استادان و دانشمندان آن را پاتوق خود قرار داده بودند و به قول اوانس اوانسیان «نخجیـرگاه تاریخ» بود. بابک از وضع و حالی که کتابفروشیش یافته بود لذت می‌برد، زیرا وجودش به جوشـیدن با مردم خو گرفته بود و از نشسـت و خاسـت تا شب خسـتگی پیدا نمی‌کرد. اصلاً با تنهایی خو نداشـت. او کار کتابفروشـی تاریخ را بـه تهیهٔ متون و کتابهای تاریخـی و ادبی منحصر کرده بود و هر چند یک‌بار هم کتابخانه‌ای شخصی می‌خریـد و می‌فروخـت. از آن جملـه کتابخانهٔ عبدالله انتظام و حسام‌الدین پازارگاد (مدیر روزنامهٔ خورشـید ایران) بود و نیـز از آن افراد دیگری که نامشان به یادم نیست. او با خریدن کتابخانه‌های از آن دست توانست با کتاب‌های چاپ قدیم ایران و هند آشنایی پیدا کند. به تدریج در رشتهٔ کتابفروشی کتب قدیمی خبرگی یافته بود و غالباً همکارانش از او دربارهٔ آن گونه کتابها پرس و جومی کردند.

کتابفروشی تاریخ تا سال ۱۳۷٤ ش دایر بود. در این سال چون عارضه قلبی برایش پیش آمد بلافاصله مورد توجه و رسیدگی طبی دوست دانشمندم دکتر محمد دانش‌پژوه قرار گرفت و چون فرمود که باید فوری بسـتری شود به لطف عزیزانم برادرِان دکتر میر در بیمارسـتان جم بسـتری شد و مالاً پزشک گرامی آقای دکتر تولا به حال او رسیدگی می کرد. البتـه دکتر دانش‌پژوه بی‌وقفه جویای وضع او بود. چون بهبود یافت برای اطمینان به فرانسـه رفت و در آنجا آقای دکتر گنج‌بخش (خویش همسر بابک) به او گفت چون بیش از یک رگت بسـتگی ندارد درمـان را بـا دارو و رعایت خـوراک ادامه بده. اما پیش‌آمد مرگ مادر عزیزش ضربه دیگری بود بر او و همزمان گرفتاریهای کتابفروشی بار دشوار بر او. ناگزیر به دست کشیدن از کار شد. ولی همیشه شاد بود و به یاد می‌آورد دوران برپا بودن کتابفروشـی تاریخ را (۱۳٦۰ـ۱۳۷٤ش) ازین رو که توانسته بود جریان نویی را در تاریخ کتابفروشی ایران به وجود بیاورد. روزگار خواست «کتابفروشی تاریخ» خود ورقی بشود از تاریخ.

بابک دوسـت‌نواز بـود و در مصاحبت با هر گروهی سـخن‌یاب بود. در مدتی که کتابفروشی تاریخ دایر بود دوسـتان و آشـنایان بسیار یافت و یکی از آن گروه همین علی دهباشی عزیز است که هنوز به مجله‌نویسـی نپرداخته بود و من نخستین بار او را همان جا دیدم. بابک با جمعی از ناشـران گرامی دوستی داشت. آن قدر که دریافتم با محسن باقـرزاده و برادرش حمید، برادران علمی (مهدی، حسین، اصغر)، عبدالغفار طهوری و فرزند گرامیش احمد، رضا جعفری، عبداللهی مدیر دنیای کتاب، بخشی مدیر هفت هنر، منوچهر زری‌باف و دیگران همدلی و همسـخنی داشت و با بعضی ادبا همانند سـید ابوالقاسـم انجوی و مرتضی عبدالرسـولی دوستی یافته بود و الفت دائمی میانشان بود. نسبت بـه عبدالرحیم جعفری و محمـود مطیر احترامی خاص قایل بود.

با دوسـتان و سروران من می جوشید. همیشه می گفـت و بـه یاد می‌آورد تندی مینـوی را، ولی احتـرام او را همـاره بـه نهایت نگاه می‌داشـت. می گفت مینوی در خانه ییلاقی ما (در کوشـکک) خوابیده بود و در خواب بود و سـیگاری زیر لبش دود می کرد. چون احساس کردم ممکن است آتش سـیگار بر روی او بیفتد یواشکی سیگار را از دهان او برگرفتم. مینوی بیدار شد و هوار کشید که بابک بـه چه حقی چنین کردی. بابک آن وقت سـیزده چهارده سـال بیش نداشت. از تشر مینوی ترسیده و از اتاق به سوی مادر خود دویده بود. مینوی پس از بیرون آمدن از اتاق چون آرام شـده بود بابک را مورد نوازش قرار داد. من آنجا نبودم و آن ماجرا را



بابک افشار

نخست از شایسته همسرم شنیدم و پس از آن بارها از بابک. حبیب یغمایی هم نسـبت به بابک مهر و عطوفت نیاکانه داشت.

در سـفرهای دراز بهـاری که در همصحبت خاندان مهدوی (دکتر یحیی و دکتر اصغر) و علی غفاری و مجید مهران بودیم مورد لطف خاص آن دو بـرادر بـود. دکتر یحیی خان به او دسـتور داده بود کـه کتابهای تاریخی و تحقیقی را منظماً برای کتابخانه مینوی بفرستد و بهایش را هرچند یک بار دریافـت می‌کرد. بابک با مژده و ندا فرزندان دلبند اصغر مهدوی در راه سـفر، همه جا، انس داشت و شـهین خانم مادر بزرگوار آنها بابک را همان‌گونه نوازش می‌داد.

بابک کتابفروشی خود را به اسلوبی نوین طرح ریخت. مکانی بود که کتابدوسـتان لای قفسـه‌ها چـرخ می‌زدند و کتابهـا را خود لمس می‌کردند و آنچه را می‌پسـندیدند برمی‌گزیدند. جز آن پاتوق دلپذیری شـده بود برای فضلا و استادان دانشگاه. می‌آمدند و می‌نشستند و می گفتند و می خندیدند و چای می‌نوشیدند. آنجا، دو برادر گرامی همسرش (حسن و حسین صوفی) پیش از رفتن به خارج به او یاری می‌دادند. آقای علی‌اصغر حسینی دوست قدیـم من هم به او کمـک می‌کرد و آن دکه رونق گرفته بود.

بابک به تاریخ دوران قاجار و پهلوی علاقه‌مند بـود و در آن زمینـه بسـیار می‌خوانـد. خـود در خانه‌اش مجموعه‌ای مفصل از خاطرات و تواریخ و سـفرنامه‌ها گرد آورد که شاید اکنون مانند کمتر داشته باشد.

بد نیسـت بنویسـم که ریچارد فرای اسـتاد هاروارد پس از پانزده سـالی که از ایران دور مانده بود سـفری از تاجیکسـتان به تهران آمد و مهمان دولـت بود. چون بـه آمریکا بازگشـت در مرکز خاورمیانه دانشـگاه هاروارد سخنانی درباره ایران گفت. از جمله از محفل کتابفروشی تاریخ یاد کرده و گفته بود که این کتابفروشـی جای دلپذیری بود زیرا دوسـتان دانشگاهی را می‌دیدم که عقاید خود را بی‌پیرایه و پوشیدگی بیان می‌کردند.

بابک سـاعت یازده شـب روز واقعه در خانه بـود و تلویزیـون می‌دید اما با گفتـن «ماری قلبم درد گرفت» بر زمین می‌افتد. ماری چون جیغ‌زنان تلفن کرد کمتر از ده دقیقه خودم را رسـاندم. دیدم اورژانس آمده اسـت. ولی کاری نتوانستند بکنند. با تلفنم سه دوست نازنین دکتر محمد دانش‌پژوه، دکتـر علی محمدمیر و دکتـر احمد میر خود را بر بالین او رسانیدند ولی گریان. آخرین برگ از تاریخ زندگی بابک این شب شوم بود.

بابـک با ماری (مرصع) صوفی سـیاوش در سوم بهمن ۱۳۵۲ پیمان همسری بست و خوشحالم که در زندگی همنوائی، همدلی و سازگاری میانشان بود و ماری در همه احوال و به شایسـتگی دلسوز او.بابـک بیقرار مادرش بـود و مرگ او برای بابک ثلمه‌ای بود جبران‌ناپذیر. بخشی از شادی زندگی او درین چند سال آخر تجدید دیدار با برادرانش بهرام و کوشـیار و آرش و همسـران و فرزندان آنها بود که در لوس‌آنجلس زندگی می‌کنند. خوشـبختانه میانشـان مراتب واقعی صمیمیت و عاشـقانگی برقرار بود. و چون به آنجا می‌رفت و بازمی‌گشت دل آرام می‌شد.

بابک به دوسـتان خود پایبندی بسیار داشت. چون سـعید کمالیان درگذشت خوب می‌دیدم که روانش دگرگونی گرفته اسـت. همه سـال به سر خـاک او می‌رفت. چند روز پیش از درگذشـتش بود که شـب به من تلفن کرد و گفت فردا می‌روم سر خاک سعید.

بهرام غفاری از دوسـتان عزیزش بود. من به راسـتی شـرمنده اویم که در مرگ بابک به کمک همسر بابک و من شتافت. نشان داد که پیوند میان او و بابک بیش از آن استوار و مهربانی‌اش بوده است که من تصور می‌کردم.

بابـک مورد محبت خاص مـادر و خاله من و عمه‌های خـود بود. او با عموهای کوچکش که تقریباً هم سـن بودند دوستی و هم‌سخنی داشت. چون نسـبت به خویشـان مادری خود دلبستگی داشـت هفته‌ای چند بار میان او با پسرعمه همسن عزیز من ـ بهروز افشار ـ احوال‌پرسی تلفنی برقرار بود.

در سـوگ او خویشـان و دوسـتان گرامـی نوازش گرانه سـرافرازم کردند. به مراسـم تشییع و مجلس یادبود تشـریف آوردند. در روزنامه‌ها با کلمات آرام‌بخش تسلیت گفتند و با فرستادن نامه و فاکس‌های دوسـتانه مرا هشـدار دادند که باید با فرو آمدن هرگونه واقعه‌ای قدر دوسـتی را گرامی داشت.اینک فرصتی است که از همه سپاسگزاری کنم و شـرمندگی مرا بپذیرنـد از این که نخواهم توانست چنانکه باید به جبران لطف آن‌ها بپردازم. همسر عزیز بابک نیز طبعاً همین حال را دارد.

آخرین فعالیت فرهنگی که چند روز پیش از درگذشتن انجام داد شرکت در مصاحبه‌ای بود که علی دهباشی با منوچهر ستوده ترتیب داد و از بابک خواسته بود که او را در طرح پرسش‌ها یاری بدهد. زیرا بابک از سن چهار پنج سالگی با خلق و خوی ستوده آشنایی گرفته و در مدت پنجاه و چند سال زمان‌های زیادی را با سـتوده (مخصوصاً در ییلاق کوشـکک) گذرانده بود و طبعاً می‌توانست ذهن ستوده را به تازه‌گویی وادارد.

چند روز پیش از درگذشـت هم، با سـتوده تلفنـی صحبت کرده و برای من خبر آورده بود که سـتوده می‌گوید تکلیف گردش نوروزی را معلوم کن.

نفت ایران؛ روایت استیون کینزر

مبارزه با گانگسترها

رعب و هراسی که اقتدار رضاخان در دل مردم ایجاد کرده بود ذوب شد و از میان رفت. هنگامی که یکی از زنان طبقهٔ مرفه به رانندهٔ خود اعتراض نمود که چرا وارد خیابان یک‌طرفه شده و در مسیر خلاف رانندگی می‌کند، مرد به وی پاسخ داد: «اوه! دیگر مهم نیست، قلدر رفته است!»

انگلیسی‌ها پس از وادارنمودن پیرمرد زورگو به کناره‌گیری از سلطنت، ابتدا به فکر آن افتادند که خاندان بدنام قاجار را مجدداً به روی کار بیاورند. اما وقتی که فهمیدند وارث تاج و تخت قاجاریه فردی است که در لندن زندگی می‌کند و اصلاً زبان فارسی بلد نیست، پذیرفتند که محمدرضا شاه را بر تخت بنشانند. بلافاصله پس از تاجگذاری، انگلیسی‌ها به شاه دستور دادند که یک سیاستمدار طرفدار بریتانیا یعنی محمدعلی فروغی را به عنوان نخست‌وزیر انتخاب نماید. آن‌ها از طریق فروغی عملاً بر ایران حکومت می‌کردند. انگلستان برای تضمین منافع خود، این فرمول قدیمی را که ایران باید به سه قسمت شود دوباره احیا نمود. نیروهای شوروی کنترل شمال را در دست داشتند و بخش جنوبی که میادین نفت، پالایشگاه آبادان و جادهٔ زمینی به سوی هندوستان نیز در آن واقع بود در اختیار انگلستان قرار گرفت.

ایرانی‌ها نیز اجازه داشتند، تحت نظارت کامل نیروهای اشغالگر، حکومت تهران و دیگر مناطق مرکزی کشور را در دست خود نگاه دارند.

متفقین در طول جنگ به خوبی از خاک ایران استفاده نمودند و نه تنها مقادیر عظیمی از نفت آن کشور را استخراج کردند بلکه چندین پایگاه بزرگ را ایجاد کردند که از طریق آن در خاورمیانه و شمال آفریقا به عملیات نظامی می‌پرداختند اما استاندارد زندگی شهروندان عادی ایران هر روز در مقایسه با قبل به سرعت سقوط می‌نمود. بخش عمدهٔ مواد غذایی، به جای آن‌که به مصرف مردم برسد مورد استفادهٔ نظامیان اشغالگر قرار می‌گرفت. کامیون‌ها و خطوط آهن نیز بیشتر مورداستفادهٔ نظامیان بود. با رونق گرفتن کار دلالان قیمت‌ها بالا رفت و کاهش برداشت محصولات کشاورزی مردم را به ورطهٔ گرسنگی کشاند. با تبدیل‌شدن فروغی به کانون خشم مردم، وی از کار برکنار شد اما جانشینان وی نیز بهتر از او عمل نکردند.

تا زمانی که جنگ ادامه داشت و ایران نیز تحت اشغال نظامی بود، امکان ابراز مخالفت وجود نداشت. اما بتدریج، حیات سیاسی از سر گرفته شد. همه متوجه شدند که جنگ و اشغال، شرایط موقت هستند و با پایان یافتن این شرایط، می‌توان کشور جدیدی را بنا نمود.

نه شاه جوان و نه نخست‌وزیران پرشمار وی موفق به جلب نظر مردم در سال‌های دههٔ ۱۹۴۰ نشدند. تنها چهره‌ای که در این دوران موردتوجه مردم قرار گرفت یک سرباز آمریکایی به نام ژنرال اچ.نورمن شوارتسکف بود که در سال ۱۹۴۲ به عنوان فرماندهٔ یک گروه نظامی وارد ایران شد. شوارتسکف از فارغ‌التحصیلان دانشگاه نظامی (وست پوینت) بود که به مقام ریاست پلیس ایالات نیوجرسی دست یافت. او در زمان هدایت پروندهٔ آدم‌ربایی‌های لیندبرگ (Lindbergh) به شهرت دست یافت و بعدها به مدت چند سال نیز در اجرای یک برنامهٔ رادیویی به نام «مبارزه با گانگسترها» (Gang Busters) شرکت داشت. با شروع جنگ جهانی دوم، او دوباره به ارتش ملحق شد و به ایران اعزام گردید. فرماندهان متفقین وظیفه بازسازی پلیس سنتی ایران را به شکل یک نیروی منظم به وی سپردند و او نیز مأموریت محوله را با تمام توان انجام داد.

خاطرات عطاءالله صفوی از سالهای شوروی

به سوی بهشت خیالی

ادامه از صفحه اول

پس از چند روز پیش رئیس ژاندارمری رفتم و از او خواهش کردم اکبری را موقتاً آزاد کند تا به تحصیلش ادامه بدهد و هر وقت برای بازجویی لازمش داشتند، تلفن کنند که برود. رئیس ژاندارمری مرد خوش قلبی بود! و درخواست مرا پذیرفت، ولی گفت: «شما از طرف خود یک ضمانت‌نامه بنویسید و بدانید که اگر او نیاید، شما مسؤول هستید». من این شرط را پذیرفتم چون خود را در برابر رفیق هم مرام مسؤول می‌دانستم. بالاخره اکبری آزاد شد، امّا پس از چند روز غیبش زد و ناپدید شد! گفتند که اکبری با یک هم‌کلاسی ما به نام علی‌طاهری به شوروی رفته‌اند. شهربانی و ژاندارمری متوجّه شدند که اکبری نیست. به خاطر ضمانتی که داده بودم آنها سراغ من آمدند و بازداشتم کردند. به رئیس ژاندارمری گفتم: «با بازداشت من مسأله حل نمی‌شود. بهتر است مرا مرخّص کنید تا علی‌اکبری را پیدا کنم. بالاخره او با من دوست است و حرفم را گوش می‌کند». رئیس ژاندارمری حرف قبول کرد، امّا تهدیدم کرد که اگر علی‌اکبری را پیدا نکنم یا در مازندران زندانی می‌شود، یا به بندرعبّاس و یا خارک تبعید می‌شوم.

من و قائمی به منزلمان در قائم‌شهر آمدیم. همان روز دیدیم یوسف لنکرانی، مسؤول پارتیزان‌های مازندران، دستگیر شد.

دستگیری‌ها به طور گسترده، شروع شده بود. وقتی حوادث شوم و باورنکردنی پی‌درپی نازل می‌شوند، مثل آجرهای ساختمان چنان روی هم مرتّب چیده می‌شوند که هر معمار ماهری حیرت می‌کند. من و قائمی با هم دوست صمیمی بودیم، آنچنان که فقط وقت خواب از هم جدا می‌شدیم. در همین روزها بود که قائمی مرا به کناری کشید و آهسته گفت: «دادگاه نظامی مهرعلی میانجی کارگر کارخانه نسّاجی را به ده سال زندان محکوم کرده، امّا او توانسته از زندان فرار کند و حالا قصد دارد به شوروی برود. تو هم که تحت نظر هستی: ضامن اکبری شدی و او اکنون در شوروی دارد کیف و تحصیل می‌کند. اگر موافق باشی ما هم می‌توانیم به شوروی برویم و پس از چند سال تحصیل به ایران برگردیم.»

من و قائمی در مدّت دو روز آماده سفر به «بهشت روی زمین» و کعبه آمال کمونیست‌های جهان یعنی شوروی! شدیم. مدارک حزبی و چند روزنامه که مطالبی درباره من در آن‌ها نوشته شده بود با خود برداشتم. امّا پولی برای خرج راه نداشتیم. مجبور شدیم شب از انبار دانشسرا یک پتو، دو دستکش مشت‌زنی، چند بشقاب و یک قابلمه بدزدیم و بفروشیم. چهار نفر؛ یعنی من، مهدی قائمی، حسن پورحسنی و مهرعلی میانجی، «چهار ستاره جاسوس امپریالیست»، از مازندران به طرف شوروی حرکت کردیم. قطار مسافربری تهران ـ بندرشاه غروب‌ها ساعت ۷ وارد قائم‌شهر می‌شد. بدون بلیط سوار قطار شدیم، زیرا پول کافی نداشتیم. هر کدام ما فقط با یک کوله‌پشتی رهسپار بهشت خیالی خود بودیم. تاریخ آغاز سرنوشت شوم ما اول اکتبر ۱۹٤۷ برابر با ۹ مهر ماه ۱۳۲٦، یعنی در ۲۰ سالگی من بود.

عبور از مرز

با قطار از قائم‌شهر به ساری و از آنجا به بندر رفتیم. در بندر شاه مهرعلی میانجی ما را به خانه دوست ترکمن خود برد. یک شبانه روز در خانه او مهمان بودیم. او به گرمی از ما پذیرایی کرد. ترکمن مهماندار ما از دوست محلّی خود خواست که برای عبور از مرز به ما کمک کند و راهنما و بلدچی ما باشد، و او قبول کرد. غروب بود. هوا داشت تاریک می‌شد و خورشید داشت توی دریای خزر غرق می‌شد. پس از تاریک شدن هوا، ما چهار نفر به همراه بلدچی به راه افتادیم. پس از طی مسافتی، بلدچی ایستاد و گفت: «خوب گوش کنید! همین‌طور راست به طرف شمال حرکت کنید و مرتّب به صدای امواج دریای خزر گوش کنید. این صدا قطب‌نمای شماست». او برگشت و ما طبق رهنمود او حرکت کردیم. تمام شب را به طرف مرز شوروی می‌دویدیم که تا پیش از سپیده به خلیج حسین‌قلی ـ که مرز ایران و شوروی است ـ برسیم. راه بهشت، شن‌زار و پر از خار شتر بود و به هنگام دویدن مدام پای ما را می‌خراشید. نیمه‌شب خیلی خسته شدیم. خواستیم بخوابیم، اما مهرعلی میانجی مخالفت کرد و گفت: اگر بخوابیم راه را گم می‌کنیم. بنابراین به دویدن ادامه دادیم. مهرعلی میانجی حرکت مشترک ما را تنظیم می‌کرد. چند ساعت پس از نیمه شب صدای موتور شنیدیم و نور چراغ اتومبیل به چشم‌مان افتاد. من یک لحظه کور شدم. میانجی فرمان داد که روی زمین دراز بکشیم. فوری توی علف‌های خارشتر دراز کشیدیم. اتومبیل مرتّب به این سمت و آن سمت می‌رفت. اگر مستقیم به طرف ما می‌آمد یک یا دو نفر از ما را له می‌کرد. نمی‌دانم چه شد که نرسیده به ما برگشت و رفت. سرنوشت را نگاه کن! یکی از ما گفت: برگردیم، و من این شعر حافظ را خواندم:

در بیابان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان، غم مخور

بعدها، در اردوگاه‌های کار اجباری قطب شمال در نزدیکی آلاسکا، به ساده‌لوحی خود و کعبهٔ خود ناسزا گفتم و آرزو کردم ای کاش آن شب ماشین مرا له می‌کرد. مهرعلی میانجی هم می‌گفت: «ای کاش در ایران دستگیر و اعدام می‌شدم، اما گرفتار این سیستم لعنتی و این انسان‌های وحشی‌تر از حیوان نمی‌شدم».

پذیرایی سوسیالیستی

صبح سوّم اکتبر ۱۹٤۷ بود. از دور یک برج دیده‌بانی به بلندی ۱۵ـ۱۰ متر جلوی ما هویدا شد. اول ترسیدیم و خیال کردیم که مال ایران است. نمی‌دانستیم که ایران اصلاً مرزبان و دیده‌بان و سیم‌خاردار ندارد! می‌دیدیم که دیده‌بان با دوربین خود ما را زیر نظر دارد. از ترس، بی‌حرکت در جای خود نشسته بودیم و به او چشم دوخته بودیم. پس از چند دقیقه متوجّه شدیم سه چهار دیده‌بان به ما نگاه می‌کنند. مدتی گذشت، تا ناگهان چهار مأمور اسب سوار با یک سگ گرگی (آفچارکا Ovcharka ـ سگ گلّه، سگ نگهبان) پیدایشان شد و شروع به داد زدن کردند. از حرف‌های آنها چیزی دستگیرمان نمی‌شد، تا یکی از سربازها به طرف ما آمد. او با تفنگش به دست ما زد و با اشاره فهماند که دستهایمان را بالا ببریم. دستمان را بالا بردیم. آنها شروع به تفتیش بدنی کردند و بعد دستور دادند به شکم روی زمین بخوابیم. ما مثل بچه‌های با ادب و حرف گوش



کن بودیم. مگر می‌شود حرف برادر را گوش نکرد؟ با لباس‌های تمیز و پلوخوری‌مان، فوری روی زمین دراز کشیدیم. ما را باش که با بهترین لباس موجودمان به مهمانی تشریف آورده بودیم! بار دوم خیلی دقیق ما را تفتیش کردند. بعد گفتند: بلند شوید. بلند شدیم. سگ را به طرف ایران رها کردند. سگ رفت، دوری زد و با تکّه نانی در دهانش باز آمد و آن را به رئیس خود داد. او سگ را نوازش کرد و تکّه نان را در جیب خود گذاشت. در این مدت مرزبانان کوله‌پشتی‌ها و جیب‌های ما را تفتیش کردند و سپس ما را همانند اسیران جنگی با دستان رو به بالا جلو انداختند و خودشان سوار بر اسب و مسلّح، از پشت سر ما براه افتادند. سگ درندهٔ مرزبانان بدون وقفه پارس می‌کرد و فضای هراسناکی در دل‌های ما ایجاد می‌کرد. سربازان لوله مسلسل را به سمت ما نشانه رفته بودند. معنی این کار گویا این بود که مبادا فکر فرار به سرمان بزند. پس از مدتی به سیم‌های خاردار مرزی رسیدیم و آنوقت متوجه شدیم که سربازان، ما را از خاک ایران به مرز شوروی آورده‌اند. به محض ورود به خاک شوروی به دست‌های ما دستبند زدند و با ماشین باری به نزدیک‌ترین پاسگاه مرزبانی واقع در مصب اترک ـ که روس‌ها آن را حسن‌قلی می‌نامند ـ حرکت دادند.

با آن وضعی که پیش آمد و رفتاری که سربازان با ما کردند، خیلی زود فهمیدیم که اشتباه کرده‌ایم و گول خورده‌ایم، و پشیمان شدیم. خیال می‌کردیم اولین کشور سوسیالیستی ما را همانند مادر به آغوش خواهد کشید و در دامان خود با مهر و محبّت تربیت خواهد کرد. ما چه می‌دانستیم که به کشوری انسان‌کُش پناه آورده‌ایم؟ دیگر کار از کار گذشته بود. با این حال هنوز امید خود را از دست نداده بودیم. حماقت و سادگی ما را ببین! فکر می‌کردیم برادر بزرگ ما را امتحان و آزمایش می‌کند که آیا ما حقیقتاً برادر کوچکش هستیم یا نه! مگر نه این است که اولین کشور سوسیالیستی جهان دشمن زیاد دارد و در احاطه کشورهای امپریالیستی است و باید از خود دفاع کند؟ مسلّماً وقتی ثابت بشود که ما حزبی و توده‌ای هستیم، فوراً ما را به دانشگاه روانه خواهند کرد تا کادر مفیدی برای ایران آینده باشیم!

در مرز ما را در اتاقی که بیشتر به طویله شباهت داشت انداختند. از پنجره این اتاق منطقه مرزی و اطراف را تماشا می‌کردیم. ناگاه صدای تیر و مسلسل بلند شد. یک نفر به زبان ترکمنی داد و فریاد می‌کرد. داد و فریاد او با صدای تیر و مسلسل قاطی شده بود. صحنه برای ما خیلی وحشتناک بود. پس از مدتی دیدیم نعش یک نفر را توی گاری گذاشتند و بردند. ما حسابی شوکه شده بودیم. سکوت مرگ‌آوری در اتاق بازداشتگاه حاکم‌شدو زمان‌مان‌بندآمد.پورحسنی‌سکوت‌مرگ‌آوراتاق‌بازداشتگاه را شکست و گفت: «آقا ما راستی راستی به شوروی آمده‌ایم؟» پس از چند ساعت باز ما را با همان دستبندها از مرز به قزل اترک انتقال دادند و در اتاق نسبتاً بزرگی انداختند. پس از این همه وقت، شروع به حرف زدن با یکدیگر کردیم. متوجه شدیم که تمام دیوارهای اتاق را خط کشیده‌اند. میانجی که تجربه زندان داشت، گفت: «این خط‌ها تعداد روزهایی است که دیگران در اینجا انتظار کشیده‌اند». وحشت نفس‌مان را بند آورد. آیا ما هم به این تعداد روز و شب در اینجا ماندنی هستیم؟! باز متوجه شدیم که نام و نام‌خانوادگی زندانیان قبل از ما روی دیوار کنده شده است. شاید برای خوانندگان محترم این پرسش پیش آید که چرا مسئولین این بازداشتگاه واکنشی در مقابل افرادی که اسم خود را روی دیوار می‌نوشتند نشان نمی‌دادند؟ مسلّماً اطمینان داشتند کسی نمی‌تواند از دستشان فرار کند و به این نوشته‌ها اهمیت نمی‌دادند. حقیقتاً نیز چنین بود. هیچ‌کس موفق به فرار از شوروی نشد. پس از چندی ما در زدیم و به نگهبان فهماندیم که تشنه هستیم و آب می‌خواهیم. سرباز رفت و پس از مدتی یک سطل برزنتی آب آورد، و رفت. به یاد آوردم که در زمان جنگ جهانی دوم روس‌ها در شاهی اسب‌های خود را با آن سطل‌های برزنتی آب می‌دادند! چاره‌ای نداشتیم و ناگزیر بودیم از آن سطل آب بنوشیم. ساعت ۱۲ شب شد. خسته بودیم. کسی از ما خبری نمی‌گرفت. می‌خواستیم بخوابیم، اما کجا؟ چگونه؟ باز در زدیم. سربازی آمد. به وی فهماندیم که کجا و چگونه بخوابیم؟ او پس از چند دقیقه مقدار زیادی کاه آورد، روی کف اتاق ریخت و با اشاره به ما فهماند که این رختخواب ما است.

هم‌وطن عزیز، اولین شب خوابیدن ما در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را مجسم کن! من قدرت آن را ندارم که اوضاع آشفته روحی خودمان را توصیف کنم. نمی‌توانستیم بفهمیم این چه سوسیالیسمی است! آب دادن‌شان را نگاه کن! جای خواب‌شان را ببین! ما در ایران خانه و زندگی داشتیم. من با آنکه از خانواده فقیری بودم، ولی در تمام عمرم روی کاه نخوابیده بودم و کسی را هم ندیده بودم که از کاه به عنوان تشک استفاده کند. از خستگی خودمان را روی کاه انداختیم و دراز کشیدیم. هر چهار نفرمان در خواب و بیداری با غم و غصّه دست به گریبان بودیم و مثل مار گزیده‌ها به خود می‌پیچیدیم، به فکر و خیال می‌رفتیم. این پرسش در سرمان می‌چرخید که چه سرنوشت و آینده‌ای در انتظار ماست.

صبح زود، باز هم صدای چکمه‌ها به گوش رسید. در باز شد و با اشاره سربازها از طویله بیرون آمدیم. باصطلاح می‌بایست برای رفع حاجت به مستراح برویم. ما که بیرون آمدیم، پشت سر ما سربازها هم با مسلسل به راه افتادند و مستراح را نشانمان دادند. درباره مستراح‌های سوسیالیسم شوروی می‌توان یک فصل کامل نوشت، که اگر یک ایرانی، آن هم ایرانی نسل حاضر آن را بخواند، حالش دگرگون می‌شود: یک گودال به عمق ٤ـ۳ متر و به طول ۸ تا ۱۰ متر و به عرض ۲ متر که رویش با تخته پوشانده شده و در فاصله هر ۷۵ سانتیمتر سوراخی در تخته به گودال باز کرده‌اند! یک طرف این مستراح باز است و سربازها با مسلسل روبرویت ایستاده‌اند و به چشم‌هایت نگاه می‌کنند. حالا بچه مسلمان، بیا و رفع حاجت کن! تازه برای این نوع رفع حاجت وقت ۵ـ٤ دقیقه‌ای هم معین کردند. سربازها داد می‌زدند: زود باشید، بلند شوید! باید به جای خودتان بروید. از آفتابه، کاغذ و کلوخ هم خبری نبود. درست مثل گاو و گوسفند باید کار خودمان را می‌کردیم. من دیگر بیشتر از این شرح نمی‌دهم. آری، زندگی سگی ما در کشور شوراها به رهبری استالین کبیر، که در ایران برای ما کمتر از خدا نبود، این طور شروع شد. وقتی به یاد می‌آوردم که ما و رهبران ما در ایران با چه شور و شوقی از شوروی و استالین ناآگاهانه دفاع می‌کردیم، به حالت جنون دچار می‌شدم. انگار یک سطل آب سرد و بعد یک سطل آب گرم بر سرم فرو می‌ریخت. یازده روزی که در قزل اترک در طویله زندانی بودیم، هر روز از ما بازجویی می‌کردند. ما تمام مدارک حزبی و سازمانی را که در کف کفشمان پنهان کرده بودیم با امید و آرزوهای خود با بازجویان دادیم. روز ۱۲ اکتبر ۱۹٤۷ باز با همان دستبندهای آهنی که تکان می‌خوردی حلقه دستبند تنگ‌تر می‌شد، ما را توی اتومبیل باربری انداختند. جلوتر از ما دو سرباز سوار شدند، سپس ما سوار شدیم و بعد از ما دو سرباز دیگر هم سوار شدند. دو ارشد سربازان هم با راننده جلوی اتومبیل نشستند. اتومبیل یک شبانه روز به طرف قزل آروات می‌راند. هوا سرد بود. برف به سر و صورتمان می‌بارید. دستبندها به دست‌هایمان متصل بود و نمی‌توانستیم برف‌ها را از سر و صورتمان پاک کنیم. اتومبیل شب هنگام در یک منطقه نظامی توقف کرد و ما را برای استراحت در یک اتاقک چوبی بسیار کوچک انداختند و درش را بستند. ما چهار نفری توی این کابین ایستاده بودیم. جای قضای حاجت هم نبود. روز بعد به قزل آروات رسیدیم. باز ما را در اتاق کوچکی که زندان موقت بود انداختند، قزل آروات در میانه راه آهن عشق آباد به بندر کراسنوودسک Krasnovodsk واقع است.

نزدیک به غروب بود که باز سر و صدا شد. یک جوان ترکمن را که فروشنده مغازه بود به جرم کم فروشی یا گران فروشی به سلول ما انداختند. میانجی و پورحسنی که زبان ترکمنی می‌دانستند سخنان او را برای ما ترجمه می‌کردند. جوان ترکمن قسم می‌خورد که گناهکار نیست و او را به ناحق دستگیر کرده‌اند. انگار بقیه زندانیان، از جمله ما و چندین میلیون انسانهایی که نابود شدند، مرتکب گناهی بودند و فقط این طفلک را بی گناه دستگیر کرده بودند! او به ما قول داد که اگر فردا ثابت شود گناه کار نیست و آزاد بشود برای ما نهار می‌آورد. او را صبح برای بازجویی بردند. هنگام غروب دیدیم او برای ما چای و قند و نان سفید فرستاده است. نان را در جای تر کردیم و خوردیم.

ده سالی که عمر ما در اردوگاه‌های کار اجباری و زندان‌ها گذشت، من دیگر هرگز نان سفید و قند ندیدم. ضمناً این جوان ترکمن اولین و آخرین فردی بود که دیدم از دست این دستگاه جهنمی خلاصی یافت. در زندان قزل آروات نگهبان ما ترکمن بود و از حرفهایش بر می‌آمد که موضوع ضد شوروی دارد. از این که ما به شوروی آمده بودیم بسیار عصبانی بود. مرتب به ما فحش می‌داد و به ترکمنی می‌گفت: «احمق‌ها! چرا اینجا آمدید؟ آن زندگی در ایران، آن نخود و کشمش‌ها، آن خرماها، پرتقال و لیموها دلتان را زده بود؟ حالا بکشید! تازه کجایش را دیده‌اید؟ هنوز زود است. بعداً می‌فهمید!» حرفهای او خیلی برای ما شیرین و خنده‌آور بود. بیچاره حقیقت را می‌گفت. می‌دانست که سرنوشت ما چه خواهد شد.



کاوش

نوشتاری‌از استاد دکتر رضا داوری‌اردکانی-۵

علم و جامعه

ظاهراً علم گرچه مایه افتخار است وسیله مفاخرت نیست بلکه قدرتی است که در شئون جامعه سریان دارد. پیداست که دانش دانشمندان ایرانی مقیم اروپا و آمریکا گرچه ممکن است مورد استفاده اهل دانش و پژوهش داخل کشور قرار گیرد در نظام علم و قدرت علمی کشور وارد نمی‌شود. ولی مگر مقالاتی که دانشمندان مقیم کشور می‌نویسند و به خارج می‌فرستند جایی در قدرت و نظام علم کشور پیدا می‌کند و تفاوتی با مقالات هموطنان مقیم خارج دارد. وجه مشترک این مقالات این است که هر دو در فهرست‌های جهانی ثبت می‌شوند که البته از این حیث منشأ اثر نیستند مگر اینکه چون در فهرست جهانی آمده‌اند کسانی راه دسترسی به آنها را می‌یابند و به آنها رجوع می‌کنند اما ثبت مقاله در فهرست جهانی بر قدرت علمی نمی‌افزاید. شاید اختلاف این است که مقالات دانشمندان مقیم خارج چون بیشتر پاسخ به مسائل مبتلی به یا طرحی برای کارسازی است علاوه بر درج و ثبت در فهرست‌ها در نظام علمی کشور محل اقامتشان وارد می‌شود و بر توان آن کشور می‌افزاید. پس تعارضی که به آن اشاره کردیم مهم است و رفع آن آسان نیست. ولی اگر چنین است چرا تاکنون به آن توجهی نشده و حتی در مراکز سیاست علم کشور از آن حرفی نزده‌اند. اگر دانشمندان کشور در این باب تعارضی ندیده‌اند باید فکر کرد که شاید تفاوتی ظریف و پنهان میان نوشتن مقاله به زبان خارجی و ارسال آن به خارج از یکسو و مهاجرت دانشمندان از کشور و اقامت در کشور دیگر از سوی دیگر وجود دارد و با این تفاوت است که اولی امری موجه می‌شود و دومی حداقل به صورت مشکلی که باید رفع و علاج شود رخ می‌نماید. در اینجا به این نکته که علم را باید به زبان خود نوشت تا این زبان، زبان علم شود کاری نداشته باشیم و در جستجوی مرز ظریف یا ظرافتی باشیم که صدور مقاله را از مهاجرت دانشمندان و دانششان ممتاز می‌کند. اگر دانشمندان و صاحبنظران و روشنفکران در این باب تامل کنند به روشن شدن سیاست علم کشور و شاید به درک عمیق وضع علم و فراهم آوردن مقدمات تاسیس نظام علم و جامعه علمی کمک می‌کنند. آنچه اکنون به نظر می‌رسد این است که بالا بودن آمار مقالات نشانه گسترش دامنه پژوهش‌ها و افزایش تعداد پژوهندگان است ولی پژوهش‌هایی که در گردش چرخ زندگی مردم و امور کشور وارد نشوند چندان به کار کشور نمی‌آیند و جز اینکه دوستداران دانش به آنها بنازند سودی ندارد.

٦ـ در وضع بیگانگی با زمان و تاریخ هرچه در باب آزادی و عدالت گفته شود جایی استوار در دل و جان مردم و در نظام زندگی پیدا نمی‌کند. راه تاریخ تجدید راهی بسیار دشوار بوده است این راه صرفاً راه سیاست و علم و اقتصاد نیست. اگر در تاریخ جهان جدید (البته با دیده بسیار کمیاب عبرت‌بین) نظر کنیم در می‌یابیم که تاریخ تجدید غربی تاریخ فلسفه و هنر و سیاست و اخلاق ناظر به علم تکنولوژیک است یعنی علم و تکنولوژی در فضای فلسفه و هنر و سیاست جدید و در تناسب با آنها بسط یافته است. این تاریخ لوازم و آثار ذاتی و عرضی بسیار گوناگون داشته است که گاهی آنها را عین ذات غرب یا اموری پراکنده و اتفاقی تلقی می‌کنند. وقتی کسانی این آثار و بخصوص عوارض ثانوی آن را با تمامیت تجدد و تاریخ جدید غرب و اروپا اشتباه می‌کنند از درک جهانی که در آن به سر می‌برند باز می‌مانند. یا وقتی می‌پندارند که تجدد مجموعه‌ای از چیزهای خوب و بد است که در کنار هم قرار گرفته‌اند یا غربی‌ها به اینجا و آنجا نظر کرده و هرچه را که برای رسیدن به مقصود خود مناسب و مفید دیده‌اند برگرفته و به کار برده‌اند در نسبتی نادرست با جهان وارد می‌شوند مخصوصا وقتی می‌گویند غرب در اصل فاسد و ظالم است و اگر خوبی‌هایی دارد آن را از جای دیگر گرفته و زینت و سرپوش زشتی‌ها و وسیله استیلای خود کرده است و پیوند خود را با آنچه در جهان گذشته است و می‌گذرد قطع می‌کنند. البته هریک از این صاحبان داعیه شواهدی هم برای اثبات مدعای خود دارند زیرا در غرب و جهان تجدد زیبایی‌ها و خوبی‌ها را در کنار زشتی‌ها و بدی‌ها می‌توان دید. جهان متجدد هرگز از تجاوز و استیلا پروا نداشته و حتی علم و فرهنگ همه اقوام روی زمین را تملک کرده است. پس مدعی بخصوص وقتی از فهم نسبت میان قدرت و آزادی در می‌ماند و نمی‌داند مزیت‌های تجدید را با قهر آن چگونه جمع کند غرب را مجموعه‌ای از امور متباین می‌پندارد غرب به فرض اینکه چنین مجموعه‌ای باشد باید دید که اندیشه و اراده جمع‌آوری همه چیز از همه جای عالم، کی و چگونه پدید آمده و آنها که داشته‌های خود را به غرب متجدد داده‌اند چه برسرشان آمده بود که داشته‌های خود را نگاه نداشتند و آن را به بیگانه دادند. جهان متجدد مجموعه کنار هم گذاشته شده خوبها و بدها و درستها و نادرستها و زشتها و زیباها نیست. غرب متجدد اراده و اندیشه‌ای است که می‌خواهد همه چیز و همه جا را در ذیل اصولی جمع کند و بر آنها مسلط شود. به عبارت دیگر غرب جدید یک تاریخ است. تاریخی که بشر درآن باید به قدرت برسد و آزادی هم از لوازم قدرت و یا شاید بتوان گفت مقوم ذات بشری است که باید بر جهان مسلط شود.

ادامه دارد

مناظره

مناظره دکترمصدق و سید ضیاء/۷

بیل می‌زدم

سید ضیاء: خواستم دو هزار لیره تلگرافی برای بنده ارسال شود. من حقیقتاً خیلی خوشحال شدم زیرا برای آن زمین بایری که خریده بودم (گرچه اعتبار من در آنجا بیش از ایران بود و اعراب مسلم با بنده کمک کرده بودند) محتاج به پول بودم و با رسید این دو هزار لیره خوشحال شدم.

سال بعد به طمع افتادم و دوباره اجازه خواستم، این مرتبه شاه اوقاتشان تلخ شد. گفته‌اند در دیگ باز است حیای گربه کجا است؟ و فرمودند: دارایی سید ضیاءالدین را دولت بخرد. محرمانه بماند خوشحال شدم ولی به روی خودم نیاوردم. گفتم: خیلی خوب دولت بخرد. پس از آنکه امر فرمودند دولت بخرد، آمدند کارخانه حروف‌ریزی و سایر مؤسسات مرا به ۱۸۰ هزار تومان تقویم کردند ولی کلمه گرم‌تر از آن‌ها چونه زدند و گفتند: این را به ۱٤۰ هزار تومان قبول کنید به شرط اینکه لیره را هشت تومان قبول کنید و بالاخره یک سال طول کشیده و لیره را هم ۱۲ تومان حساب کردند و چهار هزار لیره ضرر کردم و بروی خودم نیاوردم و بالاخره هشت، نه هزار لیره برای من فرستادند و من از این سخاوت بزرگانه همایونی در مورد خودم حق دارم ممنون باشم.

به هر حال این پول را گرفتم و آن ملک را آباد کردم ملک عظیمی شد. فعلاً ساعتی ۱۱۰ متر کرپ آب دارد و سالی هم چند هزار لیره (فعلاً کاغذی است ولی امید است که بعدها طلا بشود) عایدی دارد. روزها از پنج صبح تا هشت بعدازظهر خودم بیل می‌زدم (با آن بیل زدن حالا هم حرف می‌زنم) بیل می‌زدم، کار می‌کردم زراع شدم و اتفاقاً در زراعت هم تخصص پیدا کردم و البته این کار همه کس نیست (خنده نمایندگان) این بود زندگانی بنده که در ظرف مدت ۲٤ سال از مملکت دور بودم و حالا چون که تبسمی با هم مبادله کردیم از شما نمی‌پرسم چگونه زندگانی کردید و از کجا آوردید!

ابوالقاسم امینی: اغلب وکلا و همه مردم ایران می‌دانند از کجا آورده‌اند.

سید ضیاء: یک نکات دیگری را که دیروز نتوانستم زیاد توضیح بدهم امروز اضافه می‌کنم راجع به کودتای انگلیسی که انگلیس‌ها کودتا نداشتند!! گذشته از آن هیچ شخص منصفی نمی‌تواند تصور بکند انگلیس‌ها در موقعی که اصولاً روابط سیاسی با ممالک اتحاد شوروی نداشتند و حتی در بعضی از نقاط دنیا در جنگ و ستیزه با شوروی‌ها بودند در ایران کودتا کردند برای اینکه یک مملکت دولت شوروی را به رسمیت بشناسد.

دقت کنید! آقا انگلستان هنوز در آن تاریخ دولت شوروی را نشناخته بود و هیچ دولتی از دول عالم غیر از آلمان با شوروی مناسباتی نداشت و از نقطه نظر کاپیتالیست دنیا در آن روز نزدیک شدن به دول سویت یک جرمی بود.

مظفرزاده: کراسین آن وقت لندن بود.

سید ضیاء: آن روز یک جرمی بود و به واسطه چنین جرمی بود که رجال دولت ایران در مدت ۳ سال پیشنهادات حکومت مسکو و دولت اتحاد جماهیر شوروی مورد توجه قرار ندادند. بین رجال ما بودند کسانی که خواهان آن قرارداد بودند از جمله مرحوم مشیرالدوله، مرحوم مستوفی‌الممالک ولی مقتضیات طوری بود که نمی‌توانستند پس از استعفای وثوق‌الدوله.

اگر قبول بکنیم هر رئیس‌الوزرایی را وزیر مختار انگلیس آورده پس باید قبول کنیم که قبل از کودتای بنده هم مستر نرمان یک کودتای دیگری کرد رفت پیش مشیرالدوله خواهش کرد و التماس کرد که: آقای مشیرالدوله! شما مرد شریفی هستید بیاید رئیس‌الوزرای ایران بشوید و من حاضر هستم همان‌طور همراهی با شما بکنم.

مرحوم مشیرالدوله آمد قبول کرد و رئیس‌الوزرا شد و شش ماه هم رئیس‌الوزرا بود و وضعیت قرارداد هم همان‌طور بود که قبلاً بود. او یک شخص شریفی بود ولی البته جرأت یک کارهایی را نداشت و گفت مربوط به من نیست، مربوط به مجلس شورای ملی است.

نفت ایران؛ روایت استیون کینزر

مبارزه با گانگسترها

رعب و هراسی که اقتدار رضاخان در دل مردم ایجاد کرده بود ذوب شد و از میان رفت. هنگامی که یکی از زنان طبقهٔ مرفه به رانندهٔ خود اعتراض نمود که چرا وارد خیابان یک‌طرفه شده و در مسیر خلاف رانندگی می‌کند، مرد به وی پاسخ داد: «اوه! دیگر مهم نیست، قلدر رفته است!»

انگلیسی‌ها پس از وادارنمودن پیرمرد زورگو به کناره‌گیری از سلطنت، ابتدا به فکر آن افتادند که خاندان بدنام قاجار را مجدداً به روی کار بیاورند. اما وقتی که فهمیدند وارث تاج و تخت قاجاریه فردی است که در لندن زندگی می‌کند و اصلاً زبان فارسی بلد نیست، پذیرفتند که محمدرضا شاه را بر تخت بنشانند. بلافاصله پس از تاجگذاری، انگلیسی‌ها به شاه دستور دادند که یک سیاستمدار طرفدار بریتانیا یعنی محمدعلی فروغی را به عنوان نخست‌وزیر انتخاب نماید. آن‌ها از طریق فروغی عملاً بر ایران حکومت می‌کردند. انگلستان برای تضمین منافع خود، این فرمول قدیمی را که ایران باید به سه قسمت شود دوباره احیا نمود. نیروهای شوروی کنترل شمال را در دست داشتند و بخش جنوبی که میادین نفت، پالایشگاه آبادان و جادهٔ زمینی به سوی هندوستان نیز در آن واقع بود در اختیار انگلستان قرار گرفت.

ایرانی‌ها نیز اجازه داشتند، تحت نظارت کامل نیروهای اشغالگر، حکومت تهران و دیگر مناطق مرکزی کشور را در دست خود نگاه دارند.

متفقین در طول جنگ به خوبی از خاک ایران استفاده نمودند و نه تنها مقادیر عظیمی از نفت آن کشور را استخراج کردند بلکه چندین پایگاه بزرگ را ایجاد کردند که از طریق آن در خاورمیانه و شمال آفریقا به عملیات نظامی می‌پرداختند اما استاندارد زندگی شهروندان عادی ایران هر روز در مقایسه با قبل به سرعت سقوط می‌نمود. بخش عمدهٔ مواد غذایی، به جای آن‌که به مصرف مردم برسد مورد استفادهٔ نظامیان اشغالگر قرار می‌گرفت. کامیون‌ها و خطوط آهن نیز بیشتر مورداستفادهٔ نظامیان بود. با رونق گرفتن کار دلالان قیمت‌ها بالا رفت و کاهش برداشت محصولات کشاورزی مردم را به ورطهٔ گرسنگی کشاند. با تبدیل‌شدن فروغی به کانون خشم مردم، وی از کار برکنار شد اما جانشینان وی نیز بهتر از او عمل نکردند.

تا زمانی که جنگ ادامه داشت و ایران نیز تحت اشغال نظامی بود، امکان ابراز مخالفت وجود نداشت. اما بتدریج، حیات سیاسی از سر گرفته شد. همه متوجه شدند که جنگ و اشغال، شرایط موقت هستند و با پایان یافتن این شرایط، می‌توان کشور جدیدی را بنا نمود.

نه شاه جوان و نه نخست‌وزیران پرشمار وی موفق به جلب نظر مردم در سال‌های دههٔ ۱۹۴۰ نشدند. تنها چهره‌ای که در این دوران موردتوجه مردم قرار گرفت یک سرباز آمریکایی به نام ژنرال اچ.نورمن شوارتسکف بود که در سال ۱۹۴۲ به عنوان فرماندهٔ یک گروه نظامی وارد ایران شد. شوارتسکف از فارغ‌التحصیلان دانشگاه نظامی (وست پوینت) بود که به مقام ریاست پلیس ایالات نیوجرسی دست یافت. او در زمان هدایت پروندهٔ آدم‌ربایی‌های لیندبرگ (Lindbergh) به شهرت دست یافت و بعدها به مدت چند سال نیز در اجرای یک برنامهٔ رادیویی به نام «مبارزه با گانگسترها» (Gang Busters) شرکت داشت. با شروع جنگ جهانی دوم، او دوباره به ارتش ملحق شد و به ایران اعزام گردید. فرماندهان متفقین وظیفه بازسازی پلیس سنتی ایران را به شکل یک نیروی منظم به وی سپردند و او نیز مأموریت محوله را با تمام توان انجام داد.

خاطرات عطاءالله صفوی از سالهای شوروی

به سوی بهشت خیالی

ادامه از صفحه اول

پس از چند روز پیش رئیس ژاندارمری رفتم و از او خواهش کردم اکبری را موقتاً آزاد کند تا به تحصیلش ادامه بدهد و هر وقت برای بازجویی لازمش داشتند، تلفن کنند که برود. رئیس ژاندارمری مرد خوش قلبی بود! و درخواست مرا پذیرفت، ولی گفت: «شما از طرف خود یک ضمانت‌نامه بنویسید و بدانید که اگر او نیاید، شما مسؤول هستید». من این شرط را پذیرفتم چون خود را در برابر رفیق هم مرام مسؤول می‌دانستم. بالاخره اکبری آزاد شد، امّا پس از چند روز غیبش زد و ناپدید شد! گفتند که اکبری با یک هم‌کلاسی ما به نام علی‌طاهری به شوروی رفته‌اند. شهربانی و ژاندارمری متوجّه شدند که اکبری نیست. به خاطر ضمانتی که داده بودم آنها سراغ من آمدند و بازداشتم کردند. به رئیس ژاندارمری گفتم: «با بازداشت من مسأله حل نمی‌شود. بهتر است مرا مرخّص کنید تا علی‌اکبری را پیدا کنم. بالاخره او با من دوست است و حرفم را گوش می‌کند». رئیس ژاندارمری حرف قبول کرد، امّا تهدیدم کرد که اگر علی‌اکبری را پیدا نکنم یا در مازندران زندانی می‌شود، یا به بندرعبّاس و یا خارک تبعید می‌شوم.

من و قائمی به منزلمان در قائم‌شهر آمدیم. همان روز دیدیم یوسف لنکرانی، مسؤول پارتیزان‌های مازندران، دستگیر شد.

دستگیری‌ها به طور گسترده، شروع شده بود.وقتی حوادث شوم و باورنکردنی پی‌درپی نازل می‌شوند، مثل آجرهای ساختمان چنان روی هم مرتّب چیده می‌شوند که هر معمار ماهری حیرت می‌کند. من و قائمی با هم دوست صمیمی بودیم، آنچنان که فقط وقت خواب از هم جدا می‌شدیم. در همین روزها بود که قائمی مرا به کناری کشید و آهسته گفت: «دادگاه نظامی مهرعلی میانجی کارگر کارخانه نسّاجی را به ده سال زندان محکوم کرده، امّا او توانسته از زندان فرار کند و حالا قصد دارد به شوروی برود. تو هم که تحت نظر هستی: ضامن اکبری شدی و او اکنون در شوروی دارد کیف و تحصیل می‌کند. اگر موافق باشی ما هم می‌توانیم به شوروی برویم و پس از چند سال تحصیل به ایران برگردیم.»

من و قائمی در مدّت دو روز آماده سفر به «بهشت روی زمین» و کعبه آمال کمونیست‌های جهان یعنی شوروی! شدیم. مدارک حزبی و چند روزنامه که مطالبی درباره من در آن‌ها نوشته شده بود با خود برداشتم. امّا پولی برای خرج راه نداشتیم. مجبور شدیم شب از انبار دانشسرا یک پتو، دو دستکش مشت‌زنی، چند بشقاب و یک قابلمه بدزدیم و بفروشیم. چهار نفر؛ یعنی من، مهدی قائمی، حسن پورحسنی و مهرعلی میانجی، «چهار ستاره جاسوس امپریالیست»، از مازندران به طرف شوروی حرکت کردیم. قطار مسافربری تهران ـ بندرشاه غروب‌ها ساعت ۷ وارد قائم‌شهر می‌شد. بدون بلیط سوار قطار شدیم، زیرا پول کافی نداشتیم. هر کدام ما فقط با یک کوله‌پشتی رهسپار بهشت خیالی خود بودیم. تاریخ آغاز سرنوشت شوم ما اول اکتبر ۱۹۴۷ برابر با ۹ مهر ماه ۱۳۲۶، یعنی در ۲۰ سالگی من بود.

عبور از مرز

با قطار از قائم‌شهر به ساری و از آنجا به بندر رفتیم. در بندر شاه مهرعلی میانجی ما را به خانه دوست ترکمن خود برد. یک شبانه روز در خانه او مهمان بودیم. او به گرمی از ما پذیرایی کرد. ترکمن مهماندار ما از دوست محلّی خود خواست که برای عبور از مرز به ما کمک کند و راهنما و بلدچی ما باشد، و او قبول کرد. غروب بود. هوا داشت تاریک می‌شد و خورشید داشت توی دریای خزر غرق می‌شد. پس از تاریک شدن هوا، ما چهار نفر به همراه بلدچی به راه افتادیم. پس از طی مسافتی، بلدچی ایستاد و گفت: «خوب گوش کنید! همین‌طور راست به طرف شمال حرکت کنید و مرتّب به صدای امواج دریای خزر گوش کنید. این صدا قطب‌نمای شماست». او برگشت و ما طبق رهنمود او حرکت کردیم. تمام شب را به طرف مرز شوروی می‌دویدیم که تا پیش از سپیده به خلیج حسین‌قلی ـ که مرز ایران و شوروی است ـ برسیم. راه بهشت، شن‌زار و پر از خار شتر بود و به هنگام دویدن مدام پای ما را می‌خراشید. نیمه‌شب خیلی خسته شدیم. خواستیم بخوابیم، اما مهرعلی میانجی مخالفت کرد و گفت: اگر بخوابیم راه را گم می‌کنیم. بنابراین به دویدن ادامه دادیم. مهرعلی میانجی حرکت مشترک ما را تنظیم می‌کرد. چند ساعت پس از نیمه شب صدای موتور شنیدیم و نور چراغ اتومبیل به چشم‌مان افتاد. من یک لحظه کور شدم. میانجی فرمان داد که روی زمین دراز بکشیم. فوری توی علف‌های خارشتر دراز کشیدیم. اتومبیل مرتّب به این سمت و آن سمت می‌رفت. اگر مستقیم به طرف ما می‌آمد یک یا دو نفر از ما را له می‌کرد. نمی‌دانم چه شد که نرسیده به ما برگشت و رفت. سرنوشت را نگاه کن! یکی از ما گفت: برگردیم، و من این شعر حافظ را خواندم:

در بیابان گر بشوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان، غم مخور

بعدها، در اردوگاه‌های کار اجباری قطب شمال در نزدیکی آلاسکا، به ساده‌لوحی خود و کعبهٔ خود ناسزا گفتم و آرزو کردم ای کاش آن شب ماشین مرا له می‌کرد. مهرعلی میانجی هم می‌گفت: «ای کاش در ایران دستگیر و اعدام می‌شدم، اما گرفتار این سیستم لعنتی و این انسان‌های وحشی‌تر از حیوان نمی‌شدم».

پذیرایی سوسیالیستی

صبح سوّم اکتبر ۱۹۴۷ بود. از دور یک برج دیده‌بانی به بلندی ۱۵ـ۱۰ متر جلوی ما هویدا شد. اول ترسیدیم و خیال کردیم که مال ایران است. نمی‌دانستیم که ایران اصلاً مرزبان و دیده‌بان و سیم‌خاردار ندارد! می‌دیدیم که دیده‌بان با دوربین خود ما را زیر نظر دارد. از ترس، بی‌حرکت در جای خود نشسته بودیم و به او چشم دوخته بودیم. پس از چند دقیقه متوجّه شدیم سه چهار دیده‌بان به ما نگاه می‌کنند. مدتی گذشت، تا ناگهان چهار مأمور اسب سوار با یک سگ گرگی (آفچارکا Ovcharka ـ سگ گلّه، سگ نگهبان) پیدایشان شد و شروع به داد زدن کردند. از حرف‌های آنها چیزی دستگیرمان نمی‌شد، تا یکی از سربازها به طرف ما آمد. او با تفنگش به دست ما زد و با اشاره فهماند که دستهایمان را بالا ببریم. دستمان را بالا بردیم. آنها شروع به تفتیش بدنی کردند و بعد دستور دادند به شکم روی زمین بخوابیم. ما مثل بچه‌های با ادب و حرف گوش



کن بودیم. مگر می‌شود حرف برادر را گوش نکرد؟ با لباس‌های تمیز و پلوخوری‌مان، فوری روی زمین دراز کشیدیم. ما را باش که با بهترین لباس موجودمان به مهمانی تشریف آورده بودیم! بار دوم خیلی دقیق ما را تفتیش کردند. بعد گفتند: بلند شوید. بلند شدیم. سگ را به طرف ایران رها کردند. سگ رفت، دوری زد و با تکّه نانی در دهانش باز آمد و آن را به رئیس خود داد. او سگ را نوازش کرد و تکّه نان را در جیب خود گذاشت. در این مدت مرزبانان کوله‌پشتی‌ها و جیب‌های ما را تفتیش کردند و سپس ما را همانند اسیران جنگی با دستان رو به بالا جلو انداختند و خودشان سوار بر اسب و مسلّح، از پشت سر ما براه افتادند. سگ درندهٔ مرزبانان بدون وقفه پارس می‌کرد و فضای هراسناکی در دل‌های ما ایجاد می‌کرد. سربازان لوله مسلسل را به سمت ما نشانه رفته بودند. معنی این کار گویا این بود که مبادا فکر فرار به سرمان بزند. پس از مدتی به سیم‌های خاردار مرزی رسیدیم و آنوقت متوجه شدیم که سربازان، ما را از خاک ایران به مرز شوروی آورده‌اند. به محض ورود به خاک شوروی به دست‌های ما دستبند زدند و با ماشین باری به نزدیک‌ترین پاسگاه مرزبانی واقع در مصب اترک ـ که روس‌ها آن را حسن‌قلی می‌نامند ـ حرکت دادند.

با آن وضعی که پیش آمد و رفتاری که سربازان با ما کردند، خیلی زود فهمیدیم که اشتباه کرده‌ایم و گول خورده‌ایم، و پشیمان شدیم. خیال می‌کردیم اولین کشور سوسیالیستی ما را همانند مادر به آغوش خواهد کشید و در دامان خود با مهر و محبّت تربیت خواهد کرد. ما چه می‌دانستیم که به کشوری انسان‌کُش پناه آورده‌ایم؟ دیگر کار از کار گذشته بود. با این حال هنوز امید خود را از دست نداده بودیم. حماقت و سادگی ما را ببین! فکر می‌کردیم برادر بزرگ ما را امتحان و آزمایش می‌کند که آیا ما حقیقتاً برادر کوچکش هستیم یا نه! مگر نه این است که اولین کشور سوسیالیستی جهان دشمن زیاد دارد و در احاطه کشورهای امپریالیستی است و باید از خود دفاع کند؟ مسلّماً وقتی ثابت بشود که ما حزبی و توده‌ای هستیم، فوراً ما را به دانشگاه روانه خواهند کرد تا کادر مفیدی برای ایران آینده باشیم!

در مرز ما را در اتاقی که بیشتر به طویله شباهت داشت انداختند. از پنجره این اتاق منطقه مرزی و اطراف را تماشا می‌کردیم. ناگاه صدای تیر و مسلسل بلند شد. یک نفر به زبان ترکمنی داد و فریاد می‌کرد. داد و فریاد او با صدای تیر و مسلسل قاطی شده بود. صحنه برای ما خیلی وحشتناک بود. پس از مدتی دیدیم نعش یک نفر را توی گاری گذاشتند و بردند. ما حسابی شوکه شده بودیم. سکوت مرگ‌آوری در اتاق بازداشتگاه حاکم‌شدو زمان‌مان‌بندآمد. پورحسنی سکوت‌مرگ‌آور اتاق بازداشتگاه را شکست و گفت: «آقا ما راستی راستی به شوروی آمده‌ایم؟» پس از چند ساعت باز ما را با همان دستبندها از مرز به قزل اترک انتقال دادند و در اتاق نسبتاً بزرگی انداختند. پس از این همه وقت، شروع به حرف زدن با یکدیگر کردیم. متوجه شدیم که تمام دیوارهای اتاق را خط کشیده‌اند. میانجی که تجربه زندان داشت، گفت: «این خط‌ها تعداد روزهایی است که دیگران در اینجا انتظار کشیده‌اند». وحشت نفس‌مان را بند آورد. آیا ما هم به این تعداد روز و شب در اینجا ماندنی هستیم؟! باز متوجه شدیم که نام و نام‌خانوادگی زندانیان قبل از ما روی دیوار کنده شده است. شاید برای خوانندگان محترم این پرسش پیش آید که چرا مسئولین این بازداشتگاه واکنشی در مقابل افرادی که اسم خود را روی دیوار می‌نوشتند نشان نمی‌دادند؟ مسلّماً اطمینان داشتند کسی نمی‌تواند از دستشان فرار کند و به این نوشته‌ها اهمیت نمی‌دادند. حقیقتاً نیز چنین بود. هیچ‌کس موفق به فرار از شوروی نشد. پس از چندی ما در زدیم و به نگهبان فهماندیم که تشنه هستیم و آب می‌خواهیم. سرباز رفت و پس از مدتی یک سطل برزنتی آب آورد، و رفت. به یاد آوردم که در زمان جنگ جهانی دوم روس‌ها در شاهی اسب‌های خود را با آن سطل‌های برزنتی آب می‌دادند! چاره‌ای نداشتیم و ناگزیر بودیم از آن سطل آب بنوشیم. ساعت ۱۲ شب شد. خسته بودیم. کسی از ما خبری نمی‌گرفت. می‌خواستیم بخوابیم، اما کجا؟ چگونه؟ باز در زدیم. سربازی آمد. به وی فهماندیم که کجا و چگونه بخوابیم؟ او پس از چند دقیقه مقدار زیادی کاه آورد، روی کف اتاق ریخت و با اشاره به ما فهماند که این رختخواب ما است.

هم‌وطن عزیز، اولین شب خوابیدن ما در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را مجسم کن! من قدرت آن را ندارم که اوضاع آشفته روحی خودمان را توصیف کنم. نمی‌توانستیم بفهمیم این چه سوسیالیسمی است! آب دادن‌شان را نگاه کن! جای خواب‌شان را ببین! ما در ایران خانه و زندگی داشتیم. من با آنکه از خانواده فقیری بودم، ولی در تمام عمرم روی کاه نخوابیده بودم و کسی را هم ندیده بودم که از کاه به عنوان تشک استفاده کند. از خستگی خودمان را روی کاه انداختیم و دراز کشیدیم. هر چهار نفرمان در خواب و بیداری با غم و غصّه دست به گریبان بودیم و مثل مار گزیده‌ها به خود می‌پیچیدیم، به فکر و خیال می‌رفتیم. این پرسش در سرمان می‌چرخید که چه سرنوشت و آینده‌ای در انتظار ماست.

صبح زود، باز هم صدای چکمه‌ها به گوش رسید. در باز شد و با اشاره سربازها از طویله بیرون آمدیم. باصطلاح می‌بایست برای رفع حاجت به مستراح برویم. ما که بیرون آمدیم، پشت سر ما سربازها هم با مسلسل به راه افتادند و مستراح را نشانمان دادند. درباره مستراح‌های سوسیالیسم شوروی می‌توان یک فصل کامل نوشت، که اگر یک ایرانی، آن هم ایرانی نسل حاضر آن را بخواند، حالش دگرگون می‌شود: یک گودال به عمق ۴ـ۳ متر و به طول ۸ تا ۱۰ متر و به عرض ۲ متر که رویش با تخته پوشانده شده و در فاصله هر ۷۵ سانتیمتر سوراخی در تخته به گودال باز کرده‌اند! یک طرف این مستراح باز است و سربازها با مسلسل روبرویت ایستاده‌اند و به چشم‌هایت نگاه می‌کنند. حالا بچه مسلمان، بیا و رفع حاجت کن! تازه برای این نوع رفع حاجت وقت ۵ـ۴ دقیقه‌ای هم معین کردند. سربازها داد می‌زدند: زود باشید، بلند شوید! باید به جای خودتان بروید. از آفتابه، کاغذ و کلوخ هم خبری نبود. درست مثل گاو و گوسفند باید کار خودمان را می‌کردیم. من دیگر بیشتر از این شرح نمی‌دهم. آری، زندگی سگی ما در کشور شوراها به رهبری استالین کبیر، که در ایران برای ما کمتر از خدا نبود، این طور شروع شد. وقتی به یاد می‌آوردم که ما و رهبران ما در ایران با چه شور و شوقی از شوروی و استالین ناآگاهانه دفاع می‌کردیم، به حالت جنون دچار می‌شدم. انگار یک سطل آب سرد و بعد یک سطل آب گرم بر سرم فرو می‌ریخت. یازده روزی که در قزل اترک در طویله زندانی بودیم، هر روز از ما بازجویی می‌کردند. ما تمام مدارک حزبی و سازمانی را که در کف کفشمان پنهان کرده بودیم با امید و آرزوهای خود با بازجویان دادیم. روز ۱۲ اکتبر ۱۹۴۷ باز با همان دستبندهای آهنی که تکان می‌خوردی حلقه دستبند تنگ‌تر می‌شد، ما را توی اتومبیل باربری انداختند. جلوتر از ما دو سرباز سوار شدند، سپس ما سوار شدیم و بعد از ما دو سرباز دیگر هم سوار شدند. دو ارشد سربازان هم با راننده جلوی اتومبیل نشستند. اتومبیل یک شبانه روز به طرف قزل آروات می‌راند. هوا سرد بود. برف به سرو صورتمان می‌بارید. دستبندها به دست‌هایمان متصل بود و نمی‌توانستیم برف‌ها را از سرو صورتمان پاک کنیم. اتومبیل شب هنگام در یک منطقه نظامی توقف کرد و ما را برای استراحت در یک اتاقک چوبی بسیار کوچک انداختند و درش را بستند. ما چهار نفری توی این کابین ایستاده بودیم. جای قضای حاجت هم نبود. روز بعد به قزل آروات رسیدیم. باز ما را در اتاق کوچکی که زندان موقت بود انداختند، قزل آروات در میانه راه آهن عشق آباد به بندر کراسنوودسک Krasnovodsk واقع است.

نزدیک به غروب بود که باز سر و صدا شد. یک جوان ترکمن را که فروشنده مغازه بود به جرم کم فروشی یا گران فروشی به سلول ما انداختند. میانجی و پورحسنی که زبان ترکمنی می‌دانستند سخنان او را برای ما ترجمه می‌کردند. جوان ترکمن قسم می‌خورد که گناهکار نیست و او را به ناحق دستگیر کرده‌اند. انگار بقیه زندانیان، از جمله ما و چندین میلیون انسانهایی که نابود شدند، مرتکب گناهی بودند و فقط این طفلک را بی‌گناه دستگیر کرده بودند! او به ما قول داد که اگر فردا ثابت شود گناه کار نیست و آزاد بشود برای ما نهار می‌آورد. او را صبح برای بازجویی بردند. هنگام غروب دیدیم او برای ما چای و قند و نان سفید فرستاده است. نان را در جای تر کردیم و خوردیم.

ده سالی که عمر ما در اردوگاه‌های کار اجباری و زندان‌ها گذشت، من دیگر هرگز نان سفید و قند ندیدم. ضمنا این جوان ترکمن اولین و آخرین فردی بود که دیدم از دست این دستگاه جهنمی خلاصی یافت. در زندان قزل آروات نگهبان ما ترکمن بود و از حرفهایش بر می‌آمد که موضوع ضد شوروی دارد. از این که ما به شوروی آمده بودیم بسیار عصبانی بود. مرتب به ما فحش می‌داد و به ترکمنی می‌گفت: «احمق‌ها! چرا اینجا آمدید؟ آن زندگی در ایران، آن نخود و کشمش‌ها، آن خرماها، پرتقال و لیموها دلتان را زده بود؟ حالا بکشید! تازه کجایش را دیده‌اید؟ هنوز زود است. بعداً می‌فهمید!» حرفهای او خیلی برای ما شیرین و خنده‌آور بود. بیچاره حقیقت را می‌گفت. می‌دانست که سرنوشت ما چه خواهد شد.



کاوش

نوشتاری‌از استاد دکتر رضا داوری‌اردکانی-۵

علم و جامعه

ظاهراً علم گرچه مایه افتخار است وسیله مفاخرت نیست بلکه قدرتی است که در شئون جامعه سریان دارد. پیداست که دانش دانشمندان ایرانی مقیم اروپا و آمریکا گرچه ممکن است مورد استفاده اهل دانش و پژوهش داخل کشور قرار گیرد در نظام علم و قدرت علمی کشور وارد نمی‌شود. ولی مگر مقالاتی که دانشمندان مقیم کشور می‌نویسند و به خارج می‌فرستند جایی در قدرت و نظام علم کشور پیدا می‌کند و تفاوتی با مقالات هموطنان مقیم خارج دارد. وجه مشترک این مقالات این است که هر دو در فهرست‌های جهانی ثبت می‌شوند که البته از این حیث منشأ اثر نیستند مگر اینکه چون در فهرست جهانی آمده‌اند کسانی راه دسترسی به آنها را می‌یابند و به آنها رجوع می‌کنند اما ثبت مقاله در فهرست جهانی بر قدرت علمی نمی‌افزاید. شاید اختلاف این است که مقالات دانشمندان مقیم خارج چون بیشتر پاسخ به مسائل مبتلی به یا طرحی برای کارسازی است علاوه بر درج و ثبت در فهرست‌ها در نظام علمی کشور محل اقامتشان وارد می‌شود و بر توان آن کشور می‌افزاید. پس تعارضی که به آن اشاره کردیم مهم است و رفع آن آسان نیست. ولی اگر چنین است چرا تاکنون به آن توجهی نشده و حتی در مراکز سیاست علم کشور از آن حرفی نزده‌اند. اگر دانشمندان کشور در این باب تعارضی ندیده‌اند باید فکر کرد که شاید تفاوتی ظریف و پنهان میان نوشتن مقاله به زبان خارجی و ارسال آن به خارج از یکسو و مهاجرت دانشمندان از کشور و اقامت در کشور دیگر از سوی دیگر وجود دارد و با این تفاوت است که اولی امری موجه می‌شود و دومی حداقل به صورت مشکلی که باید رفع و علاج شود رخ می‌نماید. در اینجا به این نکته که علم را باید به زبان خود نوشت تا این زبان، زبان علم شود کاری نداشته باشیم و در جستجوی مرز ظریف یا ظرافتی باشیم که صدور مقاله را از مهاجرت دانشمندان و دانشجویان ممتاز می‌کند. اگر دانشمندان و صاحبنظران و روشنفکران در این باب تامل کنند به روشن شدن سیاست علم کشور و شاید به درک عمیق وضع علم و فراهم آوردن مقدمات تاسیس نظام علم و جامعه علمی کمک می‌کنند. آنچه اکنون به نظر می‌رسد این است که بالا بودن آمار مقالات نشانه گسترش دامنه پژوهش‌ها و افزایش تعداد پژوهندگان است ولی پژوهش‌هایی که در گردش چرخ زندگی مردم و امور کشور وارد نشوند چندان به کار کشور نمی‌آیند و جز اینکه دوستداران دانش به آنها بنازند سودی ندارد.

۶ـ در وضع بیگانگی با زمان و تاریخ هرچه در باب آزادی و عدالت گفته شود جایی استوار در دل و جان مردم و در نظام زندگی پیدا نمی‌کند. راه تاریخ تجدید راهی بسیار دشوار بوده است این راه صرفاً راه سیاست و علم و اقتصاد نیست. اگر در تاریخ جهان جدید (البته با دیده بسیار کمیاب عبرت‌بین) نظر کنیم در می‌یابیم که تاریخ تجدید غربی تاریخ فلسفه و هنر و سیاست و اخلاق ناظر به علم تکنولوژیک است یعنی علم و تکنولوژی در فضای فلسفه و هنر و سیاست جدید و در تناسب با آنها بسط یافته است. این تاریخ لوازم و آثار ذاتی و عرضی بسیار گوناگون داشته است که گاهی آنها را عین ذات غرب یا اموری پراکنده و اتفاقی تلقی می‌کنند. وقتی کسانی این آثار و بخصوص عوارض ثانوی آن را با تمامیت تجدد و تاریخ جدید غرب و اروپا اشتباه می‌کنند از درک جهانی که در آن به سر می‌برند باز می‌مانند. یا وقتی می‌پندارند که تجدد مجموعه‌ای از چیزهای خوب و بد است که در کنار هم قرار گرفته‌اند یا غربی‌ها به اینجا و آنجا نظر کرده و هرچه را که برای رسیدن به مقصود خود مناسب و مفید دیده‌اند برگرفته و به کار برده‌اند در نسبتی نادرست با جهان وارد می‌شوند مخصوصا وقتی می‌گویند غرب در اصل فاسد و ظالم است و اگر خوبی‌هایی دارد آن را از جای دیگر گرفته و زینت و سرپوش زشتی‌ها و وسیله استیلای خود کرده است و پیوند خود را با آنچه در جهان گذشته است و می‌گذرد قطع می‌کنند. البته هریک از این صاحبان داعیه شواهدی هم برای اثبات مدعای خود دارند زیرا در غرب و جهان تجدد زیبایی‌ها و خوبی‌ها را در کنار زشتی‌ها و بدی‌ها می‌توان دید. جهان متجدد هرگز از تجاوز و استیلا پروا نداشته و حتی علم و فرهنگ همه اقوام روی زمین را تملک کرده است. پس مدعی بخصوص وقتی از فهم نسبت میان قدرت و آزادی در می‌ماند و نمی‌داند مزیت‌های تجدید را با قهر آن چگونه جمع کند غرب را مجموعه‌ای از امور متباین می‌پندارد غرب به فرض اینکه چینن مجموعه‌ای باشد باید دید که اندیشه و اراده جمع‌آوری همه چیز از همه جای عالم، کی و چگونه پدید آمده و آنها که داشته‌های خود را به غرب متجدد داده‌اند چه بر سرشان آمده بود که داشته‌های خود را نگاه نداشتند و آن را به بیگانه دادند. جهان متجدد مجموعه کنار هم گذاشته شده خوبها و بدها و درستها و نادرستها و زشتها و زیباها نیست. غرب متجدد اراده و اندیشه‌ای است که می‌خواهد همه چیز و همه جا را در ذیل اصولی جمع کند و بر آنها مسلط شود. به عبارت دیگر غرب جدید یک تاریخ است. تاریخی که بشر درآن باید به قدرت برسد و آزادی هم از لوازم قدرت و یا شاید بتوان گفت مقوم ذات بشری است که باید بر جهان مسلط شود.

ادامه دارد

مناظره

مناظره دکترمصدق و سید ضیاء/۷

بیل می‌زدم

سید ضیاء: خواستم دو هزار لیره تلگرافی برای بنده ارسال شود. من حقیقتاً خیلی خوشحال شدم زیرا برای آن زمین بایری که خریده بودم (گرچه اعتبار من در آنجا بیش از ایران بود و اعراب مسلم با بنده کمک کرده بودند) محتاج به پول بودم و با رسید این دو هزار لیره خوشحال شدم.

سال بعد به طمع افتادم و دوباره اجازه خواستم، این مرتبه شاه اوقاتشان تلخ شد .گفته‌اند در دیگ باز است حیای گربه کجا است؟ و فرمودند: دارایی سید ضیاءالدین را دولت بخرد. محرمانه بماند خوشحال شدم ولی به روی خودم نیاوردم. گفتم: خیلی خوب دولت بخرد. پس از آنکه امر فرمودند دولت بخرد، آمدند کارخانه حروف‌ریزی و سایر مؤسسات مرا به ۱۸۰ هزار تومان تقویم کردند ولی کلمه گرم‌تر از آن‌ها چونه زدند و گفتند: این را به ۱۴۰ هزار تومان قبول کنید به شرط اینکه لیره را هشت تومان قبول کنید و بالاخره یک سال طول کشیده و لیره را هم ۱۲ تومان حساب کردند و چهار هزار لیره ضرر کردم و بروی خودم نیاوردم و بالاخره هشت، نه هزار لیره برای من فرستادند و من از این سخاوت بزرگانه همایونی در مورد خودم حق دارم ممنون باشم.

به هر حال این پول را گرفتم و آن ملک را آباد کردم ملک عظیمی شد. فعلاً ساعتی ۱۱۰ متر کرپ آب دارد و سالی هم چند هزار لیره (فعلاً کاغذی است ولی امید است که بعدها طلا بشود) عایدی دارد. روزها از پنج صبح تا هشت بعدازظهر خودم بیل می‌زدم (با آن بیل زدن حالا هم حرف می‌زنم) بیل می‌زدم، کار می‌کردم زراع شدم و اتفاقاً در زراعت هم تخصص پیدا کردم و البته این کار همه کس نیست (خنده نمایندگان) این بود زندگانی بنده که در ظرف مدت ۲۴ سال از مملکت دور بودم و حالا چون که تبسمی با هم مبادله کردیم از شما نمی‌پرسم چگونه زندگانی کردید و از کجا آوردید!

ابوالقاسم امینی: اغلب وکلا و همه مردم ایران می‌دانند از کجا آورده‌اند.

سید ضیاء: یک نکات دیگری را که دیروز نتوانستم زیاد توضیح بدهم امروز اضافه می‌کنم راجع به کودتای انگلیسی که انگلیس‌ها کودتا نداشتند!!گذشته از آن هیچ شخص منصفی نمی‌تواند تصور بکند انگلیس‌ها در موقعی که اصولاً روابط سیاسی با ممالک اتحاد شوروی نداشتند و حتی در بعضی از نقاط دنیا در جنگ و ستیزه با شوروی‌ها بودند در ایران کودتا کردند برای اینکه یک مملکت دولت شوروی را به رسمیت بشناسد.

دقت کنید! آقا انگلستان هنوز در آن تاریخ دولت شوروی را نشناخته بود و هیچ دولتی از دول عالم غیر از آلمان با شوروی مناسباتی نداشت و از نقطه نظر کاپیتالیست دنیا در آن روز نزدیک شدن به دول سویت یک جرمی بود.

مظفرزاده: کراسین آن وقت لندن بود.

سید ضیاء: آن روز یک جرمی بود و به واسطه چنین جرمی بود که رجال دولت ایران در مدت ۳ سال پیشنهادات حکومت مسکو و دولت اتحاد جماهیر شوروی مورد توجه قرار ندادند. بین رجال ما بودند کسانی که خواهان آن قرارداد بودند از جمله مرحوم مشیرالدوله، مرحوم مستوفی‌الممالک ولی مقتضیات طوری بود که نمی‌توانستند پس از استعفای وثوق‌الدوله.

اگر قبول بکنیم هر رئیس‌الوزرایی را وزیر مختار انگلیس آورده پس باید قبول کنیم که قبل از کودتای بنده هم مستر نرمان یک کودتای دیگری کرد رفت پیش مشیرالدوله خواهش کرد و التماس کرد که: آقای مشیرالدوله! شما مرد شریفی هستید بیاید رئیس‌الوزرای ایران بشوید و من حاضر هستم همان‌طور همراهی با شما بکنم.

مرحوم مشیرالدوله آمد قبول کرد و رئیس‌الوزرا شد و شش ماه هم رئیس‌الوزرا بود و وضعیت قرارداد هم همان‌طور بود که قبلاً بود. او یک شخص شریفی بود ولی البته جرأت یک کارهایی را نداشت و گفت مربوط به من نیست، مربوط به مجلس شورای ملی است.

حاشیه

گفتگو با استاد ابوالحسن نجفی-۳

بدون اسم مترجم

روزنامه‌ای هم درمی‌آمد به اسم آتشبار که مدیرش انجوی شیرازی بود و اولین بخش‌های تـوپ مرواری صادق هدایت در آنجا منتشـر شـد. یادم هسـت که در همان روزنامه عکسی از ثریا، همسـر شاه، که لباس نامناسبی پوشیده بود چاپ کرده بودند. اتفاقاً عکس را هم از زیر گرفته بودند، طوری که تن او را به وضع غریبی نمایش می‌داد. زیر آن نوشته بودند: «ثریا در پلاژ اسپانیا». اما بعد معلوم شد که این عکس به هیچ وجه واقعی نیسـت، بلکه آن را مونتاژ کرده‌اند. یعنی حتی در سـال ۱۳۳۰ هم که قدرت شـاه محکم شده بود، چنین فضایی بر ایران حاکم بود و مطبوعات آزادی عمل بسیار داشتند.

در هـر حال دوره غریبـی بود. من ابتدا به همراه دو تن از دوستانم که همیشه با هم بودیم و به اصطلاح رفیق گرمابه و گلستان بودیم، در حزب ایـران ثبت‌نام کردیم. بعد یکی از آن دو بی‌آنکه چیزی به ما بگوید به حزب توده رفت و در آن‌جا ثبت‌نام کرد. البته او به جلسات حزب ایران هم می‌آمد اما هیچ از عضویتش در حزب توده سخن نمی‌گفت. بعد از حدود شش ماه که ما فهمیدیم او به حزب توده پیوسته است، از او پرسیدیم چرا بدون اطلاع ما چنین کاری کرده است. او بی‌آنکه جواب قانع کننده‌ای به ما بدهد بلافاصله شروع کرد به تبلیغ برای حزب توده و اینکه دورهٔ قدیم دیگر سر آمده و تا چندی دیگر دورهٔ جدیدی آغاز می‌شـود و جامعهٔ بی‌طبقهٔ کارگری شکل خواهد گرفت و از این حرف‌ها. در آن دوره، طرفداران حزب توده اعتقاد راسخ داشـتند کـه در مدتی کمتر از یـک یا نهایتاً دو سـال، حکومت شـوراها و جامعهٔ کارگری در ایران شکل خواهد گرفت. من شخصاً هیچ‌گاه عضو حزب توده نشـدم. اما باطناً، تحت تأثیر تبلیغات و جوّ حاکم آن زمان، سمپاتیزان حزب توده بودم و به آن گرایش داشتم. حتی برای آنها مطالبی ترجمه می‌کردم که بدونِ اسم مترجم در نشریاتشـان چاپ می‌شد. مثلاً دوستم صفوت مطالبی برایم می‌آورد که ترجمه کنم و بعد هم خودش ترجمه‌ها را برای چاپ تحویل می‌داد. شـاید حالا صفوت دوسـت نداشته باشد که بگویم او زمانـی عضو و طرفدار جدی حزب توده بوده است...

در هـر حال صفـوت مطالبی بـرای من مـی‌آورد که ترجمه کنم، یا گاهی با هم ترجمه کنیم و حتی بنویسیم. بعد هم این مطالب بدون ذکر نام مترجم یا نویسـنده در نشریات حزب چاپ می‌شـد. مـن از این طریـق خیلی برای حزب فعالیت کردم، اما یک روز تصمیم گرفتم رسـماً به حزب بپیوندم چون ناگهان احساس کردم که تمام دوسـتانم، چه دوستان اصفهانی و چه دوستان تهرانی، همه به حزب پیوسته‌اند و من تک و تنها مانده‌ام و دیگر کسی در اطرافم نیسـت. از طرفی خودم هـم گرایش زیادی به ایـن حزب پیدا کرده بـودم. این ماجرا مربوط می‌شـود به اواخر دهـهٔ ۱۳۲۰، یعنی زمانی که دانشجو بودم و در تهران زندگی می‌کردم. یادم هست که در میانهٔ آن دهه ائتلافی بین حزب توده و حزب ایران صورت گرفته بود که البته اعتراض شـدید بسـیاری از هواداران حزب ایران را به دنبال آورده بود.

منبع: جشن نامه استاد ابوالحسن نجفی

شرح

کلیدی به نام «طلا»

محمد مسعود: روایت سال‌های سخت-۶

در میـان مناظر و مرایا و انبـوه حوادث و قضایایی کـه دفتر موهوم عمـرم را از آن تشـکیل شـده، فقط دو خاطره محسـوس و دو اثر شـدید بجا مانده اسـت که مجمـوع زندگانی آینده نیز تابـع آن دو اثـر خواهد بود و آن رنج و لذت اسـت، من از یادآوری غمها و المهایی که قلبم را فشـرده و روحم را افسـرده است رنج برده و در عین حال از گذشـتن آن حوادث نامطلوب خوشحال و دلشادم.

پدرم چند ماه بود دچار درد دل شـده و از خواب و خوراک افتاده بود. مرضش روز بروز شدت می‌کرد و معالجـات و نذرهـا و نیازها و دعاها به هیچ‌وجه مثمرثمر واقع نمی‌شـد، پـدرم با اینکه مردی قوی بنیه و زورمند بـود، در اثر مرض روزبروز اندامش ضعیف‌تر و بدنش ناتوانتر می‌شد.

مادرم دائماً اشـک می‌ریخت و می‌گفت: من می‌دانم که این مرض خوب شدنی نیست و خانواده ما را به خاک سـیاه خواهد نشـاند. اطباء کم‌کم از معالجه مأیوس می‌شـدند و شـفای پدرم را به ائمه اطهار و معصومیـن حواله می‌دادند. روضه خوانی نبود که در خانه ما به نیت شفای پدرم روضه نخوانده باشـد و امام زاده‌ای پیدا نمی‌شـد که برای او شمع و گوسـفند به قصد شـفا نبرده باشیم. طول زمان ناخوشی رفته‌رفته بنیه مالی ما را هم تحلیل می‌برد.

پدرم سـرمایه زیادی نداشت و به اصطلاح با سیلی صورت خود را سرخ نگه می‌داشت، همین که مدتی به واسـطه کسالت از ادامه معاملات و کسب بازمانده و مخارج زیاد معالجه و نذر و نیاز بر بودجه عادی او تحمیل شـد، سرمایه نقدی او به کلی تمام شـده بود، خطر فقر و احتیاج ما را تهدید می‌کرد، مرض فقر از دل درد و حتی وبا و طاعون خطرناکتر بـود. در هر مرضی امید نجات می‌رفت ولی در فقر و احتیاج، فنا و مرگ قطعی و مسلم بود.

اثاثیـه منزل کم‌کـم مخفیانه و بی‌سـروصدا به‌فـروش می‌رفت! ابتدا چیزهایی کـه زیاد مورد ضرورت نبود در محلات دور و به اشخاص ناشناس به نصف و ثلث قیمت فروخته می‌شد، سپس نوبت فرش و لحاف و ظروف و سایر ضروریات زندگی می‌رسـید، آشنایان و دوسـتان و اقوام از احتیاج ما اطلاع پیدا کرده بودند.

اینها چون از سـایر مردم به ما نزدیکتر بودند، بیش از سایرین از ما توقع داشتند. اثاثیه ما را به ثلث قیمت می‌خریدند و قیمت آنرا کمی نقد داده بقیه را نگه می‌داشـتند و منتظر بودند پس از مرگ پدرم موضوع قرض از میان رفته و طلب ما را بخورند!

پـدرم دائماً ناله می‌کرد و مادرم مرتباً اشـک می‌ریخت، مـن کم‌کم در روح خـود یک حالت عصبانیـت و طغیان حس می‌کردیم. پدرم به طرف قبر می‌رفت و مادرم گریه‌کنان او را مشایعت می‌کرد ولی من برعکس گذشته در دامن حیات می‌لغزیدم و روزبروز نسـبت به زندگی مجذوبتر و حریص تر و در عین حال جدی‌تر و بدبین‌تر می‌شـدم. کم‌کم سعی می‌کردم غم و رنج و حزنی که در خانه گلویم را می‌فشـرد در خـارج جبران نمـوده و با تفریح و نشاط تعادل زندگی را برقرار نمایم! حرص زندگی و غرور جوانی به طور محسوسی در درونم آشکار شـده بود. می‌خواسـتم زنده بمانم و بر مصائب زندگـی بر گرفتاریها بر بدبختی‌ها بر ناخوشـیها و بـرفقر غلبه نمایم. با فکر خام و تجربه ناقص خود دائماً درصدد و فکر چاره‌جوئی بودم.

فکـر خام و تجربه ناقص مـن یک مطلب را بـه من آموخته بود که امروز هم عیناً مانند آنروز به صحـت این مطلب اعتـراف و ایمان دارم و آن این بود که برای غلبه بر مشکلات حیات و برای خوب زندگـی کردن و از لذایذ زندگی تمتع بردن دو چیز لازم است؛ پول و زور!

شـرایط به من می‌گفت: قـدرت و ثروت دو چیزی هسـتند که از آنها لذت و سـعادت به وجود می‌آید! باید پول به دسـت آورد و با پول همه چیز می‌شود فراهم کرد: نان، شیرینی، میوه، لباس، خانه، زندگی، طبیب، دوا، سلامتی و...

بـرای پول پیدا کردن باید زورمند بود، و برای زورمند بودن، پولدار! بی‌پول زور فراهم نمی‌شد و بی‌زور پول به دسـت نمی‌آمد. باید به سراغ عوامل قـدرت می‌رفتم و به‌وسـیله تحصیـل قدرت مال و ثروت به دسـت مـی‌آوردم و بالاخره باید کاری می‌کردم باید از این منجلاب فقر، مرض، بدبختی، ناامیـدی و محرومیت از کلیه مظاهر زندگی نجات می‌یافتم.

کار به جایی رسید که برای سعادت و موفقیت خـودم هیچ راهی را بهتـر از فراگرفتن علوم خفیه نمی‌دانستم: علم چشم‌بندی، علم جادوگری و سایر علوم شیطانی!

علـوم خفیه عبارت بود از: هیمیا، ریمیا، لیمیا، سیمیا، کیمیا. علم کیمیاگری از همه مهمتر بود علم کیمیاگـری علمـی بود که بوسـیله آن از مس طلا ساخته شود و طلا کلیدی بود که تمام دربهای بسته



محمد مسعود

شـده عالم را با آن ممکن بـود باز نمود! آه اگر طلا بدست من می‌افتاد همه چیز در اختیار من بود!

مدتـی بود کتابهای کهنه و خطـی و اوراق و اسـنادی که در گوشه صندوقخانه در جعبه چوبی موریانه خورده‌ای افتـاده و یادگار پدر بزرگم بود، توجهـم را جلب نموده بود و در صدد بودم آنها را تفحص و مطالعه نمایم!

من پدربزرگم را به چشـم ندیـده بودم، ولی از او داسـتانهای افسانه مانندی شنیده بودم و چون گوینـدگان پیرهائی بودند کـه مدعی معجزات و کرامـات جد من بودند نمی‌توانسـتم در قبول این گفته‌ها تردید نمایم.

مـردم می‌گفتند که پدربزرگم اهل کشـف و کرامات بود و در موقع کفش پوشیدن کفشها پیش پای او جفت می‌شده، از غیب خبر داشته و آب را به جای روغن در چراغ می‌سـوزانیده و انبان کوچک آرد را یک سال مصرف نموده و با آن آذوقه خانواده و همسایگان و فقرا را داده است.

ایـن روایات و قصه‌ها بیشتر مـرا به مطالعه اوراق و کتبی که از او به یادگار مانده بود تشویق و تحریص می‌نمود! اتفاقاً در میان کتابها و نوشته‌های او همین‌طـور کـه حدس مـی‌زدم مطالب جالب توجهی به دسـت آمد که صفحه جدید و مرموزی در زندگی من باز نمود.

از کتابهای خطی و شگفت آوری که می‌توانم یاد کنم، کـتـاب «مصحف هرمس الهرامسه» و «طلسـمات طمطم هندی» و کتاب «سحرالعیون و دوالیس اسکندرانی» و کتاب «سرمکتوم و نوامیس افلاطـون» و مختصر جالینـوس و چندین کتاب دیگـر از این نوع بود. و در میان نسـخه‌های خطی نسـخه‌های طلسـمات و عزائم و چندین نسـخه کیمیاگری یافت می‌شد!

مرض پدرم روزبروز شـدت می‌کرد و حالش به طوری خراب شـده بود کـه دیگر به تربیت من توجهی نداشت مادرم هم به قدری از زندگی به تنگ آمده بود که هر ساعت از خدا آرزوی مرگ می‌کرد و من در این میانه فرصت خوبی برای سـرگرمی به هوس جاهلانه و موهومات کودکانه خود به دست آورده بودم. از نسـخه‌های کیمیاگری آنچه از همه ساده‌تر و سهل‌الحصول‌تر بود ترکیبی بود که با این رباعی تعلیم داده شـده و به قید قسمت صحت آن تضمین شده بود:

از طلـق در همی و زفـرار در همی
وانـگاه از عقاب دو جـزء مکرمی
بعد از سلایه دو سه روز آتش خطاف
والله اعـلـم هواکثیـر اعظمـی!

در میان دوسـتان مدرسـه و همکلاسهای من یکنفر بیش از همه مورد اعتماد من بود و ساختمان دماغی و فکری او بیشـتر از همه با این نوع مسـائل مناسـبت داشت و اسـم او عباس بود، او منزوی و فکـور و جاه‌طلب و عصبانی بود، دائماً ردای خود را به سـر کشـیده در مکانهای خلوت و در جاهای دور افتاده شـهر مشغول فکر کردن و قدم زدن بود، عضلاتی قوی و اعصابی ضعیف داشت!

به دعا و جن و شیطان و طلسم و جادو اعتقادش زیـاد بود! من سـرّ خود را بـا او در میان نهاده، قرار گذاشتیم به اتفاق هم دست به عملیات زنیم! برنامه عملیـات ما به قدری مفصل بود که نمی‌توانسـتیم انتهائی برای آن قائل شویم: کیمیاگری، جادوگری، تسـخیر ارواح، تسـخیر اجانین، تسخیر کواکب، طی‌الارض، وخفا، قسـمتهای برجسـته پرگرام ما را تشـکیل می‌داد، گوشـه یخچال خرابه متروکی را محـل عملیات قرار داده، کـوره و دم تهیه کرده به عملی نمودن نسـخه کیمیا پرداختیم و در ضمن از شـروع به سـایر کارها که مربوط به علوم مخفی بود، مضایقه نداشتیم! شعبه اول، کارهای تعجب‌آور عملیات حقه بازها و تردسـت‌ها بود، این عملیات پس از کشـف رموز آن به قدری آسـان بود که در مدرسـه شـروع به نمایش دادن کردیم، پول سیاه لای دستمال گذاشته با خواندن او را از انظار مخفی می‌کردیم.

شهرت جن‌گیری و غیب‌گوئی من به طوری در محـل پیچیده بـود که اتفاقاتی کـه در خانه‌ها می‌افتاد، از قبیل مفقود شـدن اشیاء و غش کردن و بی‌وقتی شدن، اشخاص به من رجوع کرده و از من چاره جویی می‌کردند!

باز هم تحصیل

دوره شـش ساله مدرسـه ابتدائی را به پایان رسانیدم و چون کلاس بالاتری در شهر نبود، کاملا بیـکار بودم، بیکاری و بی‌سرپرسـتی مرا در دامان زندگی عجیب و مرموزی سـوق می‌داد. به عنوان تحصیـل علوم قدیمه در یکی از مـدارس قدیم حجره‌ای گرفته و کتاب جامع المقدمات را مطالعه می‌کردم، رفقا و هم سـالهای من غالباً به آن حجره آمد و رفت می‌کردند. این حجره کانون فساد عجیبی بـود، در آنجـا عملیات جادوگری و دعانویسـی، جن‌گیری و تسخیر ارواح و اجانین تمرین می‌شد، حجره ما مدتها مرکز اجتماع رفقا بود، اما یک حادثه خونین این دستگاه ما را بهم زد... آن علاقه یک نفر از همسایگان ما به نام ابوطالب بود به یکی از رفقای ما که علی نام داشت. دامنه علاقه ابوطالب کم‌کم به حدی بالا کشـید که عباس رفیق من مطلع گردید. یکـروز بر اثـر حادثه‌ای، علی در حجـرهٔ ابوطالب به قتل رسـید، پدر وی سراسـمیه به داخل حجره ابوطالـب آمد و با تیغ دلاکی به وی پرید و گلویش را بریـد و بعداً رگهای گـردن خود را قطع نمود. بدین‌طریق فجیع‌ترین حوادث در همسایگی ما به وقوع پیوست و وضع داخلی ما بهم خورد.

ادب

دکتر حسن انوری؛ روایت سال‌های زندگی

تیر، تلفن و ترس!

این که به عنوان سرپرست گروه می‌رفتم اندیشیدم که کلاس کمتری خواهم داشت و وقت بیشتری برای مطالعه، مخصوصاً که سازمان کتاب‌های درسی با این شرط با رفتنم موافقت می‌کرد که همکاری خود را با کتاب‌های درسی قطع نکنم.

مدرسه عالی ورزش را، که بعدها به دانشکده علوم ورزشی تغییر نام داد، سازمان تربیت بدنی تأسیس کرده بود. در آغاز کلاس‌ها در ضلع جنوبی ساختمان امجدیه دایر می‌شد. بعدها به استادیوم بزرگ ورزشی در اتوبان کرج که برای بازی‌های آسیایی، ساخته شده بود، تغییر مکان داد.

دانشکدهٔ علوم ورزشی با دانشگاه کلن آلمان قرار داد همکاری داشت. چند استاد آلمانی آنجا تدریس می‌کردند و استادان ایرانی را برای دیدن دوره‌های جدید ورزشی یا بازدید به آلمان اعزام می‌کردند. چنین بود که در تابستان ۵۲ من هم جزو گروهی بودم که به مدت یک ماه به آلمان دعوت شده بود. نخستین بار بود که به خارج از کشور می‌رفتم. از طریق مونیخ به کلن رفتیم. در آنجا خانم پروفسور دیم مهمان‌دار ما بود. از مؤسسات دانشگاه بازدید کردیم. در قسمت فلسفه و ادبیات با دکتر جواد فلاطوری که متصدی این بخش بود، ملاقات نسبتاً مفصلی داشتم. چون در کلن جز بازدید از دانشگاه کار چندانی نداشتم با یکی از همکاران چند روز با قطار از کلن به بروکسل رفتم. اوقاتم در بروکسل کلاً به بازدید از موزه‌های نقاشی گذشت. موقع بازگشت در شهر لییژ توقف کوتاهی کردم و موقع بازگشت از آلمان از کلن با قطار به فرانکفورت آمدیم. در فرانکفورت از جمله از خانه گوته، شاعر نامدار آلمان، بازدید کردم. خانه را به همان سبک که او زندگی می‌کرد با همان اسباب و اثاثیه با قلمی که می‌نوشت، نگه داشته‌اند. پس از بازگشت به ایران گزارش مفصلی از بازدید دانشگاه کلن به ویژه، از شیوه تحقیق در آن دانشگاه نوشتم و به رئیس دانشکده دادم. ظاهراً من تنها کسی بودم که چنین گزارشی نوشتم.

از جمله کارهایی که در دانشکده انجام دادم راه انداختن مجله بود که دو شماره از آن منتشر کردم و خودم نیز در هر شماره مقاله‌ای باعنوان‌های گشتی از دیدگاه اهل تصوف و آمیختگی عرفان با ورزش باستانی نوشتم. در دانشکده شورایی بود به نام شورای انتشارات. مدتی سرپرستی این شورا با من بود و توانستم چند کتاب خوب به چاپ برسانم. یکی از این کتاب‌ها کتاب بسیار جالبی بود درباره بازی‌های کودکان. یکی از استادان ورزش آن را از آلمانی ترجمه کرده بود. ترجمه‌اش بسیار ضعیف بود. چون کتاب ارزنده و عالی‌ای بود آن را به احمد شاملو، شاعر نامدار، دادم که بازنویسی کند و کرد و پنج‌هزار تومان حق الزحمه گرفت. اسم کتاب بود بازی و ورزش کودکان نوشتهٔ پروفسور لیزه لوت دیم. این کتاب را انتشارات زمانی در سال ۱۳۵٤ با همکاری مدرسه عالی ورزش چاپ کرد. البته شاملو حاضر نشد اسمش در کتاب بیاید.

کتاب دیگر به نام فن و بند کشتی بود. کتابی بود با اصطلاحات فراوان کشتی که در کتاب‌های لغت نیامده بود و اطلاعات جالبی درباره این ورزش داشت اما نثر نویسنده که نامش حبیب الله بلور بود و در دههٔ دوم و سوم قرن جزء نام‌آوران کشتی بود، نثری ضعیف و شلخته بود، آن را دادم دکتر ابوالقاسم سری بازنویسی کرد. کتاب در قطع رحلی کوچک چاپ شد.

در تیرماه ۵۳ روزی از دفتر معاون دانشکده صدایم کردند که تلفن شما را می‌خواهد. از آن سوی سیم صدایی گفت: من سروان فلان هستم. شما قرار بود خودتان را به ضداطلاعات گاردِ شاهنشاهی معرفی کنید. چرا نیامده اید؟ گفتم کسی به من چیزی نگفته و اصولاً برای چه باید خودم را معرفی کنم؟ گفت: خُب من الآن می گویم و موضوع بعداً معلوم خواهد شد. ضمناً مشخصات کامل شماره شناسنامه، محل و تاریخ تولد، شغل و محل زندگی پدر، مادر، خواهر، برادر، عمو، عمه، دایی و خاله‌تان را با خودتان بیاورید!!

ترسیدم. چراکه همان اسم ضد اطلاعاتِ گارد در آن جو خفقان‌آمیز و استبَدادزده لرزه بر اندام می‌انداخت. ضد اطلاعات گارد با عمو، عمه و دایی من چه کار دارد؟ اینها سالیان سال است مرده‌اند و در وادی خاموشان قرار دارند. زمانْ زمانِ استبداد و خفقانِ دوره محمدرضا شاه پهلوی بود. کسی جرأت نَفس کشیدن نداشت مگر این که تن به قضا و قدر می‌سپرد و یا این که زندان اوین و شکنجهٔ ساواک را به جان می‌خرید. اطلاعات خواسته شده را تهیه کردم نه همه‌اش را، از عمه‌ام که پنجاه سال پیش در روستا درگذشته بود نه شماره شناسنامه در دست داشتم نه تاریخ تولد و نه حتی تاریخ دقیق فوت. روز موعود در سلطنت‌آباد به ضد اطلاعاتِ گارد رفتم. همان افسر که با من حرف زده بود مرا پذیرفت تا حدودی با ادب و احترام. اندکی آرامش یافتم. روی میزش چشمم به کاغذی افتاد که در آن اسم دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر محمدجواد مشکور را تشخیص دادم. بیشتر آرامش یافتم و به دستم آمد که موضوع باید مربوط به مسائل دانشگاهی باشد. ضمن صحبت با افسر معلوم شد که او نیز دقیقاً نمی‌داند موضوع چیست. مقامات بالا دستور داده‌اند که درباره من تحقیق شود. آخر سر گفت شاید تدریس در جایی مطرح باشد. چون چندی صحبت شده بود که در دانشکدهٔ افسری تدریس کنم. گمان کردم ارزیابی می‌کنند که از نظر خانوادگی صالح برای تدریس در دانشکده افسری هستم یا نه؟ به هر حال موضوع گذشت و دیگر خبری نشد تا روز سی‌ام شهریور. در این روز خانمی تلفن کرد و گفت من ضرابی هستم، شما فردا برای گرفتن برنامه‌تان به کاخ نیاوران تشریف بیاورید. گفتم موضوع چیست کدام برنامه؟ گفت برای تدریس در کلاس والاحضرت ولیعهد. گفتم در دنیا رسم است که اگر کسی را برای تدریس در جایی در نظر می گیرند یک سال پیش یا حداقل


دکتر انوری

شش ماه پیش فرا می‌خوانند تا اولاً دروس را مطالعه کند و طرح درس تهیه کند و ثانیاً زندگی خود را مطابق برنامه جدید تنظیم نماید تا هم به کار خودش و هم به مؤسسه‌ای که در آنجا کار می‌کند، لطمه‌ای وارد نیاید... چون از کاخ بیرون آمدم سرم به شدت درد گرفته بود. چرا کشور ما حتی در سطوح بالا چنین بی‌برنامه است یا با برنامه‌های خلق‌الساعه زندگی می‌کند. دیگر اینکه آیا قبول بکنم یا نکنم و اصولاً می‌توانم قبول نکنم؟ فردا کلاس دایر می‌شود اگر قبول نکنم و نروم چه پیش می‌آید و باز این که چرا قبول نکنم و چرا قبول کنم. بدنامی از انتساب به دربار نزد دوستان روشنفکر و رفقای دانشگاهی از یک طرف منعم می‌کرد، از سوی دیگر کنجکاوی که در دربار چه می گذرد تشویق. برای اینکه بتوانم تصمیم بگیرم با چند تن از دوستان از جمله با دکتر حسن احمدی گیوی و با دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی موضوع را در میان گذاشتم. هر دو گفتند بهتر است قبول کنی. شفیعی گفت خوب است ما یک نفر در دربار داشته باشیم.

فردا صبح ماشین دربار به دنبالم آمد رفتم. خانم ضرابی مرا به کلاس برد و معرفی کرد. ۱۹ نفر بودند. در ردیف اول شش دختر و در دو ردیف عقب پسرها نشسته بودند. رضا پهلوی در ردیف دوم در وسط نشسته بود. گفته بودند رضا را والاحضرت صدا کنید. درس را شروع کردم. در آغاز از تلویزیون آمدند و فیلم گرفتند و همان روز در اخبار نشان دادند به عنوان این که والاحضرت ولیعهد دوره راهنمایی را تمام کرده و وارد دبیرستان شده است. عالم و آدم فهمیدند که من معلم ولیعهد شده‌ام. این فکر که اگر بتوانم طوری تدریس کنم و طوری تربیت کنم، اگر تربیت‌پذیر باشند که در آینده آدم‌های روشنفکر و ضداستبداد بار بیایند، رهایم نمی‌کرد. در درس انشاء می‌توانم موضوعاتی درباره مشکلات مملکت و مسائل اجتماعی و روشنفکری بدهم و درباره آنها صحبت کنم تا کلاس تا چه حد پذیرا باشد و دیگر این که می‌شود در کلاس صحبت کرد یا نه؟ خانم ضرابی گفته: وقتی اینجا هستید فراموش کنید که در کجا هستید، یعنی عادی باشید و فکر کنید در یک کلاس معمولی هستید. وقتی از اینجا رفتید فراموش کنید که در کجا بوده‌اید، یعنی سخنی از اینجا به بیرون نبرید. این فکر هم بود که تا چه حد سخن در بچه‌ها تأثیر خواهد داشت. بچه‌هایی که در ناز و نعمت غوطه‌ورند و هزاران چیز جالب در زندگی‌شان هست که درس ادبیات در برابر آنها جلب توجه نخواهد کرد و گوش‌ها بدهکار حرف من نخواهد شد.

مدرسه در ضلع شمال شرقی در داخل کاخ نیاوران بود. سالن ناهارخوری و سالن ورزش داشت. بچه‌ها در همانجا ناهار می‌خوردند. مدرسه چهارکلاس داشت: یک کلاس برای رضا پهلوی، یک کلاس برای فرحناز پهلوی، یک کلاس برای علیرضا پهلوی و یک کلاس برای لیلا پهلوی. در هر کلاس ۱۲ تا ۱۹ شاگرد بود که از میان مدارس بالای شهر به خصوص از مدرسه رازی انتخاب کرده بودند.

ناچارشدم که برنامه‌هایم را در دانشکده ورزش و در یکی دو جای دیگر که تدریس داشتم، اندکی جابه‌جا کنم، چون خودم سرپرست گروه / دپارتمان بودم، مشکلی پیش نیامد. در آغاز فقط در کلاس رضا تدریس می‌کردم. از سال سوم کلاس فرحناز هم اضافه شد. در آخر هر سال جشن پایان تحصیلی برگزار می‌شد. در این جشن شاه و شهبانو هم می‌آمدند. چند بار هم جلسهٔ مشترک معلمان مدرسه با فرح پیش آمد. انتظار او از معلمان این بود که رضا را خوب بار بیاورند. در یکی از جلسات گفت اغلب شکایت می‌شود که رضا خوب درس نمی‌خواند اما در آخر هرسال می‌بینم که همیشه نمره خوب می‌آورد. راست می گفت معلم‌ها جرأت تجدیدی کردن او را نداشتند. تنها موردی که تجدیدی شد در درس املای فارسی بود. نتیجه آن شد که در تابستان آن سال هفته‌ای یک روز به کاخ سعدآباد می‌رفتم و با او در املا کار می‌کردم. رضا بازیگوش بود. در تست هوشی که در کلاس گرفته بودند نفر دوم شده بود ولی کمتر تن به درس خواندن می‌داد. در یکی از انشاها مشکل مهم کشور را ترافیک تهران دانسته بود. در این باره که در آینده چه شغلی می‌خواهید انتخاب کنید، خلبانی را برگزیده بود.

ادامه دارد

زبانزد/ جلال دری



* عجب رسمی است رسم آدمی‌زاد / که دور افتاده را کی می کند یاد
* عجب عجب که تو را یاد دوستان آمد.
* عجب شد که یاد ما کردی
* عجب ماستی خریدیم همش دوغ خالی بود!
* عجب کشکی سابیدیم همش دوغ پتی بود!
* عجله کار شیطان است.
* عدل، ترازوی خدا در روی زمین است.
* عدلِ تو قندیل شب افروز تُست.
* عدوَ در چَهْ و دیو در شیشه بهْ!
* عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.
* عذر احمق از جُرمش بدتر است.
* عذر احمق بدتر از جُرمش بود.
* عذر احمق را نمی‌باید شنید.
* عذر تقصیرات ما چندان که تقصیرات ما.
* عذر رو را سفید نمی‌کند.
* عرعرش بس نیست، جو هم می‌خواهد!
* عروس بی‌جهاز، روزهٔ بی‌نماز، دعای بی‌نیاز، قورمهٔ بی‌پیاز!
* عروس پایش کج است می‌گوید راه خانهٔ داماد هموار نیست!
* عروس تعریفی شلخته از آب درمی‌آید!
* عروس جوان، داماد پیر، سبد را بیار جوجه را بگیر.
* عروس خانگی قُربی ندارد.
* عروس سرِ خودش را نمی‌توانست ببندد رفت سرِ همسایه را ببَندد.
* عَروس شدم وسمه کنم نه وصله!
* عروس عروسی داره، داماد خبر نداره!
* عروس که به ما رسید شب کوتاه شد!
* عروس ما عیبی ندارد، کور است و کچل است و سر گیجه دارد.
* عروس ما شکل ندارد، امّا ماشالا به نازش!
* عروس نازش به جهازش است.
* عروس نمی‌توانست برقصد می گفت اتاق کج است!
* عروسی به چشم تماشاگر آسان است.
* عروسی به هوس، تعزیه به عوض.
* عروسی چو بگذشت صدکاسه به نانی!
* عروسی را که مادرش تعریف کند برای آقا دایی‌اش خوب است!
* عروسی که مادرشوهر ندارد اهل محل مادرشوهرش هستند!

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه اول مرداد۱۳۵۳ (برابر با ۳ رجب ۱۳۹۴، ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۴) نقل شده است

لندن و وام یک‌میلیارد دلاری ایران

نام ایران بـرای چندمین هفته متوالـی در صفحات اول مطبوعات انگلیس و اروپای غرب به چشـم میخورد. مرکب خبر تصمیم ایران به خرید سـهام واحد فولادسـازی کروپ آلمان هنوز خشک نشـده که مطبوعات انگلیس امروز خبر از وام یک‌میلیارد و دویست‌میلیون دلاری ایران به صنایع انگلیس خبر دادند. خبر مورد اشاره در مطبوعات ایران، خبری کوچک به حساب آمد. در حالیکه یکسال قبل این خبر میتوانست مثل توپ در ایران صدا کند. اعطای این وام در شـرایطی که لندن با آب و تاب فراوان از توافق های عظیم اقتصادی ایران و فرانسه صبحت میکرد صورت گرفت. کمک اقتصادی ایران به انگلیس از چندین ماه قبل مورد پیش‌بینی بود و در حقیقت قبل از آنکه تهران نسـبت به اعطای وام و اعتبار با کشورهای مختلف وارد گفتگو شود، سـخن از وام یک میلیارد دلاری ایران به انگلیس در محافل اقتصادی اروپـا ورد زبان‌ها بود. خبر اعطای این وام عصر دیروز در یک زمان در تهران و لندن انتشار یافت و دنیس هیلـی وزیر خزانه‌داری دولت کارگری انگلسـتان در مجلس عوام انگلیس و در لابلای سـخنان خود در تشریح تصمیمات جدید اقتصادی دولت انگلیس از آن یاد کرد.

نیویورک تایمز از نفوذ ایران نگران است

نفوذ اقتصادی ایران در صنایع غرب که به گفته بسـیاری از صاحبنظـران ایـران را به‌عضویت باشـگاه «فرادسـتان» و قدرت‌های بزرگ جهانی در می‌آورد همانقدر که دوسـتان را شاد کرده موجب نگرانی و وحشـت محافل «استعماری» نیز شده است. روزنامه نیویورک تایمز که وابستگی‌اش به پاره‌ای از مجامع «کارساز» خارجی و جناحهای ارتجاعی پنهان نیست در سرمقاله شـماره اخیر خود به غرب هشدار داده است که از وسـعت اقتصادی کشور های تولیدکننده نفت مانند ایران باید پیشگیری شود. نیویورک تایمز با اشاره به افزایش درآمد ذخائر ملی ایران و چند کشـور دیگر و خرید قسمت قابل توجهی از سـهام کارخانه های فولادسـازی کروپ آلمان بوسیله دولت ایران، دنیای سرمایه‌داری را از یک خطر جدی خبردار ساخته و بزعم خـود ثرتمندان غربی را از وجـود رقیب تازه‌ای مطلع کرده اسـت. آنچه سبب شده به این نوشـته در محافل سیاسی توجه شود، استدلال یک جانبه از رشد و توسعه امکانات ایران در زمینه اقتصادی و صنعتی اسـت و از آنجاکه نیویورک تایمز هدفی برای شلیک به ایران نیافته ضمن اشاره به سابقه کروپ در دوران جنگ دوم این واحد را بعلت تولید اسلحه «کارخانه‌ای دون شهرت خوب» معرفی کرده است!

ایران در پروژه‌های افغانستان مشارکت میکند

هیئت عالیرتبه اقتصادی ایران بریاست فریدون مهدوی وزیر بازرگانی دیروز سـاعاتی پس از ورود به کابل مذاکرات با رهبران و مقامات افغانسـتان را آغاز کرد. در تهران یک مقام نزدیک به سفارت افغانستان گفت: کلیات مربوط به مذاکرات کنونـی کابل از هفته‌هـای قبل مورد توافق ایران و افغانسـتان قرار گرفته بـود و در مذاکرات کابـل، جزئیات همکاری‌های اقتصادی دو همسایه مشخص و معلوم میشود. وزیر بازرگانی و اعضاء هیئت عالیرتبه او مرکب از مقامات و معاونان وزارت کشاورزی، اقتصادی و دارائی، نیرو، راه و ترابری و نمایندگان عالیرتبه وزارت بازرگانی و سازمان برنامه دیروز قبل از شروع مذاکـرات کابل بـا پرزیدنت محمدداود رئیـس جمهوری و صدراعظم افغانسـتان ملاقات کردند و بعد ازظهر مذاکرات با مقامات اقتصادی افغانستان را آغاز کردند.

ظرفیت دبیرستانهای دولتی بیش از دانش‌آموزان است

مقامات آموزش و پرورش عصر دیروز در یک جلسـه «بررسـی گفت و شـنود» باردیگر کیفیت تأسیس شاخه های پنجگانه دوره متوسطه نظام جدید را تشریح کردند.

در این اجتماع آقای نواب مدیـرکل آموزش و پرورش تهران گفت که دبیرستان های دولتی تهران برای پذیرفتن همه فارغ‌التحصیـلان دوره راهنمائی تحصیلی پایتخت که حدود ۳۸هـزار نفر گنجایـش دارند، به عبـارت دیگر بعلت حذف کلاسهای اول و دوم متوسطه، ظرفیت ثبت‌نام در دبیرستان‌های دولتی افزایش یافته است. ثبت‌نام برای کلاس اول شاخه نظری نظام جدید از تیرماه شـروع شده اسـت و بزودی دستور ثبت نام برای شـاخه های خدمـات و صنعت نیز صادر میشـود و دبیرستانهای جامع تهران که همه دولتی خواهند بود نیز ظرف دو سه روز آینده مشخص میشـوند. این دبیرستانها با توجه به تجهیزات سنگینی که دارند تعیین می‌شوند. ثبت‌نام در مدارس متوسطه خدمات صنعت نظام جدید مطلقا مجانی است و این مدارس دولتی خواهند بود.

قاب امروز



بازی پروانه و کودک –چین / منبع: تلگراف

داستان کوتاه

حتما دلیلی دارد

مرد تاجـر در حیـاط قصرش انـواع مختلف درختان و گیاهان و گل ها را کاشته و باغ بسیار زیبایی درست کرده بود. هر روز بزرگترین سرگرمی و تفریح او گـردش در باغ و لذت بردن از گل و گیاهان آن بود. تا این که یک روز به سفر رفت. در بازگشت، در اولین فرصت به دیدن باغش رفت.

اما با دیدن آنجا، سر جایش خشکش زد. تمامی درختان و گیاهان در حال خشـک شدن بودند. رو به درخت صنوبر که پیش از این بسیار سر سبز بود، کرد و از او پرسید که چه اتفاقی افتاده است؟

درخت به او پاسخ داد: من به درخت سیب نگاه می کـردم و باخودم گفتم که من هرگز نمی توانم مثل او چنین میوه های زیبایی بار بیاورم و با این فکر چنان احساس ناراحتی کردم که خشک شدنم شروع شد.

مرد بازرگان به نزدیک درخت سـیب رفت، اما او نیز خشک شده بود. علت را پرسید و درخت سیب پاسـخ داد: با نگاه به گل سرخ و احساس بوی خوش آن، به خـودم گفتم که من هرگز چنین بوی خوشـی از خـود متصاعد نخواهم کرد و با این فکر شـروع به خشک شدن کردم.

از آنجا که بوته گل سـرخ نیز خشـک شده بود علت آن پرسـیده شد، او چنین پاسخ داد: من حسرت درخت افرا را خـوردم، چرا که من در پاییز نمی توانم گل بدهم.

پس از خودم نا امید شـدم و آهی بلند کشـیدم. همین که این فکر به ذهنم خطور کرد، شروع به خشک شدن کردم.

مرد در ادامه گردش خود در باغ متوجه گل بسیار زیبایی شـد که در گوشـه ای از باغ روییده بود. علت شادابی اش را جویا شد.

گل چنین پاسخ داد: ابتدا من هم شروع به خشک شـدن کردم، چرا که هرگز عظمت درخت صنوبر را که در تمـام طول سـال سر سـبزی خود را حفـظ می کرد نداشتم، از لطافت و خـوش بویی گل سرخ نیز برخوردار نبودم، با خـودم گفتم: اگر مرد تاجر که این قدر ثروتمند، قدرتمند و عاقل اسـت و این باغ به این زیبایی را پرورش داده اسـت می خواست چیزی دیگـری جـای من پرورش دهد، حتمـا این کار را می کرد.

بـنابراین اگر او مرا پرورش داده اسـت، حتماً می خواسته که من وجود داشته باشم. پس از آن لحظه به بعد تصمیـم گرفتم تا آنجا که مـی توانم زیباترین موجود باشم.

منبع: داستانک

امروز در تاریخ

درگذشت «پوریای ولی»

طبق محاسـبه مورخـان روس، پوریـای ولی (محمود خوارزمـی) پهلوان، جوانمرد، عارف و شـاعر بنـام ایران ۲۳ جولای سـال ۱۳۲۲ میلادی (یکم مرداد) درگذشـت که این اندرز را به او نسبت می دهند:

افتادگی آموز اگر طالـب فیضی ـــ هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

از «پوریا» یک مثنوی هم باقی مانده است.

انتقال احمدشاه خردسال از سفارت روسیه به کاخ گلستان

یکم مرداد ۱۲۸۸ سلطان احمد شاه که کودکی بیش نبود از ساختمان تابستانی سفارت روسیه در زرگنده قلهک به کاخ گلسـتان انتقال یافت. پدرش، شـاه مخلوع، تا این روز حاضر نمی شـد او را از خود دور سازد که ایلخان قاجار (پس از تبانی با دولت روسـیه) با یک واحد قزاق به سفارت روسیه رفت و احمد شاه را که با پدر و اعضای خانواده در آنجا متحصن بودند بیرون آورد. احمد شاه سـی ام تیر ۱۲۹۳هجری خورشیدی پس از رسـیدن به سـن قانونی، تاجگذاری کرد و دولت وقت یکصد هـزار تومان هزینه مراسـم تاجگـذاری او را از بانک انگلستان در تهران وام گرفت.

احترام به جان باختگان تظاهرات ۳۰ تیر

اول مرداد مـاه ۱۳۳۱ دکتر مصدق که با جانبازی مردم بر شـاه و هوادارانش پیروز شده بود اعلام کرد که به احترام کشته شدگان تظاهرات سیاسی سـی ام تیر، دوم مرداد سازمان های دولتی تعطیل و پرچم ها به حالت نیم افراشـته در خواهند آمد. وی همچنین قول داد که ترتیبی خواهد داد که از آن پس نشود هیچیک از اصول قانون اساسی را نادیده گرفت و جهت تامین منافـع فرد یا افراد معین از آن عبـور کرد. وی گفت که وصیت کرده است که پس از مردن، او را در کنار گور مقتولان سی ام تیر به خاک بسپارند.

اعتراف شاه به برسمیت شناختن اسرائیل و واکنش ها

یکم امُرداد ۱۳۳۹، محمدرضاشاه پهلوی درمصاحبه ای در پرسش به سئوالی که از پیش آماده شده بود به صراحت گفت که ایران اسـرائیل را ده سال پیش برسمیت شناخته و این، یک موضـوع تازه نیست.

انتشار این مطلب با واکنش تند و دامنه دار دولت های عربی رو به رو شـد و جمال عبدالناصر رهبر وقت مصر ضمن یک حمله لفظی تند به شـاه، روابط مصر با ایران را قطع کرد و جنگ رادیویی دو کشور آغاز شد که سالها طول کشید.

www.iranianshistoryonthisday.com

سـودوکـو ۱۱۱۵

		۳			۲		۱	
	۱	۴		۹		۶		۲
۶					۴	۵		۳
				۴		۷		۱
۲		۱		۸				
۱		۵	۷					۸
۹		۶		۳		۱	۲	
	۲		۱			۹		

۶	۳	۸	۲	۷	۵	۹	۴	۱
۹	۴	۱	۶	۳	۸	۲	۷	۵
۲	۷	۵	۹	۴	۱	۶	۳	۸
۸	۶	۳	۵	۱	۲	۷	۹	۴
۷	۲	۹	۸	۶	۴	۵	۱	۳
۵	۱	۴	۳	۹	۷	۸	۶	۲
۴	۸	۶	۷	۵	۳	۱	۲	۹
۳	۹	۲	۱	۸	۶	۴	۵	۷
۱	۵	۷	۴	۲	۹	۳	۸	۶

حل ۱۱۱۴

جـدول شـرح در مـتـن ۳۶۲۸

غلامحسین باغبان

ذکر کردن نام		حمام بخار / نوعی آلبالو		اثر رطوبت / دیوان دست آموز		امتداد یافته / حرارت دادن	کنایه از راه حل نهایی	با همه نیرو و توانایی
								ب
			خوگرفتن / علامت کارخانه					مقابل بیدار
						نامی زنانه / نشاط		
ب	کنایه از بی‌تجربه				چروک پوست / رکن اصلی نماز			خشکی / زمین آذری
				رام و مطیع / آذری زبان				
			خاطر و حافظه					از صفات خداوند / سلام و درود
			د			فاسق و گناهکار / از قالب‌های شعری		از جهات اربعه
					کرم حشره			
				بسیار درخشان				
								بهم چسبیده / تر و تازه
								نوعی پارچه نخی / بلند آوازه

یاغی و سرکش	سفینه صحرا / ملیت "بکت"	ش	ر	خاک عهد عتیق / نام قدیم تربت حیدریه	کلک و نارو / زادگاه نیما	ح	برنده نوبل فیزیک ۱۹۲۳	کشور آسیای مرکزی
ن	ا	ت	س	ز	ی	ق	ر	ق
ا	ی	ر	دو رویی / سوره "انجیر"	ا	و	ه	ا	هوس ها
ف	ر	طاقچه بالا / زمان مرگ	ت	و	ش	ضربه پا به توپ / وسیله یافتن فال	ب	ل
ر	ل	م	ی	ه	از رهبران حزب نازی / شگفت	د	ر	برگزیده هر چیز / رفوزه
م	ن	م	ن	باران ریز / دندان فیل	ع	ا	ت	م
ا	د	ا	شکلک	ع	ج	ر	م	کالا / محل رجوع
ن	ی	ت	ش	ا	ب	سرزمین سربداران / میوه بهشتی	ی	پ
				ج	فریاد تشویق	ا	ل	عدد هندسی / ... یکی مانده به آخر
				نیرنگباز	ه	ن	ی	پسوند صفت ساز / هماهنگ، مثل هم
				ر	و	ج	ک	ی
				ن	ر	ی	ا	ب
				د	ا	ر	ن	ایالتی در آلمان / نرد باز ماهر

حل ۳۶۲۷